

کتابخانه  
موسسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چهار نقش

ضمیمه‌ی رشد معلم،  
شماره‌ی ۲۴۹



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات نگاه آموزش

- مدیر مسئول: محمد ناصری
- زیر نظر شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی:  
جعفر ربانی، ناصر نادری و محبت‌اله همتی
- مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
- طراح گرافیک: محمد فلاح، جعفر وافی
- نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران - صندوق پستی ۶۵۸۶-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۲ - ۰۲۱
- نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰
- پایگاه اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۳۳۲ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۰۲۱
- کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد دفتر مجله: ۱۰۸ کد امور مشترکین: ۱۱۴
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- چاپ: انتشارات مدرسه

سالنامه‌ی هزار نقش شماره‌ی پی در پی ۴



## فابل توجه نویسندگان محترم:

- هزار نقش از تمام نویسندگان، کارشناسان آموزش و پرورش استان‌ها دعوت می‌کند تا حاصل مطالعات و تجربه‌های خود را با موضوع ترویج خواندن و اشاعه‌ی فرهنگ مطالعه‌ی مجلات رشد به آدرس نشریه ارسال کنند.
- مطالبی که در هزار نقش چاپ می‌شود لزوماً نظر دفتر انتشارات کمک‌آموزشی محسوب نمی‌گردد
- با تشکر ویژه از استاد غلامعلی مکتبی تصویرگر پیش‌کسوت مجله‌های رشد - که اجازه دادند فضای «هزار نقش» را با تصویرهای ایشان بیاراییم.

# فهرست

ترویج «خواندن» وظیفه‌ی اصلی نشریات رشد	۴
عدالت آموزشی، فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات مناسب	۵
حضور شهرستانی در مجلات رشد پررنگ‌تر شود	۱۸
روایتی از توزیع نشریات رشد	۲۶
***	
چیستی و چرایی نشریات رشد	۱۷
با مخاطبان نشریات رشد	۵۷
رشد در مدارس	۸۱
با سردبیران مجلات رشد	۱۱۱
تجربه‌های استان همدان در ترویج مجله‌های رشد	۱۵۱
نشریات رشد	۲۱۷
کتاب‌نامه‌های رشد	۲۳۹

# یادداشت

محبت‌اله همتی

آن‌چه پیش روی شماست، حاصل تجربه‌های مجموعه‌ی «رشد» برای اشاعه‌ی فرهنگ مطالعه است.

منظور از مجموعه‌ی رشد، مجموعه‌ی مدیران، کارشناسان، سردبیران و همکاران دفتر انتشارات کمک‌آموزشی و نمایندگان نشریات رشد در استان‌ها و شهرهای سراسر کشور - که زحمت رساندن مجله‌های رشد را به مخاطبان اصلی بر دوش دارند- و معلمانی که آگاهانه از مجلات رشد استفاده می‌کنند. همه‌ی این نیروها می‌کوشند، خواندن و فرهنگ مطالعه را ترویج و گسترش دهند.

هزار نقش از این تجربه‌ها سخن می‌گویند و فرصتی فراهم می‌آورد تا خانواده‌ی بزرگ رشد، از دیدگاه‌هایشان درباره‌ی «خواندن» بگویند، بنویسند و بشنوند که در این میان، نکات عمیق و خواندنی بسیار است. کافی است با تعمق و تفکر بیشتری بخوانیم تا از همدیگر یاد بگیریم. این هم‌آموزی مبارک باد.

ترویج «خواندن» وظیفه‌ی اصلی نشریات رشد

بسم الله الرحمن الرحيم خداوند متعال را بسیار شاکر و سپاس گزارم از این که توفیق زیارت همکاران عزیز و گران قدرم را نصیب من کرد. در آستانه‌ی ماه شعبان در همین آغاز کلام بهترین سلامها و درودهای خودمان را تقدیم می‌کنیم به روح بلند و ملکوتی امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) بزرگمردی که در روزگار فتنه‌ها و طوفان‌های حوادث، همه‌ی ما را هدایت الهی کرد و انقلابی را بنیان نهاد که نه تنها در سده‌ی اخیر، بلکه

## عدالت آموزشی، فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات مناسب

تنگابن  
۸۸/۴/۳۱

سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر  
محمدیان معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش  
و برنامه‌ریزی آموزشی در نهمین گردهمایی  
نمایندگان مجلات رشد سراسر کشور

در طول چهارده قرن تاریخ اسلام، انقلابی بدیع بوده است. و یاد و نام شهیدانمان را هم گرامی می‌داریم؛ همان‌هایی که در برابر همه‌ی دشمنان ایستادند. راست‌قامت بودند تا این کشور جاودانه‌ی تاریخ باشد. و آرزوی طول عمر باعزت و صحت داریم، برای مقام معظم رهبری؛ همان که امروز میراث‌دار شهیدان و دوام‌بخش راه امام راحل‌مان است. اما

هرچه داریم، از عنایات آن یار غایب از نظر است، از توجه‌های خاص اوست؛ صاحب و مولایمان، حضرت حجت، امام عصر (ارواحنا فداه). و در این آغاز جلسه ابراز ارادت می‌کنیم و می‌گوییم «السلام علی المهدی الذی وعدالله عزَّ وَجَلَّ».

لازم می‌بینیم که اول از حضور همه‌ی عزیزان، به‌ویژه معاونین محترم آموزش و نوآوری استان‌ها، نمایندگان عزیز نشریات رشد در استان‌ها، همکاران عزیزم در «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی»، اعم از سردبیران محترم، کارشناسان، معاونین دفتر و مدیرکل محترم دفتر که این جلسه را ترتیب دادند، تشکر و سپاس‌گزاری کنم. آرزو کنم که این نشست‌ها، ان‌شاءالله دستاوردها و رهاوردهای خوب و پُربرکتی را برای دانش‌آموزان ما داشته باشد.

من سال قبل تقریباً همین زمان‌ها بود که در خراسان در جوار حرم شریف حضرت ثامن‌الحجج علی‌ابن‌موسی‌الرضا (ع)، در خدمت دوستان بودم. شاید برخی از دوستان بودند و بعضی جدیداً به این جمع ملحق شده‌اند. چون آن سال برخی از همکارانمان به افتخار بازنشستگی نائل آمدند و ما از زحمات طولانی‌مدت آن عزیزان تقدیر داشتیم. در آن جلسه من مواردی را تقدیم دوستان کردم که امروز هم بنا دارم به نوعی آن‌ها را مرور کنم. هنوز هم مسئله‌ی آموزش و پرورش ما همان مطلب بسیار مهم است. آن مطلب، «تحول در آموزش و پرورش» است. سال قبل هم خدمت دوستان عرض کردم، تحول در آموزش و پرورش امری مستمر، تدریجی، حتمی‌الوقوع است. هم باید اتفاق بیفتد و هم یک‌باره اتفاق نمی‌افتد. تحول امری است که ما باید آن را به تدریج، اما به استمرار پی بگیریم.

تحول در آموزش و پرورش یقیناً به این معنا نیست که با یک بخش‌نامه بتوان کتابی را عوض کرد. یا با یک آئین‌نامه نمی‌توان در آموزش و پرورش تحول به‌وجود آورد. شاید مهم‌ترین مقوله‌ی تحول در آموزش و پرورش، ایجاد تغییر و تحول در نوع نگاه‌ها و نگرش‌ها به مقوله‌ی تعلیم و تربیت باشد. در آن جلسه و هر جلسه‌ی دیگری که من فرصت پیدا کردم، معمولاً درباره‌ی این مقوله سخن گفته‌ام و به این چند نکته اشاره داشته‌ام:

نگاه ما به آموزش و پرورش باید از نگاه یاددادن و یاد گرفتن به معنای آموزش، منعطف بشود به این‌که ما در فرایند یادگیری و یاددهی یک تحول فرهنگی و تربیتی را جست‌وجو کنیم. یعنی نگاه تربیتی و فرهنگی داشتن به جریان و فرایند یاددهی - یادگیری، به این منجر می‌شود که سه هدف بسیار مهم طی فرایند آموزش و پرورش محقق بشود: فرهنگ‌سازی، نظام‌سازی، دولت‌سازی. این هر سه مطلب، برای قوام اجتماعی یک مجتمع بزرگی به نام کشور و یک حاکمیت سیاسی و فرهنگی، امری ضروری است. اساساً امروز نظام تعلیم و تربیت برای تحقق این سه موضوع در پوشش‌ها و اهداف نهان، می‌کوشد.

یقیناً آموزش و پرورش خوب در راستای دولت‌سازی می‌تواند آموزش عالی خوب را در پی داشته باشد و از آن میان، نخبگان و خروجی‌های نظام آموزش عالی، دولت‌مردان کارآمد، متعهد و متخصص خواهد بود. اگر آن رویکرد فرهنگی و تربیتی هم باشد، در نظام‌سازی هم هکذا. نظام سیاسی کشور بر دوش آحاد ملتی که دارای هدف مشترک باشند، بنا نهاده می‌شود. آموزش و پرورش است که سرود ملی واحد، پرچم ملی، زبان و خط ملی و ارزش‌های شناخته شده برای عموم را توسعه می‌دهد. شما به دوردست‌های کشور ما مراجعه کنید؛ آن‌جا که هیچ‌کدام از نهادهای رسمی دولتی وجود ندارند. حتی نهادهای امنیتی هم نیستند. آموزش و پرورش حضور دارد و پرچم سهرنگ جمهوری اسلامی ایران در برابر مدرسه‌ی آن روستا و حتی در برابر آن کلاس

درس عشایر کوچ‌رو ما، به اهتزاز درمی‌آید.

عشایر ما وقتی که چادر خیمه‌ی خودشان را برپا می‌کنند و چادر مدرسه برپا می‌شود، قبل از هر کاری، پرچم را در مقابل آن چادر به اهتزاز درمی‌آورند. به این معنی این‌جا مدرسه است و محل حاکمیت نظام اسلامی. یعنی آموزش و پرورش نماینده‌ی یک نظام است. هنوز هم ما که کتاب‌های قدیمی خودمان را به یاد داریم و خوانده‌ایم، شعر عباس یمنی‌شریف را در سینه داریم که ما فرزندان ایرانییم. این «فرزندان ایرانی»، همان نظام سیاسی ما را در ذهن ما، جان ما، قلب ما منقش کرده است. امروزه هم همین‌طور است. البته بین پرانتز این جمله را بگویم، موضوعی که گاهی ما غفلت می‌کنیم و به آن نمی‌پردازیم، این است که پرچم همیشه باید برای همه‌ی ما و خصوصاً دانش‌آموزان، نمادی لازم‌الاحترام باشد.

من در یکی از کشورها به بازدید آموزش و پرورش رفته بودم. متوجه شدم که جزء لاینفک جواز دانش‌آموزان، یک پرچم است. این را خدمت شما معاونین آموزش و نوآوری پیشنهاد می‌کنم. یک پرچم در ابعاد کوچکش، برای همه‌ی دانش‌آموزان جزء لاینفک همه‌ی جایزه‌ها بود. کتاب می‌دادند، پرچم هم بود. قلم و خودکار می‌دادند، پرچم بود. هر چیزی بالاخره نشانی از پرچم آن کشور را با خود داشت. این هم نظام‌سازی که آموزش و پرورش در آن نقش بسیاری دارد.

علاوه بر دولت‌سازی و نظام‌سازی، آموزش و پرورش در فرهنگ‌سازی هم نقش دارد. امروز اگر بخواهند که فرهنگ بهداشت در کشور گسترش پیدا کند، هیچ محملی و هیچ بستری آماده‌تر از آموزش و پرورش برای توسعه‌ی فرهنگ بهداشت نیست. اگر بخواهیم امنیت توسعه پیدا کند، هیچ بستری بهتر از آموزش و پرورش نیست. برای توسعه‌ی فرهنگ رانندگی و حمل‌ونقل، و حتی فرهنگ قناعت و اصلاح الگوی مصرف که امسال به این نام نامیده شده است، هیچ جایی مناسب‌تر از آموزش و پرورش نیست. فلذا می‌بینید، همه‌ی دستگاه‌ها و نهادها، به نوعی به این معنا توجه پیدا کرده‌اند. ضمن درخواست از آموزش و پرورش - گاهی حتی به صورت افراطی آن - انتظار دارند وظایف آن‌ها را آموزش و پرورش به دوش بگیرد و کار آن‌ها را انجام بدهد. اما فقط یک طرف از این گزینه را خوب فهمیده‌اند و طرف دیگر را که باید بفهمند و آن‌که نوع ارتباط، تعامل و پذیرش مسئولیت‌های متقابل جدی است، متأسفانه توجه لازم را ندارند. شاید در مصاحبه‌ها از من شنیده‌اید که به بعضی از این دستگاه‌های درخواست‌کننده عرض کرده‌ام، که کتاب درسی تابلوی اعلانات شما نیست که هر کس بخواهد با سنجاقی، چیزی بر آن بچسباند. از ما انتظار داشته باشید که مثلاً در مورد جنگل، محیط‌زیست، انرژی، مترو و راه‌آهن آن‌چه را که می‌خواهند، در کتاب درسی بنویسیم. البته انتظار بی‌جایی نیست و به صورت معقولش درست است اما آن‌ها هم باید وظایف خودشان را انجام بدهند.

اگر آموزش و پرورش باید فرهنگ بهداشت را اعمال کند و از سوی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مأموریت پیدا می‌کند، قرص آهن را بین بچه‌های مدرسه توزیع کند، باید در مقابل آن کار دیگری را هم وزارت بهداشت انجام بدهد. اگر امنیت و وحدت ملی با آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی هم باید اعتبارات مخصوصی را به همین آموزش و پرورش از آن محل تخصیص بدهد. از این‌ها متأسفانه غفلت می‌شود.

آموزش و پرورش یک عرصه‌ی جدی در تحول است و خود آموزش و پرورش باید در آن تحول ایجاد بشود. یعنی هم آموزش و پرورش متحول در درون خودش و ساختارهای خودش نیازمند تحول و دگرگونی است، و هم این تحول در آموزش و پرورش، در عرصه‌ی

فرهنگ‌سازی، دولت‌سازی، و ملت‌سازی و به تعبیری نظام‌سازی، می‌تواند مؤثر واقع بشود. لذا اولین مطلبی که من برای تحول در آموزش‌وپرورش همیشه به‌صورت جدی خدمت‌دوستان مطرح کرده‌ام و مطرح می‌کنم، نگاه تربیتی و فرهنگی داشتن به مقوله‌ی آموزش است. ما باید برنامه‌های درسی را بر این اساس متحول کنیم. نباید نگاهمان صرفاً آموزشی و نگاه یاد دادن و یاد گرفتن باشد. بلکه در کنار دانش، باید بینش درونی هم ایجاد کنیم تا به آن سه امری که گفتم منجر بشود.

نکته‌ی بعدی که در تحول در آموزش‌وپرورش به اعتقاد من بسیار مهم است و حالا باید به آن اهتمام جدی بورزیم و این موضوع را مخصوصاً خدمت‌دوستان و عزیزان معاونین آموزشی و نوآوری که در این جمع حضورشان محترم است، عرض می‌کنم، بحث «عدالت آموزشی» است. عدالت آموزشی ابعاد متفاوتی دارد. عدالت آموزشی، یعنی فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات مناسب و برابر برای همه‌ی کودکان لازم‌التعلیم کشور، برای دست یافتن به یک آموزش‌وپرورش با کیفیت؛ فارغ از جنسیت، قومیت و این‌که کجا زندگی می‌کنند و فرزند چه کسانی هستند. فقط چون کودک لازم‌التعلیم ایرانی است، باید از آموزش‌وپرورش با کیفیت بهره‌مند شود. من، به قید باکیفیت تأکید می‌کنم. شاید پوشش ظاهری تحصیلی اتفاق بیفتد، اما با کیفیت برای آموزش‌وپرورش امری لازم و ضروری است.

درست است که ما در شرایطی باید از «سربازمعلم» هم استفاده کنیم، اما سربازمعلم را باید طوری تربیت کنیم که بتواند دانش‌آموزان ما را خوب تربیت کند. بحث عدالت آموزشی امری جدی است، اما ابعاد متفاوت دارد؛ تنها پوشش تحصیلی نیست، بلکه عدالت آموزشی یعنی توجه یافتن و توجه‌دادن و توجه کردن به علائق و سلائق شخصی دانش‌آموز. ما معمولاً برنامه‌های آموزشی را با تکیه بر نیازهای مشترک طراحی می‌کنیم. اما در عین حال، دانش‌آموزان ما نیاز دارند، ویژگی‌های فردی و شخصی آنها هم مورد عنایت و توجه قرار بگیرد و از آنها غفلت نشود. آموزش‌وپرورش عمومی ما معمولاً مانند آن تختی است که مولانا مثال می‌زند. پادشاهی افراد را بر آن تخت می‌خواباند و هر کس که بلند بود، می‌داد او را اژه کنند و هر کس کوتاه بود، می‌گفت بکشید! آموزش‌وپرورش عمومی معمولاً این کار را می‌کند. می‌گوید همه باید خود را وفق بدهند در حالی که آموزش‌وپرورش به معنای واقعی آن، باید خود را منعطف کند تا این‌که استعدادهای هر فرد و توانمندی‌های درونی او شکوفا شود و رشد پیدا کند. گرچه با توجه به ضرورت‌ها و الزاماتی که امروز داریم، شاید دست یافتن ما به این معنا سخت باشد، ولی در تحول آموزش‌وپرورش، نباید از عدالت آموزشی بدین‌معنا که هرکس که می‌تواند استعدادهای همه‌ی دانش‌آموزان باید شکوفا بشود، غفلت کنیم. استعداد شعر دارد، شاعر بشود. استعداد نقاشی دارد، نقاش بشود. استعداد علمی بالا دارد، دانشمند فعال در آزمایشگاه بشود. یک آدم هنری است، ابعاد هنری او شکوفا بشود. تنها هوش آموزشی مطرح نشود، بلکه به هوش هیجانی، هوش عاطفی، ادراکی و احساسی هم توجه بشود. آموزش‌وپرورش متحول می‌شود که به عدالت آموزشی توجه دارد.

نکته‌ی سوم در مورد تحول در آموزش‌وپرورش، توسعه‌ی «مشارکت همه‌جانبه» است. آموزش‌وپرورش متحول، آموزش‌وپرورش فعال است؛ آموزش و پرورش است که اجزا و ارکان آن باهم رابطه‌ی تعاملی و داد و ستدی دارند. آموزش‌وپرورش است که همه‌ی اعضا در آن ایفای نقش می‌کنند. باید آموزش‌وپرورش ما باید به این مرحله و این مرتبه برسد. اگر فکر کنیم که آموزش‌وپرورش را می‌شود با بخش‌نامه‌هایی که از بالا صادر می‌شوند، اداره کرد و گفت که شما تفکران و خلاقیت خود را تعطیل کنید، ما از بالا



همه چیز را برای شما فکر کرده‌ایم و به جای شما اندیشیده‌ایم و شما فقط کار کنید و بدن و سر را به کار بگیرید، آموزش و پرورش متحول نمی‌شود. ما باید مشارکت فعال و همه‌جانبه داشته باشیم.

متأسفانه در آموزش و پرورش ما در سال‌های اخیر، یعنی در سال‌هایی که بحث مشارکت مطرح شد و معاونتی به نام «مشارکت مردمی» ایجاد کردیم، مشارکت بد معنا شد؛ هم‌چنان که «انجمن اولیا و مربیان» بد معنا و تفسیر شد. یادم می‌آید زمانی که دانش‌آموز بودم، روزی به پدرم گفتم که از مدرسه نامه دارم و شما را به انجمن خانه و مدرسه دعوت کرده‌اند. فردا صبح که می‌خواستم بروم مدرسه، پاکت را به من برگرداند و گفت: این را به معلمت بده. باز کردم و دیدم که یک پنج تومانی از آن پنج تومانی‌های سبزرنگ آن زمان، داخل پاکت است. گفتم: که بابا خودتان را گفتند که بیایید. گفت: نه، این را که بدهی، دیگر لازم نیست من بیایم. بعدها که خودم رییس انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شدم، فهمیدم که سابقه همین‌طوری بوده در حالی که همکاری اولیا با مربیان برای یک تعامل فکری، فرهنگی، آموزشی و تربیتی است.

مشارکت در آموزش و پرورش هم متأسفانه این‌گونه معنا شد. یعنی اولیا به مدارس غیرانتفاعی حق اشتراک پرداخت کردند. مثل پیتزافروشی سر کوچه که اگر کسی کارت اشتراک بگیرد، اولویت دارد. مثل تاکسی تلفنی که کد می‌گیرید و زنگ می‌زنید و می‌گویید کد شماره‌ی فلان هستم. آن‌ها می‌گویند مشتری ما هست. بعضی از مدارس غیردولتی ما تبدیل به این شده‌اند که پولی بگیرند خدمت ویژه و خاصی را ارائه دهند؛ تا پیتزای مخصوص مال آن‌ها باشد. در حالی که مشارکت در امر آموزش و پرورش یعنی مشارکت فعال. در آموزش و پرورش متحول، همه‌ی ارکان و شبکه باید باهم به صورت فعال مشارکت داشته باشند؛ کارشناس، مدیر، معلم و خانواده. حتی خود دانش‌آموزان که در فرایند یادگیری و یاددهی باید برایشان ایجاد نقش کرد تا مشارکت فعال داشته باشند. پس یکی از نکات مهم در آموزش و پرورش، مشارکت همه‌جانبه است؛ توسعه‌ی مشارکت همه‌جانبه است نه اشتراک‌پذیری.

نکته‌ی چهارم را در این جمله خدمتتان عرض می‌کنم: «بهسازی نیروی انسانی، به ویژه معلمان». معلم اگر متحول شود، آموزش و پرورش متحول می‌شود. اگر آموزش و پرورش، معلمان متحول، شجاع و خردورز نداشته باشد، درجا می‌زند. شما معاونین محترم و دوستان عزیزی که از نزدیک، با مسائل آموزش و پرورش آشنایی و ارتباط دارید، می‌دانید که بسیاری از ایده‌های جدید و طرح‌های نو، در بستر مدرسه رسوب می‌کنند. یعنی دیگر جریان پیدا نمی‌کنند، بلکه ته‌نشین می‌شوند. چرا؟ چون معلم‌ها آماده‌ی پذیرش چنین تفکری نیستند. الان چند سال است، ما سند توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزشی را در شورای عالی که آن زمان من خودم عضو آن بودم، تصویب و ابلاغ کردیم. اما مدارس ما به آن اعتنا می‌کنند؟ نه. ما نرم‌افزار و رایانه هم به مدارس فرستادیم. می‌توانید بروید و ببینید. آیا استفاده می‌کنند؟ نه. من یک سال رفتم و دیدم، در مدارس این تجهیزاتی که ما می‌فرستیم، به گورستانی دیجیتالی تبدیل شده است.

یکی از استان‌ها موزه‌ی آموزش و پرورش داشتند و من برای بازدید رفتم. باغی بود که وقتی وارد محوطه‌ی آن می‌شدی، موزه از سمت راست شروع شد تا بازدیدکننده از سمت راست وارد شود و از سمت چپ دوباره بیرون بیاید. وقتی به ابزار دهه‌ی ۱۳۵۰ رسیدم، دیدم تعدادی دوربین‌های کدک که عکس فوری می‌گرفتند، و مقداری فیلم آن‌جا بود. ظاهراً توی انبار مانده بودند. هنوز

باز نشده بودند؛ هم دوربین‌ها و هم فیلم‌ها. فیلم‌ها که دیگر فاسد شده بودند، ولی جعبه‌شان باز نشده بود. پرسیدم: چرا این‌ها را استفاده نکرده‌اند. گفتند: خوب دیگر، استفاده نشده. جلوتر که آمدیم، دیدم تعدادی دستگاه پلی‌کپی گذاشته‌اند که با استنسیل کار می‌کنند. یک قدم آن طرف‌تر، دیدم که دستگاه فتواستنسیل گذاشته‌اند؛ دستگاهی که سوزنی بود و سوراخ می‌کرد. همان‌جا به شوخی گفتم: نکند ده قدم آن طرف‌تر، رایانه را هم همین‌طور آکبند گذاشته‌اید؟ خندیدند.

آمدیم جلوتر، دیدم بله، رایانه هم دارند. گفتند پنتیوم ۳ و ۴ هستند. پرسیدم چرا استفاده نکرده‌اید؟ گفتند که آخر حیف است. یعنی چون حیف است، در همان موزه مانده بود. چرا؟ چون فرهنگ استفاده و مصرف مطلوب در امر آموزش، در آن‌جا اتفاق نیفتاده بود. معلم معتقد نشده بود که غیر از روش سخن‌رانی و روش سنتی گفت‌گویی متقابل، روش دیگری برای رهبری آموزشی در کلاس وجود دارد. بهسازی نیروی انسانی و ایجاد تحول در نیروی انسانی قدم اول است.

من این موضوع را گاهی برای دوستان نقل کرده‌ام. حالا به شما هم عرض می‌کنم. در دوران «پروستریکا»، سفری به روسیه داشتم؛ شوروی آن زمان. آن‌جا با وزیر آموزش گورباچف ملاقاتی داشتم. او پیرمردی بود که گفتند ۲۶ سال است، وزارت را برعهده دارد. می‌گفتند آندرو گورومیکو، وزیر خارجه، یک سال نسبت به او ارشدیت دارد، یعنی ۲۷ سال وزیر خارجه بود تا زمان گورباچف که او را عوض کرد و شوارد ناتزه وزیر خارجه شد. این وزیر آموزش هم از آن زمان مانده بود. از او پرسیدم: مشکل شما در جریان پروستریکا چیست؟ دو سه دقیقه فکر کرد، فوری هم جواب نداد. گفت: تغییر و تفکر معلم. جمله‌اش این بود: تغییر و تفکر معلم. اگر بتوانیم فکر معلم را عوض کنیم، پروستریکا پیروز می‌شود، وگرنه، نه. تحول در آموزش و پرورش به گونه‌ای که به تحول در ملت‌سازی، فرهنگ‌سازی و دولت‌سازی منجر شود، نیازمند معلم است. باید به بهسازی نیروی انسانی توجه کنیم. حالا شما باز در ذهنتان حتماً این سؤال را مطرح می‌کنید که: آقای محمدیان، این چه ربطی به مجلات رشد دارد؟ جلسه‌ی ما، جلسه‌ی مجلات رشد است. عرض خواهم کرد که چه ربطی دارد.

آخرین نکته در تحول، بحث ارتقای جایگاه علمی و تربیتی - فرهنگی آموزش و پرورش است. خوب همه‌ی این‌ها اتفاق می‌افتد برای چه؟ نُمّ ماذا؟ این است که برون‌داد نهایی آموزش و پرورش ارتقا پیدا کند. وقتی ما به محصولات خودمان نگاه می‌کنیم، احساس انبساط خاطر به ما دست بدهد. معمولاً ما معلم‌ها، وقتی که از خیابان‌ها رد می‌شویم، گاهی احساس ناامیدی می‌کنیم می‌گوییم: این همه زحمت کشیدیم که این بچه‌های دبیرستانی، این‌طوری از آب درآیند؟! ما که نباید با شکوفایی گل‌خانه‌ای چند نفر در المپیادها، خودمان را گول بزنیم. بگوییم ما المپیادهایمان این‌قدر است. بخشی از شکوفایی گل‌خانه‌ای است. تفاوت‌ها نباید به معنای تفاوت‌های معنادار اول جدول آموزشی با آخر جدول آموزشی باشد. بله نظام رتبه‌بندی هست، اما نظام رتبه‌بندی باید طوری باشد که یکی دو درصد تفاوت ایجاد کند. ما الان استان اولمان با استانی که سی‌ویکم است، دارای تفاوت‌های معنادار هستند. معلوم می‌شود که این توزیع، توزیع عادلانه‌ی نظام آموزشی نبوده است.

با توجه به همه‌ی این‌هایی که عرض کردم، تحول در آموزش و پرورش ضروری است. اما این تحول چگونه اتفاق می‌افتد؟ یکی از بحث‌ها این است که باید هم‌اندیشی کنیم. باید باهم فکر کنیم. نباید یک نفر به‌جای همه فکر کند، همه باید فکر کنند. امر آموزش و پرورش امری تعاملی و مشارکت‌پذیر است. معاونین آموزشی، معاونین پرورشی، مؤلفان کتاب‌های درسی، مؤلفان مجلات



کمک آموزشی و کتاب‌های کمک‌درسی، همه باید مجموعاً باهم هم‌اندیشی کنند و فکر کنند. نمی‌شود یک کارشناس خودش تنها فکر کند. مدیری شب بخوابد و فکر کند که فردا این کار را بکند خوب است و فردا بیاید در اداره بخش‌نامه صادر کند. این آموزش و پرورش را به هلاکت بردن است. این را قدرت در مدیریت نمی‌گویند.

اقتدار در مدیریت، یعنی این‌که مدیر چنان ظرفیت فکری بالایی داشته باشد که بتواند آرای متفاوت را بگیرد و بشنود، بهترین آن‌ها را برگزیند و با مشارکت همه آن را به اجرا درآورد. والا به ضرب و زور بخش‌نامه من اگر این‌جا بگویم که آقای ناصری، مدیرکل محترم، انجام بده. ایشان هم اگر قوی نباشد و به من بگوید: بله، چشم، نظرات هوشمندانه‌ی شما موجب افتخار است، انجام می‌دهیم، به جایی نمی‌رسد. باید بگویم: آقای ناصری، آقای همتی، آقای طلایی، آقای فلانی، می‌خواهیم همه‌باهم چنین کاری را انجام بدهیم، چه کنیم؟ بگویند این کار را کارشناسی کردیم بعد جمع و ضرب کنیم و پس از تبادل افکار، به یک نظر جدید برسیم و همه‌باهم آن را اجرا کنیم. من مدیر، زمانی مقتدر هستم که بتوانم آرا و اندیشه‌های مختلف را باهم جمع کنم و آن را محقق سازم. یکی از ویژگی‌های امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در مدیریتش همان توانمندی بود که بتواند سلیقه‌های مختلف را بگیرد و محقق کند.

اساساً توانمندی نظام اسلامی و نظام حاکمیت اسلامی در این است که بتواند آرای مختلف را بشنود و بهترین آن‌ها را عملیاتی کند. این آموزه‌ی دینی ماست. یعنی این باید مدل فکری ما در آموزش و پرورش باشد. باید این مدل اجرایی و عملیاتی بشود: هم‌اندیشی، هم‌سوئی و همدلی. بعد که در جلسه بحث و گفت‌وگو کردیم و به یک نظر مشترک رسیدیم. هم‌دل بشویم. و همراهی و همکاری کنیم. شما در آموزش هستید و من در پژوهش. آموزش و پرورش اما باید در خدمت هم و در تعامل باهم و همکار هم باشند.

تکرار می‌کنم: هم‌اندیشی، هم‌سوئی، همدلی، همراهی و همکاری. پیکر واحد به تعبیری. پیامبر بزرگوار ما (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند: مثل مؤمن‌ها، مثل پیکر واحد است که اگر یک عضو از آن‌ها به درد بیاید، همه‌ی اعضا با او شب‌بیداری می‌کنند. در مصیبت و در شادی‌اش هم چنین است. اگر یکی از اعضای امت اسلامی خوش‌حال بشود و پیروزی به دست آورد، همه‌ی آن امت باید احساس خوش‌بختی و خوش‌حالی کند. در یک سازمان، پیروزی‌ها و موفقیت‌ها مال همه است. مدیری که فکر کند، پیروزی به دست آمده متعلق به مدیریت او بوده است، اشتباه می‌کند. بلکه مجموعه‌ی عوامل سازمانی دخالت دارند و او سخن‌گوی آن‌هاست. اما اگر اشتباه و اشکالی بود باید مردانه بگوید که من ضعیف هستم. نتوانستم از همه‌ی استعدادها و توانایی‌ها استفاده کنم.

سازمان پژوهش عهده‌دار تدوین، تألیف، برنامه‌ریزی آموزشی است. کتاب درسی می‌نویسد و برنامه‌های کمک‌آموزشی را

اساساً توانمندی نظام اسلامی و نظام حاکمیت اسلامی در این است که بتواند آرای مختلف را بشنود و بهترین آن‌ها را عملیاتی کند. این آموزه‌ی دینی ماست. یعنی این باید مدل فکری ما در آموزش و پرورش باشد. باید این مدل اجرایی و عملیاتی بشود: هم‌اندیشی، هم‌سوئی و همدلی. بعد که در جلسه بحث و گفت‌وگو کردیم و به یک نظر مشترک رسیدیم. هم‌دل بشویم

طراحی و پیش‌بینی می‌کند. معاونت‌های مختلف سازمانی و وزارتی ما، اعم از معاونت آموزش و نوآوری، معاونت پرورشی و معاونت‌های دیگر، و کارشناسان در بخش‌های گوناگون، کارها را عملیاتی و اجرایی می‌کنند، بازخورد می‌گیرند و دوباره برمی‌گردند به این کانال تا انجام شود. در مورد این همکاری‌های مشترک، باز من چند نکته را باید عرض کنم. یکی از این کارها همین تولید کتاب درسی و مجلات کمک‌آموزشی است. زمانی یکی از دوستان می‌گفت که شما چرا مجلات را توزیع می‌کنید. مسئولیت آن را به معاونت‌های آموزشی بدهید. عرض کردم به همان دلیلی که کتاب درسی را ما اجرا می‌کنیم و عملیاتش را از معاونت آموزشی انتظار داریم. آن‌جا عرصه‌ی رسمی است و اینجا همه عرصه‌ی غیررسمی. این قسمت‌ها باهم تکمیل می‌شوند.

در عین حال، بین ما و آموزش انتظار متقابل وجود دارد. آموزش از ما انتظار دارد که برنامه‌ی آموزشی و کتاب درسی را آماده کنیم و ما از آموزش انتظار داریم، کتاب درسی که آموزش داده شد، بازخوردها را بگیرند و به ما بگویند که آقا این‌جاها را ترمیم کن، اصلاح و تکمیل کن، و توسعه بده. یعنی انتظار داریم به‌عنوان مجری صف اول و دیدبان خط مقدم به ما بگویند که این برنامه‌های آموزشی و درسی آیا بار فرهنگی لازم را دارد یا ندارد. آیا به نقطه‌ی هدف اصابت می‌کند یا نمی‌کند؟ انتظار داریم که بگویند: آقا این گلوله‌ای که تو ساختی و به من دادی و من زدم، منفجر می‌شود یا این‌که نمی‌شود. خوب این انتظار بجایی است. باید وقتی گزارش داد، به گزارش او بها بدهیم. اگر بگوییم: خیر ما می‌نویسیم، حالا خودش می‌داند، درست نیست. این‌جاست که کار ما به نوعی ارزیابی نیاز دارد؛ نیازمند بازنگری، بازاندیشی و بازآفرینی است. ما دوباره باید تولید کنیم و بعد نمونه‌های کوچکمان را وقتی بردیم در محیط‌های بزرگ اعتباربخشی کردیم، بیاییم بازسازی کنیم.

در مورد مجلات رشد هم چند نکته عرض می‌کنم. تقریباً سی و چند عنوان مجله‌ی رشد داریم. که بخشی از آن‌ها عمومی و بخشی تخصصی هستند. بعضی به‌صورت ماه‌نامه و بعضی به‌صورت فصل‌نامه منتشر می‌شوند. دو مجله هم به‌صورت سال‌نامه انتشار می‌یابد. مثلاً رشد دانش‌آموز و نوآموز شاید در خاورمیانه جزو معدود مجلاتی باشد که برای دانش‌آموزان با شمارگان بالای میلیون چاپ می‌شود. شمارگان مجلات ما چیزی بالغ بر ۳۱ یا ۳۲ میلیون نسخه است. البته من با نقاط قوت و ضعف آن در نظام توزیع کار ندارم. چون در بعضی جاها، کاستی‌هایی در توزیع مجلاتمان وجود دارد.

سفری به افغانستان رفته بودم. آن‌جا یک‌دفعه به من گفتند ۲۰۰ هزار مجله از مجله‌هایی که منسوخه است، یعنی مال سال‌های قبل بوده است، از استان خراسان رضوی به ما دادند و در هرات توزیع کردیم. ۲۰۰ هزار نسخه مجله! کله‌ام سوت کشید. خوب ۲۰۰ هزار نسخه را که ما بدون پول نفرستاده‌ایم، پول آن‌ها را گرفته‌ایم. پس چرا این مجلات توزیع نشده‌اند و پولشان از کجا آمده است؟ البته مربوط به ۱۰ سال قبل بود که می‌شود سالی ۲۰ هزار نسخه. اما باز برای من جای سؤال بود. کاستی وجود داشت که حالا کاری ندارم. اما ما چرا مجلاتمان را با این تعداد عنوان و با این تعداد شمارگان منتشر می‌کنیم؟

یکی از دلایل انتشار مجلات که از سال‌های قبل هم به‌عنوان هدف معین شده، تولید مواد خواندنی مناسب بوده است. مواد خواندنی مناسب برای چه منظوری است؟ قدیم‌ها می‌گفتند تثبیت سواد خواندن است. مخصوصاً توسط مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز، تثبیت سواد کنیم. از رجعت به بی‌سوادی جلوگیری کنیم. این‌ها وقتی مواد خواندنی زیادی داشته باشند، سوادشان از دست نمی‌رود. در مجلاتی مانند رشد نوجوان و جوان، تثبیت ارزش‌ها داشته باشیم. یعنی ما نمی‌توانیم

همه‌ی ارزش‌های فرهنگی خودمان را سر کلاس به‌صورت دیکته شده و رسمی القا کنیم. این باید به‌صورت غیررسمی و به نوعی خودآموزی و یا فعالیت انتخابی اتفاق بیفتد.

نهایتاً، یکی از کارهایی که ما در مجلات انجام می‌دهیم، نمونه‌سازی و الگوسازی است. یعنی ما می‌خواهیم برای بخش‌های غیردولتی و غیررسمی آموزش و پرورش نمونه‌هایی از کتاب و مجله را تولید کنیم و بگوییم که شما هم که اگر برای دانش‌آموزان این نسل می‌خواهید کار کنید، مثل این‌ها را تولید کنید. البته ما در حوزه‌ی کتاب، توفیقمان بیشتر بود و در حوزه‌ی مجله، این توفیق را کمتر داریم. ما هنوز رقیب‌های جدی مجلات رشد را در بخش غیردولتی نداریم تا یواش یواش بگوییم کیوسک روزنامه‌فروشی، محل مراجعه‌ی دانش‌آموزان ما باشد. عمده‌ی مجلات تولید شده برای مخاطبان نوجوان و جوان در بخش غیردولتی، مجلات زرد هستند. در همین یک سال اخیر، دوسه بار برخی از دوستان به من پیشنهاد دادند که آقا می‌شود مجلات را به نوعی تعطیل کرد و به بخش غیردولتی داد. من عرض کردم که شما مثل کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی، مجلات مشابهی را نشان بدهید تا ما

این کار را بکنیم. شما یکی دو مجله‌ی قم را دارید و کیهان بچه‌ها، پوپک، کودک مسلمان و... آن‌ها هم بخشی از مخاطب عمومی خودشان را از دست دادند و گستره و شمارگانشان به این اندازه نیست که مدارس را پوشش بدهند. من یک‌بار به یکی از این آقایان گفتم شما یک نسخه از سه شماره از مجله خودتان را آزمایشی و رایگان به ما بدهید تا به مدارس توزیع کنیم؛ در هر مدرسه یک نسخه از سه شماره. اول قبول کرد بعد پشیمان شد. پرسیدم: چرا؟ گفت: شما ۱۰۰ هزارتا مدرسه دارید. اگر بخواهیم یک نسخه بدهیم از سه شماره، یعنی باید ۳۰۰ هزار نسخه رایگان چاپ کنیم. شمارگان هیچ مجله‌ای الان بیش از ۱۰ هزار نسخه نیست. یعنی ما باید ۱۰ برابر در هر ماه مجله چاپ کنیم. گفتم: خب آموزش و پرورش همین است. شما می‌خواهید در بازار آموزش و پرورش حضور پیدا کنید، باید برای این کار آماده باشید. ما ابتدا باید تست بزنیم و ارزش‌یابی بکنیم. به تعبیر خودمان، باید اعتباربخشی کنیم. من الان مشتاقم که زمانی مجلات رشد رقباي خودشان را و یا به تعبیر بهتر، رفقای خودش را پیدا کنند تا ما اصلاً بازار را برای آن‌ها باز کنیم؛ مثل کتاب‌هایی که داریم. زمانی ما کتاب کمک‌آموزشی را مستقیماً تولید می‌کردیم، الان آن را به بخش انتشارات مدرسه داده‌ایم. انتشارات مدرسه حالا رفقای خوبی پیدا کرده است. انتشارات دیگری هستند که نمی‌خواهم اسم ببرم تا نگویند تبلیغ شده است. نه همین ناشرین که برگزیده شده‌اند. مثلاً در همین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، به‌عنوان ناشران کتاب کودک و نوجوان برگزیده شده‌اند. خب این‌ها تقریباً شبیه کارهای ما را انجام می‌دهند. در زمینه‌ی کتاب اتفاق افتاده، اما در مجلات اتفاق نیفتاده است.

یکی از دلایل انتشار مجلات که از سال‌های قبل هم به‌عنوان هدف معین شده، تولید مواد خواندنی مناسب بوده است. مواد خواندنی مناسب برای چه منظوری است؟

مجلات را برای این داریم که:

برنامه‌ی درسی رسمی ما را پوشش بدهد. ما در برنامه‌ی درسی اهدافی داریم که در کتاب درسی همه‌ی آن‌ها محقق نمی‌شوند. مجلات باید بتواند از برنامه‌ی درسی پشتیبانی کنند. به‌ویژه حالا که برنامه‌ی درسی ملی هم می‌خواهیم بنویسیم.



در برنامه‌ی درسی ملی، انتقال ارزش‌ها به‌صورت نقد مورد توجه است. در مجلات رشد باید انتقال ارزش‌ها مورد توجه باشد.

در برنامه‌ی درسی ما، نگاه حکمت‌آموز و آموزش خلاقیت مورد توجه است. در مجله‌ی رشد باید این معنا تحقق پیدا کند. در کتاب‌های درسی ما، تفکر نقادی و یا آموزش نقادی و انتقادی مورد توجه است. اما نمی‌توانیم همه‌ی کتاب درسی را با این رویکرد تألیف کنیم. پس مجلات ما باید به این معنا توجه کنند.

مجلات تخصصی ما باید تکمیل‌کننده‌ی اهداف ناام کتاب درسی باشند ما کتابی داریم به نام زمین‌شناسی برای پیش‌دانشگاهی و سال اول و دوم دبیرستان در رشته‌ی تجربی. اما مباحثی که در این کتاب می‌بینیم، کامل نیستند. مثلاً همین زمین‌شناسی علوم زمین خودمان را نگاه کنید. یا مثلاً انرژی‌های عمومی و انرژی هسته‌ای را داریم. برای انرژی هسته‌ای ما در کل کتاب یک صفحه و نیم حرف زده‌ایم؛ حدود سه پاراگراف که یک پاراگراف آن هم مطلوب نیست. در حالی که درباره‌ی این موضوع دانش‌آموزان ما دانش زیادی را باید به‌دست آورند. ما داریم یک انرژی جدیدی را در کشور به‌صورت علمی و رسمی پایه‌گذاری می‌کنیم. باید برای دانش‌آموز ایجاد علاقه شود. در فیزیک هکذا و در ریاضی هکذا. ما اخیراً بحث نانوتکنولوژی را مطرح کردیم. گروه‌های درسی را از بیرون و داخل سازمان جمع کردیم و در کتاب شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی هر کدام تقریباً یک پاراگراف آورده‌اند. در صورتی که امروز مباحث نانو و بیو بحث‌هایی جدی هستند. همه‌ی این‌ها باید در مجلات ما به نوعی تقویت شوند. عرض کردم که در مورد عدالت آموزشی، یکی از جنبه‌های آن، توجه به استعدادها گوناگون است. مجله باید محل توجه به استعدادهای متفاوت و فردی باشد.

این آمارهایی که دم در زده‌اند، آمارهای معناداری هستند. در جدول‌هایی که دم در ورودی داریم، تعداد مقالات و نوشته‌های دانش‌آموزان و معلمان که برای مجلات رشد فرستاده‌اند، در دو ستون به تفکیک استان‌ها آورده شده است. خب نسبت را ببینید. اصفهان در هر دو مورد اول است. یعنی معلمان وقتی خوب مقاله می‌نویسند، دانش‌آموزانشان را هم تحریک می‌کنند که خوب مقاله بنویسند. سه استان آخری که سه مقاله‌ی دانش‌آموزی دارد، همان قدر هم معلمشان دارند. ما دنبال آن هستیم که استعدادهای عمومی دانش‌آموزان و معلمان شکوفا بشود. عدالت آموزشی یعنی همین. علائق آن‌ها باید در مجلات ما مشخص بشود. من سفرهای استانی هیئت تحریریه، مؤلفان و اصحاب قلم را که الان هم این‌جا حضور دارند، توصیه می‌کنم. مخاطب را از نزدیک بشناسید. با او هم نفس شوید. و گرمای نفس او را حس کند. ببینید بچه‌ی اردبیل، بچه‌ی خراسان شمالی، بچه‌ی قوچان، بیرجند و... چه می‌خواهد. در چهارمحال و نهبندان چه می‌خواهند. همه که بچه‌های تهران نیستند. ما اگر فقط برای بچه‌های تهران در اتاق خودمان بنویسیم مثل این قصه خواهد شد که می‌گوییم: به یک بچه‌ی پولدار گفتند در مورد فقر انشایی بنویس. نوشته بود: فقیر، فقیر است. باغبانشان هم فقیر است. سگشان هم غذا ندارد. یعنی فکر می‌کند فقیر، آبدارچی و باغبان و خدمتکار دارد. ما یک موقع برای بچه‌های منطقه‌های یک، دو، سه، شش و یازده تهران که بعضی از آن‌ها پولدارهای مدرن هستند و بعضی‌هایشان اهل مکنت سنتی، مقاله ننویسیم. هم‌چنان که من وقتی به بچه‌های گروه تعلیمات دینی می‌گفتم: این تعلیمات دینی که شما نوشته‌اید برای بچه‌های چهار مردان گذر خان قم نوشته‌اید. برای آن‌ها

خیلی خوب است. همه‌ی آن‌ها خوششان می‌آید. اما به بچه‌های شمال شهر که الان صدها شبهه در مسائل دینی دارند، پاسخ نداده‌اید.

مجلات ما باید خواسته‌ها، سؤال‌ها و جواب‌های آن‌ها را انعکاس بدهند. فلذا از مؤلفانی که در این‌جا حضور دارند، ضمن خیرمقدم درخواست می‌کنم، در این نوع جلساتی که ما برگزار می‌کنیم، حضور یابند. در این جلسات آقایان معاونین آموزشی و نمایندگان محترم مجلات حاضر هستند و نظرات این دوستان باید به هیئت تحریریه و سردبیری منعکس شود. ما از معاونین آموزشی و یا از نمایندگان محترم، فقط انتظار توزیع مجله را نداریم. ما روابط را می‌خواهیم. هم‌چنان که در مورد کتاب درسی هم انتظار داریم، وقتی سر کلاس درس عرضه شدند و معلم اشکالاتشان را دید، به گروه‌های آموزشی اطلاع دهند تا به گروه‌های درسی منعکس شود. مجلات هم باید چنین باشند. وقتی که توزیع شدند و در گستره‌ی توزیع، از مخاطب عکس‌العملی دیدند، باید آن را به گروه‌های تحریریه، هیئت تحریریه و برنامه‌ریزان انعکاس دهند.

نهایتاً عرض من این است که تولیدات فرهنگی یا باید اغنای فکری بدهند یا آرامش قلبی و در نهایت به تصحیح رفتار بینجامند. یعنی اگر ما کار فرهنگی کردیم که به یک شبهه‌ی ذهنی ما جواب نداد، ما را اغنای فکری نکرد، یک دلهره و استرس از ما را آرام نکرد و یا به تصحیح رفتار ما منجر نشد، آن کار، کار فرهنگی نیست؛ هرچند در هیئت کتاب، مجله، سینما، تئاتر، نقاشی، خط و چند چیز دیگر باشد.

خیلی وقت شما را گرفتم، پوزش می‌طلبم. از تکتک شما قدردانی می‌کنم. از زحماتتان سپاس‌گزارم، از این‌که گیوه‌ها را کشیدید و کمرها را محکم بستید که در آموزش و پرورش تحول ایجاد کنید. برایتان آرزوی توفیق بیشتر دارم. از این‌که حوصله کردید، ممنونم. از این‌که زیارتتان کردم، خداوند را شاکرم. وقتتان را گرفتم، عذرخواهی می‌کنم. والسلام‌علیکم و رحمت‌الله و برکاته. ■







دفتر انتشارات کمک آموزشی یکی از واحدهای زیرمجموعه‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که در حال حاضر دو وظیفه‌ی بزرگ را برعهده دارد: انتشار ۳۲ عنوان مجلات رشد عمومی و تخصصی و سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی.

بدون شك انتشار ۳۲ عنوان مجله، آن هم برای همه‌ی دانش‌آموزان، معلمان و مدیران دوره‌های گوناگون تحصیلی کشور، کار ساده و آسانی نیست که به راحتی بتوان آن را انجام داد. قطعاً تولید محتوا، چاپ و توزیع این همه عنوان مجله با شمارگانی بالغ بر ۳۵ میلیون نسخه، نیازمند توانمندی و مدیریت بالایی است؛ آن هم در شرایطی که به این مسئولیت، وظیفه‌ی دیگری به نام سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی افزوده باشند؛ وظیفه‌ای که در بازار نشر امروز کتاب‌های آموزشی، با چالش‌های متعدد و پیچیده‌ای روبه‌روست.

حدود دو سال است که مسئولیت دفتر انتشارات کمک آموزشی با چنین وظایف خطیری به محمد ناصری واگذار شده است. کسی که خود در سال‌های قبل، سردبیری «رشد جوان و معاونت مجلات رشد» را برعهده داشته است، امروز مدیر کلی دفتر انتشارات کمک آموزشی - یعنی مدیر مسئولی ۳۲ عنوان مجلات رشد - و انجام وظیفه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را پذیرفته است.



## پای صحبت محمد ناصری مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی حضور شهرستانی‌ها در مجلات رشد پرننگ‌تر شود

گفت‌وگو از: نصرالله دادار

ضمن آرزوی توفیق برای محمد ناصری، پای صحبت‌های او می‌نشینیم تا شما را از چند و چون برنامه‌ها و کارهایش آگاه سازیم. اضافه می‌کنم وی دارای مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس امور فرهنگی و بیش از ۲۴ سال سابقه‌ی کار در وزارت آموزش و پرورش است.

آمار کلی توزیع مجلات در سال ۸۸-۱۳۸۷ در استان تهران حدود ۷ میلیون نسخه و در استان‌های دیگر حدود ۲۷ میلیون نسخه بوده است. این آمار نشان می‌دهد که اکثر مخاطبان ما در شهرستان‌ها هستند

● مناسب است که ابتدا از مأموریت‌ها و وظایف دفتر انتشارات کمک آموزشی شروع کنید. لطفاً در این زمینه بفرمایید.  
○ دفتر انتشارات کمک آموزشی یکی از واحدهای «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» است که در حال حاضر دو وظیفه‌ی بزرگ را دنبال می‌کند: یکی انتشار ۳۲ عنوان مجله‌ی رشد عمومی و تخصصی و دیگری سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی. باید اضافه کنم که دفتر انتشارات کمک آموزشی از سال ۱۳۴۱ پایه‌گذاری شده و اهداف اولیه‌ی آن تولید خواندنی‌های مناسب در کنار کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان و معلمان بوده است.

یکی از مهم‌ترین رسالت‌هایی که مجلات رشد برعهده دارند، این است که بر تنور مطالعه بدمند. آن‌چه از مطالعه به دست می‌آید، در آموزش مستقیم وجود ندارد.

تولید یک بسته‌ی آموزشی، دغدغه‌ی مهم آموزش و پرورش

● فلسفه‌ی انتشار مجلات رشد چیست؟

○ از دغدغه‌های مهم امروز آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تحول بنیادین در آموزش و پرورش و اجرای برنامه‌ی درسی ملی است. دغدغه‌ی مهم دیگر، تهیه‌ی یک بسته‌ی آموزشی برای برنامه‌ی درسی است. بسته‌ی آموزشی اجزایی دارد که می‌تواند شامل کتاب درسی، مجله، فیلم و کتاب آموزشی باشد. رابطه‌ی این اجزاء با هم، رابطه‌ای تکمیل‌کننده، معقول و منطقی است. از آن‌جا که کتاب‌های درسی، به تنهایی قادر به رفع نیازهای دانش‌آموزان نخواهند بود، مجلات رشد در تکمیل، توسعه و تعمیق مفاهیم آموزشی این کتاب‌ها می‌کوشند. یکی از ویژگی‌های این مجلات، به‌روز بودن آن‌هاست.

مجلات رشد باید به تنور مطالعه بدمند

یکی دیگر از مهم‌ترین رسالت‌هایی که مجلات رشد برعهده دارند، این است که بر تنور مطالعه بدمند. مجلات رشد باید شرایطی فراهم آورند که از کودک تا بزرگسال به کتاب علاقه‌مند شوند. آن‌چه از مطالعه به دست می‌آید، در آموزش مستقیم وجود ندارد. لذا دانش‌آموزان و معلمان باید بتوانند در تنهایی و آرامش به مطالعه بنشینند. ضمن آن‌که لازم است در خانواده نیز فضای مناسبی برای مطالعه‌ی آن‌ها فراهم شود. مجلات رشد به «تفکر محور» بودن توجه دارند و این موضوع، توجه ویژه به مطالعه را می‌طلبد.

● مجلات رشد در حال حاضر در چه شمارگانی منتشر می‌شوند؟

○ طبق آمار سال گذشته، شمارگان مجلات رشد حدود ۳۵ میلیون نسخه است که حدود هفت میلیون نسخه در استان تهران و بیش از ۲۷ میلیون نسخه در سایر استان‌های کشور توزیع می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که اکثر مخاطبان ما را شهرستانی‌ها تشکیل می‌دهند. بنابراین در مجلات رشد باید به طور جدی به نیازها و مسائل مخاطبان شهرستانی پرداخته شود.

## ۳۵ میلیون تیراژ مجلات رشد

### ● شمارگان مجلات رشد در سال‌های اخیر از چه روندی برخوردار بوده است؟

○ روندی روبه‌رشد داشته است. به زبان عدد و رقم، سالانه از ۲۸ میلیون نسخه به ۳۵ میلیون نسخه افزایش یافته است. این در حالی است که تعداد دانش‌آموزان کشور از ۱۸ میلیون به ۱۴ میلیون نفر کاهش داشته است. البته این آمار سالانه‌ی مجلات است و روشن است که همه‌ی دانش‌آموزان عزیز ما از مجلات رشد استفاده نمی‌کنند و هنوز جای کار زیادی داریم.

### ● نحوه‌ی تعامل خانواده‌ی رشد چگونه است؟

○ مجلات رشد مانند یک تیم کار می‌کنند. در تیم بعضی‌ها بازیگرند و در صحنه حضور دارند و برخی دیگر پشت صحنه فعالیت می‌کنند. اما وقتی همه با هم در یک جا جمع می‌شوند، معلوم می‌شود که این تیم است که کار را پیش می‌برد. اگر در هر جای این تیم، کسی نقشش را ضعیف بازی کند، به کل مجموعه ضربه وارد می‌شود. بنابر این لازم است هر کسی نقش خودش را به خوبی ایفا کند.

برای این‌که خانواده‌ی رشد، کارش را به درستی انجام دهد، باید دو ویژگی مهم داشته باشد: اول نظم و انضباط و دوم در اختیار داشتن فضای خوب، با نشاط و مبتنی بر مبانی فرهنگی. اعضای خانواده‌ی ما در آموزش و پرورش، نویسندگان، شاعران، هنرمندان، گرافیست‌ها، نقاشان و استادان دانشگاه‌ها هستند. افراد ثابت ما اعم از سردبیران و کارشناسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، حدود ۲۵۰ نفرند و سالانه حدود ۵۰۰ نفر از کارشناسان، نویسندگان و هنرمندان نیز عهده‌دار تهیه‌ی محتوای کلی مجلات هستند. لذا خانواده‌ای پرجمعیت در قالب تیمی توانمند، در این امر خطیر فعالیت دارند.

هدف مجلات رشد، تکمیل، توسعه و تعمیق مفاهیم آموزشی است و یکی از ویژگی‌های این مجلات، به‌روز بودن آن‌هاست

## تحول بنیادین در آموزش و پرورش

### ● اشاره کردید به بحث تحول بنیادین در آموزش و پرورش. در این زمینه بیشتر توضیح دهید؟

○ بحث تحول در آموزش و پرورش یکی از بحث‌های بسیار مهم است. خصوصاً با رهنمودهایی که مقام معظم رهبری در این رابطه داشته و مأموریت ویژه‌ای که به همه‌ی آحاد فعال در آموزش و پرورش داده‌اند، باید از مناظر متفاوت به این بحث بپردازیم. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در بحث تحول وجود دارد، این است که نگاه ما نسبت به آموزش و پرورش موجود، تغییر کند. در نظام کنونی، همه‌ی سهم آموزش و پرورش را به کتاب‌های درسی داده‌ایم، در حالی که در نگاه تحولی، جایگاه ویژه به بسته‌های

آموزشی تعلق دارد. گرچه کتاب درسی جزء بسیار مهم و قابل توجهی است، اما به مکمل‌های دیگری هم نیاز دارد تا فرایند تعلیم و تربیت، به درستی جریان یابد.

کتاب نمی‌تواند کارکرد مجله را داشته باشد، چرا که مجله، به روز، جذاب و متنوع است و در هر شکلی که باشد زمان‌بردار خواهد بود. کتاب درسی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، نمی‌تواند برخی از مفاهیم را به راحتی و با جذابیت به مخاطب منتقل کند، ولی این مفاهیم در مجلات، به سادگی منتقل می‌شوند. از طرف دیگر، قرار نیست مجلات رشد، کتاب درسی باشند. قرار نیست که اگر بخشی از محتوا در کتاب درسی نیامده باشد، مجلات رشد این بخش را منتشر کنند. بلکه مجلات رشد در امتداد برنامه‌ی درسی و تفهیم مطالب مؤثر خواهند بود.

در نگاه تحولی، ما می‌دانیم که رسانه‌های دیگری هم باید به برنامه‌ی درسی کمک کنند و قرار نیست که همه‌ی حرف‌هایمان را در کتاب درسی بزنیم. اگر از این زاویه به تعلیم و تربیت نگاه کنیم، برای اجزای دیگری هم باید سهمی قائل شویم و آن‌ها را به رسمیت بشناسیم.

این نگاه، در درجه‌ی اول باید مورد توجه و پذیرش مدیران آموزش و پرورش و معلمان قرار بگیرد. اگر این‌طور باشد، قطعاً از مشکلات و بحران‌های موجود کاسته می‌شود. مثلاً مشکلات کنکور یا کتاب‌های کمک درسی مطلوب، از مواردی هستند که به نظر من در آینده به طور طبیعی اصلاح خواهند شد. البته به شرطی که ارکان آموزش و پرورش و همکاران ما در سطوح گوناگون، قبول داشته باشند که یک برنامه‌ی درسی وجود دارد و در آن، کتاب درسی، مجله و سایر نرم‌افزارهای آموزشی در فضای آموزشی و تربیتی سهیم هستند و یکدیگر را مثل اجزای پازل تکمیل می‌کنند. در این پازل، مجلات رشد جایگاه ویژه‌ای دارند.

برای این‌که خانواده‌ی رشد،  
کارش را درست انجام بدهد، دو  
ویژگی مهم باید داشته باشد:  
اول نظم و انضباط و دوم داشتن  
فضای خوب، با نشاط و مبتنی  
بر مبانی فرهنگی

## قطع یارانه‌ی کاغذ مجلات رشد

### ● آیا مجلات رشد از یارانه‌ی کاغذ استفاده می‌کنند؟

○ تا دو سال گذشته، به مجلات رشد کاغذ یارانه‌ای تعلق می‌گرفت ولی از پارسال یارانه‌ای به کاغذ مجلات رشد تعلق نمی‌گیرد. مجلات رشد به‌طور خودگردان اداره می‌شوند و کمکی از سوی سازمان پژوهش یا وزارت آموزش و پرورش دریافت نمی‌کنند.

### ● قطع یارانه‌ی کاغذ مجلات، برای شما مشکل ایجاد نکرد؟

○ کار سختی بود و اگر برنامه‌ریزی و مدیریت نمی‌کردیم، حتماً مشکل ایجاد می‌کرد؛ ولی ما سعی کردیم از ابتدا تا انتهای فرایند تولید مجلات را بازنگری و اصلاح کنیم. مثلاً به‌عنوان نمونه‌ای کوچک فهرست دریافت‌کنندگان سهمیه‌ی هدایی مجلات را بررسی کردیم و هر جا که احتیاج نبود مجله را به‌طور هدایی دریافت کند، از فهرست سهمیه خارج شد. مثلاً دیدیم که لازم نیست به همه‌ی بخش‌های آموزش و پرورش، همه‌ی مجلات را بدهیم. برای برخی فقط لازم بود که مجلات علوم انسانی یا علوم پایه را

بفرستیم. از این جا شروع کردیم و جاهایی که لازم نبود، هزینه‌ها را کم کردیم.

### ● فرایند توزیع مجلات رشد چگونه است؟

○ فرایند توزیع مجلات، فرایند خوبی بوده است، ولی می‌تواند خوب‌تر هم بشود که این موضوع را باید با همکاری همه‌ی دست‌اندرکاران، به‌خصوص نمایندگان مجلات در استان‌ها و شهرستان‌ها، دنبال کنیم.

## کار را آن کرد که تمام کرد

### ● نقش نمایندگان مجلات رشد در استان‌ها و شهرستان‌ها در فرایند تولید و توزیع مجلات چیست؟

○ اگر ما فرایند تولید و توزیع مجلات رشد را از آغاز تا پایان، به دو مرحله‌ی «تولید محتوا» و «آماده‌سازی و چاپ» تقسیم کنیم، همه‌ی این‌ها مقدماتی است برای این‌که مجلات به دست پربرت نمایندگان ما در استان‌ها و شهرستان‌ها، و سپس از طریق آن‌ها به دست مخاطبان ما که همکاران فرهنگی و دانش‌آموزان هستند، برسد؛ و کار را آن کرد که تمام کرد. یعنی در واقع نمایندگان مجلات ما در شهرستان‌ها هستند که کار را تمام می‌کنند و مجلات رشد را به اهلش می‌رسانند.

خوش‌بختانه با تلاش نمایندگان رشد در استان‌ها و شهرستان‌ها، شاهد سیر صعودی در زمینه‌ی استقبال از مجلات رشد هستیم. در بسیاری از استان‌ها با ایده‌ها و تلاش‌هایی که نمایندگانمان به کار گرفته‌اند، موفقیت‌های خوبی را داشته‌ایم و اگر نمایندگان همه‌ی استان‌ها و شهرستان‌ها از تجارب یکدیگر استفاده کنند، شاهد این روند در همه‌ی نقاط کشور خواهیم بود.

به اعتقاد من، در فاز سوم کار که وظیفه‌ی نمایندگان مجلات در استان‌ها و شهرستان‌هاست، می‌توانیم از ایده‌های متفاوت و گوناگون یکدیگر استفاده کنیم تا مجلات به راحتی به دست مخاطبان برسد. اگر این اتفاق بیفتد، به هدف مهمی رسیده‌ایم. متأسفانه در برخی از سفرهای استانی که داشته‌ایم، هنوز برخی از معلمان و دانش‌آموزان از توزیع نامناسب مجلات گلایه می‌کنند. اگرچه این موضوع مربوط به نقاط محدودی از کشور است، ولی باید تلاش کنیم که مجلات به راحتی به دست مخاطبان برسد.

یکی دیگر از نقش‌های مهم نمایندگان مجلات در شهرستان‌ها، همکاری در تولید محتوای مجلات است. نمایندگان مجلات رشد همگی از همکاران فرهنگی و خود اهل اندیشه و قلم هستند. بنابراین آن‌ها می‌توانند در تولید محتوای مجلات مشارکت داشته باشند و ایده‌ها، تفکرات، نگرش‌ها و فعالیت‌های علمی، ادبی و هنری خود را برای ما بفرستند. هم‌چنین، آن‌ها می‌توانند معلمان باتجربه و دانش‌آموزان اهل قلم را به تولید محتوا برای مجلات رشد تشویق کنند و جایگاه آن‌ها را در مجلات گسترش دهند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در بحث تحول وجود دارد، این است که نگاه ما نسبت به آموزش و پرورش موجود کمی تغییر کند

## نگاه معلمان و مدیران مدارس به مجلات رشد تعیین کننده است

### ● نقش معلمان و مدیران مدارس در استقبال از مجلات رشد چیست؟

○ معلمان و مدیران مدارس در زمینه‌ی استقبال از مجلات رشد، نقش بسیار مهم و پررنگی دارند. استقبال یا عدم استقبال از مجلات رشد به این برمی‌گردد که معلم و مدیر مدرسه چگونه به این مجلات نگاه می‌کنند. اگر مدیران و معلمان مدارس به مجلات رشد به عنوان یکی از اجزای بسته‌ی آموزشی نگاه کنند - همان‌طور که در تحول بنیادین آموزش و پرورش چنین نگاهی وجود دارد - این نگاه باعث استقبال از مجلات رشد می‌شود. اما اگر برعکس، معلمان و مدیران مدارس مجلات رشد را مؤثر در امر آموزش و پرورش ندانند، با عدم استقبال از مجلات رشد روبه‌رو می‌شویم و قطعاً این نگاه هیچ خدمتی به آموزش و پرورش و هیچ کمکی به فرایند تعلیم و تربیت کشور نمی‌کند. بنابراین اگر معلمان و مدیران مدارس اعتقاد داشته باشند که مجله‌ی رشد آمده است تا امر آموزش را تصحیح و در جاهایی تکمیل کند، بی‌شک با دانش‌آموزان صحبت کرده و آن‌ها را آگاه خواهند کرد که این مجلات دارای چه ویژگی‌هایی هستند.

کتاب نمی‌تواند کارکرد مجله را داشته باشد، چرا که مجله، به‌روز، جذاب و متنوع است و در هر شکلی که باشد زمان‌بردار خواهد بود

## سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و تجهیز کتابخانه‌های مدارس

### ● دفتر انتشارات کمک آموزشی چه برنامه‌هایی برای سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و تجهیز کتابخانه‌های مدارس دارد؟

○ سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی یکی از وظایف مهم دفتر انتشارات کمک آموزشی است که هرچه به جلو می‌رویم، احساس می‌کنیم که این وظیفه باید با قدرت و بیش از گذشته پی‌گیری شود.

چندی پس از انقلاب، بخشی از فعالیت‌های دفتر انتشارات کمک آموزشی، تجهیز کتابخانه‌های مدارس بود. آن زمان این دفتر، «دفتر امور کمک آموزشی و تجهیز کتابخانه‌ها» نام داشت. بعدها بنا به دلایلی، بحث خرید کتاب به معاونت پرورشی واگذار شد.

این جریان ادامه داشت تا سال ۱۳۷۸ که تعداد ناشران بیشتر شد. در حال حاضر بیش از هشت هزار ناشر در کشور داریم، ولی متأسفانه فقط دو هزار کتاب‌فروشی داریم که این نسبت خیلی نامتوازن است. به عبارت دیگر، ویتزین برای عرضه‌ی کتاب کم است در حال حاضر کسانی که ناشر کتاب‌های آموزشی هستند، اگرچه با مسائل فرهنگی بیگانه نیستند، اما عمدتاً کسانی هم نیستند که در امور علمی، آموزشی و فرهنگی صاحب نظر باشند. واقعاً برخی از کتاب‌های منتشر شده، خلاف اهداف آموزش و پرورش هستند و به اسم کتاب‌های آموزشی یا کمک آموزشی ارائه می‌شوند. به همین دلیل، ضرورت پیدا کرد که جایی در آموزش و پرورش، متولی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی بشود و متولی آن دفتر انتشارات کمک آموزشی شد.



## تهیه ۳۰ جلد استانداردهای کتاب‌های آموزشی

در سال ۱۳۷۸، با همکاری کارشناسان واحدهای ذی‌ربط آموزش و پرورش، دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و تعدادی از نمایندگان ناشران، استانداردهایی آماده شد که تاکنون ۳۰ جلد از آن‌ها منتشر شده است. به همه‌ی کسانی که در حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی کار می‌کنند اعلام کرده‌ایم، کتاب‌هایی که می‌خواهید تولید کنید، بهتر است این استانداردها و شاخص‌ها را داشته باشند. جشنواره‌ی کتاب‌های رشد را هم برای تشویق ناشران کتاب‌های آموزشی به تولید کتاب‌های استاندارد آموزشی برگزار می‌کنیم. در اولین جشنواره‌ی کتاب‌های رشد که در سال ۱۳۷۹ برگزار شد و من هم یکی از داوران جشنواره بودم، جمعاً از کتاب‌هایی که ارسال شده بودند، ۱۸ درصد از نظر استانداردها قابل قبول شناخته شدند، اما اکنون این رقم به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. یکی دیگر از کارهایی که ما انجام داده‌ایم، انتشار ۳۰ جلد کتاب‌نامه‌ی رشد است که در آن‌ها، کتاب‌های کمک درسی مناسب برای دوره‌های تحصیلی متفاوت، معرفی شده‌اند و آن‌ها را به صورت رایگان در اختیار مدارس قرار می‌دهیم. الان کتاب‌هایی هم که معاونت محترم پرورشی برای کتاب‌خانه‌های مدارس تهیه می‌کنند، باید استانداردها و شاخص‌هایی را که دفتر انتشارات کمک آموزشی تعیین کرده است، رعایت کرده باشند.

- از این‌که در این گفت‌وگو شرکت کردید سپاسگزارم.









سید کمال شهابلو، معاون برنامه‌ریزی و انتشارات دفتر انتشارات کمک آموزشی، از نحوه‌ی توزیع مجلات رشد می‌گوید

سمانه آزاد

## روایتی از توزیع نشریات رشد

مجلات رشد با بیش از ۳۵ میلیون نسخه شمارگان، چه فرایندی را طی می‌کنند تا به دست مخاطبان برسند؟

مسئولان در این فرایند با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند و آیا راه‌حلی برای این مشکلات یافته‌اند؟ کدام استان‌ها بیشترین و کمترین استقبال را از نشریات رشد داشته‌اند؟ جایگاه مجلات دانش‌آموزی در میان نشریات متعدد رشد چگونه است؟ نقش نمایندگان مجلات رشد در توسعه و گسترش این نشریات چیست و آیا از تجربیات موفق آن‌ها استفاده می‌شود؟

این‌ها همه سؤالاتی هستند که دربارهی توزیع نشریات رشد مطرح می‌شوند. برای پاسخ به آن‌ها باید به سراغ کسی رفت که دستی بر آتش توزیع مجلات رشد دارد. به همین دلیل هم به سراغ آقای سید کمال شهابلو، معاون برنامه‌ریزی و انتشارات دفتر «انتشارات کمک آموزشی» رفته‌ایم تا پاسخ سؤالاتمان را بیابیم:

\*\*\*

● آقای شهابلو! نحوه‌ی توزیع مجلات رشد چگونه است؟ کار آماده‌سازی و چاپ مجلات، خارج از اداره‌ی توزیع انجام می‌شود؛ یعنی آماده‌سازی مجلات در دفتر و چاپ مجلات در شرکت افست صورت می‌گیرد. پس از پایان کار چاپ مجلات، کار اداره‌ی توزیع شروع می‌شود. مجله‌ها بعد از چاپ در اختیار ما قرار

می‌گیرد و به اداره‌ی توزیع منتقل می‌شوند.

ما در توزیع مجلات به دو عامل مهم توجه داریم: یکی بُعد زمانی و برنامه‌ی زمان‌بندی ورود مجلات به اداره‌ی توزیع، و دوم فاصله‌ی زمانی بسته‌بندی مجلات تا خروج از اداره‌ی توزیع. بنابراین، ما و همه‌ی دست‌اندرکاران تولید مجله باید به برنامه‌ی زمان‌بندی مجلات توجه داشته باشیم تا مجلات به موقع وارد اداره‌ی توزیع شوند. عامل دوم همت و تلاش ما برای بسته‌بندی مجلات در زمان معین و ارسال به موقع آن‌ها به استان‌هاست.

بعد از این‌که مجلات به اداره‌ی توزیع رسیدند، آن‌ها را بسته‌بندی و بارگیری می‌کنیم و به استان‌ها و مناطق شهر تهران و شهرستان استان تهران ارسال می‌کنیم. مجموعه‌ی فعالیت‌های فوق‌تار رسیدن مجله به نمایندگان رشد در استان‌ها، مناطق و شهرستان‌های استان تهران، به عهده‌ی ماست. از لحظه‌ی تحویل مجلات به نمایندگان، وظیفه‌ی رساندن مجلات به شهرستان‌های استان و مدارس به عهده‌ی نماینده‌ی

محترم نشریات رشد است.

### ● تفاوت توزیع مجله‌های رشد در تهران با دیگر شهرستان‌ها چیست؟

توزیع در تهران و شهرستان‌های استان تهران با توزیع در استان‌های دیگر متفاوت است. علت هم این است که دسترسی‌مان به مناطق تهران بیشتر و راحت‌تر است. برای مناطق ۱۹ گانه‌ی تهران و شهرستان‌های نزدیک استان تهران، مجلات را خود ما ارسال می‌کنیم، اما برای شهرستان‌ها مجبوریم از شرکت‌های باربری استفاده کنیم. در هر صورت، ما همه‌ی کارهای توزیع را برون‌سپاری کرده‌ایم و خودمان فقط نظارت می‌کنیم.

### ● آیا فرایند رسیدن مجله‌ها به دست مخاطبان را پی‌گیری هم می‌کنید؟

اگر لازم باشد به صورت حضوری، تلفنی یا به وسیله‌ی نامه پی‌گیری می‌کنیم که مجله‌ها در اسرع وقت به دست مخاطبانمان برسد.

### ● در توزیع مجله‌های رشد با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

مهم‌ترین مشکل ما زمان‌بندی است. یعنی اگر آماده‌سازی، تولید و حتی چاپ یکی از مجلات طبق زمان‌بندی خودش انجام نشود، ما را دچار مشکل می‌کند. اگر مجله‌ای حتی یک روز خلاف برنامه‌ی زمان‌بندی وارد اداره‌ی توزیع شود، همه‌ی کار توزیع را با تأخیر مواجه می‌کند.

سایر مشکلات ما، از مسائل فرعی کار توزیع هستند. مثلاً در ایامی که هوا سرد است، در مناطق صعب‌العبور ممکن است مجله با چند روز تأخیر به دست مخاطبان برسد.

یکی دیگر از مشکلاتی که با آن روبه‌رو بودیم، بسته‌بندی مجلات بود. در سفرهای استانی، همکاران بسیاری به این موضوع اشاره می‌کردند و می‌گفتند: شما مجلات را با نخ معمولی می‌بندید و بارگیری می‌کنید. این مجلات باید از کامیون تخلیه و برای ارسال به مناطق و مدارس دوباره بارگیری شوند تا به دست مخاطب برسند. این نوع بسته‌بندی باعث می‌شود که شیرازه‌ی مجله‌ها از بین برود و کیفیت مطلوبی نداشته باشند.

ما در سال گذشته، بسته‌بندی را مکانیزه کردیم. به این صورت که دو دستگاه نیمه اتوماتیک برای وکیوم کردن مجلات تهیه کردیم. البته به تعداد همکارانمان اضافه نشده است و تنها ساعات کار آن‌ها را بیشتر کرده‌ایم. با این کار مشکل بسته‌بندی حل شد.

### ● برای حل سایر مشکلات چه کرده‌اید؟

در مورد زمان‌بندی چاپ و توزیع مجلات، گرچه وظیفه‌ی اداره‌ی توزیع مجلات، پی‌گیری فرایند آماده‌سازی مجلات نیست، ولیکن از مرحله‌ی تولید محتوا، تهیه‌ی ماکت و حتی چاپ را پی‌گیری می‌کنیم و می‌کوشیم کمک‌رسان باشیم تا مجلات به موقع به دست مخاطبان برسد.

در مورد مناطق صعب‌العبور و گرمسیری هم شرایطی فراهم شده است تا کمتر به مشکل بر بخوریم. مثلاً مجلات فصل تابستان را در آخر فروردین ماه به استان‌های گرم‌سیری می‌فرستیم تا مدارس که در این مناطق هستند و معمولاً زودتر تعطیل می‌شوند و یا فعالیت کمتری در فصل‌های گرم دارند نیز بتوانند از مجله‌ها استفاده کنند.

يك خبر هم درباره‌ی كاغذ مجلات به شما بدهم. در دوره‌ی جديد، ان‌شاءالله نوع كاغذ مجلات دانش‌آموزی از شماره‌ی ۴ به بعد تغيير خواهد كرد. يعنی از كاغذ «LWC» كه كاغذی مرغوب و مورد تأييد است، استفاده خواهيم كرد. اين كار كيفيت رنگ‌ها و چاپ را بالاتر خواهد برد.

### ● آقای شهابلو! چرخش مالی مجلات رشد چگونه است؟

فرايند مالی مجلات به‌صورت خودگردان است.

### ● توزيع مجلات رشد در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، به تفکیک استان‌ها چگونه بوده است؟

کل شمارگان مجلات ما در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، ۳۵ ميليون و ۴۵ هزار و ۴۹۳ نسخه بوده است. از اين تعداد ۲۷ ميليون و ۶۰ هزار و ۹۷۱ نسخه در استان‌ها، ۴ ميليون و ۲۳۶ هزار و ۵۴۸ نسخه در مناطق ۱۹ گانه‌ی تهران و ۳ ميليون و ۷۴۷ هزار و ۹۷۴ نسخه در شهرستان‌های استان تهران توزيع شده است.

در ميان استان‌ها، اصفهان، خراسان رضوی و مازندران به ترتيب از نظر حجم نسبی رتبه‌های اول تا سوم را داشت. در مناطق ۱۹ گانه‌ی تهران نیز از نظر حجم نسبی، منطقه‌ی ۴ در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ رتبه‌ی اول را داشته است و بعد از آن به ترتيب منطقه‌ی ۵ و سپس منطقه‌ی ۲ رتبه‌بندی می‌شوند. هم‌چنين در شهرستان‌های استان تهران، شهریار رتبه‌ی اول را در حجم نسبی مجلات داشته است و سپس اسلامشهر، بوستان و گلستان رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. اما اداره‌ی توزيع غير از توزيع مجلات رشد كار مهم دیگری نیز انجام می‌دهد و آن توزيع کتاب‌نامه‌های رشد است. در سالی كه گذشت، ۳۹ هزار و ۹۱۷ جلد کتاب‌نامه‌ی رشد در دوره‌ی متوسطه‌ی نظری و فنی‌وحرفه‌ای، و نیز دوره‌های ابتدایی و راهنمایی توزيع شده‌اند كه سهم دوره‌ی ابتدایی دو جلد و سهم بقیه‌ی دوره‌ها هر کدام يك جلد بوده است. برای همه‌ی مدارس فنی‌وحرفه‌ای و كاردانش كه تعدادشان نسبت به مدارس دوره‌های دیگر كم است، كتاب‌نامه‌ی رشد فرستاده شد، ولی چون تعداد مدارس ابتدایی و راهنمایی خیلی زيادتر از تعداد كتاب‌نامه‌ها بود، فقط برای درصدی از آنها كتاب‌نامه را ارسال كرديم.

### ● کدام مجلات بیشترین درخواست را دارند؟

مجلات دانش‌آموزی ما، يعنی كودك، نوآموز، دانش‌آموز و نوجوان، نسبت به مجلات دیگر با مخاطبين بیشتری روبروست. اين هم برمی‌گردد به تلاش مضاعف نمايندگان محترم رشد و همت مديران محترم مدارس ابتدایی و راهنمایی. البته عوامل دیگری نیز اثرگذار هستند. یکی از اين عوامل كه باعث می‌شود، شمارگان مجلات ما در دوره‌ی متوسطه خیلی چشمگیر نباشد، تب كنگور در ميان دانش‌آموزان است. بیشترین توجه بچه‌ها در اين دوره به كتاب درسی، آموزش مستقيم و كتاب‌های كمك آموزشی است كه مستقيماً به كتاب درسی و كنگور مربوط هستند. به اين سبب، دانش‌آموزان به آموزش‌های غيررسمی كه مجلات را هم دربرمی‌گیرد، كمتر اهميت می‌دهند.

### ● آیا دست نمايندگان رشد از لحاظ كار فرهنگی در جهت ارتقای مجله‌های رشد باز است؟

از منظر فعاليت‌های فرهنگی، در ترويج مطالعه بين دانش‌آموزان، تشويق آنها به فعاليت‌های كمك‌آموزشی و كليهی

حرکت‌های فرهنگی مرتبط، دست نمایندگان رشد نه تنها باز است، بلکه ما مشوق و کمک‌رسان آن‌ها برای توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی‌شان هستیم.

● **در رابطه با فعالیت نمایندگان رشد، سیاست‌های تشویقی و یا احیاناً تنبیهی دفتر چیست؟**

ما در رابطه با فعالیت نمایندگان اصلاً سیاست تنبیهی نداریم. نمایندگان رشد بازوان توانمند ما در استان‌ها هستند. اما سیاست‌های تشویقی داریم. هر ساله نشست نمایندگان استان‌ها، شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران را برگزار می‌کنیم و از همکارانی که براساس معیارهای ما برتر هستند، تقدیر به عمل می‌آید. البته تمامی نمایندگان محترم نشریات رشد در کلیه‌ی فعالیت‌هایشان تلاش می‌کنند و ما قدردان تک‌تک آن‌ها هستیم.

● **آیا برای گسترش تجربیات موفق استان‌های کشور در جهت ارتقای مجلات رشد، کاری صورت می‌گیرد؟**

وقتی یکی از استان‌ها کار مطلوبی انجام می‌دهد و تجربه‌ی موفقی کسب می‌کند، ضمن تشویق آن استان در جهت آن حرکت مطلوب، آن تجربه را به بقیه‌ی نمایندگانمان معرفی می‌کنیم. در سال گذشته که سفری به استان اصفهان داشتیم، دیدیم یکی از مدارس استان، فعالیت خوبی در جهت ترویج و تبلیغ مجلات داشته است. ما هم کار آن مدرسه را در قالب سی‌دی برای همه‌ی نمایندگان در سراسر کشور ارسال کردیم.

در سال جاری هم وقتی به استان کرمانشاه رفتیم، متوجه شدیم یکی از مدرسه‌های استان فعالیت خوبی برای توزیع مجلات داشته است. این تجربه را هم به نمایندگانمان در سراسر کشور انتقال دادیم.

در حقیقت نشست نمایندگان رشد، چه در استان‌ها و چه در تهران، دو جنبه دارد: یکی رفع مشکلات احتمالی و دیگری تعامل بین نمایندگان و ارائه‌ی تجربیات مفید ایشان.

● **در زمینه‌ی تعامل بیشتر با نمایندگان رشد چه برنامه‌ای دارید؟**

در سال‌های گذشته بیشتر تمرکز بر استان‌ها بود، ولی در سال ۱۳۸۹ تصمیم گرفتیم که بر مناطق، شهرستان‌ها و شهر تهران بیشتر تمرکز کنیم. در سال‌های قبل، در میان شهرستان‌های استان تهران، شهرستان کهریزک شاید فقط یک کارتن مجله از ما می‌گرفت، ولی در سال گذشته، ۶۸ هزار جلد مجله از ما درخواست کرد.

بنابراین سعی داریم در سال ۱۳۸۹ با نمایندگان رشد مناطق ۱۹ گانه و شهرستان‌های تهران بیشتر تعامل داشته باشیم تا ان‌شاءالله آمار مخاطبانمان را در این مناطق هم بالاتر ببریم.





## چیستی و چرایی نشریات رشد

- چرا مجلات رشد برای معلمان، مربیان و مدیران مدارس منتشر می‌شود؟
- نشریات رشد چگونه منتشر می‌شوند؟
- تحلیلی از پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام شده درباره‌ی مجلات رشد
- هر چیز خنده‌داری طنز نیست
- نیم‌گاهی به مرکز بررسی آثار مجلات رشد



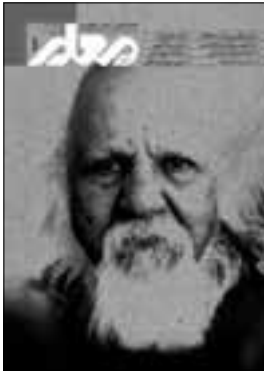
# رشد

ناصر نادری  
معاون برنامه‌ریزی مجلات رشد

## چرا مجلات رشد برای معلمان، مربیان و مدیران مدارس منتشر می‌شود؟







«رشد» عنوان مشترک سی و دو عنوان مجله‌ای است که در دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش منتشر می‌شود. مجلات رشد با شمارگان بیش از سی میلیون نسخه در سال، در گستره‌ی ملی و برای مخاطبان پیش‌دبستانی تا معلمان، مربیان و مدیران مدارس تولید می‌شوند.

این مجلات آموزشی - تربیتی می‌کوشند با تأکید بر «تحول بنیادین در آموزش و پرورش» با رویکردهای فرهنگی - تربیتی، توسعه‌ی عدالت آموزشی، ارتقای جایگاه علمی - تربیتی، توسعه‌ی مشارکت همه‌جانبه و بهینه‌سازی منابع انسانی آموزش و پرورش و با رعایت اصول خدشه‌ناپذیر: درستی، دقت، روشنی، روزآمدی و جذابیت، در بهبود وضعیت آموزش و پرورش مدارس ایفای نقش نمایند و متناسب با تحولات علمی، پژوهشی و فناوری و با تکیه بر هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی و اسلامی، زمینه‌های لازم را برای تحقق اهداف عالی آموزش و پرورش فراهم بسازند.



زمینه‌ی انتشار این مجلات «آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی» است و سابقه‌ی آن به حدود نیم‌قرن باز می‌گردد. مجلات رشد پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به مجلات «پیک» معروف بودند.

در میان این مجلات، ۷ عنوان برای دانش‌آموزان منتشر می‌شود و عنوان‌های دیگر برای مخاطبان بزرگسال (معلمان، مربیان و مدیران) تولید می‌گردد.

مجلات بزرگسال رشد دو گونه‌اند: عمومی و اختصاصی.

مجلات عمومی به صورت ماهانه (۸ شماره در سال، از آغاز سال تحصیلی تا اردی‌بهشت‌ماه) و با عناوین زیر منتشر می‌شوند:

۱. رشد معلم برای معلمان، دانشجویان تربیت معلم و خانواده‌ها؛

۲. رشد تکنولوژی آموزشی برای معلمان، دانشجویان تربیت معلم و علاقه‌مندان به تکنولوژی آموزشی؛

۳. رشد مدرسه فردا، برای معلمان، مربیان و مدیران و علاقه‌مندان به فناوری اطلاعات و ارتباطات

(ICT)؛

۴. رشد مدیریت مدرسه، برای مدیران و معاونین مدارس؛

۵. رشد آموزش ابتدایی، برای معلمان دوره‌ی آموزش ابتدایی (آموزگاران)؛

۶. رشد آموزش راهنمایی، برای معلمان دوره‌ی آموزش راهنمایی.



مجلات اختصاصی به صورت فصلنامه (۴ شماره در سال) و در قلمرو موضوعی خاص علوم پایه،

فنی - حرفه‌ای و علوم انسانی برای معلمان (بویژه برای دبیران دوره‌ی آموزش متوسطه) منتشر می‌شوند.

مجلات اختصاصی «علوم پایه» و «فنی - حرفه‌ای» عبارتند از:



۱. رشد آموزش ریاضی؛
۲. رشد آموزش فیزیک؛
۳. رشد آموزش شیمی؛
۴. رشد آموزش زیست‌شناسی؛
۵. رشد آموزش زمین‌شناسی؛
۶. رشد آموزش فنی-حرفه‌ای.

مجلات اختصاصی «علوم انسانی» عبارتند از:

۱. رشد آموزش قرآن؛
۲. رشد آموزش معارف اسلامی؛
۳. رشد آموزش مشاور مدرسه؛
۴. رشد آموزش تاریخ؛
۵. رشد آموزش جغرافیا؛
۶. رشد آموزش هنر؛
۷. رشد آموزش تربیت بدنی؛
۸. رشد آموزش علوم اجتماعی؛
۹. رشد آموزش زبان و ادب فارسی؛
۱۰. رشد آموزش زبان؛
۱۱. رشد آموزش پیش‌دبستانی.

### فواید انتشار مجلات رشد

#### ● مجلات رشد، جزئی از بسته‌ی آموزشی

تحولات و نوآوری‌های نوین در آموزش و تأکید بر یادگیری مهارت‌ها و کاربرد دانش، استفاده از ابزار، وسایل و فناوری‌ها در آموزش را هرچه بیشتر ضروری ساخته است.

با ارائه‌ی نظریه‌های جدید یادگیری و تأکید آن‌ها بر نیازهای یادگیرندگان، ارتباط آموزش با زندگی واقعی یادگیرنده و ایجاد شرایط واقعی برای یادگیری و توجه به رویکرد سیستمی در آموزش، کاربرد ابزار و وسایل در آموزش اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. این امر منجر به پیدایش نگاهی جدید و جامع نسبت به ابزارها و وسایل آموزشی شده و در نتیجه، ایده‌ی «بسته‌ی آموزشی» مطرح گردیده که شامل مجموعه‌ی منابع، مواد و ابزارهای آموزش هماهنگ برای نیل به هدف آموزش خاص و سازمان‌یافته است.



در نظام آموزش رسمی کشور، علاوه بر کتاب درسی، وجود ابزار و منابع تکمیلی، همچون مجلات آموزشی، نرم‌افزارهای آموزشی، شبکه‌ی ملی رشد و... ضروری می‌باشد. مجلات رشد قادرند در نقشه‌ی کلان آموزشی، به‌عنوان جزئی مهم، در تکمیل برنامه‌ی درسی به شکل‌های تسهیلی، تعمیقی و توسعه‌ای، نقش آفرینی نمایند.

### ● تقویت همبستگی اجتماعی و نظام ارزشی و اعتقادی

حفظ و اشاعه‌ی میراث فرهنگی دینی و ملی، و تقویت همبستگی اجتماعی و نظام ارزشی و اعتقادی، یکی از اهداف مجلات رشد است. این نشریات به رشد و پرورش توأمان مهارت‌های خودیادگیری و شناختی، عاطفی و حرکتی، در مخاطبان برای بروز رفتارهای صحیح (دانستن، انجام دادن، چگونه زیستن و چگونه با هم زیستن) در اصلاح و بهبود کیفیت زندگی‌شان، توجه همه‌جانبه دارد.



### ● توسعه و تعمیق تفکر علمی و تفکر نقاد

معلمان علاوه بر کتاب‌های درسی - که در دوره‌ی پنج‌ساله، تغییر یا اصلاح می‌شوند - به منابعی نیاز دارند که جدیدترین یافته‌های علمی و پژوهشی در حوزه‌ی تدریس خود را بیابند. علاوه بر شبکه‌های دیجیتالی، مجلات رشد قادرند تازه‌ترین یافته‌های نظری مرتبط با حوزه‌ی یاددهی - یادگیری معلمان را در قلمرو موضوعی علوم پایه، فنی-حرفه‌ای و علوم انسانی در قالب مقالات «دانش‌محور» ارائه دهند و از این رهگذر، سواد و دانش نظری معلمان را به‌روز نگه دارند. قطعاً با حضور معلمان، مربیان و مدیران باسواد و به‌روز (بهبود منابع انسانی) سیستم آموزش و پرورش قادر است به «تحول بنیادین» دست یابد. مجلات رشد با دامن زدن به واقعیت‌ها و مسائل امروز آموزش و پرورش و اطلاع‌رسانی درباره‌ی کم و کیف پیشرفت‌ها و پسرقت‌ها، ضمن توسعه و تعمیق تفکر علمی و تفکر نقاد در بین فرهنگیان، مناسب‌ترین راه‌حل‌ها را برای افزایش نقاط مثبت و یا کاهش و رفع نقاط ضعف ارائه دهند.



### ● ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای

دنیای معلمی، آمیخته از دانش و تجربه و هنر است. معلمان علاوه بر سواد و دانش نظری، نیاز به آموختن مهارت‌های حرفه‌ای در شرایط متغیر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود، دانش‌آموزان و خانواده‌ها دارند.

علاوه بر بافتار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، رشد روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات

(ICT) و تأثیر شگرف آن در پدیده‌های آموزشی، اهمیت افزایش سواد و مهارت‌های مرتبط به این فناوری و شناخت زمینه‌های آسیب‌زای آن را دو چندان ساخته است.

مجلات بزرگسال رشد در طراحی برنامه‌ی سالانه‌ی خود به مسئله فناوری اطلاعات و ارتباطات، توجه ویژه دارند. ضمن آن‌که مجلات «مدرسه فردا» و «تکنولوژی آموزشی» به صورت خاصی به این حوزه می‌پردازند. با توجه به اهمیت ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، مربیان و مدیران، اغلب مقالات مجلات رشد با رویکرد «دانش روشی» تهیه می‌شوند؛ یعنی مطالبی که علاوه بر جنبه‌های علمی دارای عنصر «کاربردی» نیز می‌باشند.

### ● امکان تبادل تجارب آموزشی و تربیتی

همه‌ی معلمان و مربیان و مدیران به تبادل تجارب آموزشی و تربیتی خود با معلمان، مربیان و مدیران دیگر علاقه‌مندند. چه بسا نکات ظریف و عمیقی که محصول پژوهش‌های دانشگاهی نباشد، بلکه محصول سال‌ها حضور مستقیم در بین دانش‌آموزان و درک شرایط خاص روحی-روانی، اقتصادی و فرهنگی آنان باشد. مجلات رشد این فرصت را پدید می‌آورند تا معلمان، مربیان و مدیران، تجربه‌های غنی و مفید آموزشی و تربیتی خود را در قالب «خاطره»، «یادداشت» و... به سایر فرهنگیان ارائه دهند.

### ● پرورش استعداد‌های نگارشی و پژوهشی

ضعف نگارش یک مشکل ریشه‌دار و تاریخی است و قطعاً زاینده‌ی روش‌های غلط آموزش انشانویسی در سال‌های پیشین و کمبود وقت مطالعه می‌باشد. مجلات رشد این امکان را فراهم می‌سازد تا معلمان، مربیان و مدیران، با استفاده از مطالعات نظری، تجارب عینی و هنر و ذوق شخصی خود، استعداد‌های نگارشی و پژوهشی خود را در قالب‌های نگارشی متنوع، همچون مقاله، خاطره، داستان و... پرورش دهند. تجربه‌ی نگارش مقاله و یادداشت و خاطره برای مجلات رشد، نخستین گام جدی برای نگارش کتاب‌های کمک‌آموزشی مناسب و چه بسا در سال‌های آتی، نگارش کتاب درسی (در قالب طرح چند تألیفی) باشد.

### ● تحقق عدالت آموزشی

با توجه به شرایط اقلیمی و اقتصادی و فرهنگی در استان‌های کشور، به‌ویژه در مناطق محروم و مدارس روستایی و دور از مراکز استان‌ها، امکان دسترسی به ابزار و منابع آموزشی، به راحتی وجود ندارد. مجلات رشد با توجه به گستره‌ی ملی و قیمت ارزان، این امکان را برای معلمان، مربیان و مدیران این مناطق فراهم می‌سازد تا آنان نیز از کیفیت نسبی آموزش مناسب برخوردار شوند.



### ● امکان بیان نظرات

مجلات رشد قادرند با «مسئله‌محور» بودن محتوای آن‌ها به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر، و مشارکت دادن مخاطبان در تولید محتوا و بیان تجربیات موفق و احتمالاً ناموفق آموزشی و تربیتی، ارائه طرح‌های نو و تبیین برنامه‌ها و هدف‌های نظام آموزش و پرورش برای مخاطبان، امکان بیان نظرات آنان را پیرامون این برنامه‌ها و هدف‌ها فراهم سازند.

برنامه‌های اصلاحی آموزش و پرورش در اغلب ممالک پیشرفته، امری ملی و منطقه‌ای و کوششی همگانی تلقی می‌شود و مسئولیت پیشبرد آن، تنها به عهده‌ی دولت مرکزی نیست. گرچه هدایت و هماهنگی اصلی آن باید بر عهده‌ی دولت‌ها باشد و آنان نیز آن را از وظایف مسلم خود بدانند، مردم و به‌ویژه فرهنگیان، با همه‌ی توانمندی‌های شناخته و ناشناخته‌ی خود، سهم مؤثرتری در پیشبرد برنامه‌های اصلاحی آموزش و پرورش کشورشان دارند.



مجلات رشد، ضمن تبیین ضرورت مشارکت همه جانبه‌ی مردم و به‌ویژه فرهنگیان، در توسعه و اصلاح آموزش و پرورش، زمینه‌ها، فواید و آثار مثبت این مسئله را تبیین می‌سازند.

### ● توسعه‌ی کیفی پژوهش و پژوهشگری

مجلات رشد با فراهم کردن فرصت بیان پرسش‌ها و پیشنهادها‌ی معلمان، مربیان و مدیران، آشنا کردن آنان با شیوه‌های نوین پژوهش در حوزه‌ی مسائل آموزش و پرورش، انتشار دستاوردهای پژوهش‌های کاربردی و راهبردی، بیان اولویت‌های پژوهشی در آموزش و پرورش و اخذ نظر آنان پیرامون این اولویت‌ها، معرفی مراکز و مراجع ملی و بین‌المللی پژوهشی، معرفی پژوهشگران حوزه‌ی آموزش و پرورش و دستاوردهای آنان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و...، ضمن کمک به تدقیق ارتباط میان پژوهش در حوزه‌ی آموزش و پرورش و توسعه‌ی ملی، باعث توسعه‌ی کیفی پژوهش و پژوهشگری در آموزش و پرورش می‌شوند.



### ● ابزاری برای توسعه‌ی پایدار

اگر توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی بهبود زندگی نه فقط نسل امروز، بلکه نسل‌های فردا نیز باشد، مجلات رشد که به منظور توانایی‌های علمی و ذهنی و ارتقای کیفیت مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، مربیان و مدیران امروز منتشر می‌شود، در تربیت و آموزش نسل‌های آتی نیز مؤثر خواهد بود.

لذا مجلات رشد، ابزاری برای توسعه‌ی پایدار در حرفه‌ی آموزش و پرورش است؛ چرا که غیر از تأمین نیازها و خواسته‌های «آتی» مخاطبان خود، به تأمین خواسته‌های آتی آنان نیز توجه ویژه خواهد داشت.



مروزی برساختار و فرایند تولید نشریات رشد

فریبرز بیات

**نشریات رشد چگونه  
منتشر می شوند؟**



#### اشاره

انتشار منظم و بدون وقفه‌ی ۳۲ عنوان مجله‌ی رشد در پنج دهه‌ی گذشته، از خط‌مشی روشن آموزشی، اهداف و راهبردهای مشخص، ساختار و سازمانی دقیق، و فرایندهای اجرایی سنجیده حکایت دارد. چرا که یک فراورده فرهنگی مطلوب و ارزشمند، بدون وجود سازمان و ساختاری منظم، به بار نخواهد نشست.

خط‌مشی، اهداف و راهبردهای نشریات رشد برای بسیاری از نمایندگان رشد و کارشناسان آموزشی و فرهنگی و روشن است، اما از ساختار و سازمان اجرایی که تحقق عینی و عملی اهداف و خط‌مشی‌های مذکور را ممکن و میسر می‌سازد، کمتر کسی اطلاع دارد. برای آشنایی با ساختار و سازمان تولید نشریات رشد، قبل از هر اقدامی باید نقشه‌ی کلان و مفهومی فرایند برنامه‌ریزی و تولید نشریات را مورد توجه و تدقیق قرار داد.

\* \* \*

#### سرمشق‌های سه‌گانه

در این نقشه‌ی مفهومی، برای تولید نشریات رشد سه سرمشق کلان در نظر گرفته شده‌است که عبارت‌اند از:

۱. اهداف و برنامه‌های آموزشی؛

۲. نیازها، علائق و نگرش‌های مخاطب؛

۳. استانداردهای مطبوعاتی.

از آن‌جا که رویکرد و خط‌مشی نشریات رشد آموزشی است، پای‌بندی به اهداف و برنامه‌های آموزشی، اولین و مهم‌ترین سرمشق این مجلات است. با وجود تفاوت نقش و کارکردهای رسانه‌ها و نشریات با برنامه و کتاب درسی، در این باره اتفاق نظر وجود دارد که نشریات رشد، چه به‌عنوان رسانه‌ی آموزش‌های مکمل و فوق‌برنامه و چه به‌عنوان جزئی از یک بسته‌ی آموزشی که همه‌ی وسایل و رسانه‌های آموزشی را در خدمت اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت به‌کار می‌گیرد، می‌توانند نقشی اساسی در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی



ایفا کنند. به‌ویژه که در روند شتابان تغییر و تحولات فرهنگی و آموزشی، شیوه‌های آموزش غیررسمی، نرم، منعطف و غیرموظف هر روز با استقبال بیشتری از سوی فراگیرندگان مواجه می‌شوند، و در این میان، نشریات آموزشی و کمک‌آموزشی در اشکال چاپی و الکترونیک خود، جایگاهی ویژه در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس امروز و فردا داشته و خواهند داشت.

اما اگر يك ضلع تولید نشریات نیازهای سازمان آموزش و پرورش و اهداف و برنامه‌های آموزشی و درسی است، ضلع و سرمشق دیگر آن‌ها، نیازهای مخاطبان نشریات است. توجه به نیازها، علائق و نگرش‌های مخاطبان، هم به‌عنوان گروه هدف برنامه‌های آموزشی و هم به‌عنوان مخاطب نشریات و رسانه‌ها از ضروریات است. بدون شناخت زمینه و بسترهای پیام و نیازهای مخاطب، هر نوع اطلاع‌رسانی تیر شلیک کردن در تاریکی است. توجه به مخاطب که در اقتصاد از آن به‌عنوان «مشتری‌مداری» یاد می‌شود، در رسانه‌های فرهنگی و آموزشی جایگاهی فراتر

یافته است و مخاطب از يك مصرف‌کننده صرف، براساس اصل دوسویگی و تعامل رسانه‌ای، به مشارکت‌کننده در فرایند تهیه، تولید و تنظیم پیام تبدیل شده است.

نشریات رشد براساس چنین اصلی، شناخت نیازها، علائق و نگرش‌های مخاطبان و تعامل و مشارکت با آن‌ها را به‌عنوان دومین سرمشق خود برگزیده‌اند و می‌کوشند با انجام نظرسنجی و نیازسنجی‌های دوره‌ای و منظم، گفت‌وگوی نزدیک و چهره‌به‌چهره با آن‌ها و نیز اختصاصی از صفحات نشریات به آثار آن‌ها، زمینه‌ی مشارکت مخاطبان را در فرایند تولید نشریات فراهم آورند. نشریات رشد، به‌عنوان سومین سرمشق، استانداردهای مطبوعاتی را در نظر دارند که بیشتر ناظر بر فرم و قالب ارائه‌ی مطالب و پیام‌هاست. پیام‌ها و محتوا هر چند متعالی، فنی و سرشار از اطلاعات تازه و جذاب باشد، چنان‌چه در شکل و قالب مناسب ارائه







نشود، شوق و اشتیاق را برمی‌گیرد و احتمالاً مورد مطالعه قرار نخواهد گرفت. اهمیت میزان تأثیر قالب و فرم ارائه‌ی پیام در رسانه‌ها تا حدی است که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند: «رسانه خود پیام است.»

تکنیک‌ها و اصول ارائه‌ی پیام عموماً بر روان‌شناسی تیب غالب مخاطبان متکی است؛ این‌که مخاطبان چگونه نسبت به پیام‌ها کنش و واکنش نشان می‌دهند، چگونه پیام‌ها را انتخاب، جذب، هضم و انباشت می‌کنند، نحوه‌ی آرایش و چیدمان پیام‌ها چه تأثیری بر درک و دریافت آن‌ها می‌گذارد و ... .

نشریات رشد اگرچه خط‌مشی آموزشی دارند، اما این مشی را در قالب نشریه و رسانه ارائه می‌کنند. از همین‌جاست که با وجود اهداف مشترک، نشریات و مجلات آموزشی از کتاب درسی جدا می‌شود. تازگی و روزآمدی، انعطاف و عدم اجبار و فشار، تنوع و تکرار، و تعامل مستمر با مخاطب، از جمله وجوه تمایز آشکار و غیرقابل انکار مجلات آموزشی با کتاب‌های درسی است و مجلات رشد به خوبی بر این تفاوت‌ها را بازتاب می‌دهند.

### فرایند برنامه‌ریزی

یافته‌ها و نتایج حاصل از سرمشق‌ها در زمینه‌ی اهداف و برنامه‌های آموزشی، نیازها و علائق مخاطبان و استانداردهای مطبوعاتی، در کمیته‌ی هماهنگی سیاست‌ها و رویکردهای محتوایی مجلات باهم تلفیق می‌شوند. این کمیته مرکب از نمایندگان معاونت‌های آموزش و پرورش رسانه‌های ذی‌ربط، نمایندگان دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، نمایندگان مراکز و مؤسسات پژوهشی مرتبط، و نیز نمایندگان و سردبیران مجلات رشد است.

پس از تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه‌ی سالانه،



سردبیران و شورای برنامه‌ریزی هر يك از مجلات رشد، متناسب با آن، به تدوین برنامه‌ی سالانه‌ی مجله مبادرت می‌کنند. شورای برنامه‌ریزی هر مجله شامل سردبیر و ۳ تا ۴ نفر کارشناس در زمینه‌ی آموزشی و تربیتی، مطبوعاتی و موضوع تخصصی هر مجله است. برنامه‌ی پیشنهادی هر يك از مجلات، پس از بررسی و نهایی شدن برای اجرا به مجلات بازگردانده می‌شود. از این مرحله به بعد، سردبیر، شورای برنامه‌ریزی و اعضای هیئت تحریریه‌ی مجلات که بیشتر به‌صورت ستادی با مجلات همکاری می‌کنند اقدام به تبدیل و ترجمه‌ی برنامه به مواد و مطالب خواندنی برای هر يك از شماره‌های مجله، به تناسب ظرف زمانی و مقتضیات و شرایط اجتماعی و فرهنگی، می‌کنند.



### زمینه‌ی اجرایی

تولید مجلات رشد شامل سه مرحله است:

الف) تولید محتوا و مطالب: این بخش پس از تدوین برنامه، از سفارش تهیه‌ی مطالب آغاز می‌شود، با بررسی و تأیید مطالب از سوی شورای برنامه‌ریزی، ویرایش و پیرایش مطالب، و تأیید مدیرمسئول ادامه می‌یابد و با ارسال پرونده‌ی خبر برای بخش فنی و هنری به پایان می‌رسد.

ب) تولید فنی و هنری: این بخش، از دریافت پرونده‌ی خبر برای حروف‌چینی آغاز می‌شود، با آماده‌سازی، رسامی، تصویرسازی، عکاسی، صفحه‌آرایی، تهیه‌ی ماکت و تأیید آن توسط مدیرمسئول ادامه می‌یابد و با ارسال سید ماکت به چاپ‌خانه، نظارت بر چاپ، و چاپ و صحافی به پایان می‌رسد.

ج) توزیع مجلات: این بخش از ثبت سفارش و تعیین





شمارگان موردنیاز برای هر يك از مجلات آغاز می‌شود، با اعلام شمارگان به چاپ‌خانه، دریافت مجلات، بسته‌بندی، صدور فاکتور فروش ادامه می‌یابد و سپس با ارسال برای مشترکین از طریق سیستم خاص توزیع می‌شود و نیز پست به پایان می‌رسد.

### ارزش‌یابی

آخرین حلقه از فرایند تولید نشریات رشد، ارزیابی و نقد است. این کار توسط «مرکز مطالعات» دفتر انتشارات کمک‌آموزشی انجام می‌شود. نقد و ارزیابی مجلات، متناسب با سه سرمشق اصلی مجلات، در سه بعد صورت می‌پذیرد:

الف) میزان تحقق اهداف و کارکردهای آموزشی و تربیتی مورد انتظار، متناسب با اهداف و راهبردهای مجلات.

ب) میزان تأمین علائق و نیازهای مخاطب، اعم از زنان و مردان، مطابق با پژوهش‌های نیازسنجی که آغاز فصل برنامه‌ریزی سالانه و یا پنج‌ساله‌ی مجلات انجام شده است.

ج) میزان رعایت استانداردهای مطبوعاتی از نظر تنوع عناوین و موضوعات، تعدد قالب‌های مطبوعاتی، تنوع و تکرار نویسندگان، جلب مشارکت مخاطبان، روزآمدی و تازگی، ویرایش و پیرایش و سلاست و روانی مطالب، نسبت مطالب به طرح و تصویر، و زیبایی و جذابیت بصری و گرافیکی (روند نمای ارزش‌یابی در ادامه آمده است).

با توجه به سه منظر مورد اشاره در نقد و ارزیابی مجلات، نوع بررسی‌ها نیز متفاوت است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تحلیل محتوای کمی سالانه‌ی مجلات که به‌صورت منظم و دوره‌ای هر ساله انجام می‌شود و هدف از آن عبارت است از ارزیابی آنچه تولید شده با برنامه‌ی ارائه شده، اهداف و

راهبردهای مجلات و نیز استانداردهای مطبوعاتی.  
۲. ارزیابی از نگاه مخاطبان که به صورت سالانه و به تفکیک در استان‌های گوناگون انجام می‌شود.  
۳. ارزیابی از نگاه کارشناسان آموزشی و مطبوعاتی که گذشته از مطالعات موردی که هر ساله صورت می‌گیرد، به صورت منظم مطابق با برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله انجام می‌شود.

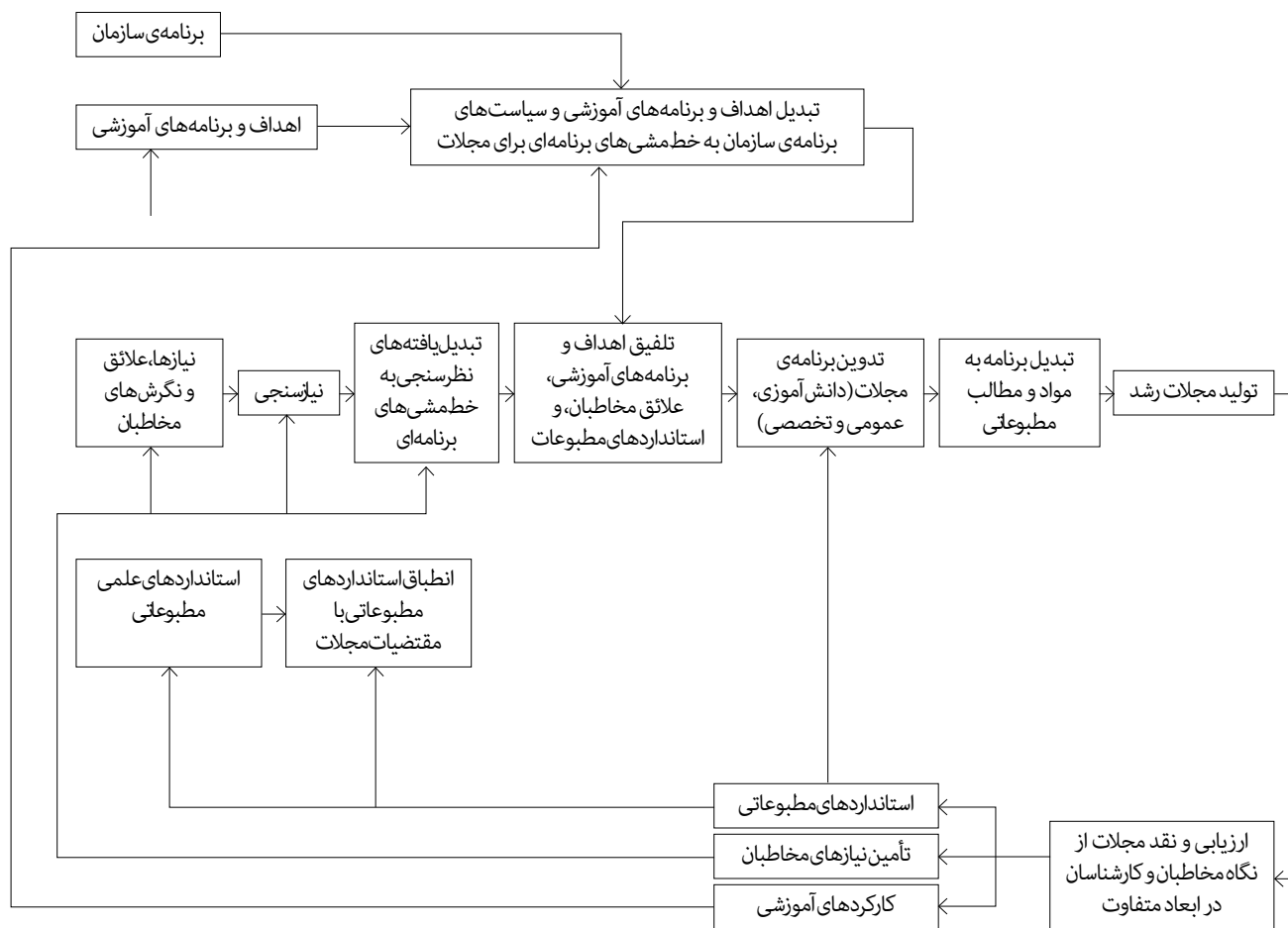
در کنار این نوع پژوهش‌های منظم، مرکز مطالعات دفتر، پژوهش‌های دیگری چون مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ی نشریات رشد با نشریات مشابه و یا تحلیل ثانویه‌ی مطالعات انجام شده در زمینه‌ی نشریات کودک و نوجوان توسط سایر مراکز پژوهشی و هم‌چنین، مطالعات آینده‌نگرانه در زمینه‌ی چشم‌اندازهای آتی تولید نشریات آموزشی در ایران و جهان انجام می‌دهد که همگی در خدمت برنامه‌ریزی و کیفیت‌بخشی تولید نشریات رشد هستند.

در واقع، فرایند تولید نشریات رشد که با سه سرمشق اهداف و برنامه‌های آموزشی، نیازها، علائق و نگرش‌های مخاطبان، و استانداردهای مطبوعاتی آغاز می‌شود، پس از طی چرخه‌ی تولید محتوا، تولید فنی و هنری و توزیع، با ارزش‌یابی نشریات از منظر همان سه سرمشق و این‌که تا چه اندازه در جهت تأمین و تحقق آن‌ها موفق عمل کرده‌اند، پایان می‌یابد.

هم‌چنان که نقشه‌ی مفهومی نشان می‌دهد، یافته‌ها و نتایج ارزیابی‌ها مجدداً در چرخه‌ی برنامه‌ریزی و تولید نشریات قرار می‌گیرد تا در شماره‌ها و دوره‌های بعدی نشریات مورد توجه قرار گیرد و لحاظ شود.



## نقشه‌ی مفهومی فرایند برنامه‌ریزی تولید مجلات رشد



## فرایند اجرایی تولید مجلات کمک آموزشی رشد

ردیف	شرح فعالیت	نماد	مسئولیت	مدارک ذی ربط	توضیحات
۱	نیازسنجی برای تولید مجلات	شروع	مرکز مطالعات		یادداشت ۱ (موارد مورد بررسی نیازسنجی)
۲	تدوین برنامه‌ی یک ساله	۱	سردبیران و شورای برنامه‌ریزی مجلات	برنامه‌ی یک سال	
۳	بررسی برنامه‌ی یک ساله	۲	شورای نظارت محتوایی	برنامه‌ی یک سال	
۴	آیا برنامه‌ی یک ساله مورد تصویب است؟	۳	شورای نظارت محتوایی		برگشت به مرحله‌ی ۲ برای اصلاح برنامه است
۵	ارائه به کمیته‌های هماهنگی	۴	شورای نظارت محتوایی	جدول صفحات مجله	یادداشت ۳ (کمیته‌ی تلفیق یا هماهنگی)
۶	تولید محتوای مجله	۵	سردبیر	پرونده‌ی خبر	
۷	تهیه‌ی ماکت مجله	۶	واحد تولید فنی - هنری	پرونده‌ی خبر	براساس دستورالعمل واحد تولید فنی - هنری
۸	بررسی ماکت (انجام مراحل نظارت محتوایی در سه مرحله)	۷	ناظران محتوایی، معاون برنامه‌ریزی مجلات، مدیرمسئول	ماکت مجله	
۹	آیا ماکت تهیه شده، مورد تأیید است؟	۸			
۱۰	خیر) ارسال برای سردبیر برای لحاظ کردن اصلاحات	۹	مدیرکل دفتر	ماکت مجله	
۱۱	بله) ارسال برای سردبیر برای ادامه‌ی مراحل آماده‌سازی	۱۰	مدیرکل دفتر	ماکت مجله	
۱۲	تولید سی‌دی مجله براساس مراحل پیش‌بینی شده و ارسال آن برای چاپ (به دستور مدیرکل)	۱۱	واحد تولید فنی - هنری	دستورالعمل واحد تولید فنی - هنری	
۱۳	چاپ مجله (نظارت در طول چاپ تا پایان آن صورت می‌گیرد)	۱۲	چاپ‌خانه‌ی افست / ناظر چاپ دفتر		
۱۴	تحويل به اداره‌ی توزیع برای توزیع	۱۳	چاپ‌خانه		
۱۵	توزیع مجلات بین سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق	۱۴	اداره‌ی توزیع و بایگانی	دستورالعمل توزیع بازگانی	
۱۶	قرار دادن مجلات در سایت مربوطه	۱۵	واحد نشر الکترونیک		
۱۷	بایگانی سوابق	۱۶	دفتر مجلات		
		۱۷			
		پایان			





برای تولید نشریات رشد سه سرمشق کلان در نظر گرفته شده است که عبارت اند از:

۱. اهداف و برنامه های آموزشی؛

۲. نیازها، علائق و نگرش های مخاطب؛

۳. استانداردهای مطبوعاتی

تولید مجلات رشد شامل سه بخش است: تولید محتوا و مطالب، تولید فنی و هنری، توزیع مجلات





# رشد

فریبا کی

## تحلیلی از پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام‌شده درباره‌ی مجلات رشد

### مقدمه

براساس برخی شواهد تاریخی، از حدود پنج هزار سال قبل، نخستین کوشش‌های انسان برای بیان و انتقال اخبار، مهارت‌ها، احساسات و تجربیات خود به دیگران، با حکاکی تصاویر و کلمات روی گل پخته و یا پوست حیوانات و گیاهان، آغاز شد. با اختراع پاپيروس (۱۰۵ ق.م) در مصر و سپس پیدایش کاغذ (در سال ۷۵۰ میلادی در سمرقند و ۹۰۰ میلادی در بغداد)، گام‌های مهمی در راه ارتقا، ماندگاری و هم‌افزایی دانش و فرهنگ بشری برداشته شد. از اختراع دستگاه چاپ (۱۴۵۰ م) توسط گوتنبرگ و رونق صنعت چاپ و نشر تاکنون، ارتباطات مکتوب و تولید کتاب و مجله، تحولات شگفت‌آور کمی و کیفی فراوانی را شاهد بوده است. برخی برآوردها و شواهد قطعی مبین آن است که این تحول و پیشرفت با ورود بشر به موج سوم تمدن و عصر دیجیتال و فناوری‌های نوین، روزبه‌روز شتاب و گستره‌ی وسیع‌تر و عمیق‌تری خواهد یافت. به طوری که امکان پیش‌بینی و مواجهه با پیامدها و تأثیرات آن برای بسیاری از جوامع و نظام‌های آموزشی و پرورشی، دشوار و حتی غیرممکن خواهد بود.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های این تلاش خستگی‌ناپذیر و مقدس، میل شدید انسان برای بقا و امتداد خود در تاریخ و آینده است. انسان امروزی بر شانه‌ی دانسته‌ها و تجربیات گذشتگان ایستاده و با تفاخر به فرهنگ و تمدن خود می‌نگرد. بی‌تردید این دستاوردهای عظیم در سایه‌سار انباشت دانش‌ها و توسعه‌ی آموزش تعلیم و تربیت متصور است. توسعه‌ی علم و فناوری، و گسترش دانش ارتباطات و انتشارات، معلول و نتیجه‌ی ارتقای آموزش و در عین حال، عامل بسط و تقویت فرایند تعلیم و تربیت است. بررسی اجمالی تاریخ و مسیر پر فراز و نشیب تربیت و آموزش نشان می‌دهد که «کتاب» و «نوشته»، عناصر ثابت و ابزار اصلی آن بوده‌اند. بنا بر باور جامعه‌شناسان علوم ارتباطی، آموزش و خبرسانی از اولین کارکردهای ارتباط مکتوب انسان‌ها قلمداد می‌شوند و با توسعه‌ی فرهنگ و گسترش نیاز عمومی، به تدریج رسانه‌ها نقش‌های تفریحی و تبلیغی و سپس نقش‌های تفسیری و راهنمایی را نیز عهده‌دار شده‌اند.

### الف) پیشینه‌ی نشریات مدرسه‌ای

کتاب و نوشته جزء لاینفک آموزش و پرورش از دورترین زمان ممکن بوده است و اولین کتاب درسی را به کامینوس نسبت می‌دهند. بی‌تردید مریبان و برنامه‌ریزان آموزشی، برای ارتقا و بهبود کیفیت آموزش، تکمیل و تعمیق یادگیری و توسعه‌ی مهارت‌ها، علاوه بر کتاب درسی به ابزارهای کمک درسی و مجلات و رسانه‌های غیررسمی توجه داشته‌اند. برخی پیدایش نخستین مجلات کمک آموزشی و نشریات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان<sup>۱</sup> را به اولین سال‌های قرن هفدهم و به اروپاییان نسبت می‌دهند. هدف عمده‌ی این مجلات تکمیل آموزش‌های رسمی و یا پر بار کردن آن‌ها و هم‌چنین تقویت مهارت‌هایی بود که برنامه‌های آموزشی در مدارس دنبال می‌کردند.

این شیوه، یعنی تولید نشریات و مجلات کمک آموزشی با تکیه بر آموزه‌های مدرسه‌ای و اهداف آموزش و پرورش رسمی و بهتر کردن این مجلات، در سایر جوامع و کشورهای که تقویت و بهبود نظام آموزشی خود را مدنظر داشتند، دنبال شد. در کشور ما نیز اولین تلاش‌ها برای نشریات آموزشگاهی، هم‌گام با اصلاح نظام اجتماعی و توسعه‌ی مطبوعات کشور، به ایجاد «مدرسه‌ی پرکنیز» در اواسط قرن سیزدهم و دوره‌ی محمد شاه قاجار و سپس مدرسه‌ی دارالفنون (۱۲۵۸ هـ. ق) باز می‌گردد. تا قبل از دوران پهلوی (اوایل ۱۳۰۰ هـ.

ش)، نشریات آموزشگاهی بسیاری در ایران وجود داشتند که روزنامه‌ی علمیه دولت علیه ایران (۱۲۹۰ هـ. ق)، دانش (۱۲۹۹ هـ. ش)، مدرس فارسی (۱۳۰۰ هـ. ش) دبستان خرد (۱۳۰۴ هـ. ش)، تربیت (۱۳۱۴ هـ. ش)، و معارف (۱۳۱۶ هـ. ش) از مهم‌ترین آن‌ها بودند. دست‌اندرکاران این نشریات عمدتاً با اندرزه‌های مستقیم و استفاده از آیات و روایات، به تشویق دانش‌آموزان، برای کسب علم و معرفت و معرفی توانایی‌های خود می‌پرداختند. بی‌شک این نشریات نقش مهمی در اعتلای دانش و فرهنگ عمومی در ایران برعهده داشته‌اند.

در سال ۱۳۰۶ هـ. ش، با تشکیل رادیو و تلویزیون آموزشی و نیز «اداره‌ی کل هنرهای زیبا»، نقش مجلات کمک آموزشی بارزتر شد. در مهر ماه سال ۱۳۴۳، «مرکز خواندنی‌های نوسودان» ایجاد شد که به تولید نشریاتی با عنوان اصلی «پیک» و عناوین فرعی دانش‌آموز

دفتر انتشارات کمک آموزشی با هدف تقویت نظام آموزشی، اشاعه‌ی هدف‌ها و برنامه‌های رسمی آموزش و کاهش شکاف بین آموزش رسمی و آموزش رسانه‌ای، سامان‌بخشی مجلات و نشریات آموزشی را به عنوان یک طرح بلندمدت پیگیری می‌کند

(۱۳۴۳)، معلم (۱۳۴۳)، نوآموز (۱۳۴۶)، کودک (۱۳۴۸)، جوان و خانواده (۱۳۴۷) و نوجوان (۱۳۵۱) انجامید. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این مجلات با توقیفی سه ساله، مجدداً با عنوان «رشد» و از سوی «دفتر امور کمک آموزشی و کتاب‌خانه‌ها»، و سپس در سال ۱۳۷۷ «توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» منتشر شدند و به تدریج عناوین تازه‌ای نیز به این خانواده افزوده شد؛ از جمله: رشد تکنولوژی آموزشی (۱۳۶۳)، رشد کودک (۱۳۷۲)، رشد آموزش ابتدایی (۱۳۷۶)، رشد مدیریت مدرسه (۱۳۸۰) رشد مدرسه فردا (۱۳۸۳) و رشد پیش‌دبستانی (۱۳۸۷). در حال حاضر مجلات رشد در ۳۱ عنوان (۱۱ عنوان رشد عمومی، ۱۹ عنوان فصل‌نامه‌ی رشد اختصاصی در رشته‌ها و دروس متفاوت، و یک عنوان سال‌نامه) در شمارگانی مجموعاً قریب به ۳۶ میلیون نسخه در سال منتشر می‌شوند.

### ب) ضرورت تحقیق در مورد مجلات

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، «تحقیق» و برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون تحصیلی، دانشجویان مراکز تربیت معلم و معلمان، مربیان و اولیای دانش‌آموزان در زمینه‌ی مطالب خواندنی مناسب کمک‌آموزشی و حرفه‌ای و تولید مطالب خواندنی مناسب با استفاده از «یافته‌های پژوهشی و تحقیقی»، متناسب با علاقه و نیازهای مخاطبان را از اهداف و وظایف خود می‌داند. این دفتر با هدف تقویت نظام آموزشی، اشاعه‌ی هدف‌ها و برنامه‌های رسمی آموزش و کاهش شکاف بین آموزش رسمی و آموزش رسانه‌ای، سامان‌بخشی مجلات و نشریات آموزشی را به عنوان یک طرح بلندمدت پی‌گیری می‌کند.

بدیهی است که دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، برای رسیدن به این اهداف و رویکرد، رعایت استانداردهای مطبوعاتی و رسانه‌ای، و رقابت با انبوه رسانه‌ها و ابزارهای جذاب دیگر، به ویژه رسانه‌های جدید سمعی، بصری، اینترنتی و نشریات درون آموزشگاهی و یا مدرسه‌ای که از سوی نهادهایی غیر از آموزش و پرورش در اختیار و یا دست‌رس مخاطبان بالقوه‌ی مجلات رشد قرار می‌گیرند، لزوماً باید اتکا به تحقیق، هوشمندی، تنوع‌بخشی و مخاطب‌شناسی را در سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهد. به علاوه، باید برنامه‌های کمی و کیفی خود را با توجه به وظایف و مأموریت‌هایش و نیازهای واقعی و سلائق مخاطبان خود تنظیم کند؛ در غیر این صورت ممکن است به تدریج در برابر رقبای قدرتمند خود به انفعال و عقب‌نشینی ناچار شود.

از سوی دیگر، چنان‌که گفته شد، در حال حاضر با توجه به حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموزان کشور و حدود یک میلیون نفر کارکنان وزارت آموزش و پرورش، حدود ۳۶ میلیون نسخه مجلات رشد با عناوین و موضوعات متعدد به صورت ماه‌نامه، فصل‌نامه و سال‌نامه برای استفاده‌ی مخاطبان چاپ و منتشر می‌شوند که سرمایه‌های انسانی، فکری، مالی و امکانات فراوانی را مصروف خود می‌کند. لذا استفاده‌ی بهینه و ارتقای اثربخشی و کارایی آن‌ها به انجام پژوهش‌های مختلف و متنوع و استفاده از یافته‌های آن‌ها نیازمند است.

در حال حاضر با توجه به حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموزان کشور و حدود یک میلیون نفر کارکنان وزارت آموزش و پرورش، حدود ۳۶ میلیون نسخه مجلات رشد با عناوین و موضوعات متعدد به صورت ماه‌نامه، فصل‌نامه و سال‌نامه برای استفاده‌ی مخاطبان چاپ و منتشر می‌شوند که سرمایه‌های انسانی، فکری، مالی و امکانات فراوانی را مصروف خود می‌کند

هم‌چنین مطابق اسناد موجود، از جمله «اهداف، راهبردها و ساختار نشریات رشد»، مصوب سال ۱۳۸۲ «شورای هماهنگی علمی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف زیر برای این نشریات ترسیم شده‌اند:

۱. تکمیل و تقویت برنامه‌های آموزش رسمی؛
۲. ارتقای دانش عمومی و مهارت‌های زندگی؛
۳. تقویت هم‌بستگی اجتماعی و هویت دینی و ملی؛
۴. رشد استعداد، ابتکار، خلاقیت علمی و ذوق و سلیقه‌ی فرهنگی؛
۵. تفریح، سرگرمی، ایجاد نشاط و تقویت احساس امید؛
۶. کمک به تبادل تجارب و تقویت ارتباطات فکری و فرهنگی.

بدیهی است که حصول هر یک از این اهداف و راهبردهای آن و بررسی سازوکار، کمیته‌ها و ساختارهایی که برای تحقق آن‌ها پیش‌بینی و ایجاد شده است، و هم‌چنین میزان دستیابی به سایر اهداف جزئی و کلی که از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات کمک‌آموزشی برای مجموعه‌ی این نشریات و هر یک از عناوین آن‌ها ترسیم شده است، مستلزم انجام طرح‌های پژوهشی زمان‌بندی شده و ادواری است. این پژوهش‌ها که در قالب‌ها و شیوه‌های متنوعی از جمله مقطعی<sup>۱</sup>، طولی<sup>۲</sup>، مطالعه‌ی روند<sup>۳</sup> و تحلیل محتوا<sup>۴</sup> قابل تصور و اجرا هستند، هم به ارزیابی و دریافت تصویری نزدیک‌تر و واقع‌بینانه‌تر از موفقیت و کارایی در جهت رسیدن به اهداف کمک می‌کنند و هم مسئولان و برنامه‌ریزان را برای دستیابی به روش‌ها و راهکارهای نوین برای ارتقای کمی و کیفی این نشریات یاری می‌رساند.

### ج) مروری بر نتایج برخی پژوهش‌ها

تاکنون ارزیابی‌های گوناگونی در زمینه‌ی شناخت سلاقت و دیدگاه‌های مخاطبان مجلات رشد، مانند معلمان و دانش‌آموزان، در استان‌ها و مناطق متفاوت کشور انجام شده است. در ادامه، به اجمال برخی از مهم‌ترین آن‌ها و نتایجشان مرور می‌شود.

- طرح نظرسنجی درباره‌ی مجله‌ی رشد دانش‌آموزی «نوآموز» در مدارس شهر تهران نشان داد که نزدیک به ۹۷ درصد دانش‌آموزان، رنگ‌آمیزی تصاویر مجلات را پسندیده‌اند.
- ارزش‌یابی سودمندی مجله‌ی رشد تکنولوژی آموزشی بیان می‌دارد: مخاطبان نسبت به این مجله دیدگاه مثبت داشته و مطالب آن را برای افزایش دانش شغلی خود سودمند تشخیص داده‌اند و اعلام کرده‌اند که میزان آشنایی معلمان و همکارانشان با مجله اندک است.
- گزارش نظرخواهی از معلمان در مورد ماه‌نامه‌ی «رشد آموزش ابتدایی» نشان می‌دهد که در مجموع از نظر خوانندگان، محتوای مجله در حد «زیاد» مفید و قابل استفاده است. هم‌چنین اهداف این مجله از نظر معلمان تا حد زیاد متناسب است با محتوای تولید شده است.

انجام طرح‌های پژوهشی زمان‌بندی شده و ادواری که در قالب‌ها و شیوه‌های متنوعی از جمله مقطعی، طولی، روند و تحلیل محتوا قابل تصور و اجرا هستند، هم به ارزیابی و دریافت واقع‌بینانه‌تر از موفقیت و کارایی در جهت رسیدن به اهداف کمک می‌کنند و هم مسئولان و برنامه‌ریزان را برای دستیابی به روش‌ها و راهکارهای نوین برای ارتقای کمی و کیفی این نشریات یاری می‌رساند

● ارزیابی شش نشریه‌ی عمومی رشد (نوجوان، جوان، معلم، مدیریت مدرسه، تکنولوژی آموزشی و آموزش ابتدایی) از نگاه دانش‌آموزان، کادر اجرایی مدارس، کارشناسان آموزش و پرورش و کارشناسان مطبوعاتی نشان داد:

- ۴۹ درصد دانش‌آموزان، رشد نوجوان را مرتب و به‌طور متوسط، ۷۵ دقیقه در کل مطالعه می‌کنند، جدول و سرگرمی آن را بیشتر می‌پسندند و به‌طور متوسط در سال پنج شماره از مجله را دریافت کرده‌اند. از نظر پاسخ‌گویان این مجله به موقع در مدرسه توزیع نمی‌شود و عکس‌ها و طرح‌های آن جذاب نیست و قیمت آن کمی گران است.

- ۱۱۹۰ دانش‌آموز مناطق ۱۹ گانه شهر تهران و شهرستان‌های تابعه درباره‌ی رشد جوان اعلام کرده‌اند: یک ساعت در هفته و ۴۲ درصد مجله را مطالعه می‌کنند. بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموزان هیچ‌کدام از مجلات رشد، به جز رشد جوان را نمی‌شناختند. میزان دستیابی مجله به اهداف خود را نیز پایین‌تر از متوسط خواندند.

- براساس نظرخواهی از ۱۶۹ نفر از معلمان، میزان آشنایی آنان با رشد تکنولوژی آموزشی ۵۷ درصد، با رشد مدیریت مدرسه ۴۰ درصد و با رشد آموزش ابتدایی را ۳۷ درصد بود. ۷۲ درصد از معلمان قیمت مجلات را مناسب دانستند و تنوع موضوعات آن را کم ارزیابی کردند.

- ۱۸۴ نفر از مدیران مدارس شهر و شهرستان‌های استان تهران، علاقه‌ی خود را به رشد مدیریت مدرسه ۶۱ درصد، متناسب بودن آن را با نیازها و انتظارات شغلی خود ۶۲ درصد، تناسب حجم آن را ۷۹ درصد و جذابیت عکس‌ها و طرح‌های آن را ۴۱ درصد اعلام کردند. آنان خواستار افزایش مطالب سرگرم‌کننده مانند جداول علمی، چیستان، عکس و کاریکاتور بودند.

● مجلات رشد از نظر خصوصیات کلی تا حد زیادی توسط کارشناسان مطبوعاتی تأیید شده‌اند، ولی در ارتباط با خصوصیات مطبوعاتی و گرافیکی ارزیابی مثبتی نداشته‌اند.

● اغلب کارشناسان آموزشی قالب‌های مطبوعات مجلات رشد را تأیید کرده‌اند و در ارتباط با بعضی از مجلات، پیشنهاد تغییر در قالب‌های موجود را ارائه داده‌اند.

● بررسی یافته‌های نظرسنجی معلمان و کادر آموزشی استان‌های آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان و گلستان نشان می‌دهد: معلمان این استان‌ها تمایل بیشتری به خواندن مطالب تحقیقی و آموزشی مندرج در مجلات رشد دارند.

● مجلات پیوند، تربیت، زندگی، و خانواده سبز، به ترتیب از دیگر مجلات مورد مطالعه‌ی معلمان و کادر آموزشی بوده‌اند.

● براساس گزارش یافته‌های نظرسنجی در استان خراسان: دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه در ارزیابی رشد جوان مطالب مورد علاقه‌شان را به ترتیب داستان، مطلب ادبی، جدول و سرگرمی، طنز و چیستان و مطالب علمی - آموزشی اعلام کردند.

● بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموزان، تعداد عکس‌های رشد دانش‌آموز را در دوره‌ی مورد بررسی کم دانستند و خواهان افزایش آن



اغلب کارشناسان آموزشی قالب‌های مطبوعات مجلات رشد را تأیید کرده‌اند و در ارتباط با بعضی از مجلات، پیشنهاد تغییر در قالب‌های موجود را ارائه داده‌اند

بودند. براساس نظرسنجی در همین راستا، ۶۳/۹ درصد دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی، رشد دانش‌آموز را بهتر و قوی‌تر از سایر مجلات ارزیابی کردند.

● یافته‌های نظرسنجی از معلمین و کادر آموزشی استان سمنان درباره‌ی مجلات عمومی و تخصصی رشد نشان داد: درصد قابل توجهی از معلمین، ارزیابی مثبتی از مجلات رشد معلم دارند و در حد زیاد، محتوای مجله را متناسب با نیازهای معلمان و کادر آموزشی می‌دانند. این تحقیق به ارزیابی کیفیت مجلات رشد در مقایسه با سایر مجلات پرداخت و بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان آن را قوی‌تر از سایر مجلات برشمردند. معلمین این استان مباحث مورد نیاز خود را به ترتیب علمی، آموزشی، روان‌شناسی، تربیتی، خاطرات و تجربیات معلمان و مدیران اعلام کرده‌اند.

● یافته‌های نظرسنجی از ۷۶۶ نفر از معلمین و کادر آموزشی درباره‌ی مجلات عمومی و تخصصی

رشد معلمان مبین آن است که: اکثر معلمان مطالب علمی- پژوهشی و پس از آن مطالب روان‌شناختی و تربیتی را مطالعه می‌کنند. آنان مجلات ۳۲ صفحه‌ای را بیشتر می‌پسندند. ۶۳/۷ درصد معلمان این استان، محتوای مجلات را متناسب با نیازهای معلمین و کادر آموزشی دانستند. هم‌چنین اغلب پاسخ‌گویان در حد متوسط به تهیه‌ی مقاله برای مجله تمایل داشتند.

● ارزیابی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی استان یزد از رشدهای «کودک» و «نواموز» نشان داد، از مجموع ۲۵۱۵ نفر دانش‌آموزان این نظرسنجی، ۵۱/۹ درصد از دانش‌آموزان مجله رشد را به تنهایی، ۴۵/۲ درصد با پدر و مادر و تنها ۲/۹ درصد آن‌ها به کمک معلم مطالعه می‌کنند.

● ارزیابی دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم از رشد دانش‌آموز در استان سمنان نشان داد: بیشترین علاقه‌ی دانش‌آموزان به لطیفه و چیستان و سپس داستان‌های این مجله است. ۶۰ درصد دانش‌آموزان نیز نقاشی‌های مجله را خوب و مناسب دانستند.

● ارزیابی ۵۵۳ نفر از دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی از رشد کودک و رشد نوآموز در استان سمنان (مرکز مطالعات دفتر انتشارات کمک آموزشی - ۱۳۸۸) نشان داد: بیشترین علاقه‌ی دانش‌آموزان به شعر، داستان، سرگرمی و لطیفه است و ۵۴ درصد دانش‌آموزان غیر از رشد به مطالعه سایر منابع نیز می‌پردازند.

● ارزیابی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی از رشد نوجوان مبین آن است: بیشترین علاقه‌ی دانش‌آموزان به مطالب علمی- آموزشی، طنز و چیستان، جدول و سرگرمی و سپس داستان است و پسران تمایل بیشتری برای همکاری با مجله دارند. براساس همین نظرسنجی، به نظر حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان، این مجله در مقایسه با سایر نشریات قوی‌تر است.

#### د) آسیب‌شناسی پژوهش‌ها

نتایج تحقیقات، نظرخواهی‌ها و نیازسنجی‌های انجام شده درباره‌ی مجلات رشد، دستاوردها و آثار نسبتاً مفید و ارزنده‌ای در پی داشته و در مسیر سال‌ها انتشار، با استفاده از نظرات، پیشنهادها و

ارزیابی ۵۵۳ نفر از دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی از رشد کودک و رشد نوآموز نشان داد: بیشترین علاقه‌ی دانش‌آموزان به شعر، داستان، سرگرمی و لطیفه است



انتقادات مخاطبان، تحولات کیفی و کمی شایان توجهی در مجلات به عمل آمده؛ و تجارب و اطلاعات و ارزیابی‌های معتنا بهی حاصل شده است. مجموعه‌ی گزارش‌های نظرسنجی درباره‌ی این مجلات، گنجینه‌ی قابل توجهی را در اختیار مدیران، برنامه‌ریزان، نویسندگان، دست‌اندرکاران، ناشران و موزعین قرار داده است که می‌توانند از آن برای بهتر کردن بروندها، پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان و تنظیم اهداف خود بپردازند. با وجود این و ضمن ارج نهادن به تلاش‌های انجام شده و احترام به نتایج حاصل، نکات زیر در این راستا قابل طرح هستند.

گرچه این پژوهش‌ها، از ابعاد متفاوت پاسخ‌گویی بخشی از سؤالات مهم در بعضی زمینه‌ها هستند، اما بنا به اظهار برخی کارشناسان و دست‌اندرکاران، عملاً تأثیر قابل ملاحظه، چشم‌گیر و شایسته‌ای بر کمیت و کیفیت این نشریات نداشته‌اند و این مجلات کم و بیش با ویژگی‌های نسبتاً ثابتی کماکان منتشر می‌شوند. در بررسی و جمع‌بندی دلایل این امر، می‌توان به آسیب‌های زیر اشاره کرد:

۱. نارسایی پوششی: تاکنون پژوهش‌های اندکی در گستره‌ی ملی در این حیطه انجام شده‌اند و بررسی‌های انجام شده عمدتاً به یک یا چند شهرستان و حداکثر دو یا چند استان معطوف بوده‌اند. از این منظر، نتایج آن‌ها فاقد قابلیت تعمیم به سایر استان‌ها و مناطق کشور است. انجام پژوهش‌ها و نظرخواهی‌های ملی و در گستره‌ی کشوری، از نیازها و خلأهای این زمینه است.

۲. عدم استمرار: از منظر دیگر، بسیاری از این تحقیقات در مقطع زمانی مشخصی انجام شده‌اند و صرفاً عکس‌برداری مقطعی از یک دوره‌ی زمانی هستند. در حالی که ضرورت دارد، این بررسی‌ها در توالی‌های زمانی مشخص و در جوامع و نمونه‌های آماری کارشناسی شده تجدید شوند تا قابلیت دستیابی به دیدگاهی مشخص و پایدار را افزایش دهند و بتوانند به طراحان و تهیه‌کنندگان نشریات در روند اصلاح و بهبود، روش‌های نظام‌مند و موثقی ارائه کنند.

۳. ناهماهنگی روش و یافته‌ها: از بررسی پژوهش‌های انجام شده درمی‌یابیم که هر یک از آن‌ها حتی درباره‌ی یک نشریه، از روش تحقیقی مجزا و سؤالات و تحلیل‌های متفاوتی استفاده کرده‌اند. لذا نتایج حاصل با یکدیگر متفاوت‌اند و امکان مقایسه و تطبیق نتایج و استفاده‌ی عملی از یافته‌ها را محدود می‌سازند.

۴. تکیه بر نظرات مخاطبان: بسیاری از گزارش‌های موجود صرفاً نظرخواهی و یا سنجش و ارزیابی علائق مخاطبان و عمدتاً دانش‌آموزان یا معلمان محسوب می‌شوند. از این منظر، کمبود پژوهش‌هایی

که با استفاده از اصول روان‌شناختی و متناسب با ویژگی‌های سنی، جنسیتی، جغرافیایی، دوره‌ی تحصیلی و سایر شرایط اقتصادی و اجتماعی مخاطبان، به بررسی و تحلیل مطالب و موضوعات و نیازهای واقعی (نه ابراز شده) مخاطبان بپردازند، احساس می‌شود.

۵. کم توجهی به اهداف: تاکنون بررسی‌هایی که به تطابق موضوعات و مطالب مجلات رشد با اهداف راهبردی آن‌ها بپردازند، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند. توفیق این نشریات در غنی‌سازی فرایند آموزش رسمی و موفقیت آن‌ها در تلفیق آموزش و پرورش و همراهی با آموزش رسمی، از جمله اهدافی است که سنجش میزان تحقق آن احتمالاً به روش‌هایی فراتر از نظرسنجی و به‌کارگیری تکنیک‌های پژوهشی وسیع‌تر، پیچیده‌تر و تحلیل‌های عمیق‌تری نیازمند است. لذا در این حوزه باید تحقیقات جداگانه و جامع‌تری به انجام برسند.

براساس گزارش یافته‌های  
نظرسنجی در استان خراسان:  
دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه  
در ارزیابی رشد جوان مطالب  
مورد علاقه‌شان را به ترتیب  
داستان، مطلب ادبی، جدول  
و سرگرمی، طنز و چیستان و  
مطالب علمی - آموزشی اعلام  
کردند



۶. عدم مشارکت سایر واحدها: تقریباً تمامی ارزیابی‌ها، پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های انجام شده، به سفارش و یا توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی که مسئولیت تدوین و انتشار این نشریات را برعهده دارد، انجام شده‌اند. ضرورت دارد سایر واحدها و نهادهای بهره‌گیر از این نشریات در این راستا، پژوهش‌های مستقل و مجزایی به عمل آورند.

۷. مراجعه به مخاطبان بالفعل: بررسی اجمالی پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که نمونه‌ی آماری همه‌ی آن‌ها معلمان، دانش‌آموزان، اولیا و یا مسئولانی بوده‌اند که از مجلات کم و بیش استفاده می‌کردند و می‌توانستند درباره‌ی مطالب و موضوعات آن‌ها اظهارنظر کنند. در حالی که مخاطبان بالقوه‌ی بسیاری بین دانش‌آموزان، معلمان و سایر اقشار وجود دارند که به دلایل متفاوت به این مجلات و رسانه دست‌رسی ندارند و بنابراین از آن استفاده نمی‌کنند. مقایسه‌ی تعداد و شمارگان مجلات فعلی با مخاطبان بالقوه (جامعه‌ی دانش‌آموزان و معلمان) اندک می‌نماید و اساساً با آن قابل قیاس نیست. برای مثال، شمارگان رشد نوجوان و رشد جوان (میانگین مجموع در هر شماره، ۸۰۸۰۰۰ نسخه) در برابر جمعیت دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی و متوسطه (۷/۷۲۰/۰۰۰ نفر) بسیار ناچیز است. شمارگان رشد علوم اجتماعی و یا رشد هنر، در برابر تعداد معلمان و یا مخاطبانی که بالقوه می‌توانند از این مطالب بهره‌برند، نسبتاً پایین است و تاکنون پژوهش‌های قابل اعتنایی درباره‌ی دلایل عدم علاقه یا استفاده‌ی این مخاطبان از این نشریات به عمل نیامده است.

۸. فقدان رقیب جدی در عرصه‌ی آموزشی: برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که نشریات رشد به هر حال وابسته به وزارت آموزش و پرورش هستند. سایر نشریاتی که از سوی سایر دانشگاه‌ها یا بخش غیردولتی تولید می‌شوند، لزوماً در چارچوب اهداف و وظایف آموزش و پرورش نیستند و خط‌مشی اغلب آن‌ها آموزشی نیست، و نیز به دلیل محدودیت‌های ساختاری، امکان ورود به مدارس را ندارند. در حالی که وجود مخاطب مطمئن، نبود رقیب و وابستگی نشریات رشد به دولت، پایداری بازار و اطمینان نسبی فروش و عرضه را برای تهیه‌کنندگان آن ایجاد می‌کند. بنابراین لازم است قواعد بازار، قانون انتخاب کالای مرغوب و عرضه و تقاضا بر این نشریات حاکم شود تا تحقیق و توسعه در آن‌ها، از صورت تفنن و تزئینی بودن، به نیاز واقعی تبدیل شود و مورد توجه واقعی باشد.

از طرف دیگر، عده‌ای بر این باورند که اتکای نشریات رشد به بودجه‌های محدود دولتی، در واقع محدودیتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند که سبب می‌شود، هرگونه نظر اصلاحی برای بهره‌گیری از کارکنان و نویسندگان مجرب، رعایت قواعد ژورنالیستی و استانداردهای مطبوعاتی، بهبود کاغذ و تصویر، ارتقای محتوا و بهره‌گیری از نظرات نوین با دشواری و مشکل روبه‌رو شود. به هر حال به نظر می‌رسد در این زمینه نکات قابل بحث بسیاری وجود دارند که نیازمند تأمل و بازاندیشی هستند.

۹. کمبود کارشناسان و محدودیت بودجه‌ی پژوهشی: دفتر انتشارات کمک آموزشی، به دلیل محدودیت‌های اداری، مالی، حاکمیت‌ساز و کارهای اداری، برای جذب پژوهشگران توانمند و با انعقاد قراردادهای پژوهشی با کارشناسان و پژوهشگران، با محدودیت‌های عدیده‌ای روبه‌روست که دامنه‌ی انجام تحقیقات کاربردی، مستمر و تطبیقی را با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو می‌سازد. در این راستا، می‌توان تشکیلات مناسب، کتاب‌خانه و اطلاعات تازه، مدیریت با ثبات و علاقه‌مند و پشتیبان پژوهش، اختیارات روشن، ارتباطات منطقی و روان با مدارس، معلمان و سایر مراکز پژوهشی، و وجود برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت را مورد بررسی قرار داد.

۱۰. عدم باور و بی‌اعتنایی به نتایج تحقیقات: گله‌مندی پژوهشگران از به کار نرفتن تحقیقات و بی‌توجهی کارشناسان، مدیران و تصمیم‌گیران به نتایج یافته‌ها و یا بی‌اعتمادی به کاربرست نتایج، از دلایل و زمینه‌هایی هستند که در اغلب حوزه‌های پژوهش در علوم

انسانی و اجتماعی در کشور ما وجود دارند و حوزه‌ی مجلات رشد نیز از این امر مستثنا نیست. کمبود پژوهشگران علاقه‌مند، عدم همکاری مسئولان مدارس، کم‌ثباتی مدیریت‌ها و تغییرات دیدگاه‌ها، مواجهه‌ی سلیقه‌ای با تحقیق و پژوهش، نوپایی تحقیق در زمینه‌ی علوم ارتباطات، کمبود دانش نظری و عملی در این حیطه و... از جمله دلایل دیگری هستند که در حوزه‌ی آسیب‌شناسی تحقیقات در زمینه‌ی مجلات رشد می‌توان به اجمال به آن‌ها اشاره کرد.

### ه) جمع‌بندی و پیشنهادات

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و آرمان‌های متعالی نظام، اهداف وسیع و والایی را برای نظام آموزشی کشور و پرورش انسان‌هایی در شأن و تراز جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده است. «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی»، با بهره‌گیری از سال‌ها تجربه‌اندوزی در طراحی و تهیه‌ی کتاب و مجلات کمک‌آموزشی، برای ایفای نقش شایسته‌ی خود در راستای پرورش انسان‌های توانمند، لزوماً باید با اتکا به یافته‌های پژوهشی و گسترده و عمیق رویکرد تحقیق‌مداری، برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را نظام‌مند و پژوهش‌محور سازد و با بهره‌گیری از تجارب و یافته‌های قبلی و آسیب‌شناسی موقعیت موجود، به بهسازی و روزآمد کردن نظام پژوهشی و برنامه‌ریزی خود بپردازد.

تقویت و تعمیق مطالعات راهبردی و ایجاد زمینه‌ها و رویکردهای جدید، به رفع آسیب‌ها و چالش‌های موجود در حوزه‌ی پژوهش می‌انجامد و به کارآمدی و تسریع در رسیدن به اهداف آن کمک می‌کند. با توجه به آسیب‌ها و چالش‌هایی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، پیشنهاد می‌شود:

- ابتدا از نظرسنجی‌ها و پژوهش‌ها در حوزه‌ی مجلات و کتاب‌های رشد، «فراتحلیل»<sup>۴</sup> انجام شود و با دستیابی به نکات و نقاط مشترک در این تحقیقات، به اجرای موضوعات مورد توافق اهتمام شود.
- با ایجاد زمینه‌های جدید و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی و کارشناسی، علاوه بر نظرسنجی و توجه به زمینه‌های ژورنالیستی و ظاهری مجلات، به سایر ابعاد آن‌ها، مانند میزان دستیابی آن‌ها به اهداف و راهبردهای پیش‌بینی شده و راه‌های کسب مخاطبان تازه نیز، با اهتمام بیشتری اندیشیده شود.

- به منظور گسترش مشارکت سایر نهادهای پژوهشی و بسط و تقویت روحیه‌ی رقابت، برای ورود نشریاتی که قواعد و استانداردهای آموزشی و تربیتی موردنظر سازمان را کم و بیش تأمین می‌کنند زمینه‌های ورود به مدرسه فراهم آید و هم‌زمان، به اجرای پژوهش‌های تطبیقی با همکاری سایر دستگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی اقدام شود.
- برای ایجاد سازوکار مناسب‌تر به منظور تعامل و ارتباط مستمر و نزدیک‌تر استفاده‌کنندگان و مخاطبان رشد با برنامه‌ریزان و تهیه‌کنندگان، چاره‌اندیشی شود؛ به طوری که در اسرع وقت، امکان دریافت بازخوردها و تأثیرات مثبت و منفی نظرات و دیدگاه‌ها در مورد کیفیت و محتوای ارائه شده در مجلات فراهم شود.

کمبود پژوهشگران علاقه‌مند، عدم همکاری مسئولان مدارس، کم‌ثباتی مدیریت‌ها و تغییرات دیدگاه‌ها، مواجهه‌ی سلیقه‌ای با تحقیق و پژوهش، نوپایی تحقیق در زمینه‌ی علوم ارتباطات، کمبود دانش نظری و عملی در این حیطه و... از جمله دلایل دیگری هستند که در حوزه‌ی آسیب‌شناسی تحقیقات در زمینه‌ی مجلات رشد می‌توان به اجمال به آن‌ها اشاره کرد

● اهتمام و عنایت دست‌اندرکاران مجلات و مسئولان به اجرا و کاربست یافته‌ها و نتایج تحقیقات؛ به طوری که نظردهندگان و پژوهشگران احساس کنند، تحقیقات و نظرات آن‌ها در بهبود ارتقای نشریات مؤثر است و به توسعه‌ی فرهنگ پژوهش و بهبود کارایی نشریات می‌انجامد.

#### زیرنویس

۱. Curriculum Supplement
۲. Sectional
۳. Lonngitudinal
۴. Trend Studies
۵. Analyzis
۶. Meta Analyzis

#### منابع

۱. زارعیان، داود. مبانی کلی ارتباطات. انتشارات کارگزار روابط عمومی. تهران. ۱۳۸۵.
۲. دل‌آور، علی. روش‌های نظری و عملی در تحقیق. انتشارات رشد. تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۲.
۳. مجموعه‌ی کتاب‌های سال‌نامه رشد. دفتر انتشارات کمک آموزشی. شماره‌های اول تا چهارم.
۴. حداد، حسین. نظرسنجی درباره‌ی مجلات رشد. دانش‌آموزان مدارس شهر تهران. ۷۵-۱۳۷۴.
۵. مرعشی، سید علی اکبر. ارزش‌یابی سودمندی مجلات رشد تکنولوژی آموزشی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران. ۱۳۷۶.
۶. صادق موسوی، سید خسرو. گزارش نتایج نظرخواهی از معلمان در مورد ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی. دفتر مجلات رشد آموزش ابتدایی. تهران. ۱۳۷۸.
۷. بخشنده، فرهاد. «بررسی میزان ارتباط مجله رشد نوجوان با نیازها و علائق دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی شهر تهران». ۱۳۷۹.
۸. شرکت مطالعات اجتماعی پیمایش امروز. «ارزیابی شش نشریه‌ی عمومی رشد از نگاه مخاطبان، کارشناسان مطبوعاتی و آموزشی» (۱۰ جلد). ۸۴-۱۳۸۳.
۹. توفیق محمدی، فاطمه. «گزارش یافته‌های معلمان و کادر آموزشی استان آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان و گلستان». تهران. ۱۳۸۶.
۱۰. موسوی، سید محمد. «گزارش یافته‌های نظرسنجی در استان خراسان: ارزیابی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه از مجله‌ی رشد جوان». دفتر انتشارات کمک آموزشی. مرکز مطالعات.
۱۱. خادمی، سید جلال. «نظرسنجی استان خراسان: ارزیابی دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی از مجله‌ی رشد دانش‌آموز». دفتر انتشارات کمک آموزشی، مرکز مطالعات. ۱۳۸۷.
۱۲. توفیق محمدی، فاطمه. «نظرسنجی استان سمنان: ارزیابی معلمان و کادر آموزشی از مجلات عمومی و اختصاصی رشد». دفتر انتشارات کمک آموزشی، مرکز مطالعات. ۱۳۸۸.
۱۳. فروهش تهرانی، غلام‌رضا. بررسی یافته‌های معلمان و کادر آموزشی استان یزد درباره مجلات عمومی و اختصاصی مجلات رشد معلم دفتر انتشارات رشد کمک آموزشی، مرکز مطالعات. ۱۳۸۸.
۱۴. خادمی، سید جلال. «گزارش نظرسنجی استان یزد: ارزیابی دانش‌آموزان اول، دوم و سوم ابتدایی از مجلات رشد نوآموز و کودک». دفتر انتشارات کمک آموزشی، مرکز مطالعات. ۱۳۸۸.
۱۵. موسوی، سید محمد. «نظرسنجی استان سمنان: ارزیابی دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی از مجله‌ی رشد دانش‌آموز». دفتر انتشارات کمک آموزشی، مرکز مطالعات. ۱۳۸۸.
۱۶. لطفی‌زاده، فاطمه. «گزارش یافته‌های نظرسنجی در استان سمنان: ارزیابی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی از مجله‌ی رشد نوجوان». دفتر انتشارات کمک آموزشی، دفتر مطالعات. ۱۳۸۸.



يك بحث جدی درباره‌ی  
شوخی در مجله‌ی رشد نوجوان

حبيب يوسفزاده

# هر چیز خنده داری طنز نیست



تجربه‌ی سالیان گذشته نشان داده بود که اگر قرار است، مطلب ویژه‌ای برای مجلات دانش‌آموزی تدارک ببینیم، باید چندماه زودتر دست به کار شویم؛ چون اگر کارها را در زمان خودشان انجام دهیم، ناگهان متوجه می‌شویم که کار از کار گذشته و زمان از دست رفته است. برای همین امسال تصمیم گرفتیم یک‌ماه پیش‌دستی کنیم و شماره‌ی ششم «رشد نوجوان» (اسفند ۸۸) را به یک ویژه‌نامه‌ی نوروزی طنز تبدیل کنیم. زیرا مجله‌ی ویژه‌ی فروردین‌ماه، به خاطر شلوغی آخر سال، گاهی بعد از سیزده‌بدر به دست دانش‌آموزان می‌رسد. از این رو، جلسه‌ی فوق‌العاده ترتیب داده شد تا درباره‌ی جزئیات کار تصمیم‌گیری شود.

شاید این سؤال پیش بیاید که: چه ضرورتی دارد، موضوعی تا این حد داخلی، در «هزار نقش» انعکاس یابد؟ اهمیت موضوع در این است که: اولاً، این موضوع خیلی هم داخلی نیست و نتیجه‌اش دیر یا زود خارجی می‌شود! ثانیاً تجربه‌ای است از هم‌اندیشی و نوع دغدغه‌ها و نظرات یک گروه کارشناسی درباره‌ی طنز در نشریه‌ی ویژه‌ی نوجوانان. قبل از پرداختن به موضوع بحث، لازم است افراد شرکت‌کننده به اجمال معرفی شوند:

۱. **مجید عمیق:** یاور فرهیخته‌ی مجله از دیار آذربایجان. به راستی حق این نام خانوادگی زیبا را ادا کرده و عمق اطلاعات ایشان به ویژه در حوزه‌ی علوم کودکان و نوجوانان مثال‌زدنی است. ده‌ها جلد کتاب تألیف و ترجمه در کارنامه‌ی درخشان خود دارد. گاهی از خودم می‌پرسم یک وجب سینه و آن همه علم؟! من که عقلم به جایی نمی‌رسد و امیدوارم هر روز عمیق‌تر از دیروز باشد.

۲. **امیرحسین فردی:** ایشان اگر همین یک افتخار را داشت که یکی از بنیان‌گذاران حوزه‌ی هنری بوده است، بس بود. اما خودش بس نمی‌کند! آقای فردی که دوستان نزدیکش امیرخان صدایش می‌زنند، چندین جلد کتاب، رمان و زندگی‌نامه‌ی داستانی خوب در کارنامه‌ی ادبی‌اش دارد. حدود ۳۰ سال است که سردبیری هفته‌نامه‌ی کیهان بچه‌ها را برعهده دارد و... ادامه‌ی معرفی آقای فردی را درز می‌گیریم، چرا که با فروتنی و روحیه‌ی ضد شهرت‌طلبی که دارد، نگران نگاه معنی‌دار ایشان هستیم؛ نگاهی که از صد تا حرف بدتر است. پس بگذریم!

۳. **احمد عربلو:** به قول خودش از بچگی سردبیر بوده است، به عبارت دقیق‌تر، بیش از ۱۵ سال سردبیری مجله‌ی رشد نوجوان را برعهده داشته است که خود در دنیای رسانه پدیده‌ای جالب است و دست کمی از «رییس‌جمهور مادام‌العمر» ندارد. عربلو در ادبیات کودک و نوجوان به طنزنویس شهره است؛ یعنی درست راست کار این جلسه!

۴. **علی اصغر جعفریان:** نام کوچکش بیشتر برای رد گم کردن است و گرنه در خیلی از زمینه‌ها «اکبر» است. غیر از قلم زیبای ایشان که در کتاب خاطراتش از دوران دفاع مقدس انعکاس داشته، بیش از ۲۰ سال تدریس در دوره‌های گوناگون تحصیلی، از او یک جامعه‌شناس و روان‌شناس تجربی ساخته و رابط اصلی مجله با مدارس و دانش‌آموزان است.

۵. **کیوان تاج‌الدینی:** وقتی این روزها چهره‌ی او را به عنوان گوینده‌ی خبر در تلویزیون می‌بینم، از خلقت خدا در شگفت می‌شوم که از چنان دانش‌آموز پرشر و شوری، چنین شخصیت عمیقی ساخته است. البته به خاطر تفاوت‌های فردی، ایشان عمق خودش را

**یوسف‌زاده: قرار است مطلبی درباره‌ی سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی داشته باشیم. چه‌طور است یکی از دوستان داوطلب شود و آن را در قالب طنز بیان کند**

دارد و آقای مجید عمیق هم عمق خودش را. تاج‌الدینی در زمان حکمرانی عربلو، مشاور مجله‌ی رشد نوجوان بود و حالا خدا می‌داند با يك دست چند تا هندوانه را قل می‌دهد!

۶. یوسف حبیب‌زاده: نگارنده‌ی این مطلب است و کرامات او نیازی به بیان ندارد. همین که يك گفت‌وگوی دوستانه را (ولو با موضوع طنز) بهانه‌ای برای قلم‌فرسایی کرده است، نشان می‌دهد که چه‌طور قاطی این جماعت شده و اکنون وارث تاج و تخت عربلو در مجله‌ی رشد نوجوان است. مهم‌تر از همه این که موجب انبساط خاطر دوستان است و البته این کم چیزی نیست!

### و اما طنز در مجله‌ی رشد نوجوان

یوسف‌زاده: دوستان، دلم می‌خواهد تمام شوخ‌طبعی خود را رو کنید تا با يك ویژه‌نامه‌ی طنز در آخرین ماه زمستان، با بهار هم‌دست شویم و حسابی به ریش زمستان بخندیم! برای این کار باید مجموعه‌ای از مطالب طنز پدر و مادر داری تدارك ببینیم. چون می‌دانید که هر مطلب خنده‌داری، طنز نیست. فردی: یعنی يك جور طنز فاخر که جلف نباشد و سر شوخی را آن قدر باز نکند که نشود دوباره آن را جمع کرد!

عمیق: حضرات! طنز علمی با من. اصلاً نیازی به این جور جلسات و قرتی‌بازی‌ها نیست. کافی است نگاهی به تاریخ علم بیندازیم تا از خنده روده‌بر شویم. جعفریان: یعنی تا این حد؟

عمیق: بله که تا آن حد! مثلاً مدتی قبل در جایی خواندم که روزی سفیدپوست‌ها با سرخ‌پوست‌ها برخورد می‌کنند. یکی از پیرمردان سفیدپوست موقع حرف زدن، دندان مصنوعی‌اش از دهانش می‌افتد، این عمل از نظر سرخ‌پوست‌ها آن قدر حیرت‌انگیز بوده است که پیش پایش به سجده می‌افتند!

جعفریان: این کجایش مربوط به علوم بود؟!

عمیق: خب می‌توانیم این رویداد تاریخی را شروع يك مطلب علمی درباره‌ی اختراع دندان مصنوعی قرار دهیم. آن قدر جالب است که مخاطب را وادار می‌کند مطلب را تا آخر با زبان خودش بخواند! اصولاً طنز باید با اندرز همراه باشد، اما نه اندرزی که باد هواست. اندرزی که مستقیم بزند به بُرجك دنیای کسل‌کننده‌ی بعضی‌ها و حالشان را جا بیاورد.

یوسف‌زاده: کارهای آقای عربلو در مجلات رشد نوجوان امسال، نمونه‌های موفق هستند، ایشان طنز سیاسی را به دنیای نوجوانان کشانده است. برای مثال، يك گفت‌وگوی خیالی با صدام حسین یا مطلبی با عنوان «از دفترچه‌ی خاطرات شاه»، بستر خوبی برای آشنا ساختن نوجوانان با مسائل تاریخی و اجتماعی است.

عمیق: صبر کنید! يك چیز دیگر یادم آمد. می‌گویند روزی دریانوردی در ساحل دریا آتش روشن کرده بود. در اثر حرارت از سنگ‌های سیلیس شیشه ترشح کرد و بشر به‌طور اتفاقی دوشیدن شیشه از سنگ را کشف کرد. البته آن بشر از داستان حضرت سلیمان

عربلو: همین‌طور وقتی  
درباره‌ی تاریخچه‌ی تلگراف  
می‌نویسیم، می‌توانیم در  
کنار آن به رایج شدن اصطلاح  
«حرف‌مفت» در تاریخ تلگراف  
کشورمان اشاره کنیم





فردی: به ویژه باید نوجوانان را با روی دیگر سکه بیشتر آشنا کنیم. بچه‌ها باید متوجه باشند که قدرت‌های بزرگ از هیاهوی جام جهانی چه سوءاستفاده‌هایی می‌کنند

(علیه‌السلام) و استفاده‌ی گسترده از آبگینه در ساخت قصر آن حضرت بی‌اطلاع بوده است. این قبیل رویدادها شاید خیلی خشک باشند و در دنیای طنز نم‌پس ندهند، اما چیزهایی مثل نقش سب در کشف نیروی جاذبه یا حتی کشف لاستیک، از لحاظ قابلیت طنزپردازی غنی‌تر از اورانیوم بیست درصد است.

عربلو: ممکن است درباره‌ی طنز لاستیک کمی توضیح بدهید!

عمیق: از حوصله‌ی این جلسه خارج است. آخر جلسه، بیرون منتظرم باش!

یوسف‌زاده: قرار است مطلبی درباره‌ی سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی داشته باشیم. چه‌طور است یکی از دوستان داوطلب شود

و آن را طنز کند!

تاج‌الدین: می‌گویند روزی يك قاضی، مجرمی را به هزار ضربه شلاق محکوم کرد. مجرم اعتراض کرد: جناب قاضی، یا شمردن بلد

نیستی یا نمی‌دانی شلاق چیست! برادر من! هر چیزی را که نمی‌شود طنز کرد.

عربلو: البته می‌توان تا حدی از طنز زبانی بهره گرفت و مثل لاستیک، جذابیت و انعطاف‌پذیری آن را بالا برد.

عمیق: می‌توان هر معضل اجتماعی یا رویداد خاصی را به زبان طنز بازسازی کرد. مثلاً این‌که امروزه خیلی از خانه‌ها، جایگاه خود

را به‌عنوان کانون گرم خانواده از دست داده‌اند و به علت گرفتاری‌های مفرط اعضای خانواده، بیشتر شبیه خوابگاه شده‌اند که می‌شود



چند ساعتی در آن جا خوابید و برای دوندگی‌های روز بعد آماده شد. عربلو: همین‌طور وقتی درباره‌ی تلگرافی می‌نویسیم، می‌توانیم در کنار آن به رایج شدن اصطلاح «حرف مُفت» در تاریخ تلگراف کشورمان اشاره کنیم. اصولاً بیان هرگونه مطلبی، اعم از تاریخی یا علمی، در قالب شاداب و چالاک طنز، تاریخ انقضای آن را در ذهن افراد طولانی‌تر می‌کند و ماندگارتر می‌شود. فردی: در ویژه‌نامه‌ای که تدارک می‌بینیم، باید سعی کنیم آن‌چه می‌نویسیم جزو مسائل یا دغدغه‌های نوجوانان باشد. برای مثال، معضل سوء‌تغذیه و نخوردن صبحانه بین دانش‌آموزان شایع است. عادت‌های ناروا باید طوری به زبان طنز مورد انتقاد قرار گیرند که در نهایت، فرد به تجدیدنظر در رفتارش ترغیب شود.

جعفریان: از رویدادهای جالب برای نوجوانان، مثل جام جهانی فوتبال هم نباید غافل بود. فردی: به ویژه باید نوجوانان را با روی دیگر سکه بیشتر آشنا کنیم. بچه‌ها باید متوجه باشند که قدرت‌های بزرگ از هیاهوی جام جهانی چه سوءاستفاده‌هایی می‌کنند. غالباً شاهد بوده‌ایم، دنیای استخبار بسیاری از تهاجمات گسترده‌ی خود را علیه ملت‌ها در میان جار و جنجال جام جهانی انجام می‌دهد تا صدا به صدا نرسد.

عمیق: مهم این است که مطالب طنز و فانتزی خود را نیز به گرمابه‌ی حقایق ببریم و بگذاریم لیف و صابون منطق به بدنش بخورد!

گاهی ناب‌ترین واقعیت‌ها را می‌توان با زبان طنز به بهترین شکل انتقال داد. افسانه‌ای به نام «مردی که کلبه‌اش را به آتش کشید» یادم آمد که جوموکنیاتا، رییس‌جمهور سابق کنیا، آن را نوشته است و در آن چگونگی نفوذ استعمار به کنیا را به زبان طنز شرح داده است.

یوسف‌زاده: اگر به بیان منظورتان کمک می‌کند، کمی بیشتر توضیح بدهید. عمیق: ماجرای مرد فقیری است که در یک شب بارانی، یک فیل سرش را به داخل کلبه‌ی او می‌کند و از او می‌خواهد که اجازه دهد، سر و گوشش تا بند آمدن باران در کلبه بماند. اما مرحله

به مرحله جلوتر می‌آید و عاقبت مرد بینوا را از آن طرف کلبه به بیرون پرت می‌کند. قصه‌اش مفصل است.

این جور طنزهای تاریخی و اجتماعی، می‌توانند به آگاهی و میزان هوش اجتماعی و قدرت استنباط بچه‌ها بیفزایند.

یوسف‌زاده: داستان این رییس‌جمهور محترم را می‌گذاریم توی نوبت چاپ در شماره‌های آینده.

عمیق: دارم به خودم امیدوار می‌شوم. خوب می‌توانم یک سردبیر دل‌نازک را به چاپ وسوسه کنم! از شوخی گذشته، وظیفه‌ی ماست که در میدان تره‌بار ادبیات مرتب پرسه بزنیم و بهترین و لذیذترین میوه‌ها را برای مخاطبین خود دست‌چین کنیم.

جعفریان: با توجه به سابقه‌ی طولانی شما در امر ترجمه، بگویید درباره‌ی آثار ترجمه چه نظری دارید و موقع مراجعه به میدان تره‌بار، جایگاه آن‌ها در سبد شما چیست؟

عمیق: خوب شد یادم انداختی تا کمی از خودم تعریف کنم! من فقط به یک مورد کوچک اشاره می‌کنم تا حساب کار دستتان

**عمیق: مهم این است که مطالب طنز و فانتزی خود را نیز به گرمابه‌ی حقایق ببریم و بگذاریم لیف و صابون منطق به بدنش بخورد**

بیاید. در مدت ۲۸ سال گذشته، حدود ۴۰۰۰ رمان خارجی مربوط به سال ۱۹۶۰ به این‌ور را بررسی کرده‌ام و ۲۰۰۰ تای این تعداد را خودم نخوانده‌ام. ویژگی بارز اکثر آن رمان‌ها این است که به‌طور آگاهانه یا ناخودآگاه، مفهوم خانواده در آن‌ها سُست شده است. ماجرا هست، قتل هست، خیانت هست، اما از روابط گرم خانوادگی و فامیلی خبری نیست. اکثر شخصیت‌ها انگار از زیر بوته عمل آمده‌اند.

فردی: يك دفعه بفرمایید، پدر و مادر دار نیستند و خیال را راحت کنید!

عمیق: بله، خلاصه‌اش همین می‌شود. این جور آثار در ضمیر ناخودآگاه مخاطبان بذر پوچی و بی‌تکیه‌گاهی می‌پراکنند. تاج‌الدینی: یکی از ضعف‌های ما، چه در طنز و چه در غیر آن، این است که هنوز نتوانسته‌ایم ادبیات غنی خودمان را در بسته‌بندی مناسب و مورد پسند مخاطب امروز عرضه کنیم. اگر کمی این موضوع را جدی بگیریم، بسیاری از سؤال‌های مخاطبان جواب داده خواهند شد و خواهیم دید که چه قدرت استنباط و استعداد خوبی برای درک مفاهیم عمیق دارند.

بگذارید مثالی عرض کنم. چندی قبل درباره‌ی جنگ «رستم و اسفندیار» برای پسرم که نوجوان است، صحبت می‌کردم. در پایان صحبت، از استنباط او شگفت‌زده شدم. گفت: «بابا، می‌دانی چرا اسفندیار از چشمش آسیب دید؟»  
گفتم: «نظر خودت چیست؟»

گفت: «چون اسفندیار از نگاهش فریب خورد. هیکل زورمند خود را با بدن پیر و سالخورده‌ی رستم مقایسه کرد و دچار توهم شد. معلوم بود که چشمش او را بر زمین خواهد زد!»  
فردی: نتیجه‌گیری جالبی بود. تلاش همه‌ی معلم‌ها و نظام آموزش و پرورش این است که قوه‌ی تمیز و توان تحلیل افراد را تقویت کنند.

تاج‌الدینی: به‌ویژه در شرایط امروز، باید راهبرد فرهنگی خودمان را براساس نیازهایمان ترسیم کنیم. یکی از دوستان من دارویی برای از بین بردن سوسک‌ها درست کرده بود و می‌خواست آن را به تولید انبوه برساند. کارکرد دارو این‌طور بود که آقا سوسکه باید ابتدا رغبت می‌کرد از آن دارو بخورد تا بمیرد. وقتی دید در عمل، سوسک‌ها از او زرنگ‌ترند، روش خود را عوض کرد. نوعی داروی خمیری درست کرد تا با قرار دادن در مسیر تردد سوسک‌ها و لای درزها، کارشان را بسازد.

جعفریان: شاید لازم باشد که ما هم گاهی نگاه‌ی به عملکرد خود بکنیم و ببینیم آیا روش درستی در پیش گرفته‌ایم؟ روش نرم و خمیری خیلی جاها جواب می‌دهد.

تاج‌الدینی: بله، اولویت اول ما ارتقای میزان آگاهی بچه‌هاست. اگر آن‌ها را با مشخصات هوایی‌های جنگنده‌ی دشمن آشنا نکنیم، چه بسا در روز مبادا، هوایی‌ماهای خودی را به اشتباه هدف بگیرند. پس باید فرزندان خود را تجهیز کنیم. یکی از پایدارترین روش‌ها برای این کار، همین زبان طنز است. ■

جعفریان: شاید لازم باشد که ما هم گاهی نگاه‌ی به عملکرد خود بکنیم و ببینیم آیا روش درستی در پیش گرفته‌ایم؟ روش نرم و خمیری خیلی جاها جواب می‌دهد



احمد عربلو

# نیم گاهی به مرکز بررسی آثار مجلات رشد

«مرکز بررسی آثار» مجلات رشد، با هدف بررسی و شناخت استعدادها و دانش آموزان و تحت حمایت قرار دادن هنرجویان مستعد، فعالیت خود را از حدود سال ۱۳۶۰ هم‌زمان با انتشار برخی از مجلات رشد دانش‌آموزی آغاز کرد. در یک نگاه کلی و گذرا، می‌توان فعالیت‌های مرکز را به سه دوره اصلی و مهم تقسیم کرد؛ به طوری که هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد. آن چه که در پی می‌آید، مختصری است از برخی از ویژگی‌های هر دوره.

### دوره اول: از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۷۳

● این مرحله، دوره تولد و شکل‌گیری مرکز به‌شمار می‌آید. حضور مسئولان آن زمان در «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی»، از جمله آقایان مهندس چینی‌فروشان، حمیدگروگان، مصطفی رحماندوست، سیدمهدی شجاعی و... به عنوان پشتوانه‌ی مرکز بررسی آثار، عامل مهمی بود که فعالیت مرکز را به‌عنوان یک نیاز کاملاً ضروری و قابل استفاده‌ی مجلات رشد نهادینه ساخت.

● مرکز در این دوران، بیشتر محل حضور و ملاقات این چهره‌ها و چهره‌های تازه‌کارتر با هدف نقد و بررسی قصه‌های مجلات رشد بود، به طوری که بسیاری از این چهره‌های تازه‌کار، به تدریج به نیروهای فرهنگی کارآمد تبدیل شدند و برخی از آن‌ها نیز در مجلات رشد به انجام کارهای فرهنگی پرداختند.

● در این مرحله، کارهای مرکز متمرکز نبود. نامه‌های برخی مجلات توسط کارشناسان خود مجله نقد و بررسی و پاسخ داده می‌شدند. هر مجله نیز طبق سلاقی خاص خود با این نامه‌ها برخورد می‌کرد.

● در طول این دوره، صفحاتی از مجلات رشد کودک، نوزاد، دانش‌آموز، نوجوان و جوان به آثار بچه‌ها اختصاص داشت.

● در زمینه‌ی مسابقات هم، برنامه‌ی منظم و حساب‌شده‌ای در کار نبود. بیشتر مسابقات از طرف رشد جوان برگزار می‌شد که حاصل زحمات همکاران در این مسابقات، چاپ و انتشار سه جلد کتاب



«ساقه‌های سبز» (جلد اول و دوم) و «در خاطر آینه» بود.  
● از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۶ نیز دو کتاب «در خاطر آینه‌ها» و «نیلوفرها»، گردآوری، تنظیم و چاپ شدند.

### دوره‌ی دوم: از سال ۱۳۷۴ تا پایان سال ۱۳۷۸

- در این دوره علی‌رغم تمام مشکلات موجود، به تدریج کارهای مرکز به صورت متمرکز برنامه‌ریزی شد. دستورالعمل مدیرکل وقت، جناب آقای سید محسن گلدان‌ساز و تهیه‌ی اساس‌نامه‌ی موزن برای مرکز، حرکت روبه‌رشدی را برای مرکز رقم زد.
- بخش‌های کارشناسی یکی پس از دیگری به شکل منظم به وجود آمدند، به طوری که می‌توان ادعا کرد که مرکز، مجموعه‌ی قابل قبولی از کارشناسان را در سال‌های گوناگون در یک جا جمع کرده بود.
- در این دوره، با جدی‌انگاشتن صفحات متعلق به هنرجویان در مجلات رشد، تفکیک دقیق هنرجویان از نظر سن و قابلیت‌های خاص در خلق اثر و توجه به شیوه‌های متفاوت پاسخ‌گویی با بهره‌گیری از دیگر کارشناسان (به‌غیر از کارشناسان قالب‌های ادبی - هنری)، فعالیت‌های مرکز از غنای بیشتری برخوردار شد.
- طرح انتشار رشدهای نوقلم، با هدف ایجاد زمینه‌ای جدی برای ارتباط با مخاطبان، در دسترس قراردادن برخی از آثار رسیده‌ی قابل قبول و دارای بار آموزشی برای دیگر هنرجویان مرکز همراه با نقد و بررسی، ارائه‌ی پاسخ به پرسش‌های مشترک هنرجویان، در دسترس قرار دادن بخش‌هایی از متون کم‌یاب و نایاب ادبی برای استفاده‌ی هنرجویان و... تدوین شد و با چاپ و انتشار چند شماره از آن، مورد استقبال قرار گرفت و به تدوین صاحب‌آیین‌نامه‌ی انتشار منظم هم شد. رشدهای نوقلم به‌عنوان مقدمه برای انتشار یک مجله‌ی کمک‌آموزشی طراحی شده بود.
- انتشار کتاب‌های «شعر و قصه‌ی رشد» دارای آیین‌نامه‌ای شد که به چاپ آن انسجام بخشید. چاپ ۱۳ جلد از این کتاب‌ها، حاصل منظم شدن این حرکت بسیار ارزنده‌ی مرکز است.
- تبدیل شدن بایگانی مرکز به سیستم رایانه‌ای نیز یکی دیگر از موفقیت‌های مرکز در این دوران به‌شمار می‌رود.
- مسابقات منظم، گسترده و هدفمندی برگزار شدند، به طوری که در این مدت، شاهد حداقل پنج

از سال ۱۳۷۰ تا اسفندماه ۱۳۸۵، مدیریت مرکز بررسی آثار بر عهده‌ی زنده‌یاد حسین حداد بود. از جمله کارهای ارزنده‌ای که در زمان حضور ارزنده‌ی وی در این مرکز انجام شد، انتشار «مجموعه‌ی شعر و داستان رشد» است که تا آن تاریخ، ۱۳ جلد از آن آثار منتشر و یادگار ماندگار او از این سال‌هاست

دوره‌ی کامل مسابقات ادبی - هنری بودیم.

### دوره‌ی سوم: از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۵

- در این دوره تدوین طرح «مجمع نوقلمان رشد» شروع شد. هدف از اجرای عملی مفاد آیین‌نامه‌ی این مجمع، ارائه‌ی راهکارهای جدید برای تربیت هنرجویان بود.



● در این دوره «باشگاه نویسندگان جوان رشد» نیز تأسیس شد. هدف از ایجاد این باشگاه، تدوین برنامه‌ی آموزشی در رشته‌های داستان، شعر، روزنامه‌نگاری، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی و... در قالب کلاس‌های آموزشی حضوری و غیرحضوری بود. محل این باشگاه در زمان محدود فعالیت خود، خارج از دفتر انتشارات کمک آموزشی بود.



● در این دوره کارهای مرکز تفکیک شد. نامه‌های مستقیم خوانندگان به سردبیران مجلات، توسط سردبیر و یا کارشناس خود مجله مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت. به‌علاوه، فعالیت مرکز منحصرآ روی بررسی و پاسخ‌نامه‌های تخصصی بچه‌ها در زمینه‌ی داستان، شعر، نقاشی، خاطره و قطعه‌ی ادبی، با سمت و سوی تربیت استعداد‌های ادبی کودکان، نوجوانان و جوانان متمرکز شد.



● تهیه‌ی سلسله جزوه‌های «نقاشی را در خانه بیاموزیم» نیز حاصل زحمات کارشناسان بخش نقاشی در این دوران بوده است که مرحله به مرحله، هنر نقاشی را به مخاطبان علاقه‌مند به نقاشی می‌آموزاند. لازم به ذکر است که از سال ۱۳۷۰ تا اسفندماه ۱۳۸۵، مدیریت مرکز بررسی آثار بر عهده‌ی زنده‌یاد حسین حداد بود. از جمله کارهای ارزنده‌ای که در زمان حضور ارزنده‌ی وی در این مرکز انجام شد، انتشار «مجموعه‌ی شعر و داستان رشد» است که تا آن تاریخ، ۱۳ جلد از آن آثار منتشر و یادگار ماندگار او از این سال‌هاست. روحش شاد و یادش گرامی!



Δ آثار منتخب نوقلمان در مجموعه کتاب‌های نوقلمان رشد منتشر می‌شود.







## بامخاطبان نشریات رشد

- شیوه‌های فعال‌سازی مخاطبان مجلات رشد
- يك سرو گردن نه، خیلی بیشتر
- ببخشید!
- استفاده از مجلات رشد در آموزش زبان و ادبیات فارسی



داود سلیمانزاده ممقانی\*  
(از مخاطبان فعال رشد)

# شیوه‌های فعال‌سازی مخاطبان مجلات رشد

«تحول در آموزش و پرورش امری تدریجی، مستمر و حتمی الوقوع است.»<sup>(۱)</sup>

از عبارت «تدریجی و حتمی الوقوع بودن» جمله‌ی اخیر می‌توان فهمید که این تغییر و دگرگونی به قصد رسیدن به اهداف غایی، با ارسال یک بخش‌نامه و به اصطلاح در چشم برهم‌زدنی! پدیدار نخواهد شد. از طرف دیگر، «حتمی الوقوع بودن» این تغییر و تحول در آموزش و پرورش به ما می‌گوید که نه تنها مقاومت در برابر تحولات پیش‌رو بی‌فایده خواهد بود، بلکه احتمالاً مهم‌ترین تغییر در آموزش و پرورش همانا تغییر در نوع نگرش‌ها و دیدگاه‌ها خواهد بود. به احتمال بسیار قوی، در آینده نگاه ما به آموزش و پرورش از نگاه سنتی فراتر خواهد رفت و از جریان کم‌رنگ، کم‌تحرك و بی‌روح فعلی فاصله خواهد گرفت. در این صورت، انتظار ما این است که بحث کیفیت در آموزش و پرورش در همه‌ی سطوح و ابعاد آن به جایگاه واقعی خود نزدیک‌تر شود و توجه به کیفیت محتوای آموزشی و به خصوص کیفیت نیروی انسانی برای مسئولان امر در درجه‌ی اول اولویت قرار بگیرد.

از همه‌ی آن‌چه که گفتم نتیجه می‌گیرم: مجلات رشد، در آینده‌ی نه چندان دور به عنوان یک هادی و راهنما به کمک کسانی خواهند آمد که علاقه دارند از سنگلاخ پرپیچ و خم تحول به سلامت رد شوند!

به نظر این حقیر، مطالعه‌ی مجلات رشد به این خاطر برای معلمان سودمند است که آنان را چراغ به دست به دنیای تحول وارد می‌کند و از احساس حقارت «خود کم‌بینی» دور نگه می‌دارد. به علاوه، احساس مفید بودن و خود را یک سر و گردن از دیگران بالاتر دیدن را در مخاطبانش تقویت می‌کند. هم‌چنین، مطالعه‌ی مجلات رشد هویت فرد را به عنوان یک انسان مستقل و آزاداندیش مورد تأکید قرار می‌دهد و عزت‌نفس او را بیشتر می‌کند.

از طرف دیگر، مطالعه‌ی مجلات رشد به ذی‌نفعان کمک می‌کند که کارشان را به صورت حرفه‌ای‌تری انجام دهند. منظور من از حرفه‌ای شدن، همانا مطابق اصول علمی کار کردن و در استفاده از تجربیات دیگران تخصص داشتن است. در این زمینه من معلم باید بدانم، یادگیرندگان فعلی آموزش و پرورش، دانش‌آموزان چشم و گوش بسته‌ی دیروزی نیستند که قادر به تشخیص سره از ناسره نباشند. اینان خیلی زود به فراست درمی‌یابند که معلمان حرفه‌ای و متخصص بهتر از سایر معلمانی که مطالعه‌ی

کمتری دارند، جریان آموزش را آسان می‌کنند. این دانش‌آموزان از مقایسه‌ی عملکرد خود با دیگران می‌فهمند که با بقیه فرق دارند. سطح سواد و معلوماتشان به این دلیل به سطح سواد دیگران می‌چربد که دانش‌آموخته‌ی معلمان حرفه‌ای هستند و با روش‌هایی غیر از روش‌های معمول و سنتی با آنان کار شده است. در این صورت، اولیای دانش‌آموزان نیز به دیده‌ی عزت و احترام به آنان می‌نگرند. در نتیجه منزلت اجتماعی این گونه معلمان در مقایسه با سایرین افزایش می‌یابد و پیوسته در جامعه تکریم و احترام بیشتری می‌بینند.

من نه تنها نگاه‌های مملو از احترام و حق‌شناسی اولیای دانش‌آموزانم را برای تدریس چند جلسه‌ی فشرده به صورت حرفه‌مند، هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، بلکه دستان پرمهر و محبت آنان را برای تعامل دوجانبه و مؤثرتر به گرمی می‌فشارم.

\* \* \*

از این‌که مجلات رشد مرا تا این حد قابل دانسته و مورد تفقد و لطف خویش قرار داده‌اند، برخود می‌بالم. اعتراف می‌کنم که در طول سالیان

نه تنها مقاومت در برابر تحولات  
پیش‌رو بی‌فایده خواهد بود،  
بلکه احتمالاً مهم‌ترین تغییر  
در آموزش و پرورش همانا تغییر  
در نوع نگرش‌ها و دیدگاه‌ها  
خواهد بود

گذشته، مجلات رشد برای من سراسر تجربه بوده‌اند. باور کنید که گلچین کردن بهترین آن‌ها برای من در این لحظه کار بسیار سخت و دشواری است. اما به خاطر قدردانی از همکاران عزیزی که در گمنامی و سکوت ریشه در سرچشمه‌ی آگاهی‌ها دارند، اما متأسفانه من نه آن‌ها را دیده‌ام و نه صدایشان را شنیده‌ام، و تنها از طریق مجله با دل‌نوشته‌ها و کارهایشان آشنا شده‌ام، تنها به ذکر یکی دو مورد بسنده می‌کنم.

\*\*\*

۱. در تدریس ریاضی، مبحث روش حل مسئله موضوعی است که تقریباً همه‌ی همکاران گرامی با آن درگیر هستند و من نیز همانند سایرین سعی داشتم، آن‌گونه که آموزش دیده بودم، انواع روش‌های حل مسئله را به دانش‌آموزانم یاد بدهم، اما کمتر موفق می‌شدم. دست‌رسی به برخی از منابع و کتاب‌های علمی نیز برای من در موقعیتی که قرار داشتم، اگر نگویم مقدور نبود، باید بگویم که به سختی مقدور بود. تنها منبع پرمایه‌ای که در آن وضعیت سخت و دشوار در اختیارم بود، «رشد آموزش ابتدایی» بود که هر چند با تأخیرهای یک ماهه! اما بالاخره به دستم می‌رسید. احساس می‌کردم با وضعیتی که من و دانش‌آموزانم در آن قرار داریم، به کارگیری روش‌های پیچیده با توجه به مشکلات خاص دوزبانگی دانش‌آموزان منطقه مشکل‌مرا حل نخواهد کرد.

بنابراین «چه باید می‌کردم؟ آیا باید دست روی دست می‌گذاشتم و بی‌هیچ تکاپویی منتظر معجزه می‌شدم؟ یا این‌که باید در جست‌وجوی روش‌هایی به غایت ساده، مجلات رشد را ورق می‌زدم تا شاید راه‌حلی برای مشکل خویش پیدا کنم؟

در این هنگام نوشته‌ای از فیروزه فروزبخش در شماره‌ی ۷ سال ۱۳۸۵ رشد آموزش ابتدایی درخصوص حل مسئله توجهم را جلب کرد. بعد از مطالعه‌ی آن فوراً متوجه شدم که در چند شماره‌ی قبل از آن نیز درخصوص روش‌های حل مسئله مطالبی آورده شده است. نام‌برده با روش علمی و با آوردن منابع نظری لازم، مدل‌هایی را برای آموزش روش حل مسئله در مقاله‌اش ارائه کرده بود. (مدل‌هایی که هم اکنون در لابه‌لای صفحات کتاب ریاضی اول و دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی برای حل مسئله از آن‌ها استفاده شده است).

مجلات رشد برای من سراسر تجربه بوده‌اند. باور کنید که گلچین کردن بهترین آن‌ها برای من در این لحظه کار بسیار سخت و دشواری است

من نوشته‌ی خانم فیروزه فروزبخش را چند مرتبه مطالعه کردم و دیدم می‌توانم از آن استفاده کنم؛ به شرطی که در الگوی ارائه شده دستکاری لازم را انجام دهم. بی‌درنگ دست به کار شدم و مدل چهار مرحله‌ای «پولیا» را به قدری ساده کردم که هر دانش‌آموز دبستانی (حتی کلاس اول) بتواند با چند تمرین ساده، روش حل مسئله را به خاطر بسپارد و در حدود توانایی و استعدادش به آن مسلط شود. از فردای آن روز برای آزمودن آن چه طراحی کرده بودم، سر از پا نمی‌شناختم.

نتیجه‌ی کار بسیار خوب و رضایت‌بخش بود. اینک در اغلب مدارس منطقه‌ی ما، مبنای روش آموزش حل مسئله، همان است که در یک مدرسه‌ی دورافتاده‌ی ابتدایی طرح آن ریخته شده است و من از این بابت بسیار خوش‌حال هستم.

\*\*\*

۲. ایده‌ی اولیه‌ی ساخت نوعی تخته‌ی آموزشی، تحت عنوان «مولتی برد» به جای «وایت برد» را از مجلات رشد آموختم که به منظور رعایت اختصار، سی‌دی آن را به پیوست فرستاده‌ام. شاید کسی باور نکند، ولی این اتفاقی است که افتاده است!

\*\*\*

۳. در شماره‌ی ۶۰ رشد آموزش ابتدایی، مربوط به مهرماه سال ۱۳۸۳، گزارشی از دبستان «شهید سامان روستایی» توجهم را جلب کرد. برایم خیلی جالب بود که در این مدرسه، کارهایی با اهداف پیشبرد دسته‌جمعی در حال تکوین و اجراست. خیلی زود دست به کار شدم و طی نامه‌ای از مدیریت محترم آموزشگاه تقاضا کردم، اگر برایش مقدور است، قدری بیشتر مرا راهنمایی کند و در جریان آن چه انجام داده است، قرار دهد.

چندی بعد نامه‌ای از مدرسه‌ی شهید سامان روستایی به قلم آقای رضا شریفی به دستم رسید که در آن، تعداد عکس بزرگ و توضیحاتی در مورد هر کدام از آن‌ها ارائه شده بود. (که در این جا از عوامل محترم دبستان شهید سامان روستایی به خاطر محبت‌هایشان تشکر می‌کنم). ناگفته نماند که من بیش‌تر در مورد طرز کار و فعالیت‌های مدارس دارای اهداف پیشبرد دسته‌جمعی مطالعاتی داشته‌ام. بنابراین شخصاً امیدوارم که در آینده‌ی نزدیک با تغییر و تحولاتی که انتظار آمدنش را داریم، تعلیم و تربیت بچه‌های ایران در مدارس با اهداف پیشبرد دسته‌جمعی صورت پذیرد؛ مدارس با اهداف پیشبرد دسته‌جمعی با مدیریت مردم سالارانه. به نظر من برای آموزش و پرورش فعلی ما شیوه‌ی اداره‌ی مدارس، با اهداف مدیریت مردم سالارانه بهترین گزینه است. درود و سلام من به تمامی دست‌اندرکاران محترم مجلات رشد، به خاطر آن که باعث شدند، من در جریان کارها و فعالیت‌های ارزشمند برخی مدارس رو به رشد قرار بگیرم.

\*\*\*

#### زیرنویس

✽ آموزشگاه آزادگان

۱. از سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمدیان، در جمع نهمین دوره‌ی گردهمایی سراسری نمایندگان مجلات رشد.



از سمت چپ، آقای رجبی مسئول آزمایشگاه مدرسه‌ی شهید سامان روستایی و آقای شاملو مدیریت آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۰ تهران.



از سمت چپ، آقای مراد با گرمکن قرمز، آقای شاملو مدیریت منطقه‌ی ۱۰ تهران، آقای رجبی مسئول آزمایشگاه و در گوشه‌ی بالا سمت راست که تنها صورت ایشان مشخص است، آقای شریفی مدیریت مدرسه‌ی شهید سامان روستایی.





## اشاره

داود سلمان زاده ممقانی معلم آموزشگاه آزادگان ممقان در ضمن گفت وگو حرفی زدند که آن قدر درست بود و به دلم نشست و خوش حام کرد که ترجیح می‌دهم آن را اول مطرح کنم؛ گفته‌ای که نشان دهنده‌ی اعتماد به نفس بالای يك معلم روستایی و رضایت شغلی او از آموزگاری دبستانی در روستایی كوچك است. او گفت: «این يك واقعیت است و آن‌ها که مرا می‌شناسند می‌دانند و می‌گویند من از همکاران دیگرم، نه يك سر و گردن که خیلی جلوترم. برای این جلو افتادن من هیچ کار دشواری نکرده‌ام و آن را از مجلات رشد دارم.»

من گفتم: «شما این را از خودتان دارید، سلمان زاده‌ای که کنار میزی که مجلات رشد روی آن است، بی‌اعتنا نمی‌گذرد و با تسمخر و سردی آن‌ها را ورق نمی‌زند. می‌خواند و با باور و انگیزه، به آن چه پیشنهاد می‌دهد، عمل می‌کند.»

\*\*\*

● آقای سلمان زاده موافقید از آغاز، آغاز کنیم، یعنی از وقتی که با مجلات رشد آشنا شدید؟

△ من در مرکز تربیت معلم دوره‌ی فوق‌دیپلم با مجلات رشد آشنا شدم. آن‌جا در طول دوره چند مجله به ما دادند و من آن‌ها را خواندم و نگه داشتم. این را از آن‌جا می‌گویم که چند وقت پیش داشتم آرشیوم را واری می‌کردم، دیدم مجلاتی دارم که مربوط به قبل از سال استخدامم

گفت وگو با داود سلمان زاده ممقانی

# يك سر وگردن نه، خیلی بیشتر

کبری نیکوخوی منفرد

در آموزش و پرورش است.

● مگر شما مجلات رشد را آرشیو می‌کنید؟

△ (با تأکید و تعجب از این سؤال) بله، معلوم است. مجلات برای من حکم مرجع را دارند؛ يك بار مصرف نیستند. بسیار پیش می‌آید که در کلاس به مسئله‌ای برمی‌خورم و بعد به مقاله یا مطلبی که در آن رابطه است، رجوع می‌کنم.

● آرشیو این همه مجله سخت نیست؟ به جایی که به آن اختصاص داده می‌شود، اهل خانه اعتراض نمی‌کنند؟

△ (باز هم با تعجب) نه... نه! معلوم است که نه، آن‌ها می‌دانند که مجله ابزار کار من است. همان‌طور که بقیه‌ی وسایل و اسباب خانه جا و مکانی دارند، مجلات من هم در جای مناسبی نگه‌داری می‌شوند.

● وقتی دنبال مطلبی هستید، چه‌طور آن را پیدا می‌کنید؟ فهرست موضوعی دارید؟



△ خیر، متأسفانه هنوز این کار را نکرده‌ام. اما باور کنید بیشتر مطالب آن چنان در ذهنم حک می‌شود که وقتی می‌خواهم به اصل مطلب یا مقاله‌ای رجوع کنم، نشانی‌هایی از آن به یاد می‌آید که مثلاً در کدام مجله و مربوط به کدام سال بود. جالب است بدانید، خانم هم برای پیدا کردن آن مجله کمکم می‌کند.

### همه‌ی مطالب مفید است

● شما بیشتر مدت خدمتتان را در دوره‌ی ابتدایی بوده‌اید. کدام مطالب و سرفصل‌ها بیشتر به کار آمدی شما کمک کرده‌اند؟

△ واقعاً بگویم و بدون تعارف، تمام مطالب به درد من می‌خورند. با آن چه که من از مجلات آموختم و به کار گرفتم، در منطقه نزد دوستان، رؤسا و همکاران به‌عنوان معلم موفق مطرح و شناخته شده‌ام. خودم نمی‌گویم آن‌ها مرا معلمی موفق و سرآمد می‌شناسند. این موجب شده است که برای برنامه‌های زیادی، از جمله دوره‌ها یا نشست‌های معلمان، از من دعوت کنند. در این جلسات، معمولاً همکاری موضوعی را مطرح می‌کند و مثلاً می‌پرسد: چه کنیم که درس انشا این همه کسالت آور نباشد؟ بسیاری از اوقات، همان روش‌هایی را که از مجله آموخته و به کار گرفته‌ام، برایشان شرح می‌دهم. آن‌ها با تعجب، مثل این که چنین کار و روش آموزشی جالبی را من از فضا آورده‌ام، می‌پرسند: شما این را از کجای دانید یا یاد گرفته‌اید؟ می‌گویم: مجلات رشد. من هم این مشکل را داشتم. روش‌های پیشنهادی مجله‌ی رشد را به کار گرفتم و آن را با فضا و کلاس و دانش‌آموزان خودم هم‌ساز کردم.

● آیا در همین جلسات شده است که بگویید نمی‌دانم یا مطلب مجله را مستقیماً بخوانید؟

△ البته بنده از مجلات رشد آن قدر آموخته‌ام که می‌توانم بگویم، در مورد هیچ موضوع آموزشی، به‌خصوص در مورد دوره‌ی خودم، یعنی دوره‌ی آموزش ابتدایی، خالی از ذهن و دست خالی نیستم. اما این پیش آمده است که همه‌ی مطلب را می‌دانسته‌ام و یاد داشته‌ام و گفته‌ام. اما همان موقع ذکر کرده‌ام که در این مورد می‌دانم مطالبی یا مطلبی در یکی از شماره‌های رشد نوشته شده است. بعد می‌آیم آن مجله و مقاله را همان‌طور که گفتم، پیدا می‌کنم و جلسه‌ی بعد ارائه می‌دهم.

● کدام مطالب یا سرفصل‌ها را نمی‌خوانید؟

△ باور کنید مطلبی نیست که من نخوانم. حتی فهرست را با دقت نگاه می‌کنم. اما خب بعضی از مطالب را بیشتر دوست دارم. مثلاً یادداشت سردبیر را خیلی با دقت می‌خوانم و از این طریق احساس می‌کنم که با خانواده و هیئت تحریریه‌ی مجله از نزدیک آشنا هستم.

● شیوه‌ی مطالعه‌ی شما چگونه است؟ اجمالی، سریع، انتخابی یا...

△ ببینید، من یک‌بار در همان مدرسه که مجله به دستم می‌رسد، سریع آن را ورق می‌زنم. چون ذوق و شوق زیادی دارم که بدانم این شماره چه مطالبی دارد. بعد در خانه کمی آرام‌تر شروع می‌کنم به دیدن همه‌ی مطالب: یادداشت سردبیر، تپترها، عکس‌ها و غیره. بعد در طول روزهای آینده، مطالعه‌ی با دقت و تمرکز و همراه با یادداشت‌برداری را شروع می‌کنم. مجله که می‌آید، اولین روز جمععی من به مطالعه‌ی آن اختصاص دارد.

● خانواده اعتراض می‌کنند که روز جمعه را باید با آن‌ها باشید؟

△ نه اصلاً. البته این مقدار زمان را با ملاحظه به مطالعه اختصاص می‌دهم. مثلاً خانم تلویزیون نگاه می‌کند یا به جایی می‌رود و من آن زمان را به

آن‌ها که مرا می‌شناسند  
می‌دانند و می‌گویند من از  
همکاران دیگرم، نه یک سر و  
گردن که خیلی جلوترم. برای  
این جلو افتادن من هیچ کار  
دشواری نکرده‌ام و آن را از  
مجلات رشد دارم

مطالعه مشغول می‌شوم.

● تدریس در دوره‌ی ابتدایی، به مرور تدریس اختصاصی پایه‌ای می‌شود. مثلاً یک معلم سال‌ها در کلاس پنجم درس می‌دهد و معلم متخصص پایه‌ای می‌شود؛ برعکس راهنمایی و دبیرستان که معلم تخصص درسی دارند. آیا شما بیشتر مطالب مربوط به پایه‌ای را که تدریس می‌کنید، می‌خوانید؟  
△ من سال‌هاست که در پایه‌ی پنجم تدریس می‌کنم، اما مجلات رشد را با چنین دیدگاهی نمی‌خوانم. من هم‌هی مجله را می‌خوانم و اطمینان دارم که تمام مطالب آن روزی به کار خواهد آمد. می‌دانید که درس‌ها باهم ارتباط افقی و عمودی دارند. آگاهی از ریاضیات پایه‌ی اول تا چهارم به من کمک می‌کند تا آموخته‌های بچه‌ها را بهتر کامل کنم.

از طرف دیگر، به دلیل لطف مسئولان و همکاران، قرعه‌ی فال به نام من دیوانه می‌افتد. مثلاً در شروع کار کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم که می‌دانید به کلاس اول بود و من تجربه‌ی تدریس آنها را نداشتم، مرا برای برگزاری دوره‌ی آموزشی معلمان دعوت کردند و قبول کردم. فکر کردم که با استفاده از مجلات رشد می‌توانم دوره را اداره کنم و همین‌طور هم شد. آن دوره را خیلی موفق اداره کردم. برای پیدا کردن مقالات مربوط با کمک حافظه‌ام، به سراغ آرشیوم رفتم و مقالات موردنیازم را پیدا کردم.

یادم هست که در همین دوره مطالبی که ارائه کردم بسیار مورد استقبال واقع شد و مرتباً همکاران سؤال می‌کردند که این مطالب را از کجا آورده‌ام. می‌گفتم: رشد.

● ارتباط شما با مجله و نویسندگان یکطرفه است؟ یعنی مطلب را می‌خوانید و به کار می‌گیرید یا بازخوردی هم دارید؟

△ من از آن‌جا که با علاقه پیشنهادهای مطرح شده در مجله را یاد می‌گیرم، به کار می‌بندم. در ضمن کار و به‌کارگیری روش، یا با یک مسئله روبرو می‌شوم که مثلاً این روش در کلاس یا منطقه‌ی من نتیجه نمی‌دهد یا با تغییراتی نتیجه می‌دهد، یا به راه‌های تکمیلی دیگری می‌رسم. آن وقت به شیوه‌های گوناگون این بازخورد را ارائه می‌دهم.

مثلاً برای مجله می‌نویسم و می‌فرستم. که خیلی وقت‌ها چاپ می‌شود. یا خیلی پیش آمده است که سعی کرده‌ام با نویسنده‌ی مقاله تماس بگیرم و موفق هم شده‌ام. و آن‌ها هم خیلی تعجب کرده و

خوشحال شده‌اند.

فایده‌ی مطالعه‌ی مجلات رشد

● می‌شود فهرست‌وار بگویید که مطالعه‌ی مجلات رشد چه فوایدی دارد؟ آیا یک زحمت اضافی برای معلم است که حقوقش کم و مجبور به کار دوم است؟

△ من هم در روستا کار دوم دارم: کشاورزی و دامداری. اما موضوع این است که این روش‌ها به یادگیری بچه‌ها وسعت و عمق می‌دهد. روش‌هایی هستند که کلی در زمان و انرژی معلمان صرفه‌جویی می‌کنند. به نظر من یکی دو ساعت مطالعه‌ی رشد و آزمون کردن نظرها و پیشنهادها، آن، موجب می‌شود که یادگیری سرعت بگیرد و عمیق شود. به علاوه، موجب صرفه‌جویی در وقت و یادگیری لذت‌بخش می‌شوند. دانش‌آموز و معلم از احساس موفقیت، اعتماد به نفس بالایی پیدا می‌کنند و همکاران ما با رضایت شغلی بسیار به کار ادامه می‌دهند.

شرمندهام در برابر شما. این نباشد که از خود تعریف می‌کنم، اما از تأثیر مجلات است. من يك معلم روستایی هستم. با دیگر همکارانم این فرق را دارم که از وقتی با مجله‌ی «مدرسه‌ی فردا» آشنا شدم، خودم وبلاگ دارم و دانش‌آموزانم را با آن آشنا کردم. شاید باورتان نشود که آن‌ها را گروه‌گروه کرده‌ام و با یکی دو رایانه که امکان دست‌رسی به آن‌ها هست، از دانش‌آموزان امتحان وبلاگی می‌گیرم.

\*\*\*

آقای سلمان زاده پرشور و هیجان به اندازه‌ی سال‌ها آشنایی و انس و بهره‌گیری از مجلات رشد، حرف و حدیث و خاطره دارد. او اینک دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد رشته‌ی تحقیقات آموزشی است.

می‌گوید: «نمی‌دانید چه قدر خوش‌حالم از این که در جمع شما هستم و با من مصاحبه می‌کنید.»  
و من به نمایندگی از طرف خانواده‌ی کارگزاران و خدمتگزاران مجلات رشد می‌گویم: «و نمی‌دانید ما چه قدر خوش‌حالیم که امیدمان به رشد را از طریق واژه‌واژه‌های سبز پیام، به ثمر رسیده می‌بینیم.»

\*\*\*

### فردار از امروز می‌بازیم

روش‌های پیشنهادی مجله‌ی  
رشد را به کار گرفتیم و آن را با  
فضا و کلاس و دانش‌آموزان  
خودم هم‌ساز کردم

بار الها! ما را از تاریکی‌های جهل به سوی روشنایی هدایت فرما و از عصیان و سرکشی  
به دورمان نگاه‌دار!!  
آمین یا رب العالمین  
سلام و درود خالصانه‌ام تقدیم دوستان دیده و نادیده‌ام در مجلات رشد.

بعد از مصاحبه‌ی تلفنی سرکار خانم منفرد، در پی یافتن نام و نشانی از ایشان، مجلات قدیمی رشد را ورق زدم.

در این مورد که اسم او را چندین بار در مجلات رشد دیده بودم، هیچ شکی نداشتم. ولی حالا بیشتر از گذشته کنجکاو شده بودم.

تلاش برای یافتن تصویر ایشان به جایی نرسید ولی در عوض باعث شد با نوشته‌ها و تصاویر سایر نویسندگان و هنرمندان رشد بیشتر آشنا شوم. و به نوشته‌های هر کدام از نویسندگان و هنرمندان بیشتر دقیق شوم، هرچه باشد، در طول عمر خویش دستکم برای يك بار هم که شده، برخی از آن‌ها را در دفتر مجلات رشد از نزدیک زیارت کرده‌ام.

کار بسیار خوب و پسندیده‌ای که معمولاً نشریات و مجلات انجام می‌دهند، همین! معرفی مختصر نویسندگان و هنرمندان نشریه است که - خوانندگان - را با دیدگاه‌های خاص هر نویسنده قدری بیشتر آشنا می‌کند.<sup>۱</sup> مجموعه‌ی مجلات رشد نیز با پیش‌بینی ضرورت موضوع، در مناسبت‌های گوناگون این کار را به شایستگی انجام داده است.<sup>۲</sup>

\*\*\*

هفته‌نامه‌ی «شمس تبریز» نیز این کار را تحت عنوان «شمس تبریز را چه کسانی می‌آفرینند» انجام داد... و چه به جا هم انجام داد!

اینک که آن هفته‌نامه به تاریخ! پیوسته است. با خواندن آخرین دل‌نوشته‌های نویسندگانش، آدم دلش می‌گیرد و... و با طرز فکر آن‌ها بیشتر آشنا می‌شود.

درود و سلام بی‌پایان من تقدیم شما باد.

شمایی که در تنهایی و سکوت، بدون این‌که از احدالناسی طلبکار باشید، سرگرم آگاه‌سازی سازندگان فردای ایرانید...

ما چون شماها را داریم، از آینده هیچ ترسی نداریم و «فردا را از امروز نمی‌بازیم».

\* \* \*

ارادتمند شما: داود سلمانزاده ممقانی  
ممقان - آموزشگاه آزادگان

#### زیرنویس

۱. در این لحظات حساس، معمولاً نویسنده مکنونات قلبی خویش را آشکار می‌کند و دیدگاه‌ها، آرا و تمایلاتش را لابه‌لای جملات خویش به تصویر می‌کشد.
۲. رشد آموزش ابتدایی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۶، اسفندماه سال ۱۳۸۶، شماره‌ی پیاپی ۹۱.





Δ دبستان شهید غفاری فلاورجان



### حرف اول: مصاحبه با خودم!!

با یک عذرخواهی بزرگ، به بزرگی روح رشدی‌ها (خوانندگان فعال مجلات رشد)، تصمیم گرفتم کاری کنم که شاید یک کمی بد باشد، اما خلاقانه و جالب هم هست. یعنی، همین که پیش از طرح حرف و گفت و گوی مصاحبه اگر با مصاحبه کننده، اول با خودم مصاحبه کنم. می‌دانم ظاهرش خودخواهی به نظر می‌رسد، اما این نوع کار به شکلی دیگر و غیر مستقیم در تمام رسانه‌ها اتفاق می‌افتد.

دیده‌اید که سردبیران و نویسندگان مقالات و اخبار و مصاحبه کننده‌ها با عنوان‌هایی مثل حرف اول، اشاره، سرمقاله، یادداشت سردبیر و از این قبیل، اول هرچه دل‌تنگشان می‌خواهد و هر نصیحت وصیت و علم و تجربه‌ای را که دارند می‌گویند، بعد می‌روند سر اصل مطلب. حالا من همان کار را کرده‌ام. البته با این تفاوت که شفاف و صادقانه و با عذرخواهی، طرح موضوع کرده‌ام که چون این صفحه به من سپرده شده است (و کلی هم در انجام کارها تأخیر داشته‌ام)، با اجازه‌ی سردبیر اول حرف‌های خودم را بزنم.»

مدیر داخلی سابق رشد آموزش ابتدایی  
کبری نیکوخوی منفرد

## ببخشید!

این هم فایده‌ی خواندن و نوشتن در مجلات رشد است

### حرف اول

- خانم منفرد بفرمایید مجلات تخصصی - در این جا منظور ما مجلات رشد است - چه تأثیری در فرایند کار آموزش و معلم و دانش‌آموز و یادگیری دارد؟
- منفرد: می‌شود در یک جمله گفت: واقعاً مجلات رشد با نام با مسمایی که دارند، می‌توانند رشد دهنده‌ی فرایند آموزش در سراسر کشور باشند و یار و یاور معلم و دانش‌آموز و جذاب کننده‌ی موضوع یادگیری.
- می‌توانند باشند. یعنی نیستند؟
- اگر بخواهیم واقع‌گرا باشیم، نه نیستند. برای اقلیت محدودی، بله هستند. خیرش را دیده و چشیده‌اند و قدردان و سپاس‌گزارش هم هستند. دیده‌ام که تک‌به‌تک این افراد هم به سطحی عالی در بین دیگر همکارانشان دست یافته‌اند. اما یک گره نه چندان کور



باعث شده و می‌شود که بقیه دست به آزمون مجلات رشد نزنند.

- چرا این‌طور است؟ شما این‌گره را می‌شناسید؟ اگر می‌شناسید، چرا بازش نکرده‌اید؟
- اگر دنبال متهم می‌گردید، من به این مصاحبه ادامه نمی‌دهم!! راستی چرا از من نخواستید خودم را معرفی کنم؟!

- ببخشید، خب خودتان را معرفی کنید. ما فکر کردیم شما شناخته شده هستید؟
- موضوع این است که اگر خودم را معرفی کنم، شاید آن‌گره هم شناخته شود و امیدوارم گشوده هم بشود.
- چکیده بگویم: بعد از دیپلم، وقتی برای دست‌گرمی در آزمون‌های مراکز گوناگون آموزشی شرکت می‌کردم، برای معلمی پیمانی دعوت شدم. آدمم که موقتی خرج تحصیلم را دریاورم، ۳۰ سال ماندم. در دوره‌ی کارشناسی وارد دانشگاه که شدم، جوان بودم، جویای دانش (دانشجو) و بدون تجربه. استادی به نام آقای اطمینی حرفی زد که به نظرم منطقی آمد و پذیرفتم.
- گفت: «معلم با سابقه یعنی کسی که سال اول با مقداری دانش نظری وارد سیستم شده، شروع کرده به آزمون و خطا و قطعاً بیشترش خطا بوده است. بعد بدون هیچ ارزش‌یابی و تصحیح و بازخوردی، ۲۰ سال یا بیشتر، آن خطا را تکرار کرده است و اسمش شده تجربه.»
- پشتم لرزید و تصمیم گرفتم چنین معلمی نباشم.

وارد نظام آموزشی که شدم، خیلی زود فهمیدم دانش و اطلاعات آدم در هر شغلی، باید به‌طور مداوم و مستمر افزوده شود

### ضرورت خواندن مستمر و دائم

- و چگونه سعی کردید معلمی از نوع دیگر باشید؟
- وارد نظام آموزشی که شدم، خیلی زود فهمیدم دانش و اطلاعات آدم در هر شغلی، باید به‌طور مداوم و مستمر افزوده شود و آزمون‌ها و تجربه‌های یک کارشناس باید در تعامل و تقابل با دیگران و دانش و تجربه‌ی آن‌ها، به روشی کارآمد تبدیل شود.
- این‌جا بود که رشد را پیدا کردم و رشد کردم، با اعتقاد به این‌که یک بار تحصیل دانشگاه، برای همه‌ی عمر کافی نیست.
- خب مطالعه‌ی یک‌جنگ و مجموعه، بهترین راه بود. کلاس‌ها، دوره‌ها دانشگاه، استاد و... نمی‌توانند دائمی باشند. اما مطالعه همیشه هست و همیشه در دسترس است؛ مجموعه‌ای از دانش و تجربه به‌وسعت یک دنیا: از روستاهای ایران گرفته تا دانشمندان ژاپنی و آمریکایی. و تعجب نکنید اگر بگویم: وقتی برای ادامه‌ی تحصیل در سطح کارشناسی ارشد به دانشگاه رفتم، خودم را از سطح آموزش و دانش آن‌جا جلوتر دیدم.
- با حیرت متوجه شدم که بیشتر استادان دانشگاه که در دوره‌ی کارشناسی هم با آن‌ها واحد‌گذرای من بودم، از دانش دکترای خودشان در خارج از کشور جا مانده‌اند و از علوم روز و ثمرات ارتباط با معلمان بی‌بهره‌اند؛ در حالی که رشته‌ی هم‌رشته‌ی آموزش و پرورش بود. ارتباط آن‌ها محدود به دانشجویانی بود که ساکت فقط می‌شنیدید. و ما در رشد چه به عنوان عضو هیئت تحریریه، و چه به عنوان خواننده، در ارتباطات گوناگون و وسیع با معلمان و کارشناسان از روستاها تا آن سوی قطب، به اقیانوسی از اطلاعات روز و

تجارب کارکردی و کاربردی دسترسی داشتیم.

● خب آن گره که باعث شده است، اکثریت همکاران از اهمیت مطالعه و همراهی مستمر با مجلات بی‌خبر باشند، چه شد؟ معرفی کردید یا...؟

○ نمی‌دانم چرا این اتفاق آن گونه که باید و شاید نیافتاده است؛ شکل گرفتن این باور که يك مجله تخصصی\_ در این‌جا منظور مجله‌ی رشد است - دستی است پر بار از راه حل‌ها و تجربه‌های شگفت‌انگیز معلمی در یکی از روستاهای دور افتاده‌ی ایران، و یا کشف‌های جدید و نظریه‌های محقق یا محققان و استادان در برترین دانشگاه‌های دنیا. با مطالعه‌ی علاقه‌مندان‌ی مجله می‌توان گردآورنده‌ی این همه فکر، دانش، خلاقیت و تجربه شد و واقعاً خوشا به حال آن‌ها که فهمیدند و ثمرش را بردند. کارشان و شیوه‌های آموزش‌شان به بهترین و عالی‌ترین سطح ارتقا پیدا کرد و مهم‌تر از همه به رضایت شغلی دست‌یافتند. بهره‌وری وقت و انرژی‌شان بالاترین میزان را دارد و خودشان در دانش‌آموزان از یادگیری، خاطره‌ها و لحظه‌های شاد و به یاد ماندنی دارند.

● شما سفرهای زیادی برای تهیه‌ی گزارش و مصاحبه داشته‌اید.

نمی‌توانید نمونه‌ای از این تجارب را از يك روستا تا يك دانشگاه را برای حسن ختام تعریف کنید؟  
○ منظورتان این است که حرف اول، تا به آخر طول نکشد و جای حرف دیگران را نگیرند؟  
○ بله آن گره به سادگی وقتی گشوده می‌شود که معلمان ببینند، با روشی ساده که به فکر معلم و همکار دیگری رسیده، کار سخت و پیچیده‌ای که موجب ناراحتی و اضطراب معلم و دانش‌آموز و تحمیل کار بسیار می‌شود، به يك فرصت و رضایت تغییر می‌کند. مثلاً در سفری به یکی از روستاهای همدان، وقتی وارد کلاس سوم دبستان شدیم، صحنه‌ای دیدیم که موجب سؤال و تعجبم شد. اول بگویم که حفظ جدول ضرب که از کلاس سوم شروع می‌شود، یکی از همان مشکلات آزاردهنده‌ی معلم و شاگرد است. تمرین‌های نوشتنی بسیار و خب قصه‌های مجید و جدول ضرب را هم که یادتان هست.

ما در کلاس این خانم معلم دیدیم که هر دانش‌آموز يك مقوا شبیه پلاک بزرگ که با نخ از گردن آویزان شده است، روی سینه دارد؛ شبیه عکس پلاک‌دار زندانیان. روی هر پلاک يك عبارت جدول ضرب نوشته شده بود و هر دانش‌آموز به جای نام، با عبارت روی سینه‌اش خوانده می‌شد؛ چه توسط معلم چه توسط دوستانش. هفته‌ای يك بار عبارت‌ها یا نام بچه‌ها با هم عوض می‌شد. یعنی به سادگی يك مشکل بزرگ حل شده بود و حتی شرایط جذابی در کلاس فراهم شده بود. در آن کلاس دو دانش‌آموز دیرآموز حضور داشتند که ظرف يك ماه، تمام جدول ضرب را حفظ کرده بودند. در حالی که معلمان کلاس سوم می‌دانند که این کار چه قدر دشوار است. با طرح این موضوع و فکر خلاقانه‌ی این معلم روستایی در مجله، همان گروه رشدی‌ها، یعنی آن‌ها که دانشجوی دائمی این دانشگاه هستند، باز شد. با الهام از این وسیله‌ی آموزشی، نه تنها یادگیری جدول ضرب که بسیاری از موضوعات حفظی مثل «لغت - معنی» آسان شد و مراکز استان‌ها آن را به‌کار بردند و از نتیجه شاد شدند.

از بحث‌های دانشگاهی هم می‌توان موضوع هوش‌های چندگانه و روش‌های جدید آموزش؟ را مثال زد. این گونه مباحث واقعاً دید معلم را وسعت می‌دهند و باعث می‌شوند استعداد‌های بچه‌های دیگر خفه نشود



از بحث‌های دانشگاهی هم می‌توان موضوع هوش‌های چندگانه و روش‌های جدید آموزش؟ را مثال زد. این‌گونه مباحث واقعاً دید معلم را وسعت می‌دهند و باعث می‌شوند استعداد‌های بچه‌های دیگر خفه نشود.

فکر می‌کنم همان طور که مصاحبه با خود شاید يك کار جدید و برای اولین بار باشد، طولانی بودنش را هم بتوان نوعی نوع‌آوری به حساب آورد. شاید کمتر کسی حوصله داشته باشد، این همه جدي با خودش گفت‌وگو کند.

○ باور کنید این هم یکی از فواید خواندن و نوشتن در مجلات رشد بوده‌است.

● از مجله‌ی رشد و از خودم که در این مصاحبه شرکت کردید، تشکر می‌کنیم. دعا می‌کنیم و امیدواریم مخاطبان و خوانندگان مجلات رشد هم رشد کنند؛ هم رشد کمی، یعنی تعدادشان بیشتر شود، و هم رشد کیفی، یعنی هر روز عالی‌تر از دیروز.

راستی يك حرف دیگر؛ يك حرف آخر: کاش معلمان و جامعه‌ی آموزشی بدانند- و اگر بدانند... - که مجلات تخصصی، دانشگاه‌هایی هستند بدون کنکور، شهریه، هزینه‌ی رفت‌وآمد، امتحان، و دفتر و دستک و هر کس را در کارش عالی، متخصص، به روز و کارآمد می‌کنند.



Δ دانش‌آموزان دبستان شهید غفاری فلاورجان



روش تدریس مؤثر و نحوه‌ی درست انتقال علم و دانش به دانش‌آموزان، یکی از دغدغه‌های اصلی و جدی معلمان مدارس است. معلمان مدارس کشور همواره در تکاپو برای جستن بهترین راه انتقال دانش به دانش‌آموزان هستند و در این مسیر عده‌ای از معلمان با تلاش‌های گوناگون و خلاقیت‌ها و ابتکارات فردی خود، توانسته‌اند به راهکارهای جدیدی دست یابند.

آقای محمدرضا شهبازی، دبیر ادبیات فارسی «مدرسه‌ی راهنمایی شهید محلاتی» شهرستان نهاوند استان همدان از جمله معلمان است که در روش‌های ابتکاری تدریس، توفیقی یافته است. وی با استفاده از مجلات رشد به عنوان نشریات کمک آموزشی و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آموزشی، توانسته است به نتایج ارزشمندی دست یابد. با ایشان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که تقدیم شما عزیزان می‌شود.

آقای محمدرضا شهبازی متولد سال ۱۳۴۷ در نهاوند است. وی در سال ۱۳۶۹، پس از دریافت مدرک فوق‌دیپلم در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از مرکز تربیت معلم یزد، در آموزش و پرورش نهاوند مشغول به کار شد و در حال حاضر با ۲۰ سال سابقه‌ی کار، به عنوان دبیر ادبیات فارسی در مدرسه راهنمایی شهید محلاتی نهاوند انجام وظیفه می‌کند.

\*\*\*

○ چه‌طور به این نتیجه رسیدید که می‌توانید از رشد نوجوان برای درس ادبیات استفاده کنید؟

● یکی از اهداف کلی و فلسفه‌ی آموزش و پرورش، آشنایی دانش‌آموزان با ادبیات فارسی است. در دوره‌ی راهنمایی نیز یکی از اهداف آموزش و پرورش آشنایی دانش‌آموزان با زبان فارسی است. از مجلات رشد هم می‌توان در این زمینه به عنوان یکی از وسایل کمک آموزشی استفاده کرد.

دانش‌آموزان عموماً تهریز هستند. یعنی از هر آن‌چه که عنوان درس می‌گیرد، تا حدودی فرار می‌کنند. مجلات رشد، هم متنوع هستند و هم برای درس فارسی بسیار مناسب‌اند؛ چون برخلاف رشته‌های دیگر که به تهرینات خاص احتیاج دارند، در ادبیات می‌توان از هر متنی مثلاً برای یاد گرفتن انواع فعل‌ها استفاده کرد. مجلات رشد باعث شدند، من و فرزندم در محیطی قرار بگیریم که با هم گفت‌وگو کنیم و مجلات رشد ابتدایی را با هم بخوانیم و کنار هم باشیم. من همین کار را در مدرسه‌ی راهنمایی

پای صحبت محمدرضا شهبازی دبیر فارسی  
مدرسه راهنمایی شهید محلاتی نهاوند

## استفاده از مجلات رشد در آموزش زبان و ادبیات فارسی

گفت‌وگو از: نصرالله دادار

انجام دادم. به این شکل که مثلاً برای تمرین‌های فارسی از متن‌های مجله‌ی رشد نوجوان یا از جدول‌های مجله که باعث می‌شوند دایره‌ی لغات دانش‌آموزان توسعه یابد، استفاده می‌کردم. در واقع هدف این است که دانش‌آموزان با لغت‌های فارسی آشنا شوند؛ حالا چه از متون کتاب فارسی یاد بگیرند، چه از مجلات رشد. مهم رسیدن به هدف آموزشی است.

برای اولین بار خانواده‌ها واکنش نشان دادند که چرا فرزندشان به جای کتاب درسی، مجله می‌خوانند. ما باید این مسئله را برای خانواده‌ها جا می‌انداختیم که مطالعه‌ی مجلات رشد هم بخشی از آموزش است و می‌تواند هدف‌های آموزشی ما را تأمین کند. حتی ارزش‌یابی را هم می‌توانیم از مجلات رشد انجام دهیم. ابتدا کمی مخالفت شد، اما به تدریج خود دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که دوست دارند مطالعه کنند. در سال اول دانش‌آموزان مجله را قدری با اکراه می‌خواندند. ولی الان به مرحله‌ای رسیده‌ایم که خود دانش‌آموزان مشتاق هستند و سراغ مجلات رشد می‌روند.

ما می‌خواهیم مطالعه جزئی از زندگی دانش‌آموزان باشد. من از مجلات رشد برای این کار استفاده کردم و جواب گرفتم. هم‌اکنون خانواده‌ها هم خودشان به این نتیجه رسیده‌اند که با مجلات رشد، اطلاعات عمومی فرزندانشان بالا می‌رود و به‌عنوان وسیله‌ی کمک‌درسی هم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.

دانش‌آموزان در سن نوجوانی،  
خود شوق جست‌وجو دارند.  
بنابراین معلم نباید بخواهد  
همه‌چیز را خودش به  
دانش‌آموز یاد دهد

○ آیا از مطالبی که با هم در کلاس می‌خوانید امتحان هم می‌گیرید؟

● در واقع ما دو نوع کار انجام می‌دهیم: یکی این‌که به دانش‌آموزان وقت می‌دهم تا یکی از متون مجله را بخوانند و بعد درباره‌ی آن متن با هم بحث و گفت‌وگو می‌کنیم. کار دیگری که امسال شروع کرده‌ام این است که خانواده‌ها را هم در خواندن مجلات رشد شریک کرده‌ام. به این صورت که اگر مجله مطلب خاصی مثلاً درباره‌ی آنفولانزا داشته باشد، به دانش‌آموزان می‌گویم که آن را برای خانواده‌شان هم بخوانند تا آن‌ها نیز مشارکت داشته باشند. اکنون دانش‌آموزان می‌گویند که پدرهایشان در حل جدول با آن‌ها همکاری می‌کنند و به این کار علاقه دارند.

○ از چه بخش‌های مجله بیشتر استفاده می‌کنید؟

● برای درس من، دانش‌آموزان به قسمت مصاحبه چندان علاقه نشان نمی‌دهند و آن را دنبال نمی‌کنند. البته به سلیقه‌ی خود بچه‌ها هم بستگی دارد. عده‌ای همین که مجله به دستشان می‌رسد، قسمت لطیفه‌ی آن را می‌خوانند. عده‌ای هم به حکایت‌ها علاقه دارند. من هم اجباری در این کار نداشته‌ام. ترجیح داده‌ام که خودشان علاقه‌مند شوند، نه این‌که من مجبورشان کنم که حتماً یک قسمت خاص از مجله را بخوانند. به خصوص که محتوای مجلات رشد به‌گونه‌ای است که همه‌ی مطالب مورد نیاز دانش‌آموزان را پوشش می‌دهد و دانش‌آموز هم با توجه به ذوق و سلیقه‌اش مطالب را دنبال می‌کند.

○ نتایج فعالیت‌های شما چه بوده است؟

● یکی از مهم‌ترین نتایج این کار، علاقه‌مند شدن بچه‌ها به مطالعه بوده است. الان بچه‌ها علاقه دارند که مجله بیاید و بخوانند.

حتی علاقه‌مند شده‌اند که مطلب بنویسند. الان ما سر کلاس این کار را انجام می‌دهیم. یعنی بدون این که دانش‌آموز خودش بفهمد، از مطالب کتاب‌ها و مجلات استفاده می‌کند. بچه‌ها در انشاهایشان بدون این که متوجه باشند، از مطالب مجله ایده می‌گیرند، از تعابیر مناسب استفاده می‌کنند. مثلاً صنعت تشخیص را به کار می‌گیرند و من متوجه می‌شوم که از تأثیرات مجله است. یعنی با وجود اینترنت و گستردگی آموزش‌های انواع رسانه‌ها، هنوز مجلات رشد جایگاه خود را در میان مردم و دانش‌آموزان حفظ کرده‌اند؛ چرا که مطابق نیازها و سلیقه‌های آنان حرکت می‌کند.

○ شما در دوره‌ی راهنمایی چند دانش‌آموز دارید؟

● در کل، مدرسه ۳۶۰ دانش‌آموز دارد و من، معلم ۱۸۰ دانش‌آموز هستم.

○ چه تعداد نشریه در مدرسه‌ی شما به فروش می‌رسد؟

● هرکلاسی که با من درس دارد، همه‌ی دانش‌آموزان آن نشریه‌ی رشد نوجوان را تهیه می‌کنند.

○ فکر می‌کنید که چه مطالبی باید به نشریه‌ی رشد نوجوان اضافه کرد؟

● دانش‌آموزان اکنون روی تصاویر مجله مشکل دارند. تصاویر برایشان نامأنوس هستند و درک مفهوم آن‌ها برایشان مشکل است. اگر از تصاویر حقیقی استفاده شود، فکر می‌کنم به مراتب بهتر است و اثر بیشتری خواهد داشت.

استقبال بچه‌ها از «پنجره‌ای به زندگی» خوب است و مطالبش را دنبال می‌کنند. مثلاً در همین شماره آداب اجتماعی آموزش داده شده که بسیار خوب است.

قسمت سلامت مجله که درباره‌ی سلامتی و بیماری‌هاست، مطالب علمی خوبی برای دانش‌آموزان دارد. ولی در کل نمی‌توان قسمتی از مجله را حذف کرد، چرا که شاید مثلاً در مشهد آن قسمت مورد توجه دانش‌آموزان باشد. یعنی با توجه به فرهنگ و شرایطی که دارند، سلیقه‌ها متفاوت است. مثلاً بچه‌های ما از شعر نو خیلی خوششان نمی‌آید، اما نمی‌توان آن را حذف کرد. شاید در گیلان این نوع شعر خواننده داشته باشد.

○ فکر می‌کنید چه مطلبی اضافه شود بهتر است؟

● در مجلات رشد باید سعی شود که از هر درسی مطلبی وجود داشته باشد. به نظر من مجلات رشد باید متناسب با آموزش رسمی در مدرسه جلو بروند. مثلاً اگر در ریاضی درس به قسمت خاصی رسیده است. بهتر است که در مجله هم تمرینی متناسب با آن قسمت در نظر گرفته شود. همان‌طور که از اسم سازمان پیداست، این مجلات باید به‌عنوان وسیله‌ی کمک آموزشی مورد استفاده قرار بگیرند. در آن صورت همه‌ی مجله برای همه‌ی درس‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. برای مثال، اوایل در کتاب فارسی شعری از شهریار وجود دارد.

اگر درمجله‌ی مهرماه هم مطلبی از شهریار وجود داشته باشد، معلم می‌تواند از آن به‌عنوان مطلبی تکمیلی و کمک آموزشی استفاده کند. یعنی باید میان مطالب مجله و کتاب‌ها هماهنگی زمانی وجود داشته باشد. در این صورت مجله دقیقاً یک وسیله‌ی

یکی از مشکلات فعلی نظام آموزش و پرورش این است که برای معلم فقط رسالت آموزشی قائل است، در صورتی که معلم هم رسالت آموزشی دارد و هم رسالت پرورشی



کمک آموزشی خواهد بود. که هم معلم و هم دانش‌آموز می‌توانند از آن استفاده کنند. الان برخی معلمان می‌گویند مجله مطلبی برای من ندارد. یا او دنبال نمی‌کند یا واقعاً مطلبی نیست. گاهی هم می‌گویند وقت کلاس با استفاده از مجله گرفته می‌شود. در صورتی که اگر مجله دقیقاً وسیله‌ی کمک آموزشی باشد، مانند تخته‌ی کلاس می‌شود که حضورش لازم و واجب است.

○ شما درس ادبیات را با چه روشی تدریس می‌کنید؟

● من دو سال در «جشنواره ی الگوی برتر تدریس»، مقام استانی کسب کردم و دو سال پیایی به‌عنوان معلم پژوهنده‌ی استان انتخاب شدم. ۱۰ سال پیش طرح «ارزش‌یابی باز» را ارائه دادم که در استان اول شد. طرح به این صورت بود که من یک سلسله سؤال را به دانش‌آموزان می‌دادم تا در منزل جواب آن‌ها را بنویسند و خانواده‌ها هم بر نحوه‌ی پاسخ دادن آن‌ها نظارت کنند.

در ارزش‌یابی دو حالت وجود داشت: یا دانش‌آموز قبلاً درس را خوانده بود و پاسخ‌ها را می‌نوشت و یا نخوانده بود و از روی کتاب جواب‌ها را می‌نوشت و می‌آورد. وقتی بچه‌ها پاسخ‌ها را می‌آوردند، من از پاسخ‌هایشان دوباره از خودشان سؤال می‌پرسیدم. یعنی مجبور بودم سؤالی را که من داده بودم، دوباره بخواند. چون احتمال داشت که من دوباره از آن‌ها سؤال بپرسم. پس آن کسی که نخوانده بود هم مجبور می‌شد بخواند تا بتواند جواب سؤال‌های مرا بدهد.

در الگوهای برتر تدریس، من دنبال مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در کلاس درس بودم. به‌نظر من بچه‌ها خودشان باید فعال شوند و به‌جای این‌که به آن‌ها ماهی بدهیم، ماهی‌گیری یادشان بدهیم و معلم فقط نقش راهنما داشته باشد. این الگو را می‌خواستیم به مرحله‌ی کشوری برسانیم که بنا به دلایلی نشد.

○ با این روش‌ها، خروجی‌های کارتان چه کیفیتی داشتند؟

● نباید انتظار داشته باشیم که کارهای انجام شده، نتیجه‌ی صددرصدی داشته باشد. من نامه‌هایی به بچه‌ها دادم تا برای خانواده‌شان بخوانند و آن‌ها را با آموزش و مدرسه درگیر کنند. این روش‌ها درکل بازخوردهای خوبی داشتند. در خروجی این روش‌ها حتی اگر تلنگری هم زده شود، خوب است.

○ این کارها در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چه تأثیری داشت؟

● ما باید بدانیم که هدفمان از نمره دادن چیست. یک قسمتی نمره‌گذاری است و یک قسمتی هم آداب اجتماعی است که به زندگی فردی مربوط می‌شود و می‌تواند به رشد و خلاقیت فرد بینجامد. وقتی ما مطالعه و روش صحیح مطالعه را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، حتماً در موفقیت تحصیلی‌شان و در روابط اجتماعی و خانوادگی‌شان هم تأثیر خواهد داشت. در واقع من از مجلات رشد به‌عنوان دفتر تمرین بچه‌ها استفاده می‌کنم. یعنی با توجه به درس‌ها، از متن‌های مجله‌ی رشد کمک می‌گیرم.

○ آیا ارزیابی کرده‌اید که بعد از این کار، نمرات دانش‌آموزان چه وضعیتی پیدا کرده است؟

والدین و متأسفانه حتی برخی از معلمان فکر می‌کنند که دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی بیشتر باید درس ریاضی را یاد بگیرد و چندان به فکر درس ادبیات فارسی نیستند. در صورتی که موفقیت در درس ادبیات فارسی، موجب موفقیت در سایر دروس می‌شود

● اگر منظورتان مقایسه بین سال‌های گذشته و سال‌هایی است که از مجلات رشد استفاده کرده‌ایم، نه. چون کلاس‌ها متغیر هستند.

○ تأثیرات کیفی این کار روی دانش‌آموزان چگونه بوده است؟

● برای مثال عرض می‌کنم، سال پیش متنی از «قابوس‌نامه» درباره‌ی آداب سخن گفتن در رشد نوجوان چاپ شده بود. یکی از معلم‌ها آمد و از این که این متن را به دانش‌آموزش داده بودیم، خیلی تشکر کرد. او می‌گفت: این دانش‌آموز بعد از خواندن آن متن از لحاظ گفتاری و رفتاری خیلی تغییر کرده است. این نشان می‌دهد که مطالعه تأثیرگذار است.

○ چه تأثیری بر شادابی کلاس داشته است؟

● این نوع کلاس دیگر کسل‌کننده نیست. وقتی به دانش‌آموز مطلبی را به‌عنوان درس ارائه می‌دهید، برایش حالت اجبار پیدا می‌کند. ولی وقتی مطلبی را که خارج از درس است - ولی مربوط به درس است - ارائه می‌دهیم، دیگر تحمیلی نیست و با اشتیاق آن را می‌خواند. ما نمی‌خواهیم مطالعه را به دانش‌آموزان تحمیل کنیم، بلکه می‌خواهیم خودشان حلاوت و شیرینی آن را درک کنند.

وقتی مجله را با هم در کلاس می‌خوانیم، بچه‌ها شاد می‌شوند. چون به خیال خودشان از وقت کلاس می‌گذاریم و مجله می‌خوانیم که خارج از درس است. در حالی که خارج از درس نیست. آن‌ها دوست دارند که بیشتر مجله را مطالعه کنند.

معلم‌ها اگر بتوانند مجلات رشد را وارد کلاس و زندگی بچه‌ها کنند، شادابی کلاس دوچندان می‌شود. یعنی دانش‌آموزان، هم به مطالعه علاقه‌مند می‌شوند و هم متوجه می‌شوند که درس فقط کتاب نیست. در ضمن قرار نیست معلم همه‌چیز را بداند. او می‌تواند بعضی نکات را از مجلات رشد بیاموزد و به دانش‌آموزان انتقال دهد.

○ علاوه بر استفاده از مجله رشد نوجوان، از چه روش‌های دیگری برای تدریس استفاده می‌کنید؟

● یکی دیگر از کارهایی که سرکلاس انجام می‌دهم این است که با استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای تدریس فارسی دوره‌ی راهنمایی یا فایل‌های پاورپوینت از استادان به‌نام دانشگاه‌ها، درس می‌دهم. من خیلی سعی کرده‌ام که سی‌دی‌ها و نرم‌افزارهای متعلق به آموزش و پرورش و معتبر را پیدا کنم، اما موفق نشده‌ام. الان از نرم‌افزاری استفاده می‌کنم که مربوط به شرکت «شاد نرم‌افزار» است.

بچه‌ها به رایانه و آموزش الکترونیک گرایش دارند. بنابراین ما هم باید به این موضوع توجه داشته باشیم.

○ این نرم‌افزار چه امکاناتی دارد؟

● نرم‌افزار تدریس است و به شیوه‌ای تدریس می‌کند که برای بچه‌ها جالب است. این نرم‌افزار به‌گونه‌ای طراحی شده که امکان طراحی سؤال و آزمون در آن وجود دارد و حتی می‌تواند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را نشان دهد.

اگر مجلات رشد رسالت کمک آموزشی خود را مراعات کنند، حضورشان در مدارس و کلاس‌های درس مانند تخته‌ی کلاس واجب می‌شود

○ آیا این نوع نرم افزار در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرند؟

● نه، چون همه‌ی بچه‌ها رایانه در اختیار ندارند، ما در سایت مدرسه از این نرم افزارها استفاده می‌کنیم. بچه‌ها با آن به صورت گروهی کار می‌کنند و به مشورت با هم می‌پردازند. آن‌ها از این نوع تدریس لذت می‌برند.

○ بچه‌ها در چه زمان‌هایی از این نرم افزار استفاده می‌کنند؟

● تقریباً هر دو هفته یکبار این کار را انجام می‌دهیم. مدرسه یک ساعت اضافی و جبرانی به من داده‌اند و من هم بعد از ظهرها، برای این‌که بچه‌ها از حالت خواب‌آلودگی بیرون بیایند، وقت کلاس را به این کار اختصاص می‌دهم.

○ این کار مانع به موقع تمام شدن کتاب درسی نمی‌شود؟

● نه، چون من یک ساعت اضافه دارم که همان بعد از ظهرهاست. من در آن ساعت بچه‌ها را به سایت می‌برم.

○ مجلات رشد را در چه زمانی می‌خوانید؟

● ما تمرین‌هایی مثل روخوانی داریم. حالا اگر از خود کتاب هم نخوانند اشکالی ندارد. چون اصل روان‌خوانی است و می‌توان از روی هر متنی خواند. من از این زمان‌ها برای خواندن مجله‌ی رشد استفاده می‌کنم.

○ نظرتان درباره‌ی کتاب درسی ادبیات دوره‌ی راهنمایی چیست؟

● کتاب درسی دوم راهنمایی متنوع‌تر، ولی سخت‌تر هم شده است. من با سختی‌اش موافقم. مثلاً در قسمت حکایت‌ها، حکایت‌های سخت و پر لغتی انتخاب شده‌اند. اما قسمت نگارش کتاب کم‌مایه شده و نگارش در حاشیه قرار گرفته است. یعنی برخلاف گذشته، بخش نگارش فارسی در زمینه‌ی کتاب است و در مطالب محو شده و در حاشیه قرار گرفته است. مثلاً در کتاب فارسی سوم راهنمایی، مستقیماً مبحث نگارش ۱، ۲، ۳ و... وجود دارد. ولی در کتاب‌های اول و دوم، نگارش در حاشیه قرار دارد. در قسمت املا هم قبلاً فقط تقریری بود. الان، هم تقریری است و هم امتحان کتبی دارد. اما املا کتبی به امتحان فارسی تبدیل شده و واقعیت خودش را از دست داده است. یعنی قسمت املا در حاشیه قرار می‌گیرد و در حقیقت امتحان فارسی گرفته می‌شود، نه امتحان املا.

○ ممکن است تجربیات ۲۰ سال تدریس خودتان را به‌طور خلاصه بیان بفرمایید؟

● اولین نکته این است که معلم نباید بخواهد همه‌چیز را به دانش‌آموز یاد بدهد. چون دانش‌آموزان در این سن و سال، خود شوق جست‌وجو دارند. من هنگام تدریس خودم را وارد دنیای بچه‌ها می‌کنم و با آن‌ها همراه می‌شوم. دوست دارم دانش‌آموزان مطالعات شخصی غیردرسی خود را گسترش دهند. دانش‌آموزان هم از این روش بیشتر لذت می‌برند، چون بچه‌ها ذاتاً تربیت‌پذیر هستند. سعی می‌کنم با بچه‌ها دوست باشم. به قول شاعر:

وقتی در کلاس درس با بچه‌ها  
مجله‌ی رشد می‌خوانیم،  
دانش‌آموزان شاد می‌شوند،  
چون احساس می‌کنند کاری  
خارج از درس است. در  
حالی‌که خارج از درس نیست  
و ما به هدف اصلی مان که  
عادت دادن دانش‌آموزان به  
مطالعه است، رسیده‌ایم

چون که با کودک سروکارت فتاد  
خود زبان کودکی باید گشاد

معتقدم که برای تدریس ادبیات فارسی در دوره‌ی راهنمایی، باید از همه‌ی روش‌های تدریس استفاده کرد. وظیفه‌ی معلم این است که استعدادها و قابلیت‌های ذهنی و فطری دانش‌آموزان را پرورش دهد. در واقع او هدایت جریان رشد تحصیلی، شخصیتی و تربیتی دانش‌آموزان را بر عهده دارد. یکی از مشکلات فعلی نظام آموزش و پرورش این است که برای معلم فقط رسالت آموزشی قائل است. در صورتی که معلم، هر رسالت آموزشی دارد و هم رسالت تربیتی. نباید رسالت تربیتی و پرورشی او تحت تأثیر رسالت آموزشی وی مغفول واقع شود.

یکی از رمزهای موفقیت معلمان، مهارت برقراری ارتباط صحیح با دانش‌آموزان است. معلم وقتی می‌خواهد درسی را به دانش‌آموز بدهد، در حقیقت می‌خواهد یک پیام را به او منتقل کند. بدون ارتباط صحیح با دانش‌آموزان، انتقال چنین پیامی ممکن نیست. نکته‌ی دیگر این است که اگر در انتقال پیام، ارتباط فقط یکطرفه باشد و معلم به تنهایی متکلم وحده باشد، موفق نخواهد شد.

یکی از الگوهای روش تدریس کنش متقابل است. معلم و دانش‌آموز باید کنش متقابل داشته باشند و دانش‌آموزان در امر تدریس و یادگیری به مشارکت فعال بپردازند. حتی باید نقش آن‌ها از معلم پررنگ‌تر باشد. این باور موجب شد که بنده از آموزش الکترونیک و مجلات رشد به‌عنوان یک وسیله‌ی کمک‌آموزشی استفاده کنم.

توصیه می‌کنم در مدارس ابتدایی هم دانش‌آموزان با مجلات رشد آشنا شوند و ارتباط بیشتری با آن‌ها برقرار کنند. چون مجلات بر اساس گروه سنی و سال‌های تحصیلی تولید می‌شوند و اگر دانش‌آموزان از وجود آن‌ها آگاهی یابند، بیشتر به دنبال این مجلات خواهند بود. خواهش من این است که مدیران و معلمان مدارس ابتدایی هم سعی کنند که ارتباط دانش‌آموزان را با مجلات رشد برقرار سازند.

نکته‌ی دیگر این است که والدین و متأسفانه حتی برخی از معلمان، فکر می‌کنند که دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی بیشتر باید درس ریاضی را یاد بگیرد و چندان به فکر دروسی مانند ادبیات فارسی نیستند. در صورتی که اگر دانش‌آموز به درس ادبیات در دوره‌ی ابتدایی علاقه‌مند باشد، در یادگیری دروس مانند ریاضیات هم موفق‌تر خواهد بود و این وظیفه‌ی معلمان دوره‌ی ابتدایی است که ادبیات فارسی را در این دوره جدی تلقی کنند. متأسفانه در حال حاضر بچه‌هایی که وارد دوره‌ی راهنمایی می‌شوند، در درس ادبیات فارسی خیلی

دانش‌آموزان با تصاویر مجله  
مشکل دارند. چون این تصاویر  
برایشان نامفهوم و غیرقابل  
درک است. بنابراین اگر از  
تصاویر حقیقی استفاده شود،  
بهبتر است



ضعیف هستند. چرا که معلمان دوره‌ی ابتدایی روی درس ادبیات چندان تأکید نمی‌کنند.

○ اگر ضروری می‌دانید، نکته‌ی دیگری را هم مطرح کنید، بفرمایید.

● من از مجلات رشد و از شما تشکر می‌کنم. مجلات رشد دوستان خوبی برای بچه‌ها هستند و به تدریج جای خود را در میان دانش‌آموزان باز می‌کنند. به این ترتیب رشد فکری دانش‌آموزان هم بالاتر می‌رود. الان باوجود کتاب‌های زیادی که منتشر می‌شوند، مجله‌ها جایگاه خودشان را دارند؛ چرا که پاسخ نیازهای دانش‌آموزان در آن‌ها گنجانده می‌شود.







# رشد در مدارس

● راز و رمز استقبال گرم مدارس استان همدان از نشریات رشد  
● تشنگان رشد



گزارشی از پوشش ۱۰۰ درصدی  
مجلات رشد در برخی از مناطق استان

عکاس: هانف همای  
گزارش از: نصر الله دادار

## راز و رمز استقبال گرم مدارس استان همدان از نشریات رشد

توزیع مناسب و به موقع نشریات رشد و رسیدن آن‌ها در زمان مناسب به دست مخاطبان (دانش‌آموزان، معلمان و مدیران مدارس)، یکی از دغدغه‌های بسیار مهم و جدی مدیران و دست‌اندرکاران «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. این دغدغه بسیار منطقی و اصولی است. زیرا برای تولید نشریات رشد از شروع برنامه‌ریزی تا تهیه‌ی مطلب، ویرایش، حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، غلط‌گیری و تصحیح، لیتوگرافی، چاپ و صحافی، تلاش‌های گسترده‌ای انجام می‌گیرد. اگر این محصول در زمان مناسب، به دست مخاطبان مجلات (معلمان، مدیران و دانش‌آموزان) نرسد، همه‌ی این تلاش‌ها بی‌ثمر خواهند شد.

اساساً «زمان» نقش بسیار مهمی در حیات مجلات و نشریات ایفا می‌کند. هر نشریه‌ای در زمان مناسب ارزش دارد و پس از آن ارزش اولیه را نخواهد داشت. در سال‌های اخیر، مدیران دفتر با برنامه‌ریزی مناسب کوشیده‌اند نشریات رشد را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست دانش‌آموزان، معلمان و مدیران مدارس برسانند و مخاطبان نشریات رشد را به‌طور گسترده پوشش دهند. در این راه، برخی از توزیع‌کنندگان مجلات رشد در استان‌ها، شهرستان‌ها، شهرها و حتی روستاها، با تلاش‌های بسیار وسیع و با روش‌های ابتکاری، خلاق و نوآورانه توانسته‌اند برخی از نشریات را در برخی از مناطق به پوشش صددرصدی برسانند. در این زمینه، استان همدان یکی از استان‌های بسیار موفق است. گزارشی از نحوه‌ی توزیع و پوشش نشریات رشد در برخی از مناطق استان همدان تهیه کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

## دبستان روستای حسین‌آباد کیان از توابع شهرستان نهاوند، یکی از مدارسی است که نشریات رشد را پوشش صددرصدی داده است

### سه هفته فرصت برای هماهنگی و تهیه‌ی يك گزارش

حدود سه هفته طول کشید تا هماهنگی‌های سفر ما به استان همدان انجام گرفت. سرانجام ساعت چهار بعدازظهر از مقابل درب دفتر انتشارات کمک‌آموزشی در خیابان ایرانشهر به سمت همدان به راه می‌افتیم.

اواخر فصل پاییز است و هوا سرد، هواشناسی، هوای استان همدان را ابری و برفی اعلام کرده است. آقای هاتف همایی، عکاس و همراه من در این سفر است. خودم و آقای همایی را به راننده معرفی می‌کنم و از او هم می‌خواهم که خودش را معرفی کند. راننده خودش را آقای سماواتی و اهل همدان معرفی می‌کند. قدری خیالم راحت می‌شود که چون ایشان اهل همدان است و شب در همدان می‌خوابد، عجله‌ای ندارد که به سرعت به همدان برود و شب برگردد؛ بنابراین با سرعت مناسبی حرکت خواهد کرد.

از راننده سؤال می‌کنم که فاصله‌ی تهران تا همدان چند ساعت است؟ می‌گوید با سواری ۲/۵ ساعت است. می‌گویم: «به من گفته‌اند که حدود شش ساعت است. چه‌طور می‌گویید ۲/۵ ساعت؟» می‌گوید: «اولاً شش ساعت با اتوبوس است و ثانیاً ما از جاده ساوه می‌رویم، نه از جاده‌ی کرج قزوین.»

حوالی ساعت ۵/۵ از شهر ساوه می‌گذریم. هوا تقریباً تاریک شده است و راننده چراغ‌های خود را روشن می‌کند. کنار جاده، چند وانت در حال فروش انار ساوه هستند. راننده می‌گوید: «انار ساوه امسال خوب نیست. پارسال درختان انار را سرمازد و محصول انار امسال بسیار ضعیف است. من هر سال از یکی از دوستانم در ساوه به‌طور مفصل انار می‌خریدم و برای خانواده می‌بردم. ولی امسال ایشان گفته است وضع انارها خوب نیست.

آب‌دار نیستند و ارزش خرید ندارند.»

### سرعت و سبقت‌های غیرمجاز راننده

بعد از عبور از شهر ساوه، راننده سرعت خود را افزایش می‌دهد و از چند ماشین سبقت می‌گیرد. کاملاً بدنم را جمع و منقبض می‌کنم و به شدت می‌ترسم. بعضی از سبقت‌های راننده‌ی ما بسیار خطرناک است و امکان دارد با خودروهایی که از روبه‌رو می‌آیند، تصادف کند. به راننده تذکر می‌دهم که سرعت را کم کند و از گرفتن سبقت‌های خطرناک بپرهیزد؛ ولی گوش او بدهکار نیست. هوا کاملاً تاریک شده است و تنها با نور ماشین می‌توان مسیر جاده را دید. اطرافمان به هیچ عنوان قابل رؤیت نیست. هوا به شدت سرد شده است.

### زُوقم می‌بارد

شیشه‌های ماشین از داخل عرق کرده است. راننده ماشین می‌گوید: «زُوقم می‌بارد!» این يك اصطلاح محلی همدانی است به این معنا که هوا خیلی سرد است. پیش خودم می‌گویم: «وقتی يك همدانی که خودش در هوای سرد بزرگ شده، می‌گوید هوا خیلی سرد است، من خوزستانی چه طور می‌خواهم در این هوای سرد گزارش تهیه کنم؟!»

به منطقه‌ی «دخان» می‌رسیم. هوا به شدت مه‌آلود می‌شود دید راننده به شدت محدود. مه آن قدر غلیظ است که از لامپ‌های مه‌شکن هم کار چندانی ساخته نیست. آقای همایی از راننده می‌پرسد: «آیا در این منطقه گرگ هم وجود دارد؟»

راننده پاسخ می‌دهد که چندی پیش در همین منطقه دو سر باز که ماشینشان خراب شده بود، توسط گرگ‌ها دریده و خورده شدند! با این حرف‌های راننده توی دم بیشتر خالی می‌شود! از شانس بد، راننده هم که از اول از ما قول گرفته بود که مانع گوش کردن نوارهای موسیقی او نشویم، به موسیقی غمگین و

مأیوس‌کننده‌ای گوش می‌دهد تا به قول خودش خوابش نبرد.

معصومه شهبازی مدیر  
دبستان حسین‌آباد: این مدرسه  
۸۰ دانش‌آموز دارد که همه‌ی  
آن‌ها نشریات رشد را خریداری  
می‌کنند

### دیگه فریادرسی نیست

صدای خواننده از بلندگوها می‌آید که:

آسمون ابری شده.

دیگه فریادرسی نیست.

دیگه دل با کسی نیست

آسمون ابری شده

دیگه خاروخی نیست

و...

فضای درون و بیرون خودرو کاملاً دل‌گیر کننده است. لحظه به لحظه هم هواسردتر و غلظت‌مه‌بیشتر می‌شود. اما متأسفانه، راننده نه تنها سرعت خود را کاهش نمی‌دهد، بلکه چون می‌خواهد این منطقه را زودتر پشت سر بگذارد، بر سرعتش می‌افزاید؛ تا جایی که واقعاً يك خطر حتمی و جدی از بیخ گوش ما می‌گذرد و انصافاً خداوند به ما يك عمر دیگر می‌دهد. راننده که مرتب از سایر خودروها سبقت‌های غیرمجاز می‌گیرد، سر یکی از پیچ‌ها که دید ندارد، با گرفتن سبقتی بسیار خطرناک، با يك کامیون سنگین شاخ به شاخ می‌شود. راننده‌ی کامیون سرعتش را سریع کم می‌کند تا ما بتوانیم از محل حادثه فرار کنیم.

راننده‌ی ما خودش هم به شدت ترسیده است و اقرار می‌کند که کار بی‌مورد و خطرناکی کرده است. من و آقای همایی به شدت به او اعتراض می‌کنیم که آقای این چه وضع رانندگی است! ولی گوش او خیلی بدهکار این حرف‌ها نیست. مثل این که این کارها و شنیدن این اعتراض‌ها برایش عادت شده است. چاره‌ای نداریم و باید تا همدان صبر کنیم. چون نمی‌توانیم کاری کنیم، به خودم می‌گویم: «آخر این چه کاری است که تو قبول کرده‌ای؟! چرا باید در فصل سرما به یکی از سردترین مناطق کشور، یعنی همدان بروی و گزارش تهیه کنی؟! بابت این سفر که نه به تو نه حق مأموریت می‌دهند و نه اضافه کار. هزینه و دستمزد آن هم مثل همان هزینه و دستمزد و يك گزارش است که در تهران تهیه می‌کنی؛ پس چرا زیر بار این کار رفتی؟»

بعد یادم می‌آید که این گزارش در رابطه با ثبت و ضبط تلاش‌ها و کوشش‌های تعدادی معلم و کارکنان فرهنگی است که با عشق و علاقه در مناطق سخت و روستایی کار می‌کنند و هیچ چشم‌داشتی هم از کسی ندارند، دوباره امیدوار می‌شوم و به خودم می‌گویم: «بگذار سهم تو هم در این راه، قبولی سختی راه برای تهیه‌ی گزارش از فعالیت انسان‌های شریفی باشد که به مردم جامعه خدمت می‌کنند؛ کسانی که با داشتن حداقل امکانات، بیشترین خدمت علمی، آموزشی و فرهنگی را به محروم‌ترین مردم کشورمان ارائه می‌دهند؛ خدمتی که قابل مقایسه با خدمت اقتصادی نیست.»







شهین وکیلی معلم دبستان  
حسین آباد: دانش آموزان پایه ی  
اول از نشریه ی رشد کودک  
خیلی لذت می برند

**خودم را به خدا می سپارم**

خودم را به خدا می سپارم و با امید به این که ان شاء الله با دست پر از این سفر برگردم و گزارش خوبی برای مجلات رشد تهیه کنم، ساعت مرا نگاه می کنم ساعت حدود هشت شب است. به خاطر این که راننده چرت نزند و خدای نکرده خوابش نبرد، سعی می کنم با او صحبت کنم. از آقای سماواتی سؤال می کنم کی به همدان می رسیدیم. او می گوید: «راه زیادی باقی مانده، ان شاء الله ساعت ۹ شب همدان هستیم. نگران نباشید، ماشین من از هر نظر مجهز است و مشکلی نداریم. لاستیک های ماشین من گل برفی است و در آب شیشه شوی هم الکل ریخته ام که یخ نزند. بنابراین اگر برف هم شروع شود، مشکل نیست»

**فریب دادن پلیس راه**

به راننده می گویم: «مگر پلیس راه سرعت شما را کنترل نمی کند که شما این قدر سرعت می روید؟» او می گوید: «روی ماشین های ما که خطی و بین راهی هستند، یک فلش رایانه ای نصب کرده اند که پلیس راه از طریق آن، سرعت ما را کنترل می کند. ولی ما بین راه این دستگاه را خاموش می کنیم





معصومه متین معلم پایه‌ی  
پنجم دبستان حسین آباد: ما  
از قصه‌های «رشد دانش آموز»  
برای خلاصه‌نویسی در کلاس  
درس استفاده می‌کنیم

تا جاهایی که با سرعت غیرمجاز حرکت می‌کنیم، ثبت نشود.»

به خودم می‌گویم بیچاره مسئولان پلیس راه چه قدر می‌نشینند و فکر می‌کنند تا راهی بیابند که جلوی سرعت غیرمجاز رانندگان متخلف را بگیرند تا این همه حادثه و کشته در جاده‌ها نداشته باشیم، آن وقت يك راننده در عرض چند دقیقه، همه‌ی نقشه‌های آن‌ها را به هم می‌زند. بدون شك رانندگان کامیون، اتوبوس و... هم از این نوع كلك‌ها باخبرند و همین امر موجب می‌شود که هیچ‌وقت تلفات جاده‌های ما

کاهش نیابد. از خودم می‌پرسم: «چرا در کشورهای توسعه یافته این مسائل وجود ندارند و مردم به خاطر این کارها دروغ نمی‌گویند؟»

به سرعت به خودم پاسخ می‌دهم: «آن‌ها در کشورشان کارهای فرهنگی زیادی کرده‌اند. آن‌ها مردم کشورشان را برای يك زندگی آرام، شاداب، پرامنیت، فعال و با نشاط، مبتنی بر راست‌گو و... آموزش داده‌اند و اساساً کارهای آموزشی و فرهنگی در کشورشان از جایگاه رفیعی برخوردار است.»

### يك نفر می‌یاد که من منتظر دیدنشم

حوالی ساعت ۹ شب است و دستگاه پخش صوت ماشین ترانه‌ی «يك نفر می‌یاد که من منتظر دیدنشم» را پخش می‌کند. با شنیدن این صدا، احساس خوبی به من دست می‌دهد و کاملاً روحیه‌ام عوض می‌شود. اگرچه هنوز چراغ‌های شهر همدان دیده نمی‌شود، ولی احساس می‌کنم که به

همدان رسیده ایم. خدا را شکر می‌کنم. همین احساس شادابی را هم در چهره‌های آقایان همایی و سماواتی می‌بینم. آن‌ها هم کم‌کم لبخند می‌زنند و ظاهراً امیدوارند که ان‌شاءالله به زودی به همدان می‌رسیم. چراغ‌های شهر همدان پشت مه غلیظ کم‌کم پیدا می‌شوند و ما جلوی ساختمان پلیس راه همدان برای مهر کردن دفترچه‌ی راننده می‌ایستیم. راننده با سرعت از ماشین خارج می‌شود و به سمت مقر پلیس راه می‌رود و دفترچه‌اش را مهر می‌کند و برمی‌گردد. زنگ تلفن همراه راننده به صدا درمی‌آید. آقای راننده صحبت می‌کند و با لهجه همدانی به همسرش می‌گوید که نزدیک همدان است و نیم ساعت دیگر به خانه می‌رسد.

### ورود به خانه‌ی معلم همدان

ساعت ۹:۳۰ دقیقه شب، راننده ما را جلوی خانه‌ی معلم همدان پیاده می‌کند و شماره‌ی تلفن همراهش را به ما می‌دهد که روز برگشت از مأموریت، با ایشان به تهران برگردیم. ولی ما که در این سفر از خطر حتمی نجات پیدا کرده بودیم، از ایشان و ماشینش برای همیشه خداحافظی می‌کنیم و وارد خانه‌ی معلم می‌شویم و با خود عهد می‌کنیم که دیگر هیچ وقت با ماشین‌های خطی بین راهی سفر نکنیم.

با ورود به خانه‌ی معلم، با آقای اردشیر جهانگیری، نماینده‌ی نشریات رشد در استان همدان، تماس می‌گیریم. ایشان محبت می‌کنند و به سرعت به خانه‌ی معلم می‌آیند تا برنامه‌ی سفر ما به شهرستان نهاوند و محل اسکان ما را در آن شهر مشخص کنند. آقای جهانگیری بعد از صحبت کردن با مدیر خانه‌ی معلم همدان و تعیین محل خواب ما، می‌گوید هماهنگی کرده‌ام که ساعت هشت صبح به نهاوند بروید. آقای جهانگیری پس از صرف شام از ما جدا می‌شود و ما برای استراحت به اتاق خوابمان می‌رویم.

فاطمه قیاسی معلم دبستان  
حسین آباد: قصه‌های «رشد»  
نوآموز» برای تمرین روان خوانی  
بسیار مناسب هستند

### بارش برف شدید در همدان

روز سه‌شنبه صبح زود از خواب بیدار می‌شویم. کنار پنجره می‌رویم و از پشت پنجره هوای بیرون را نگاه می‌کنم. برف سنگینی در حال باریدن است. کف حیاط خانه‌ی معلم مملو از برف شده است. به آقای همایی می‌گویم فکر می‌کنم نتوانیم امروز به نهاوند برویم. برف بسیار شدیدی در حال باریدن است. او پیشنهاد می‌کند که صبحانه بخوریم و منتظر آقای جهانگیری باشیم. قبل از این که صبحانه‌ی ما تمام شود، تلفن اتاقمان زنگ می‌زند. آقای جهانگیری پشت خط است. او می‌گوید: «من و راننده، در سالن انتظار منتظر شما هستیم»

به سرعت وسایلمان را جمع می‌کنیم و پایین می‌رویم. آقای جهانگیری منتظر ماست. همراه او از خانه‌ی معلم خارج می‌شویم. جلوی درب خانه‌ی معلم یک سواری سمند منتظر ماست تا با آن به نهاوند برویم. آقای جهانگیری ما را به راننده‌ی سمند (آقای علی مقدم‌پور) معرفی می‌کند و خودش از ما جدا می‌شود.

## راننده‌ی بی‌خیال

من و آقای همایی سوار ماشین سمند می‌شویم. راننده‌ی سمند ماشینش را روشن می‌کند و به راه می‌افتد. خیابان‌های شهر همدان پر از برف است. هنوز چند قدمی جلو نرفته‌ایم که ماشین به شدت لیز می‌خورد و کنترل آن از دست راننده خارج می‌شود. از راننده می‌پرسم: «لاستیک‌های ماشین یخ‌شکن نیست؟»

راننده می‌گوید: «نه.»

می‌گویم: «پس زنجیرهای چرختان را ببندید.»

می‌گوید: «زنجیر چرخ ندارم.»

سریع با آقای جهانگیری

تماس می‌گیرم و وضعیت را به

او می‌گویم. آقای جهانگیری با

راننده صحبت می‌کند و او را

وامی دارد که برای این سفر زنجیر

چرخ بخرد. برای خرید زنجیر

چرخ به چند مغازه سر می‌زنیم.

در مغازه‌ها هنوز باز نشده‌اند.

آن قدر می‌گردیم تا یک مغازه‌ی

باز پیدا می‌کنیم و راننده زنجیر

چرخ می‌خرد.

حالا با مشکل بستن زنجیر چرخ‌ها روبه‌رو هستیم. پیش هر مغازه‌ی

پنج‌گیری می‌رویم، قبول نمی‌کند که زنجیر چرخ‌ها را ببندد. آن قدر می‌گردیم

که برف پایان می‌یابد و با تردد بیشتر خودروها، وضع خیابان‌ها بهتر می‌شود.

راننده قید بستن زنجیر چرخ‌ها را می‌زند و می‌گوید: «کم‌کم حرکت می‌کنیم و

اگر مشکلی بود، بین راه زنجیرهای چرخ را می‌بندم.»

صدقه‌ای کنار می‌گذاریم و با ترس و لرز قبول می‌کنیم و راه می‌افتیم.

خوش‌بختانه هرچه جلوتر می‌رویم وضع جاده بهتر می‌شود. جلوی ساختمان

پلیس راه همدان - ملایر می‌ایستیم و از پلیس راه وضعیت جاده‌ی ملایر و

اکرم خدارحمی: خواندن مطالب مجلات رشد باعث ایجاد علاقه در دانش‌آموزان برای خواندن مطالب غیردرسی می‌شود



نهاوند را می‌پرسیم. پلیس راه وضعیت را عادی اعلام می‌کند. از آن به بعد کمی خیالمان راحت می‌شود. حدود ساعت ۱۱ صبح از ملایر می‌گذریم و ساعت ۱۲ به نهاوند می‌رسیم. مستقیم به اداره‌ی آموزش و پرورش نهاوند می‌رویم و به آقای شیرزاد سیاوشی، کارشناس تکنولوژی آموزشی و نماینده‌ی نشریات رشد در نهاوند مراجعه می‌کنیم. آقای سیاوشی که از قبل توسط آقای اردشیر جهانگیری توجه شده است، با برخورد بسیار گرم و صمیمانه‌اش می‌گوید: «باید به روستای حسین‌آباد برویم.»

### پوشش صددرصدی نشریات رشد در دبستان روستای حسین‌آباد کیان نهاوند

به همراه آقای سیاوشی به سوی روستای حسین‌آباد کیان راه می‌افتیم. حدود ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه به روستا می‌رسیم. خودرو را کنار خیابان پارک می‌کنیم و وارد روستا می‌شویم. از چند روستایی، آدرس مدرسه را می‌پرسیم. آن‌ها ما را راهنمایی می‌کنند و به سمت مدرسه می‌رویم. عده‌ای از دانش‌آموزان در حیاط مدرسه در حال بازی هستند. با دیدن ما و با این فکر که شاید اشخاص خاصی هستیم، به بازی خود پایان می‌دهند و مدیر مدرسه را از ورود ما با خبر می‌سازند. خانم معصومه شهبازی مدیر مدرسه به استقبال ما می‌آید. با راهنمایی ایشان وارد دفتر مدرسه می‌شویم.

### گفت‌وگو با خانم معصومه شهبازی مدیر دبستان

بعد از یک پذیرایی بسیار ساده از ما که از سوی مدیر مدرسه انجام می‌شود، گفت‌وگو با ایشان را آغاز می‌کنیم. خانم شهبازی در سال ۱۳۵۲ در شهرستان نهاوند متولد شده و دارای ۱۸ سال سابقه کار در آموزش و پرورش است. وی فوق‌دیپلم ابتدایی دارد و هفت سال در پست مدیر دبستان انجام وظیفه کرده است.

خانم شهبازی می‌گوید: «روستای حسین‌آباد کیان ۲۳۰ خانوار دارد. در دبستان حسین‌آباد کیان، ۸۰ دانش‌آموز (۴۱ دختر و ۳۹ پسر) مشغول به تحصیل هستند. این مدرسه در سال ۱۳۵۶ تأسیس شده و اکنون جزو مدارسی است که باید تخریب و نوسازی شود. چهار معلم دارد و کلاس سوم و چهارم آن به صورت دو پایه اداره می‌شود که خانم اکرم خدارحمی معلم آن‌هاست. خانم شهین وکیلی توسل معلم پایه‌ی اول، خانم فاطمه قیاسی معلم پایه‌ی دوم و خانم معصومه متین معلم پایه‌ی پنجم هستند.

### ۸۰ مجله رشد برای ۸۰ دانش‌آموز

مدیر دبستان حسین‌آباد کیان در ادامه می‌گوید: «دانش‌آموزان این دبستان مشترک ۸۰ شماره‌ی نشریه‌های رشد هستند. یعنی صددرصد دانش‌آموزان مشترک مجلات رشد هستند. ما ۱۴ شماره «رشد کودک» برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول، ۳۹ شماره «رشد نوآموز» برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم و ۲۷ شماره «رشد دانش‌آموز» برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم تهیه می‌کنیم. هم‌چنین، برای معلمان مدرسه، نشریات رشد تکنولوژی آموزشی، رشد آموزش ابتدایی، رشد مدرسه‌ی فردا، رشد مدیریت و رشد معلم را می‌خریم.»

وی می‌افزاید: «همه دانش‌آموزان با علاقه منتظر رسیدن نشریات رشد هستند و هیچ کدام از آن‌ها به‌زور مجله را مشترک نشده‌اند. اتفاقاً



شیرزاد سیاوشی کارشناس  
تکنولوژی آموزشی و نماینده  
نشریات رشد در شهرستان  
نهاوند: مدیران و معلمان فعال  
نقش بسیار مهمی در ایجاد  
علاقه به نشریات رشد در  
دانش آموزان دارند

خانواده‌ی بچه‌ها هم منتظر شماره‌های جدید مجلات رشد هستند. چون بچه‌ها مطالب مجلات را برای آنان می‌خوانند و والدین هم از مطالب مجلات رشد لذت می‌برند. آن‌ها بهای هشت شماره‌ی مجلات رشد را از پیش پرداخت کرده‌اند.»

### رمز و راز پوشش صددرصدی نشریات رشد

خانم شهبازی در پاسخ به این سؤال که چه‌طور شد بچه‌ها و خانواده‌های آن‌ها به مجلات رشد علاقه‌مند شدند، می‌گوید: «من قبلاً در جای دیگری مدیر مدرسه بودم و تجربه‌ی معرفی مجلات رشد را داشتم. بنابراین امسال هم که مسئولیت این مدرسه را به عهده گرفتم، ابتدا در جلسه‌ی اولیا و مربیان، درباره‌ی مجلات رشد صحبت کردم. در آن جلسه، آقای ساسانی، راهنمای تعلیماتی مدرسه هم حضور داشت و ایشان هم ضرورت استفاده از مجلات رشد را به عنوان نشریات کمک درسی، در خانه و مدرسه مطرح کردند. در آن جلسه اولیای دانش‌آموزان مخالف بودند و می‌گفتند که دانش‌آموزان مجلات را پاره می‌کنند و دور می‌اندازند. اما پس از توضیحات ما، آن‌ها هم قانع شدند و استقبال کردند. ما به والدین گفتیم که از هر سه شماره‌ی مجله رشد، یک آزمون برگزار می‌کنیم و به نفرات اول تا سوم جایزه می‌دهیم. این کار نقش بسیار مهمی در تشویق دانش‌آموزان برای خواندن مجلات رشد داشت و همین امر آغاز مطالعه‌ی مجلات رشد توسط دانش‌آموزان بوده نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم، استفاده‌ی همکاران ما در مدرسه از مجلات تخصصی رشد است. معلمان دبستان ما سعی می‌کنند با استفاده از نشریات تخصصی رشد،



از آخرین دستاوردهای روش تدریس مطلع شوند.»

### معلمان دبستان حسین آباد در باره‌ی مجلات رشد چه نظری دارند؟

علاوه بر مدیر دبستان حسین آباد، همه‌ی معلمان این مدرسه متفق‌القول‌اند که رشدهای کودک، نوآموز و دانش‌آموز می‌توانند نقش آموزشی و کمک‌درسی بسیار مؤثری در دبستان‌ها ایفا کنند. خانم شهین وکیلی‌توسل، معلم پایه‌ی اول این دبستان می‌گوید: «دانش‌آموزان پایه‌ی اول از نشریه رشد کودک خیلی لذت می‌برند؛ به‌خصوص از مطلب خودت بخوان و نقاشی‌های کامل‌کردنی».

خانم معصومه‌متین، معلم پایه‌ی پنجم این دبستان هم می‌گوید: «مجلات رشد در مجموع، اطلاعات عمومی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند.» وی می‌افزاید: «ما از قصه‌های رشد دانش‌آموز در کلاس درس برای خلاصه‌نویسی استفاده می‌کنیم. بچه‌ها این مجله را خیلی دوست دارند.» خانم متین در پایان می‌گوید: «اگر در مجله‌ی رشد دانش‌آموز، بخش‌های مشاوره و جدول هم آورده شود، برای دانش‌آموزان بسیار قابل‌استفاده‌تر خواهد بود.»

خانم فاطمه قیاسی، معلم پایه‌ی دوم این دبستان هم معتقد است که قصه‌های رشد نوآموز برای تمرین روان‌خوانی و زیر «کلمات جدید خط کشیدن» بسیار مناسب است. او پیشنهاد می‌کند که قسمت‌های بهداشتی مجله به صورت شعر و آهنگین ارائه شوند. به گفته‌ی خانم قیاسی، بخش آشپزی این مجله خیلی خوب است. چون نحوه‌ی تهیه‌ی غذاهای ساده را یاد می‌دهد و بچه‌ها خودشان می‌توانند آن‌ها را تهیه کنند.

خانم اکرم خدارحمی، معلم پایه‌ی سوم و چهارم مدرسه معتقد است که نشریات رشد نوآموز و دانش‌آموز برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بسیار مفید هستند و خواندن این نشریات باعث می‌شود که علاقه‌ی بچه‌ها به خواندن مطالب غیردرسی هم افزایش یابد. او می‌گوید: «داستان‌ها و اشعار مجلات رشد برای بچه‌ها بسیار مفید و قابل‌استفاده هستند.»

خانم خدارحمی پیشنهاد می‌کند که در این نشریات غذاهای محلی استان‌ها معرفی شوند. وی می‌گوید: «اگر مطالب دینی به صورت قصه و



شعر ارائه شود، تأثیر بیشتری دارد.» این معلم می‌افزاید: «خوب است که در مجلات، هم از جدول و هم از کاردستی استفاده شود، چون حل جدول و تهیه‌ی کاردستی موجب رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود و مطالب علمی جدید درباره‌ی موضوعات جالب، از جمله درباره‌ی ستارگان، می‌تواند افق دید دانش‌آموزان را گسترش دهد.»

### يك خاطره: گاهی اوقات يك مقاله‌ی رشد سرنوشت انسان را دگرگون می‌کند

خانم معصومه شهبازی مدیر دبستان حسین‌آباد کیان نهاوند سپس با اشاره به يك خاطره درباره‌ی مجله‌ی رشد دانش‌آموز می‌گوید: «زمانی که معلم بودم، روزی یکی از دانش‌آموزان کلاس پنجم پیش من آمد و گفت: خانم معلم! روزه چیست؟ گفتم: چرا می‌پرسی؟ او گفت: من در مجله‌ی رشد دانش‌آموز يك مقاله درباره‌ی روزه خوانده‌ام، ولی کسی در خانه‌ی ما روزه نمی‌گیرد. چرا يك دختر در سن من باید سحر بلند شود و غذا بخورد و تا غروب آن روز چیزی نخورد.»

من قدری درباره‌ی روزه و نقشی که در زندگی انسان دارد، برای او توضیح دادم. آن دختر چند روز بعد آمد و گفت: خانم معلم! می‌توانید به من کمک کنید تا روزه بگیرم. من او را راهنمایی کردم و آن دانش‌آموز تا آخر ماه رمضان با ما روزه گرفت. می‌خواهم بگویم که يك مجله نه، بلکه يك مقاله می‌تواند زندگی انسان را کاملاً متحول کند. مدیران محترم نشریات رشد باید به نقش بسیار مهم خود در سرنوشت دانش‌آموزان توجه داشته باشند.»

وی می‌افزاید: «سردبیران محترم مجلات رشد خوب است که درباره‌ی نظم و انضباط بچه‌ها، ضرورت رعایت احترام به بزرگان به خصوص والدین، سرگذشت افراد موفق و حتی ناموفق و مسائل و مشکلات گوناگون زندگی، مطالب متنوعی مانند قصه، شعر، مقاله، گزارش و... در مجلات ارائه کنند.»

مدیر دبستان حسین‌آباد در ادامه می‌گوید: «الان یکی از مشکلات ما، وجود بچه‌های طلاق است که به راهنمایی‌های جدی نیاز دارند. هفت دانش‌آموز مدرسه‌ی ما، بچه‌ی طلاق هستند.»

خانم شهبازی در پایان يك گلایه هم مطرح می‌کند و می‌گوید: «مطالبی که معلمان یا دانش‌آموزان برای نشریات رشد ارسال می‌کنند، چاپ نمی‌شود.»

### تشویق مدیران فعال در رابطه با مجلات رشد

به گفته‌ی آقایان ساسانی و سلگی، راهنمای تعلیماتی آموزش و پرورش شهرستان نهاوند، یکی از عوامل مهم استقبال مدارس از مجلات رشد، تشویق‌هایی است که از سوی اداره برای مدیران مدارس که در رابطه با مجلات رشد برخورد فعال می‌کنند، در نظر گرفته شده است. آقای ساسانی می‌گوید: «مدیرانی که نشریات رشد را در مدرسه خود ۷۰ درصد پوشش می‌دهند، از طریق شهرستان و آن‌ها که نشریات رشد را در مدرسه‌شان، صددرصد پوشش می‌دهند از طریق استان تشویق می‌شوند.»

آقای سلگی در پایان می‌افزاید: «خوب است که آقای ناصری، مدیرکل محترم دفتر انتشارات کمک‌آموزشی هم مدیران و معلمان فعال در ارتباط با نشریات رشد را تشویق کنند.»

اردشیر جهانگیری نماینده‌ی  
نشریات رشد در استان همدان:  
اگر موفقیتی در استان همدان  
در رابطه با نشریات رشد حاصل  
شده، نتیجه‌ی تلاش همکاران  
خوب من بوده است



## مدیر توزیع نشریات رشد نهادند: معرفی نشریات رشد از طریق صداوسیما باعث افزایش مخاطبان آن‌ها می‌شود

صحبت‌هایم را با مدیر و معلمان مدرسه‌ی حسین‌آباد کیان تمام می‌کنم و ضمن از تشکر از پذیرایی و همکاری خوب و گرم آن‌ها، خداحافظی می‌کنیم و از مدرسه خارج می‌شویم.

### پای صحبت‌های آقای شیرزاد سیاوشی

بعد از خداحافظی با مدیر و معلمان مدرسه‌ی حسین‌آباد، به اتفاق آقایان شیرزاد سیاوشی و همایی به شهر نهاوند برمی‌گردیم. بعد از صرف نهار در خانه‌ی معلم نهاوند، به اداره‌ی آموزش و پرورش نهاوند می‌رویم و در دفتر کار آقای سیاوشی با ایشان به گفت‌وگو درباره‌ی میزان استقبال دانش‌آموزان و معلمان شهرستان نهاوند از مجلات رشد می‌پردازیم. وی با ارائه‌ی آمار توزیع مجلات رشد در شهرستان نهاوند می‌گوید: «دو سال پیش ما حدود هفت هزار نسخه از نشریات رشد را در این شهرستان توزیع می‌کردیم. در سال گذشته این رقم بالغ بر ۱۰ هزار و ۶۰۰ نسخه (۶۲۵۵ نسخه در مدارس ابتدایی، ۲۶۸۴ نسخه در دوره‌ی راهنمایی و ۱۷۳۷ نسخه در دوره‌ی متوسطه) بود. در سال جاری ما تاکنون که حدود سه ماه از سال تحصیلی گذشته است، ۵۴۱۸ نسخه از مجلات رشد را در دوره‌ی ابتدایی، ۲۵۲۰ نسخه را در دوره‌ی راهنمایی و ۱۶۷۰ نسخه را در دوره‌ی متوسطه توزیع کرده‌ایم که نسبت به سال‌های قبل از رشد خوبی برخوردار است.»



### نقش مدیران و معلمان فعال

به گفته‌ی شیرزاد سیاوشی، نماینده‌ی نشریات رشد در شهرستان نهاوند، مدیران و معلمان فعال نقش بسیار مثبتی در گسترش پوشش نشریات رشد در مدارس شهرستان نهاوند دارند. او می‌گوید: «ما در هر مدرسه‌ای که مدیر یا معلم فعال داشته‌ایم، متقاضی نشریات رشد بیشتر بوده‌اند. زیرا مدیران و معلمان فعال با معرفی و استفاده‌ی صحیح از نشریات رشد در مدرسه، باعث علاقه‌مند شدن دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به این مجلات می‌شوند.»

وی می‌افزاید: «در سال جاری نسبت به سال گذشته، مدارس روستایی تقاضای بیشتری برای نشریات رشد داشته‌اند و به نظر من علت این استقبال آن است که معلمان از نشریات رشد در کلاس‌های درس استفاده می‌کنند.»

### مجلات رشد را از طریق صدا و سیما معرفی کنید

آقای سیاوشی معتقد است که معرفی نشریات رشد از طریق صدا و سیما، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در جذب مخاطبان بیشتر، به‌خصوص معلمان و دانش‌آموزان ایفا کند، وی می‌گوید: «مدیران و سردبیران نشریات رشد باید در صداوسیما حضور یابند و درباره‌ی آن‌ها برای خانواده‌ها توضیح دهند. بسیاری خانواده‌ها از وجود نشریات رشد بی‌خبر هستند.»

مدیر توزیع مجلات رشد در نهاوند، در ادامه به زیاد بودن تعداد فصل‌نامه‌های رشد برای معلمان اشاره می‌کند و می‌گوید: «معلمان فرصت

خواندن این همه فصل‌نامه‌ی رشد را ندارند. بهتر است که فقط چند فصل‌نامه‌ی اساسی و مورد نیاز آن‌ها منتشر شود و در عوض، بر کیفیت فصل‌نامه‌ها افزوده شود.»

وی می‌افزاید: «برگزاری مسابقات و دادن جایزه در نشریات، ارائه‌ی روش‌های نوین تدریس، روش تهیه‌ی محتوای درسی الکترونیکی، پرداختن به مطالب درسی، گفت‌وگو با معلمان و دانش‌آموزان، تهیه‌ی گزارش از مدارس، چاپ مطالب دانش‌آموزان و معلمان و مانند این‌ها، می‌تواند مجلات رشد را جذاب‌تر کند.»

آقای سیاوشی در پایان می‌گوید: «مساعد کردن زمینه‌ی بازدید معلمان و مدیران مدارس از تحریریه، بخش‌های فنی و چاپ‌خانه‌ی مجلات رشد نیز می‌تواند نقش مؤثری در جذب بیشتر مخاطبان داشته باشد.»

### خداحافظن‌هاوند

بعد از گفت‌وگو با آقای سیاوشی، ضمن تشکر از محبت‌های بسیار صمیمانه‌ی ایشان، با وی خداحافظی می‌کنیم و از آموزش و پرورش نهاوند خارج می‌شویم و به سمت همدان راه می‌افتیم.

ساعت شش بعد از ظهر سه‌شنبه است و هوا کاملاً تاریک و سرد. باترس و لرز سوار خودروی کرایه‌ای سمند می‌شویم. یعنی راه دیگری هم نداریم، چون باید با همان وسیله‌ای که ما را به نهاوند برده است، برگردیم. ولی خوب هم می‌دانیم که این خودرو لاستیک‌های مناسبی ندارد. آب شیشه‌شوی آن یخ زده است. اول صبح هم که از همدان خارج شدیم، هر وقت خودرویی از کنار ما می‌گذشت، گل و لای چرخ‌های آن به طور کلی شیشه‌های خودروی ما را می‌پوشاند و امکان دید راننده را به صفر می‌رساند. بنابراین باز هم باید بترسیم از وسیله‌ای که قصد داریم با آن از نهاوند به همدان برویم. ولی چاره‌ای نداریم.

با نشستن روی صندلی‌های خودرو به آقای راننده می‌گوییم که ما هیچ عجله‌ای نداریم و هر ساعت که به همدان برسیم، اشکالی ندارد. در نتیجه شما سعی کنید با سرعت متوسط حرکت کنید تا ان‌شاء‌الله مشکلی پیش نیاید. راننده هم می‌پذیرد و رعایت می‌کند. خوش‌بختانه وضع جاده بهتر از صبح است و جاده بر اثر تردد خودروها، کاملاً خشک شده است. ۲/۵ ساعت طول می‌کشد تا چشم ما به چراغ‌های شهر همدان روشن می‌شود. خدا را شکر می‌کنیم که مشکلی پیش نیامد.

### خداحافظ. سواری‌های جاده‌ای

راننده‌ی سمند با دیدن چراغ‌های روشن شهر همدان، بر سرعت خود می‌افزاید و در زمان کوتاهی ما را به خانه‌ی معلم همدان می‌رساند. پیاده می‌شویم و ضمن تشکر از راننده، برای همیشه از او و سواری‌های بین جاده‌ای خداحافظی می‌کنیم. هوای همدان به شدت سرد است. به سرعت وارد خانه‌ی معلم می‌شویم و به اتاقمان می‌رویم تا برای صرف شام آماده شویم.

هنگام خوردن شام، با آقای همایی درباره‌ی خطر سفر با سواری‌های جاده‌ای و وقایعی که در این دو روز شاهد آن بوده‌ایم، صحبت می‌کنیم و قرار می‌گذاریم که هنگام برگشت از همدان، به هیچ عنوان از سواری‌ها استفاده نکنیم و حتماً با اتوبوس از همدان به تهران برگردیم.

## گفت‌وگو با نماینده‌ی نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان

صبح چهارشنبه است. برنامه‌ی امروز ما گفت‌وگو با مدیر «دبیرستان علامه حلی» و نماینده‌ی نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان است. ابتدا سراغ آقای مجتهدی، مدیر دبیرستان می‌رویم و با وی به گفت‌وگو می‌نشینیم. (گفت‌وگو با آقای مجتهدی برای نشریه‌ی رشد مدرسه فردا است)

## آقای جهانگیری: همه کارها را همکاران خوبم در استان انجام می‌دهند

بعد از گفت‌وگو با آقای مجتهدی به خانه‌ی معلم همدان برمی‌گردیم. چند لحظه بعد آقای اردشیر جهانگیری و کارشناس تکنولوژی و گروه‌های آموزشی و خانم زهرا چهاردولی نماینده‌ی نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان به خانه‌ی معلم می‌آیند. آقای جهانگیری خانم چهاردولی را به عنوان یکی از نمایندگان بسیار فعال نشریات رشد در شهر همدان معرفی می‌کند. از آقای جهانگیری تقاضا می‌کنم که ابتدا با ایشان گفت‌وگو کنیم، ولی نمی‌پذیرد و می‌گوید: «اگر در استان همدان در توزیع وسیع‌تر نشریات رشد موفقیتی حاصل شده است، نتیجه‌ی تلاش همکاران خوب من بوده و بهتر است که با آن‌ها در این زمینه گفت‌وگو شود.»

## گفت‌وگو با نماینده‌ی نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان

خانم زهرا چهاردولی متولد سال ۱۳۵۲ در شهرستان همدان و دارای مدرک لیسانس «مدیریت دولتی» است. وی ۱۸ سال سابقه‌ی کار در آموزش و پرورش دارد و اکنون حدود شش سال است که در پست «کارشناسی تکنولوژی آموزشی» در ناحیه‌ی يك همدان انجام وظیفه می‌کند و نماینده‌ی نشریات رشد در این ناحیه است.

خانم چهاردولی در ابتدای صحبت خود، به سطح پوشش نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان می‌پردازد و می‌گوید: «در حال حاضر ۹۴ درصد دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی و ۵۴ درصد دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، نشریات رشد را خریداری می‌کنند. اگر در دوره‌ی ابتدایی، پوشش رشد صددرصدی نیست، به دلیل محرومیت برخی از دانش‌آموزان روستایی و حاشیه‌ی شهر است.»

وی می‌افزاید: «زمانی که من توزیع نشریات رشد را پذیرفتم، ۴۳ درصد دانش‌آموزان ابتدایی و ۱۷ درصد دانش‌آموزان راهنمایی مجلات رشد را می‌خریدند که اکنون این رقم‌ها به ۹۴ و ۵۴ درصد رسیده است. در ابتدای کار، ما با مخالفت و عدم همکاری مدیران مدارس برای توزیع نشریات رشد روبه‌رو بودیم که به تدریج با صحبت کردن با آن‌ها این مشکل برطرف شد و اکنون مجلات رشد جایگاه خود را در مدارس پیدا کرده‌اند.»

## آسیب‌شناسی عدم استقبال از مجلات رشد

نماینده‌ی نشریات رشد در ناحیه‌ی يك همدان با بیان این مطلب که مادر ابتدای راه آسیب‌شناسی کردیم که چرا دانش‌آموزان و معلمان از مجلات رشد استقبال نمی‌کنند، می‌گوید: «در این آسیب‌شناسی، ما متوجه شدیم که برخی از مدیران مدارس اساساً از نشریات رشد اطلاع ندارند. بنابراین سعی کردیم نشریات رشد را ابتدا به مدیران مدارس معرفی کنیم. بعد در جلسات «انجمن اولیا و مربیان» کار کردیم و نشریات رشد را به خانواده‌ها معرفی کردیم. در ادامه، از مدیران و عوامل اجرایی که موجب معرفی نشریات رشد شده بودند، تقدیر و تشکر کردیم و به آن‌ها هدایایی دادیم. پس از آن

هم روی استفاده از مجلات رشد در کلاس‌های درسی کار کردیم. هم‌چنین از مدیران مدارس خواستیم که راه‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و معلمان به مطالعه‌ی مجلات رشد را برای ما ارسال کنند. آن‌ها طرح‌های گوناگونی مانند: یک روز با رشد، دوستان رشد، جشنواره‌ی رشد، نمایشگاه رشد، جشنواره‌ی غذای رشد، استفاده از مجلات رشد در کلاس‌های درسی و... را پیشنهاد کردند. ما روی این پیشنهادها کار کردیم و حاصل را در سطح ناحیه به همکاران منتقل کردیم. این کارها باعث شدند که نشریات رشد در همدان جایگاه خودشان را پیدا کنند.»

وی می‌افزاید: «هرچه مطالب نشریات رشد به دانش‌آموزان و معلمان نزدیک‌تر شود، علاقه‌ی آن‌ها به مجلات رشد افزایش پیدا می‌کند.»


### ضرورت انتشار رشد خانواده

خانم چهاردولی در ادامه چند پیشنهاد ارائه می‌کند و می‌گوید: «یکی از مجلاتی که جای آن در مجموع نشریات رشد خالی است، رشد خانواده است. اولیا نیاز دارند که از طریق یک نشریه با آموزش و پرورش رابطه برقرار کنند. نکته‌ی دیگر در رابطه با نشریات تخصصی رشد است. به نظر من باید این نشریات مطالبی را ارائه دهند که به معلمان کمک کند. در حال حاضر برخی از مطالب نشریات تخصصی رشد فراتر از نیازهای معلمان است و معلمان احساس نیاز نمی‌کنند که آن‌ها را بخوانند. ضمن این‌که معلمان هم خیلی وقت ندارند و ترجیح می‌دهند مطالب مورد نیاز خود را مطالعه کنند. بنابراین اگر مطالب نشریات رشد به گونه‌ای باشد که معلم و حتی دانش‌آموز به آن احساس نیاز کند، از آن‌ها استقبال می‌کنند. معلمان در حال حاضر از مطالب نشریات تخصصی رشد که در تدریس آن‌ها ریا می‌کند، به شدت استقبال می‌کنند.»

وی در پایان می‌گوید: «در مجلات تخصصی رشد نیاز به یک بخش خاص تحت عنوان بخش مشاوره احساس می‌شود. اگر این بخش در مجلات تخصصی راه بیفتد، می‌تواند کمک بسیار خوبی برای معلمان کشور باشد. در مجلات رشد نوجوان و جوان هم باید روی مسائل روحی و روانی دانش‌آموزان کار شود و دانش‌آموزان با خطراتی که در جامعه آن‌ها را تهدید می‌کند، آشنا شوند. الان جوانان به شدت نیازمند آموزش و کسب مهارت‌های زندگی هستند و در نشریات رشد دانش‌آموزی باید مهارت‌های زندگی ارائه شوند.»

گزارشمان را با گفت‌وگوی خانم چهاردولی پایان می‌دهیم و به همراه همکار خوبم آقای همایی، با اتوبوس به تهران برمی‌گردیم. در این جا ضروری می‌دانم، از آقایان اردشیر جهانگیری و شیرزاد سیاوشی که در تهیه‌ی این گزارش، با همکاری صمیمانه و صادقانه‌ی خود، ما را بسیار یاری کردند، تشکر کنم.





زهرا چهاردولی نماینده  
نشریات رشد در ناحیه ی يك  
همدان: جای يك نشریه ی  
رشد برای اولیای دانش آموزان  
خالی است

آموزشگاه استثنایی زنده یاد حاج قاسم تاجیک  
مدیریت آموزش و پرورش استثنایی شهرستان های تهران  
تاسیس بهرمه ۱۳۸۶  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان تهران

# تشنگان رشد

گزارشی از مدرسه‌ی  
استثنایی «زنده یاد حاج قاسم تاجیک»

اعظم لاریجانی

اکنون سومین سال تأسیس مدرسه‌ی استثنایی «زنده یاد حاج قاسم تاجیک» است و مجلات رشد از سال اول تأسیس همراه دانش‌آموزان و معلمان این مدرسه بوده‌اند. در گفت‌وگویی که با مدیران مدرسه، آقای رضا کشوری و خانم فرح مهاجر داشتیم، از نحوه‌ی استفاده‌ی آن‌ها از مجلات رشد پرسیدیم و پاسخ گرفتیم:



▲ ۱. نمی‌توانند به طور کامل منظورشان را بیان کنند و دریافتشان از مجله، قابل مقایسه با دانش‌آموزان عادی نیست. ولی شور و شغفی برای ورق زدن و جست‌وجو در مجله در آنان دیدم که در کمتر مدرسه‌ای شاهد آن بودم.



▲ ۲. با مجله طوری برخورد می‌کنند که انگار هر برگ آن پنجره‌ای است که به دست خود می‌گشایند و منظره‌ای پشت در بسته منتظرشان است.

● از آن‌جا که نمی‌توان بچه‌های کم‌توان را به یادگیری مجبور کرد، هر راهی که به آنان کمک کند، مفهومی را دریافت کنند، برای ما اهمیت دارد؛ حتی اگر فقط تصاویر را نگاه کنند. بعضی از معلمان، داستان یا شعری از مجلات رشد را که مرتبط با مفاهیم درسی است، برای این کودکان می‌خوانند. شاید این سطح فوق‌العاده‌ای در استفاده از مجلات نباشد، ولی اگر بتوانیم این مسیر را ادامه بدهیم، به هدفمان رسیده‌ایم.

○ از چه مجلاتی بیشتر استفاده می‌کنید؟

● با توجه به این که درک بچه‌ها پایین است، از «رشد کودک» برای آمادگی و پایه‌های اول و دوم، و از «رشد نوآموز» برای پایه‌های سوم، چهارم و پنجم استفاده می‌کنیم.

○ بچه‌ها بیشتر با چه صفحاتی ارتباط برقرار می‌کنند؟

● با صفحاتی که قبلاً روی آن‌ها کار عملی داشتند یا صفحاتی که مرتبط با مفاهیم درسی هستند.

پس از پایان این گفت‌وگوی کوتاه، به کلاس پایه‌ی پنجم رفتیم. به محض ورود به کلاس با نگاه‌های ساده و معصوم و بدون پرسش آنان روبه‌رو شدم. مجلات را روی میزهای آن‌ها گذاشتم و از آنان خواستم صفحه‌ای را که دوست دارند، نشانم بدهند. بعد از چند دقیقه‌ی کوتاه متوجه شدم باید از گفت‌وگو بگذرم و به ثبت تصاویر بپردازم؛ تصاویر گویاترند، هم برای ما که می‌خواهیم شاهد رشد آن‌ها باشیم، هم برای آن‌ها که می‌خواهند بیاموزند. دانش‌آموزان کم‌توان:



◀ ۳. دریافت کاملی از مطالب  
مجله ندارند و از کندوکاو  
و جست‌وجو در مجله لذت  
می‌برند. من با خود می‌اندیشیدم  
که آیا زیبایی این‌گونه کلنچار  
رفتن این دانش‌آموزان، در نیازشان  
به رشد نیست؟



▲ ۵. آماده‌اند که بیاموزند.



◀ ۴. به صفحات  
پیش‌رویشان اطمینان  
دارند و همین‌راه را  
برای آموزششان هموار  
می‌کنند. انعطاف و  
صمیمیت آنان به مجله  
جان می‌دهد.



► ۶. از نظر دست‌اندرکاران مدرسه، مهم دانه در زمین انداختن است. آن‌ها صبر و تحمل زیادی دارند تا شاهد رویش جوانه‌ای هر چند ناچیز باشند. برای آن‌ها حرکت مهم است نه هدف.



▲ ۸. من ساده نگاه می‌کنم و سؤال‌هایم نیز ساده‌اند. من با اشتیاق از جواب‌های ساده‌تر که برایم قابل فهم باشند، استقبال می‌کنم.



▲ ۷. تصاویر برای آن‌ها حرف اول را می‌زند.



▲ ۹. بگذار نقاشی کنم. من کشیدن دایره را بیشتر از خوردن گوجه‌فرنگی دوست دارم.



▲ ۱۰. این يك راه است، راهی برای آن که او بتواند يك مفهوم را درك کند؛ حتی اگر فقط تصویری را نگاه یا لمس کند.

▲ ۱۱. آن‌ها، آن‌چه را که می‌دانند، نشان می‌دهند. درك زبان تصویر برای آن‌ها ساده‌تر از فهم مطالب مکتوب است.





▲ ۱۴. من با ساده‌گویی، به آنان توان درك مطالب را می‌دهم.



▲ ۱۲. از او خواستم صفحه‌ای را که دوست دارد، نشانم دهد. و پرسیدم چرا این صفحه را دوست داری؟ گفت: چون این صفحه دختر دارد، پیرمرد دارد، زرافه دارد، کلاغ دارد. با اشاره‌ی معلم، او می‌فهمد که طوطی با کلاغ فرق دارد.



▲ ۱۵. من رنگ‌ها را دوست دارم.



▲ ۱۳. سؤال ساده‌ی او این است: مگر آدم نوك دارد؟ جواب ساده‌ی معلم، نوك مقوایی خواهد بود تا با کش روی صورت او قرار گیرد.



## با سردبیران مجلات رشد

- جزیره‌ی باتریبت‌ها
- بزی بود و بزی نبود!
- سرتان را گرم می‌کنیم!
- کودکان ما تنها هستند



فاطمه رضایی

دیدار سردبیر رشد دانش آموز از  
مدرسه‌ی دخترانه‌ی باقرالعلوم شهریار

## جزیره‌ی باتربیت‌ها

سرزده وارد کلاس شدیم. شاید برای خانم جیران، آموزگار کلاس پنجم، چندان غیرمنتظره نبود و از احتمال آمدن ما به کلاس اطلاع داشت. اما نگاه‌های هیجان‌زده و غافل‌گیرشده‌ی بچه‌ها می‌گفت که روحشان هم از ماجرای خبر است. دخترها مشتاق دانستن این بودند که از کدام دریا، در آخرین ساعت درس، ناگهان در جزیره‌ی آن‌ها پیاده شده‌ایم.

راوی ماجرای «جزیره‌ی بی‌تربیت‌ها» (قصه‌ی طنز شفيعی که در رشد دانش‌آموز چاپ می‌شود)، مؤدبانه و صمیمی خود را سردبیر مجله‌ی رشد دانش‌آموز معرفی کرد. به نظر می‌آمد بچه‌ها به تازگی مجله‌ی شماره‌ی دو را تحویل گرفته و مطلبی از آن را همراه معلمشان در کلاس خوانده بودند. از پرسش‌ها و اظهارنظرهایشان می‌شد فهمید که اگر همه‌ی مطالب مجله را نخوانده‌اند، آن قدر آن را ورق زده و زیور کرده‌اند که عنوان‌ها، تصویرها و عکس‌ها را از حفظ‌اند؛ از طرح روی جلد بگیر تا نقاشی‌های داخل مجله. خیلی هم دوست داشتند یکی از ما تصویرگر مجله بودیم. چون چند نفری از هر کدام پرسیدند: «شما نقاش مجله‌اید؟»

آقای شفيعی صمیمانه اعتراف کرد که: «من بیست‌ویکی دو سال است که برای شما می‌نویسم و شاید پدر و مادرهای شما خوانندگان آثار من بودند. سفرهای زیادی به جاهای گوناگون ایران داشته‌ام و با خوانندگانم گفت‌وگو کرده‌ام، ولی امروز برایم تازگی دارد و غافل‌گیر شدم.»

آقای شهرام شفيعی اصولاً چنین فضا و شرایطی را برای ارتباط هنرمندان با بچه‌ها نمی‌پسندند. اعتقاد دارند، در محیط رسمی کلاس و با حضور معلم و معاون مدرسه و دیگران، بچه‌ها کمتر شخصیت و احساس واقعی خود را نشان می‌دهند و از چارچوب‌های مصنوعی کلاس خارج نمی‌شوند. به هر حال مدرسه مدرسه است و شاید به نفع فضای درسی هم نباشد که در آن ذهن بچه‌ها را دو قطبی کنیم. ما باید پشت صحنه‌ی مدرسه باشیم و بچه‌ها نباید تعامل ما با کتاب‌های درسی را آشکارا ببینند. ایشان ترجیح می‌دهند مخاطبان خود را مثل همیشه در فرهنگ‌سراها، کتاب‌خانه‌ها و حتی پارک و محیط بازی ببینند؛ اگرچه بسیاری از بچه‌ها، از جمله‌ی بچه‌های «محله‌ی خاوه از شهرک فردوسی در شهریار» را در فرهنگ‌سراها پیدا نخواهند کرد. از طرف دیگر، فکر می‌کنند چنین ملاقات‌هایی ممکن است نگاه مستقیم آموزشی را به مجله تقویت کند و به آن به عنوان کتاب کار نگاه کنند. حال آن‌که اهداف آموزشی و تربیتی را می‌توان کاملاً غیرمستقیم و در قالب سرگرمی، ادبیات و فعالیت ارائه کرد.

دختران دانش‌آموز «مدرسه‌ی باقرالعلوم» معنی مجله را می‌فهمیدند و فرق آن را با کتاب خوب می‌دانستند. بعد از نام بردن مطالبی از شماره‌های اول و دوم رشد دانش‌آموز که به خاطر داشتند، انتظاراتشان را از آن گفتند که الگوی کامل يك مجله بود:

- می‌شود جدول هم اضافه کنید؟

- شعرهایش بیشتر باشد!

- معما و چیستان بنویسید و تا شماره‌ی بعد جواب آن را ندهید!

- درباره‌ی ایران گردی بنویسید. بعضی‌ها مسافرت نمی‌روند.

- جک و لطیفه‌هایش را زیاد کنید.

در محیط رسمی کلاس و با حضور معلم و معاون مدرسه و دیگران، بچه‌ها کمتر شخصیت و احساس واقعی خود را نشان می‌دهند و از چارچوب‌های مربوط به کلاس و درس خارج نمی‌شوند



سردبیر در پاسخ گفت مجله‌ی آن‌ها با نشریاتی که در روزنامه‌فروشی‌ها می‌بینند و بیشتر آن‌ها شعر و جدول است، فرق می‌کند و ارزش بیشتری دارد: «اشکالی ندارد ما به دنبال مطالب سرگرم‌کننده باشیم. مجله‌ی شما هم به مطالب سرگرم‌کننده و مفرح اهمیت می‌دهد. اما چون گوشه‌ی چشمی هم به کتاب‌های درسی شما دارد و مخصوص دانش‌آموزان است، شما می‌توانید وقتتان را طوری تنظیم کنید که در ساعت‌هایی مطالب جدی‌تر آن را هم بخوانید.»

آقای شفیع اصلاً لحن کودکانه‌ای نداشت و حتی از واژه‌ها و جمله‌های بزرگ‌سالانه استفاده می‌کرد؛ جمله‌هایی که به دنبالشان عبارات مترادف و ساده‌تر همان معنا می‌آمد.

این لحن کلام برخلاف تصور بسیاری کسان که استخدام زبان کودکانه را برای ارتباط با آنان لازم می‌دانند، باعث صمیمیت بیشتری بین او و دانش‌آموزان شد و موجبات احساس اعتماد به نفس و استواری اظهارنظرهایشان را فراهم آورد. سنجیده‌گویی و ادبشان در کلام، چه قدر با تصاویر کتاب گسترده‌ی روی میزشان تناسب داشت! ما با درس هفتم فارسی وارد کلاس شده بودیم؛ وقتی که عکس‌های استاد بهزاد، دکتر معین و آیت‌الله مرعشی و دکتر حسابی تاج مباحث بر سر میزها بود. در این میان، یکی از بچه‌ها تقاضا کرد: «از شعرهای حافظ و سعدی در مجله بگذارید.»

این اظهارنظر ابتدا با خنده‌ی جمعی از دانش‌آموزان همراه شد، اما بلافاصله یکی دو نفر دیگر اضافه کردند:

- من یک‌بار کتاب قصه‌های مولوی را خوانده‌ام. از «مثنوی مولوی» شعر بنویسید.

- از قصه‌های شاهنامه مثل «رستم و سهراب» شعر بگذارید.

دختران دانش‌آموز «مدرسه‌ی  
باقرالعلوم» معنی مجله را  
می‌فهمیدند و فرق آن را با  
کتاب خوب می‌دانستند





اما همان خنده‌ی اول کافی بود تا چهره‌ی دخترک حساس درهم کشیده شود و با نشستن او روی نیمکت، حلقه‌ی اشک در خانه‌ی چشمش بنشیند. درخشش این قطره از نگاه دقیق نویسنده‌ی کودکان مخفی نماند. پس در تأیید مطلب او گفت: «آن دوستی که پیشنهاد کرد از شعر حافظ و سعدی در مجله بیاوریم، خیلی پیشنهاد خوبی کرد. اگر سریع جواب او را ندادم، دلیلش این بود که حرفش تأمل‌برانگیز بود و دوست داشتم با دقت جوابش را بدهم. بعضی اوقات شعرهایی در کتاب درسی ما از شاعران بزرگ هست و ما می‌توانیم شعرهای دیگری از همان شاعران را در مجله بیاوریم. مثلاً در شماره‌های چهارم مجله، به مناسبت محرم شعری از محتشم کاشانی را چاپ کردیم که شاید شما فقط او را با شعر «باز این چه شورش است» بشناسید.»

آقای شفیع‌ی از دانش‌آموزی که چاپ قصه‌های شاهنامه را پیشنهاد داده بود، پرسید: «چه شد که به شاهنامه علاقه پیدا کردید؟»  
گفت: «پنج ساله بودم که پدرم برایم شاهنامه می‌خواند.»

پرسید: «شغل پدر شما چیست؟»

دانش‌آموز با قدری مکث و شاید خجالت به آرامی گفت: «بنا.»

از قصه‌گوی بچه‌ها جز این انتظار نمی‌رفت که با فراست و زیبایی بدون تغییری در نگاه، چهره و لحن کلامش، صمیمانه گفت: «خیلی خوب است. امیدوارم خانه‌های محکمی بسازند که وقتی زلزله آمد، در آن سالم بمانیم.»  
و باز بحث اهمیت شاهنامه را با دانش‌آموزان ادامه داد و از آن‌ها درباره‌ی علت علاقه‌شان به شاهنامه پرسید که گویا در مجلات رشد سال‌های گذشته با آشنا شده بودند.

بچه‌ها از علاقه‌ی خود به «تاریخ» گفتند. هم‌چنین به دانستن داستان پیامبرانی که از آن‌ها کمتر شنیده و خوانده‌اند. از عشقشان به داستان‌های خیالی، حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌ها گفتند، علاقه به آشنایی با کتاب‌های مرجع، داشتن اطلاعاتی درباره‌ی منظومه‌ی شمس‌ی و... دست‌ها پشت سر هم بلند می‌شد که چه چیز در مجله باشد و چه نباشد و گاه پیچ‌پیچ‌هایی درگوشی. نگاه‌ها هوشیارتر از آن بود که از سن و



سال آن‌ها انتظار می‌رفت. مجال برای ورود به بحث‌های بزرگ سالانه فراهم بود:  
- آیا با مجله احساس صمیمیت می‌کنید؟ این که یکی مثل خودتان با شما حرف می‌زند؛ نه بچگانه یا بزرگ‌تر از شما؛ کسی که دوست دارید حرف‌هایش را بشنوید؟  
بعد از تصدیق بچه‌ها با گفتن «بله!» آقای شفیع‌ی قصد داشت منظور خود را روشن‌تر بیان کند که یکی از دانش‌آموزان از میان کلاس به تأیید کلام او بلند شد:  
- مثلاً بعضی‌ها ما نوجوانان را بچه می‌بینند!  
آقای شفیع‌ی حرف او را کامل کرد:  
- خیلی ساده حرف می‌زنند یا زیادی توضیح می‌دهند.  
- بله.

و سرِ درد دل‌ها باز شد. دختری با جثه‌ای کوچک از نیمکت اول اجازه گرفت:  
- ما دوست داریم در بحث بزرگ‌ترها شرکت کنیم. پدر و مادرها وقتی حرف می‌زنند، به ما می‌گویند: تو هنوز بچه‌ای! آن موقع آدم یک‌جوری می‌شود!  
آقای شفیع‌ی بحث را این‌گونه هدایت کرد: «شما خیلی خوب حرف می‌زنید و از زمان کودکی من بیشتر لغت می‌دانید. فکر می‌کنید علت آن چیست؟»  
بچه‌ها به سرعت پاسخ دادند: «مطالعه‌ی کتاب‌ها، فیلم‌هایی که می‌بینیم، و...»  
آقای شفیع‌ی گفت: «در کتاب درسی، هر لغت تازه یا مشکل در آخر درس معنی می‌شود. روش مجله و کتاب غیردرسی چگونه است؟»  
- در زیر صفحه‌ی کتاب یا مجله توضیح داده می‌شود.  
- اگر توضیح نیامده بود چه؟  
- باید آن‌قدر بخوانیم تا بفهمیم.

خانم ملکی، معلم راهنما، از فرصت پیش آمده استفاده کرد و از سردبیر مجله خواست تا فضایی را در مجله به بررسی و چاپ آثار دانش‌آموزان اختصاص دهند

و این جمله، هدف بحث طرح شده و بیان شیوه‌ای بود که نویسنده‌ی ما در کلام و آثار خود برای کودکان دارد. پس به تأیید آن افزود: «بله، گاهی نویسنده سعی می‌کند معنی یک کلمه را در جمله‌های بعدی توضیح دهد که وقتی به خواندن ادامه بدهیم، معنی آن را متوجه می‌شویم. این روش مجله‌ی ماست. به این ترتیب به افزایش وسعت دایره‌ی واژگان شما کمک می‌کند. می‌دانید «افزایش دایره‌ی واژگان» یعنی چه؟»  
با زمینه‌ای که فراهم شده بود، بچه‌ها به راحتی این ترکیب را توضیح دادند. این بار سردبیر مجله بحث بزرگ‌سالانه و جدی‌تری را پیش کشید:

- در بحث‌های تربیتی مفهومی هست که به آن می‌گویند: مهارت زندگی یا مهارت ارتباطی. این‌گونه مهارت‌ها به ما یاد می‌دهند، چه‌طور در کنار هم زندگی کنیم، باهم حرف بزنیم، عضو یک خانواده باشیم، با دوستانمان رابطه‌ی بهتر و سازنده‌تری داشته باشیم و از این قبیل درس‌ها. دوست دارید در چه زمینه‌هایی مهارت‌هایتان بیشتر باشد؟



آقای شفيعی بر این باور است که ابتدا باید در جلساتی با تمرین‌های عملی، ذهن بچه‌ها را کلیشه‌زدایی کنیم و به آن‌ها بیاموزیم که چه‌طور خودشان باشند

یکی از دخترها گفت: «وقتی بزرگ‌ترها درباره‌ی يك چیز فرهنگی حرف می‌زنند، دوست دارم در بحث‌های آن‌ها شرکت کنم و نظر بدهم.»  
دیگری افزود: «مهارت‌های پدر و مادرمان را بیاموزیم.»  
آقای شفيعی جواب داد: «ممکن است پدر و مادرمان هم آن مهارت را نداشته باشند. در چند شماره‌ی آینده‌ی مجله، از کودکی می‌خوانید که پدرش به علت کار زیاد، نمی‌تواند برای او وقت بگذارد. دوست دارید کلیدهایی به شما داده شود که يك گوشه‌ی کار را بگیرد؟»  
بچه‌ها که خوب متوجه‌ی سؤال نشده بودند، جواب‌های پراکنده‌ای می‌دادند؛ مثلاً: چه‌طور به پدرمان کمک کنیم و از این قبیل حرف‌ها که آقای سردبیر با مثال‌های ساده‌تری از مهارت‌های ارتباطی، آن‌ها را هدایت کرد:

- آیا شده با دوستانتان هم در ارتباط دچار مشکل شده باشید؟ آیا خوب نیست جوری باهم دوستی کنیم و پشت نیمکت بنشینیم که دلمان برای هم تنگ شود؟ به این می‌گویند مهارت ارتباطی.  
این بار دانش‌آموزان خیلی خوب متوجه مفهوم «مهارت ارتباطی» شدند. لبخند و تنه‌ای به یکدیگر زدند و بعضی به شوخی به هم نیمکتی خود گفتند: من با تو مشکل دارم! یکی آرام و جدی به دوستش گفت: «من با خواهر و برادرم هم نمی‌توانم ارتباط برقرار کنم و مشکل دارم.»  
آقای شفيعی با مثالی زنده و تازه ادامه داد: «مثلاً يك نفر سؤال می‌پرسد که به نظر ما مهم و خوب نیست یا برایمان عجیب است، ولی باید با خود فکر کنیم، این سؤال برای دوستان واقعاً مهم است. همین که یاد بگیریم به حرف‌های دیگران گوش بدهیم؛ در کلاس، در مهمانی، در خانه و... همین شنیدن يك مهارت است که کلی تکنیک و تمرین و مراقبت لازم دارد. خیلی آدم‌بزرگ‌ها چون این را بلد نبودند، حرف‌های هم را کامل نشنیدند و باعث قتل‌ها و اتفاق‌های بد شدند.»



بحث جذابی برای بچه‌ها پیش آمده بود که مشتاق ادامه‌ی آن بودند. دوست داشتند مستقیماً درباره‌ی آن مهارت‌ها صحبت می‌شد و آموزش می‌دیدند. با وجود فضای رسمی که حضور مدیر، معاون، معلم راهنما و معلم خودشان ایجاد کرده بود - بگذرید از ما که سعی می‌کردیم در گوشه‌ای از کلاس تا حد ممکن در دیوار فرو رویم و چشم و گوش دیوار شویم و عکاسی که بدون جلب توجه کودکان، جای جای کلاس به ثبت نگاه‌ها و حالاتشان مشغول بود و گاه بر نیمکتی کنارشان می‌نشست و همراه آن‌ها می‌خندید - دانش‌آموزان بسیار راحت و زیبا حرف می‌زدند. بی‌شک در زمان و شرایطی غیر از این، آزادتر و آسوده‌تر می‌بودند. حضور بزرگ‌ترها طوری در کلاس احساس می‌شد که سردبیر لازم دید، معلم را نیز وارد بحث کند؛ در حالی که بچه‌ها همچنان مخاطبان اصلی او بودند:

- خانم جیران، مجله چه طور می‌تواند به افزایش انگیزه‌ی درس خواندن و مطالعه - نه مطالب درسی - به بچه‌ها کمک کند؟

خانم جیران گفت: «همین که روان‌خوانی بچه‌ها تقویت شود، بچه‌ها به خواندن علاقه پیدا می‌کنند و در درس‌های دیگر هم موفق خواهند بود.»  
- مطالعه‌ی مجله، ذهن بچه‌ها را حساس می‌کند. کسی که بیشتر مطالعه می‌کند، هوشمندتر است و ذهن فعال‌تری دارد. ۱۷ سال در «سروش نوجوان» با مرحوم امین‌پور همکاری داشتم. در آن سال‌ها دیدم بچه‌هایی که جذب مجله بودند و مطالعه‌ی غیردرسی داشتند، در درس‌هایشان هم موفق‌تر بودند و همگی به مدارج تحصیلی بالا رسیدند. در حالی که کسی مستقیماً به آن‌ها نمی‌گفت درس بخوانید. کسی که مطالعه دارد، فرصت پیدا می‌کند که از بیرون به خود نگاه کند.

سپس بچه‌ها را مستقیماً مخاطب قرار داد که: «می‌دانید چه می‌گویم؟»

بلافاصله یکی دو نفر دست بالا کردند و یکی گفت: «یعنی از چشم دیگران،»

خانم ملکی، معلم راهنما، از فرصت پیش آمده استفاده کرد و از سردبیر مجله خواست تا فضایی را در مجله به بررسی و چاپ آثار دانش‌آموزان



اختصاص دهند. آقای شفيعی گفت: «مجموعه‌ی رشد بخشی مخصوص به بررسی آثار بچه‌ها دارد. بچه‌ها می‌توانند آثارشان را به آنجا ارسال کنند. از طرف دیگر، تلفن گویایی ۲۴ ساعته حرف‌ها و نظرهای بچه‌ها را ضبط می‌کند تا ما بشنویم.»

بحث جدی دیگری که آقای شفيعی در این دیدار پیش کشید این بود که: «فکر می‌کنید کار خوبی است که در مجله، صفحه‌هایی را به دخترها اختصاص دهیم و صفحه‌هایی را به پسرها؟»

بچه‌ها ابتدا تأیید کردند، ولی هرچه دلایل خود را بیشتر می‌گفتند، مسئله بیشتر حالت طنز به خود می‌گرفت و فکر می‌کردند کار خنده‌داری است. گرچه یکی دو نفر خواهان مجله‌ای صرفاً برای دخترها بودند، ولی اغلب آن‌ها به این نتیجه رسیدند که این کار بیشتر باعث جدایی بچه‌ها می‌شود و خیلی از مطالب برای هر دو گروه دختر و پسر جالب و قابل توجه هستند.

بچه‌ها مشتاق بودند چاپ‌خانه‌ی مجله را ببینند و با دفتر مجله از نزدیک آشنا شوند. آقای شفيعی به آن‌ها یادآوری کرد که در صفحه‌ای از مجله، بانویسندگان و تصویرگران مجله آشنا می‌شوند. در شماره‌های آینده نیز گزارشی از دفتر مجله خواهند داشت.

بیش از ۵۰ دقیقه در کلاس بودیم و دخترها زنگ تفریحشان را نیز مشتاقانه به بحث و گفت‌وگو گذراندند؛ گرچه پیچ و تاب خوردن‌ها روی نیمکت و بالا گرفتن پیچ‌ها و خنده‌ها حاکی از خستگی‌شان بود. حسن ختام این دیدار توافق و تأیید بچه‌ها در این اصل بود که: «مطالعه را يك تکلیف ندانیم، بلکه مثل هوا و نفس کشیدن، به چشم يك نیاز به آن نگاه کنیم؛ مشروط بر این که کتاب و مجله آن قدر جذاب باشد که تا خودمان نخوانده‌ایم، راضی نشویم آن را به کس دیگری بدهیم.»

دست‌ها به حالت اجازه بالا بود و «بخشید»هایی که یعنی هنوز حرفی برای گفتن داریم. ولی آقای شفيعی باید خداحافظی می‌کرد که بچه‌های همسایه، کلاس خانم فرجلو، در انتظار او بودند. پس آخرین سفارش خود را به دوستان کوچکش این‌طور بیان کرد: «اگر لذت خواندن



را تجربه کنید، دیگر آن را رها نمی‌کنید. بکوشید زمینه‌های این لذت را در خودتان فراهم آورید. امتحان کنید، حتماً می‌توانید!»

\*\*\*\*\*

آقای شفيعی از دانش‌آموزان خانم فرجلو عذرخواهی کرد که بیشتر زمان ملاقات در کلاس همسایه گذشت و از بچه‌ها خواست تا با دوستانشان در آن کلاس، از ماجرا و حرف‌های گفته شده باهم تبادل نظر کنند. بدون هیچ مقدمه‌ای گفت که آماده‌ی شنیدن پرسش‌ها و نظرهای آن‌هاست. بچه‌ها به ترتیب اجازه می‌گرفتند و صحبت می‌کردند، اما حرف‌ها تکراری بود و نظرها کلی: «لطیفه و جدول را زیاد کنید؛ چیستان داشته باشید؛ شعر بیشتر بگذارید؛ آموزش غذاها جالب‌تر باشد؛ کاردستی‌ها هیجان‌انگیزتر و جالب‌تر باشند و...»

مهمان بچه‌ها برای شکستن این جو گفت: «يك حرف دوستانه و خصوصی دارم. چرا حرف‌ها و نظرهای شما در جایی مثل کلاس، با حرف‌هایتان زمانی که برای ما نامه می‌نویسید، فرق می‌کند؟ حرفی را که گفتم قبول دارید؟ اصلاً چه می‌شود که آدم کلیشه‌ای حرف می‌زند؟» بچه‌ها گفتند:

-وقتی می‌نویسیم بهتر فکر می‌کنیم.

-موقعی که شفاهی حرف می‌زنیم، بعضی چیزها را رویمان نمی‌شود بگوییم.

-اگر بگویم تو را به خدا رویتان بشود! حرف مرا قبول می‌کنید؟ اصلاً خجالت نکشید! نظر واقعی خودتان را بگویید. فکر کنید نه جدول اختراع شده، نه تاریخ‌نویسی، نه چیستان و لطیفه و قرار است صفحه‌های مجله براساس نیاز شما، علاقه و سلیقه‌تان، زندگی خودتان و خانواده و دوستانتان، آرزوها و تخیلاتتان پرشود، مثلاً در آن یاد بگیرید چه‌طور با دوستی که با شما قهر کرده است، زودتر آشتی شوید؛ چه‌طور زودتر به آرزوهاتان برسید؛ مشکلاتتان را حل کنید؛ راه‌های احترام گذاشتن به دیگران را بیاموزید و...

-از داستان‌ها عبرت می‌گیریم. مثلاً از داستان دختری که به خاطر حسادت بلایی سرش آمده، می‌فهمیم حسادت بد است.

-اما این که داستان‌ها فقط کارهای خوب و بد را به ما یادآوری کنند، کافی نیست. باید بدانیم چه‌طور تمرین کنیم که حسادت نداشته باشیم. آقای شفيعی بر این باور است که ابتدا باید در جلساتی با تمرین‌های عملی، ذهن بچه‌ها را کلیشه‌زدایی کنیم و به آن‌ها بیاموزیم که چه‌طور خودشان باشند و بعد نظر واقعی آن‌ها را بخواهیم. وی در فرصت بسیار کوتاهی که در کلاس خانم فرجلو بودند ۱۵ دقیقه -خیلی خوب مفهوم کلی فکر کردن و کلیشه‌ای نظر دادن را برای دانش‌آموزان روشن کردند:

-فکر کنید درباره‌ی کلاستان انشا می‌نویسید. وقتی حرف‌های کلی بزنید، مطلبتان خوب نمی‌شود. حالا اگر درباره‌ی این تلویزیون یا یکی دیگر از اشیای کلاس، به‌طور جزئی بنویسید، به دلیل تمرکز که کرده‌اید، نوشته‌ی شما تازگی پیدا می‌کند و خواننده احساس می‌کند چیز تازه‌ای را کشف کرده است.

وقتی می‌گویید دوست دارید در مجله مطلب تاریخی باشد، کلی حرف زده‌اید. اما اگر ریزتر فکر کنید، می‌گویید کدام تاریخ، کجا، درباره‌ی که و چه می‌خواهید. تاریخ ایران؟ تاریخ انقلاب؟ تاریخ باستان؟ بناهای تاریخی؟ یا اصلاً درباره‌ی دایناسورها؟ اگر می‌گویید علمی، بگویید کدام علم. آن را جزئی و کوچک مشخص کنید؛ مثلاً درباره‌ی تلسکوپ گالیه!

اگر می‌خواهید در زندگی موفق باشید، سعی کنید کلی فکر نکنید. خواندن مجله، قصه‌ها، شعرها، به شما جزئی نگاه کردن را یاد می‌دهد. شما را برای دقیق‌تر و جزئی دیدن تمرین می‌دهد...



## روزنامه دیواری

### سؤالاتی های همپای

سؤالاتی های همپای

### خفد پیدار



### میکروسکوپ



چنانچه فرصت بود، این نویسنده‌ی باتجربه حتماً با تمرینی عملی مهارت جزئی دیدن را در کلاس آموزش می‌داد، و چه قدر دوست داشتم در یادگیری آن با بچه‌ها همراه می‌شدم تا به‌عنوان یک معلم بتوانم این هنر را به دانش‌آموزانم بیاموزم.

همهمه‌ی خروج بچه‌ها از مدرسه پایان ملاقات ما را اعلام می‌کرد؛ در حالی که انگشتان اشاره رو به آسمان، فوران حرف‌ها بود و نگاه‌های گره خورده به مهمان، اشتیاق شنیدن‌ها.

حیاط مدرسه تقریباً خالی شده بود. امروز لبخند ۶۰ دانش‌آموز که از مدرسه خارج می‌شدند، با بقیه فرق می‌کرد و در سرشان فکرهای بزرگ داشتند. این را از آن‌جا دانستم که تعداد زیادی از من پرسیدند نامه‌هایشان را چه کار کنند و از نبودن صندوق پست نزدیک خانه‌شان شاکی بودند. آموزگار خیالشان را آسوده کرد که کمکشان می‌کند.

بی‌شک صیاد لحظه‌های کودکانه نیز دست خالی از این بوستان بیرون نمی‌رفت. در آخرین لحظه‌ی حرکت، دوباره در ماشین باز شد و «نیلوفر»ی از این جزیره، دفتر به دست از مسافر شهر داستان و مجله خواست تا برایش چیزی بنویسد که او هم خود را از نویسندگان آینده می‌دانست. نوشت:

هم‌ش‌گردی همیشگی شما، سهراب سعیدی



سردبیر مجله‌ی **لشکر** نوآموز  
در جمع نوآموزان مدرسه‌ی تربیت  
(منطقه‌ی ۱۰ آموزش و پرورش تهران)

فاطمه رضایی

**بزی بود و بزی نبود!**



حضور در جمع دانش آموزان مدرسه، برای خانم موسوی گرم‌رویی تجربه‌ی تازه‌ای نبود. او که خود پسری نوآموز دارد، بسیار راحت و صمیمی، گرم گفت‌وگو با بچه‌های کلاس دوم «مدرسه‌ی تربیت» شد. از آن‌ها خواست تا مطالبی از مجله را که به خاطر دارند، نام ببرند. هر کدام با هیجان مطلبی را که برایشان جالب‌تر بود، اسم می‌بردند: شعر، خانه‌ی جی جی باجی‌ها، داستان من، خورشید اول و... حتی به صفحه‌هایی اشاره کردند که به گمان سردبیر، تأثیرگذاری کمتری نسبت به شعر و داستان دارند و بچه‌ها معمولاً به‌طور گذرا از آن‌ها اطلاعاتی کسب می‌کنند؛ مثل صفحه‌ی بهداشتی چه‌طور درست بایستیم و درست راه برویم. طرف‌داران لطیفه هم با حوصله شروع کردند به تعریف کردن لطیفه‌های مجله!

پیدا بود بچه‌ها مجله‌ها را خوب خوانده‌اند، طوری که احساس کردم این کار در کلاس و با حضور معلم انجام شده است؛ حال آن‌که حدسم خطا بود! خانم اینانلو که از کلاس اول آموزگار آن‌ها بوده و همراه آنان به کلاس دوم آمده بود، گفت در طول دو سه ماهی که از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، آن‌ها اصلاً فرصت نداشته‌اند، مطلبی از مجله را در کلاس با هم بخوانند. وی دلیل علاقه‌ی بچه‌ها به مجله و مطالعه‌ی خود جوش آن را، آشنایی و انس آن‌ها در پایه‌ی اول با مجله می‌داند. سال گذشته بچه‌ها و به‌خصوص خانواده‌هایشان با مجله‌ی رشد و اهمیت خواندن آن آشنا شدند و امسال بعد از توزیع مجله، او فقط سفارش می‌کند که حتماً آن را در خانه بخوانند. والحق که خانواده‌ها هم چیزی کم نگذاشته بودند. تأثیر کلام بزرگ‌ترها را در کاربرد واژه‌ها و نحوه‌ی بیانشان می‌شد دید.

خانم گرم‌رویی سؤال کرد: «چرا باید مجله بخوانیم و اصلاً مجله با کتاب چه فرقی دارد؟»

پاسخ‌ها به جنبه‌ی آموزشی مجله بسیار نظر داشت؛ این‌که:

- از مجله چیزهای زیاد یاد می‌گیریم. باسواد می‌شویم.

- مجله جمله‌سازی دارد.

- جدول کلمات!

- منها و به اضافه!

- آزمایش علوم!

- اجازه! من با بطری آب، گرداب درست کردم.

- نقاشی و کاردستی! مجله کاردستی یاد می‌دهد.

- جک و چیزهای خنده‌دار دارد.

و ...

خانم سردبیر اضافه کرد: «کتاب خیلی خوب است، اما مجله از هر موضوعی مطلبی دارد.»

و باز از مطالب مورد توجه آن‌ها در مجله سراغ گرفت. گرچه ایشان بر این باورند که جنبه‌ی سرگرمی مجله باید بر حالت آموزش و پرورشی آن بچربید تا قدرت آموزش غیرمستقیم و تأثیرگذاری آن بیشتر شود. تمرین‌های ریاضی، کلمه‌سازی و... در بخش‌های سرگرمی مجله آمده‌اند. این تمرین‌ها از بخش‌های قابل توجه بچه‌ها بودند که از آن‌ها نام می‌بردند. شاید چون معلم، آن‌ها را مثل مشق و تکلیف، به انجام سرگرمی‌های مجله مجبور نمی‌کرد. همان‌گونه که مجله الزامی به آوردن تمرین ریاضی ندارد و سرگرمی‌هایش را با توان و دانسته‌های دانش آموزان در هر ماه هماهنگ می‌کند. خانم موسوی گرم‌رویی، با این باور که دانش آموز باید با مجله زندگی کند، هر جا دوست دارد آن را با خود ببرد، زیر سرش بگذارد و از خراب شدن

سردبیر مجله به دنبال این بود  
که دانش آموزان به مجله مثل  
کتاب درسی نگاه نکنند، با آن  
راحت و صمیمی باشند و...

آن واهمه نداشته باشد، از بچه‌ها پرسیدند: «با مجله‌های خوانده شده چه کار کنیم؟»  
تنوع پاسخ جالب بود:

- وقت بی‌کاری و زمان تعطیلی مدارس باز آن‌ها را بخوانیم.

- از روی نقاشی‌هایش بکشیم.

- با نقاشی‌ها یک قصه‌ی جدید بسازیم.

- برای خواهر و برادر کوچک‌ترمان نگه داریم.

وقتی سردبیر خیالشان را راحت کرد و گفت: «می‌توانیم نقاشی‌ها و عکس‌ها را با قیچی جدا کنیم تا مجله و کتابی تازه بسازیم»، تعارف‌ها کنار رفت و پسر بچه‌ها هر آنچه بر سر مجله می‌آوردند، به راحتی بیان کردند:  
- من تا به حال سه تا مجله درست کرده‌ام.  
- با عکس‌هایش پازل درست می‌کنم.

- من چوب بستنی‌هایم را نگه می‌دارم می‌توانم با آن‌ها و عکس‌های مجله، کاردستی درست کنم.  
پسرهای بازیگوش و پر جنب و جوش حیاط، بچه‌های خوب مامان در کلاس بودند! آن‌ها را در حیاط و کنار آقای ناظم بیشتر به خودشان نزدیک می‌دیدید تا در کلاس و زیر باران کلمات لطیف خانم گرمارودی و قربان صدقه‌های خانم خردور، مدیر داخلی مجله، فضای خوب ایجاد شده کمی به شیطنت آن‌ها افزود:  
- با کاغذهایش قایق می‌سازم.

- من نگه می‌دارم و چهارشنبه‌سوری آتشش می‌زنم!

سردبیر مجله به دنبال این بود که دانش‌آموزان به مجله مثل کتاب درسی نگاه نکنند، با آن راحت و صمیمی باشند و... اما چنین می‌نمود که این بچه‌ها در این تفکر از او پیش‌تر بودند!  
خانم گرمارودی شنیده و دیده‌اند که در بسیاری از مدارس، از مجلات مثل کتاب کمک‌آموزشی

استفاده می‌کنند. از مطالب آن امتحان می‌گیرند و بچه‌ها موظف‌اند، مثل کتاب آن‌ها را جلد کنند و تمیز نگه دارند.  
خیلی از جوانان و دانشجویان امروز ما، خاطره‌ی قشنگی از مجلات رشد زمان کودکی خود ندارند. چرا که آن زمان باید از متن آن املا می‌نوشتند یا مطالبش را خلاصه‌نویسی می‌کردند. اما مدرسه‌ی تربیت و به‌خصوص کلاس خانم اینانلو از چنین ماجراهایی بسیار فاصله داشت. تسلط، درایت و شناخت عمیق آموزگار از تک‌تک دانش‌آموزان و رفتار هوشمندانه‌ی او را، در دقایق آغازین ورود به کلاسش می‌توانستی احساس کنی.  
هدف این ملاقات برای خانم سردبیر، نه کشف چیز تازه‌ای بود، نه از بین بردن نگاه نادرست به مجله، و نه هدایت ملاقات‌شوندگان به استفاده‌ی درست از مطالب یا حتی ورق‌ها و عکس‌های مجله. او هدف خاصی را دنبال نمی‌کرد. این بود که به یاد قصه‌ی خانم قاسم‌نیا در رشد نوآموز شماره‌ی یک افتادم: «بزی بود و بزی نبود» و قرار نبود یا بزی که نیست بچنگیم!

خانم گرمارودی بازخورد مطالب گوناگون مجله‌ی خود را در بسیاری از دانش‌آموزان تهران و شهرستان‌ها، معلمان و حتی والدین آن‌ها دیده‌اند؛ به خصوص صفحه‌ی جدید «داستان من» که مورد توجه مریبان و والدین قرار گرفته است و در تماس‌ها، نامه‌ها و ملاقات‌های خود، از

گرمارودی ترجیح می‌داد،  
این ملاقات با برنامه‌ریزی  
قبلی به کارگاهی برای یکی  
از موضوعات و فعالیت‌های  
«داستان من» تبدیل می‌شد



متفکر کوچکی با افتخار  
تعریف کرد: «من از پارسال  
هر چند تا مجله خوانده‌ام روی  
يك ورق یادداشت کرده‌ام که  
وقتی بزرگ شدم، بدانم چند تا  
مجله خوانده‌ام.»



تأثیر مثبت آن بر نوآموزان گفته‌اند. گرم‌رودی ترجیح می‌داد، این ملاقات با برنامه‌ریزی قبلی به کارگاهی برای یکی از موضوعات و فعالیت‌های «داستان من» تبدیل می‌شد؛ نظیر کاری که در یکی از مدارس همدان در «اتاق من» انجام داده‌اند. پس در نهایت از دانش‌آموزان خواست تا اگر سؤالی و حرفی درباره‌ی مجله دارند، بگویند.

عده‌ای که تصادفاً مجله را همراه آورده بودند، همان لحظه به ورق زدن و تماشای دقیق‌تر آن مشغول شدند و با بچه‌های نیمکت جلویی و بغل دستی، گروه‌های کوچکی را در کلاس خود به خود تشکیل دادند. دست‌ها هم پشت سر هم بالا می‌رفت و گاهی همراه آن پاها! که روی نیمکت می‌ایستادند تا قند و قواری کوچکی زودتر دیده شود و اجازه‌ی حرف زدن داشته باشند. از معنی عکس پشت جلد پرسیدند تا صفحه‌ی «قصه از ما، نقاشی از شما». نشانی مجله را خواستند. یکی از بچه‌ها از کتاب «کلیله و دمنه» ی کودکان که در خانه دارد، برای خانم سردبیر تعریف کرد. و یکی دیگر با نگاه و لحنی جدی پرسید: «از کجا بدانیم که شما این مجله را چاپ می‌کنید؟!»

خانم سردبیر با لبخند پاسخ داد: «می‌توانی اسم مرا توی اولین صفحه‌ی مجله بخوانی.»

یکی پرسید: «چاپ‌خانه‌ی شما کجاست؟» و با پاسخ «جاده‌ی دماوند» با چند نفر دیگر کلی تعجب کرد که: «چه دور!»  
متفکر کوچکی با افتخار تعریف کرد: «من از پارسال هر چند تا مجله خوانده‌ام روی يك ورق یادداشت کرده‌ام که وقتی بزرگ شدم، بدانم چند تا مجله خوانده‌ام.»

در این میان آن‌چه که برای بچه‌ها جالب‌تر و شاید از حضور ما پررنگ‌تر به نظر می‌رسید، دوربین خانم لاریجانی بود که حواس و توجه بسیاری از بچه‌ها را به خود جلب می‌کرد. شاید آن شب وقتی پدر مادرها پرسیدند: «امروز در مدرسه چه خبر بود؟» جواب داده باشند: «خانم عکاسی با دوربین جالبی آمده بود و از ما می‌خواست تا بخندیم، بالا ببریم، شعر و قرآن بخوانیم و از ما عکس می‌گرفت.»





چند بار تا به حال با خود فکر کرده‌اید که ای کاش اشعار، ابیات و آیات بیشتری را در کودکی به خاطر می‌سپردید تا امروز کمتر برای به ذهن سپردن آن‌ها دچار مشکل می‌شدید؟  
ذهن بی‌کران کودکی ما پر بود از غیرممکن‌ها، شگفتی‌ها و عجایبی که با آن‌ها می‌توانستیم به پرواز درآییم، به اعماق سفر کنیم و از کمترین‌ها یا بیشترین‌ها بی‌نهایت لذت ببریم. دنیای خیال کودکی و بی‌خیالی ما در آن روزگاران، دنیای فراموش‌نشده‌ای است که همواره حسرت آن با ماست. همین احساس باعث می‌شود که گاه با تماشای کودکان و یادآوری آن شیرینی‌ها، طعم خوش آن روزگاران را احساس کنیم.

میل به خیال‌پردازی تا مرزهای بلوغ هم پیش می‌رود و همین احساس و بازسازی تخیلی زندگی، بازی‌های کودکانه را می‌سازد و کودک را وامی‌دارد که با پیش پا افتاده‌ترین ابزار، ساعت‌ها سرگرم شود و زندگی را با همان حداقل تجربه کند. بنابراین می‌توان گفت هر قدر ابزاری بتواند تخیل کودکان را بیشتر درگیر کند، بیشتر به آن مشغول می‌شوند. شاید یکی از عوامل توجه بیش از حد بچه‌ها به بازی‌های رایانه‌ای، همین درگیری بالای آن بازی‌ها با تخیل و ذهن آن‌ها باشد. پس دور از تدبیر نیست که برای آموزش، پرورش قدرت تخیل و سرگرم‌کننده بودن را مدنظر داشته باشیم تا در پوشش آن بتوانیم آن‌چه می‌خواهیم به آن‌ها بیاموزیم. حکایت‌ها، افسانه‌ها و اشعار قدیمی پراند از عناصر خلاق خیال‌انگیز که به کمک آن‌ها، همه‌ی اندرزها و مبانی اخلاقی و اجتماعی مطرح می‌شده‌اند. پس چگونه فراموش کرده‌ایم که هر چند ذهن بی‌کران کودکی گنجایش فراوانی برای آموزش دارد، اما نحوه‌ی ارائه‌ی آن می‌تواند میزان یادگیری را در آن‌ها افزایش دهد؟!

تمام سعی ما در «رشد نوآموز» بر این است که «نوآموز» بتواند از دانستن لذت ببرد. طعم خوش آن را بارها و بارها احساس کند و به تکرار آن علاقه‌مند شود. سعی کرده‌ایم قوه‌ی تخیل و اندیشه‌اش را تحریک و درگیر کنیم تا هیجان‌زده شود. همه‌ی ما از دوران تحصیل خود معلمان خوبی را به یاد داریم و هرگز از یاد نمی‌بریم که درس را با ایما و اشاره و داستان می‌آمیختند و ماهرانه به چاشنی زندگی می‌آغشتند. همین امر، آن‌ها و درسشان را ماندگار کرد و شاید مسیر زندگی خیلی‌ها را معین ساخت. اما گاه آن قدر غرق در آموزش محض می‌شویم که راه‌های مناسب رسیدن به آن را فراموش می‌کنیم. همه‌ی تلاش ما در مجله‌ی رشد نوآموز بر این است که ذهن کودکانه‌ی بچه‌ها را معیار قرار دهیم، تا در این راه موفق باشیم. ما می‌توانیم در چارچوب داستان، شعر، لطیفه و سرگرمی، به شکلی کاملاً دل‌انگیز، مبانی اخلاقی-اجتماعی را به آن‌ها ارائه دهیم و از نصیحت

افسانه موسوی گرمارودی  
سرمدبیر رشد نوآموز

## سرتان را گرم می‌کنیم!



مستقیم بپرهیزیم. مثلاً ما در صفحه‌ی «من غذا می‌کشم»، به جای بیان فواید میوه‌ها و خوردنی‌ها، آن‌ها را درگیر کاری خلاق می‌کنیم تا خود به این مواد غذایی روی آورند و از آن‌ها استفاده کنند.

یا با اعتقاد به این که درصد یادگیری دیداری، بسیار بالاتر از یادگیری شنیداری است، در صفحه‌ای با عنوان «ستاره‌ها» که به مضامین دینی می‌پردازد، با شیوه‌ی بیان تصویری زندگی‌نامه‌ها (اینفوگراف)، به آموزش نوآموزان پرداخته‌ایم.

یا در صفحه‌ای با عنوان «قصه از ما نقاشی از شما»، با آوردن داستان‌هایی کاملاً متفاوت، از بچه‌ها خواسته‌ایم

داستان‌ها را تصویرگری کنند تا با خرق عادت‌ی که در این داستان‌ها مورد توجه بوده است، ذهن خلاق آن‌ها درگیر شود و خود نیز نوعی آفرینش را تجربه کنند. و موارد متعدد دیگر...

هدف ما در ارائه‌ی این نشریه، آموزش ضمنی است و لایه‌ی سطحی آن تنها سرگرمی است. هر قدر نوآموزان ما بیشتر سرگرم شوند، بیشتر لذت می‌برند، بیشتر احساس شادمانی می‌کنند و نتیجه‌ی این شغف، ماندگاری بیشتر است.

حال اگر با این نشریه برخوردی نادرست شود، یعنی به جای این که داستان‌ها را بخوانند و به

گفت‌وگو بنشینند، لغات مشکل آن را به بچه‌ها دیکته بگویند و امتحان‌های متعدد تشریحی و تستی از آن طرح کنند، به یقین جز دل‌زدگی نتیجه‌ی دیگری را به دنبال نخواهد داشت. شاید تغییر برخی نگرش‌ها و شیوه‌های آموزشی بتواند زمینه‌هایی را فراهم کند که بچه‌ها بیشتر به مطالعه روی آورند و ما کمتر این کلام را تکرار کنیم که: «چرا فرزندان ما کمتر به مطالعه علاقه نشان می‌دهند؟»

بگذاریم بچه‌ها با مجلات سرگرم شوند و نهراسیم اگر به داستان علاقه‌مندند و شعر زیاد می‌خوانند. خودمان در حضور آن‌ها از خواندن این‌ها لذت ببریم و ابراز خشنودی کنیم تا آن‌ها نیز این تجربه را تکرار کنند. به امید آن روز...



تمام سعی ما در «رشد نوآموز»  
بر این است که «نوآموز»  
بتواند از دانستن لذت ببرد.  
طعم خوش آن را بارها و بارها  
احساس کند و به تکرار آن  
علاقه‌مند شود. سعی کرده‌ایم  
قوه‌ی تخیل و اندیشه‌اش  
را تحریک و درگیر کنیم تا  
هیجان‌زده شود



شکوه قاسم نیا سردبیر رشد کودک:

# کودکان ما تنها هستند

گفت و گو از: نصرالله دادار

کودکان ما تنها هستند. هنوز هم بسیاری از افراد جامعه آن‌ها را درک نمی‌کنند. در کوچه و خیابان به آن‌ها احترام نمی‌گذارند، در مهمانی‌ها آن‌ها را تحویل نمی‌گیرند و در مجموع درکشان نمی‌کنند. جامعه‌ی ما دوست دارد که بچه‌ها زود بزرگ شوند و کودکی، شادی، بازی و تفریح نکنند و...

پای صحبت خانم شکوه قاسم‌نیا، سردبیر رشد کودک نشستیم.

خانم قاسم‌نیا در سال ۱۳۳۴ در تهران در محله‌ی مختاری متولد شده است. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی در دوره‌ی کارشناسی از دانشگاه شهید بهشتی است. کار خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان از سال ۱۳۵۹ آغاز کرده و تا کنون موفق به تولید بیش از صد جلد کتاب در زمینه‌ی ادبیات کودکان شده است. گفت‌وگویمان را با ایشان در ادامه پی می‌گیریم.

\*\*\*

### ○ خانم قاسم‌نیا شما فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی هستید. چه طور شد که وارد دنیای کودکان و ادبیات کودک شدید؟

● زمانی که من فارغ‌التحصیل شدم (اواخر سال ۱۳۵۸)، از يك طرف به انقلاب فرهنگی برخورد کردم که نمی‌شد ادامه‌ی تحصیل داد و از طرف دیگر، برای پیدا کردن کار در جاهایی که مراکز جذب رشته‌ی تحصیلی من بود مانند وزارت خارجه فاصله افتاد. من برای پر کردن این فاصله، در همان سال مهدکودکی را به نام «عمه‌جون» راه‌اندازی کردم. در آن زمان تأسیس مهدکودک به مجوز بهزیستی نیاز نداشت. علت انتخاب نام عمه‌جون هم این بود که من از هفت سالگی عمه شده بودم. محیط بسیار صمیمی و پر عاطفه‌ای در مهدکودک عمه‌جون ایجاد شده بود. طوری که والدین عصرها برای بردن فرزندانشان با مشکل روبه‌رو بودند. بچه‌ها دوست نداشتند از مهدکودک جدا شوند. در این زمان بود که به علاقه‌ی وافر خودم به کودکان پی بردم.

در مهدکودک حرف‌هایم را به صورت شعر و قصه برای کودکان بیان می‌کردم و این نشان می‌داد که می‌توانم در زمینه‌ی ادبیات کودک، بیشتر فعالیت کنم. سال ۱۳۵۹، سال آغاز جنگ تحمیلی و خاموشی‌ها بود. من برای این که بچه‌ها از خاموشی و بمباران نترسند، شعرهایی را به آن‌ها یاد دادم که شوق برانگیز بود؛ به گونه‌ای که تاریکی برای آن‌ها زمینه‌ی نوعی بازی را فراهم می‌کرد. والدین کودکان برای این کار از من تشکر می‌کردند. می‌پرسیدند: شما چه کار کرده‌اید که بچه‌های ما، دیگر از خاموشی‌ها نمی‌ترسند و تا برق‌ها می‌رود شروع به شعر خواندن می‌کنند؟! این يك تجربه‌ی غیرمستقیم تشویق‌آمیز بود که سبب شد قدم در این راه بگذارم. البته در این مهدکودک، محدوده‌ی سنی خاصی را مورد نظر داشتم. محدوده‌ای که فکر می‌کردم آموزش‌پذیر هستند و شامل سنین سه تا شش سال می‌شد.

پس از شش، هفت‌ماه، از طرف «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، سمیناری برای ادبیات کودک و شعر کودک برگزار شد که در آن شرکت کردم. در این سمینار با آقای وحید نیک‌خواه و آقای مصطفی رحمان‌دوست آشنا شدم. آقا نیک‌خواه سردبیر وقت کیهان بچه‌ها بود. او با مشاهده‌ی مطالب و سروده‌هایم برای کودک، از من خواست مهدکودک را رها کنم و به کیهان بچه‌ها بروم.

در «مهدکودک عمه‌جون» به علاقه‌ی وافر خودم به کودکان پی بردم. در آن جا حرف‌هایم را برای کودکان به صورت شعر و قصه بیان می‌کردم

ابتدا با این پیشنهاد متعصبانه برخورد کردم، ولی به مرور زمان و با توجه به مشکلات تأمین آذوقه و سوخت، مهدکودک را رها کردم و وارد کیهان بچه‌ها شدم. همکاری من با کیهان بچه‌ها تا حدود دو ماه، در حد مطلب دادن ادامه یافت تا این که پیشنهاد ضمیمه‌ی «شاپرک» را دادم. چون جای خالی کودکان و خردسالان و مطالب مختص آن‌ها را در مجله حس می‌کردم. با تصویب این طرح، انتشار ضمیمه‌ی شاپرک به مسئولیت من از اواخر سال ۱۳۵۹ برای کودکان زیر دبستانی آغاز شد.

تا سال ۱۳۷۱ در کیهان بچه‌ها فعالیت داشتم. کم‌کم احساس کردم دیگر چیزی برای یاد گرفتن باقی نمانده و بیشتر از این در کیهان بچه‌ها ماندن، برایم حکم اتلاف وقت را دارد. از این‌رو، با وجود علاقه‌ای که به کیهان بچه‌ها داشتم، از آن جدا شدم.

### ○ پس از کیهان بچه‌ها تا زمان حضور در نشریات رشد، چه فعالیتی داشتید؟

● مجوز یک نشر را گرفتم و مجله‌ی «گلک» را که یک مجله‌ی خصوصی بود، با آقای **مجید راستی** تولید کردیم. فقط ۳۵ یا ۳۶ شماره از این مجله‌ی ماهانه چاپ شد، ولی پس از گذشت ۲۰ سال، هنوز تأثیر آن در اذهان باقی مانده است. گلک بهترین تجربه‌ی کاری من برای بچه‌های زیر دبستانی بود و مورد تأیید و تشویق استادان، از جمله مرحوم **جهان‌شاهی** و آقای **ده‌باشی**، قرار گرفت. هم‌زمان با نشر گلک همکاری‌های متفاوتی با تلویزیون، انتشاراتی‌ها، کانون پرورش فکری، و مجلات گوناگون داشتم.

### ○ چه سالی ازدواج کردید، چند فرزند دارید و آیا وجود فرزند، تأثیری در نوشته‌های شما برای کودکان داشته است؟

● سال ۱۳۶۸ ازدواج کردم و دو فرزند به نام‌های **ارغوان** ۱۸ ساله و **غزل** ۱۰ ساله دارم. به نظر من، نویسنده‌ی خوب کودک، نویسنده‌ای نیست که نقش مربی را ایفا کند و لزوماً مخاطبش را خیلی دوست داشته باشد. بلکه نویسنده‌ای است که کودکی خودش را در درون قوی ساخته است و در جایگاه یک کودک، به کودکان نگاه کند. به همین دلیل و بر عکس دیگران که فکر می‌کنند مادر بودن یا پدر شدن در بهتر شدن نوشتن برای کودکان تأثیرگذار است، من به‌طور کامل حس می‌کنم که مادر شدن، امکان تضعیف توانمندی یک نویسنده‌ی خوب کودک را نیز در بر خواهد داشت. چرا که او با قرار گرفتن در مقام مادر یا پدر و کسی که از کودکی فاصله گرفته است و به‌عنوان سرپرست و بزرگ‌تر باید به امور تربیتی فرزندان خود رسیدگی کند، از کودکی و در نتیجه دنیای کودکان دور می‌شود. به همین دلیل من تلاش زیادی کردم که مادر شدن و احساس مادری، مرا از دنیای کودکان دور نسازد.

در خانه‌ی ما نوعی دموکراسی کودکان وجود دارد. بچه‌ها دوست دارند که به خانه‌ی ما بیایند، چرا که وسایل و در و دیوارهای خانه‌ی ما برای **خرابکاری‌های** آن‌ها همیشه آماده است. مثلاً دیوار اتاق‌های خانه‌ی ما، تا زمانی که فرزندان من کوچک بودند، پر از نقاشی و خط‌خطی بود. هر کس به خانه‌ی ما می‌آمد، به من ایراد می‌گرفت و من ظاهراً باید شرمنده می‌شدم که این چگونه خانه‌ای است. ولی می‌خواستم که حس کودکانم همان‌گونه که باید باشد، باقی بماند.

### ○ اساساً نویسنده‌ی کودک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند در این کار موفق شود؟

● شما در ادبیات بزرگسالان خودتان را تخلیه‌ی ذهنی می‌کنید. کافی است هنر داشته باشید و مطالعه کرده باشید. سپس هر آن‌چه را که

در سال ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی و خاموشی‌ها شروع شد، شعرهایی را به بچه‌ها یاد دادم تا هنگام خاموشی بخوانند و از مباران و خاموشی نترسند

دلتن می‌خواهد، می‌توانید بنویسید. راوی خودتان هستید. برای خودتان و هم‌سن و سال‌های خودتان می‌نویسید. ولی در نوشتن برای کودکان، باید از خود فاصله بگیرید و هزار و یک نکته را رعایت کنید. به همین دلیل، از نوشتن لذت چندانی نمی‌برید. باید روان‌شناسی بدانید. به ادبیات نوشتاری بچه‌ها مسلط شوید تا بدانید که جمله باید کوتاه‌ترین راه رساندن مفهوم به کودک باشد. باید اطمینان حاصل کنید که آن‌چه می‌نویسید، از نظر تربیتی، مغایرتی با اصول تربیتی کودکان ندارد. با تمام عشق و علاقه‌ای که به کودک داریم، باید بگوییم که او مانند یک روح مزاحم، در کنار ما بوده و دغدغه‌ی ذهنم شده است.

باید بدانیم که یک گوش شنوا و مزاحم در کنار خودمان داریم که می‌خواهد هرچه را که دوست دارد و می‌فهمد برایش بگوییم و

بنویسیم

با وجود احترامی که برای ادبیات بزرگسال قائل هستیم، باید بگوییم که کار آن‌ها مانند رانندگی در یک اتوبان صاف و قانونمند است. اما ادبیات کودک به رانندگی در کوچه و بازار خودمان می‌ماند که موانع متفاوتی از جمله هرج و مرج، ترافیک و هزاران پیچ و خم خسته‌کننده را در خود جا داده است.

نویسنده‌ی کودک در وهله‌ی اول باید نویسنده باشد و سواد نویسندگی داشته باشد، ادبیات بداند و در این خصوص مطالعه کند. قلم او باید جوهره‌ی ادبی داشته باشد، راه ورود به دنیای کودکان را بداند و با زبان کودکان آشنا باشد. باید بداند که کودک امروز، چه می‌خواهد، چه می‌فهمد و چه نیازی دارد. حس کودکی را در خودش داشته باشد. چرا که به هر حال، دنیای کودکی در فطرت انسان‌ها مشترک است. یعنی بین کودکی من، کودکی کودک امروز و کودکی کودکان فردا اشتراکاتی وجود دارد. نویسنده‌ی کودک باید برای ورود به دنیای مخاطب، روان‌شناسی و علوم تربیتی بداند. با ادبیات بزرگسال هرگز نمی‌توان به دنیای کودکان راه یافت. این دو ادبیات، معیارهای کمابیش جداگانه‌ای دارند.

اولین نوشته‌ی یک نویسنده‌ی ادبیات بزرگسال، می‌تواند شاهکار باشد، ولی در ادبیات کودک، این‌گونه نیست. باید تلاش زیادی کرد و پشت‌کار داشت.

به جرئت می‌توانم بگویم تا کنون ندیده‌ام که اولین نوشته‌ی یک نویسنده‌ی کودک، خوب باشد. همه‌چیز، فقط فطری و ذاتی نیست، بلکه اکتسابی هم است و باید یاد بگیریم. و بدانیم که اولین قدم ما، قدمی نیست که الزاماً نتیجه‌بخش باشد. این اولین قدم، زیر صفر است. باید با تلاش و کوشش و استفاده از تجربه‌ی دیگران، به صفر برسیم و بعد پیش برویم.

○ گفتید که بعد از «شاپرک» از مسئولیت اجرایی گریزان شدید. چه‌طور شد که مسئولیت رشد کودک را پذیرفتید؟

● در این دوره، پیشنهادهای زیادی برای کارهای اجرایی داشتیم، ولی به آن‌ها فکر نمی‌کردم. چرا که فقط می‌خواستم بنویسم. نمی‌خواستم از حیطه‌ی کارهای شخصی خودم خارج شوم. خودم هم نمی‌دانم چه‌طور شد. شاید تقدیر این بود. شاید حضور دوستانی چون آقای ناصر و پیشنهاد ایشان، و از طرف دیگر قرار گرفتن من در مقطع و موقعیت خاصی از زندگی‌ام، با وجود تردیدهایی که داشتیم، باعث پذیرش این

در سمیناری که کانون پرورش  
فکری کودکان و نوجوانان برگزار  
کرد، من با آقای نیک‌خواه،  
سردبیر وقت کیهان بچه‌ها آشنا  
شدم و ایشان با مشاهده‌ی  
مطالب من در زمینه‌ی ادبیات  
کودکان، از من خواستند که  
مهدکودک را رها کنم و به  
کیهان بچه‌ها بروم

مسئولیت از سوی من شد. شمارگان بالای «رشد کودک» و میزان بالای مخاطبین این مجله هم، به نوعی مشوق من برای پذیرش مسئولیت سردبیری مجله شد.

○ در چه سالی وارد رشد کودک شدید؟

● نوروز سال ۱۳۸۸.

○ چه برنامه‌هایی برای رشد کودک دارید؟

● سردبیران قبلی و نویسندگان، زحمات بسیاری کشیده بودند که جای قدردانی دارد. اما باید بگویم که نگرش هر سردبیر به مجله با دیگری متفاوت است. احساس کردم که بچه‌ها در این مجله نقشی ندارند یا نادیده گرفته شده‌اند. و اگرچه مجله به نام کودک چاپ می‌شود، ولی در واقع روی سخن مجله با بزرگ‌ترهای کودکان است. این فرهنگ ما، فرهنگ روشن‌فکرانه‌ای نیست و ضد کودک است. چرا که به‌نظر می‌رسد برای آن‌ها احترامی قائل نیستیم و واقعاً دوستشان نداریم.

با عذرخواهی از بزرگ‌ترها باید بگویم که در انتهای ذهن والدین این است که در آینده به خاطر بزرگ کردن کودکان، از او توقع تلافی داشته باشند. بعضی از مربیان و معلمان، به دانش‌آموز کمک می‌کنند و در مقابل توقع دارد که به عنوان «معلم نمونه» مورد توجه قرار گیرد. به‌طور کلی، ما بچه را بچه نمی‌بینیم و به خودمان به جای او فکر می‌کنیم. شاید یکی از دلایلی که ادبیات کودک را رها می‌کنم، دیدن همین مسائل باشد.

به هر حال، کودک در جامعه‌ی ما جایگاه خودش را ندارد. باید بدانیم که انسان در کودکی بسیار محترم و ارزشمند است. چرا که بکر است، خلاق است و به فطرت نزدیک‌تر است. از این‌رو از انسان‌های بزرگ‌سال محترم‌تر است. انسان‌های بزرگ همان کودکانی هستند که قد کشیده‌اند. پس تمام انرژی و وقت‌مان را باید صرف همین کودکان کنیم که روزی به سن بزرگ‌سالی می‌رسند.

وقتی سر کودکی به در می‌خورد، اصطلاحاً به او می‌گوییم: «بزرگ می‌شوی، یادت می‌رود!» اما باید پرسید: «آیا واقعاً بزرگ می‌شود و یادش می‌رود؟» یعنی در جامعه‌ی ما، ارزش‌گذاری برای کودکان به این شکل است. به‌طور واضح به او می‌گوییم که کودکی‌اش پوچ و بی‌ارزش است. در حالی که کودک و

دوران کودکی بسیار عزیز و ارزشمند است و باید برای آن احترام خاصی قائل شویم. باید کودک را ببینیم..

حتی در حال حاضر که از کودک صحبت می‌کنیم، او را ندیده‌ایم و در حال صحبت کردن با بزرگ‌ترها هستیم. می‌گوییم خانم مربی، آقای پدر، خانم مادر، این مطلب را برای فرزندت بخوان. این داستان را برای فرزندت تعریف کن. این کاردستی را برای او درست کن. معلم، ما این موضوع را به تو می‌گوییم، حالا تو دانش‌آموزان را سرگرم کن. من این موارد را دیده‌ام. به‌نظر من خلأ پنهان در مجله‌ی رشد کودک همین بوده است. و هدف من این است که خلأ مذکور را تا حدی که می‌توانم پرکنم.

این مجله، با همه‌ی کم و کاستی‌هایش، برای کودکان است. اگر قرار است بزرگ‌تر به کودک کمکی بکند، نباید به این‌گونه باشد که مجله را از دست کودک بگیرد و هر قسمتی را که خودش می‌خواهد برای او بخواند. بلکه باید بگذارد کودک از او بخواهد که چه قسمتی را بخواند.

من از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ در  
کیهان بچه‌ها فعالیت کردم. بعد  
از آن احساس کردم ماندن در  
کیهان بچه‌ها حکم وقت تلف  
کردن را برایم دارد. با وجود  
علاقه‌ای که به کیهان بچه‌ها  
داشتم، از آن جدا شدم



نکته‌ی دیگر این‌که معتقدم کار کودک باید گروهی باشد. از این‌رو تلاش کرده‌ام تا از همه‌ی کسانی که برای کودک قلم می‌زنند، کمک بگیرم. به این ترتیب، تنوع اسمی نویسندگان هم در مجله زیاد می‌شود. نمی‌خواهم صرفاً مجله‌ای چاپ شود و کار مفیدی صورت نگیرد. می‌خواهم جریان‌سازی شود؛ جریان‌ات ادبی کودک را بسازیم. مطلبی که با یک موضوع محوری در مجله چاپ می‌شود، شاید به اندازه‌ی ۲۰ نمره که برایش متصور شویم، تأثیرگذار نباشد، ولی جریانی که مطرح می‌شود اهمیت فراوانی دارد. به نظر من اهمیت جریان‌سازی، از اهمیت شمارگان مجله و سطح مخاطبین آن نیز بیشتر است.

○ آیا رشد کودک یک نشریه‌ی کمک‌آموزشی است؟ شمارگان آن چه قدر است؟

● رشد کودک، یک مجله کمک‌آموزشی است و حدود ۸۰۰ هزار نسخه شمارگان دارد. اما یادمان باشد که مجله‌ی کمک‌درسی نیست.

به نظر من ادبیات نقش بسیار مؤثری در آموزش دارد؛ نوعی نقش محوری که کتاب‌های درسی و خود آموزش را نیز به سوی خود می‌کشد. در مجله‌ی رشد کودک، گرایش به سوی

ادبیات، نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده است، چرا که به این نتیجه رسیده‌ایم که بچه‌ها، هر آموزشی را با زبان ادبی بهتر فرا می‌گیرند. اگر این مجله صرفاً آموزشی بود، شاید مسئولیت را نمی‌پذیرفتم و شاید اصلاً مرا دعوت نمی‌کردند؛ چون برای این کار ساخته نشده‌ام.

○ آیا در تولید نشریه، به رشد عاطفی، خلاقیت و مهارت‌های

حرکتی و ذهنی کودکان نیز توجه شده است؟

● به نظر من، ادبیات تمام این موارد را شامل می‌شود. خلاقیت یعنی چه؟ ادبیات یعنی چه؟ ادبیات یعنی خلاقیت. قصه یعنی خلاقیت. وقتی قصه‌ای را به بچه‌ها می‌گوییم و یا شعری برای آن‌ها می‌خوانیم، به طور غیرمستقیم خلاقیت آن‌ها را بارور کرده‌ایم. برای مثال، در مجله چهار نویسنده از دیدگاه خودشان درخصوص یک موضوع مشخص، مثلاً بهار می‌نویسند. کودک مخاطب یاد می‌گیرد که به یک موضوع به چهار طریق می‌توان فکر کرد. از طرف دیگر، این موضوع می‌تواند فکر پنجمی را در ذهن کودک بارور کند. به عبارت دیگر، این موضوع مکمل پرورش خلاقیت او خواهد بود.

اگر شما قصه‌ها، نوشته‌ها و مطالب مجله را مطالعه کنید، پیام‌های متفاوتی را از آن‌ها استنباط می‌کنید که دربرگیرنده‌ی مهارت‌های جسمی و حرکتی، پرورش روحی، رفتاری و عاطفی، و هم‌چنین مهارت‌های ذهنی، اخلاقی و دینی کودکان می‌شود. یک رویکرد این است که شما از روان‌شناسی کودک به کودک برسید. رویکرد دیگر این است که از کودک، به خودش و روانش توجه کنید. در هر دو مورد، شما مطابق نیازهای کودک حرکت کرده‌اید.

○ بعد از ورود شما به نشریه‌ی رشد کودک، چه تحولی نسبت به گذشته صورت گرفته است؟ آیا به اهداف خودتان نزدیک شده‌اید؟



مجله‌ی گلک بهترین  
تجربه‌ی کاری من برای  
کودکان زیردبستانی بود

● حرکتی که به صورت گروهی صورت گرفته، از زیر صفر به صفر بوده و فکر می‌کنم که این کار نسبتاً مهمی است. مانند زمینی که شخم زده شده و آماده بذرپاشی است. حالا باید دانه‌ها کاشته شوند، جوانه بزنند و نهال شوند. اگر هم آفت زد، به آن رسیدگی کنیم.

○ این دانه‌ای که امسال می‌خواهید بکارید، مشخصاً چیست؟

● دانه‌ای که می‌خواهم در رشد کودک بکارم، حاصل همه‌ی تجربه‌های حسی، کاری و تشخیص‌هایی است که به آن‌ها رسیده‌ام؛ تجاربی که همه‌ی آن‌ها از آن من نبوده‌اند، ولی به آن‌ها دست یافته‌ام. خوش‌حالم که پس از چاپ هر شماره از مجله، می‌توانم قضاوت مخاطبم را حس کنم. هزاران کودک را نه در کنارم، بلکه در ذهنم دارم. چرا که همیشه به آن‌ها فکر کرده و برایشان کار کرده‌ام. می‌دانم چه می‌خواهند. سعی می‌کنم دانه‌ای که می‌کارم، برآمده از خواست کودکان و در حد توان من و همکاران من باشد.

○ خانم قاسم‌نیا، آیا فکر می‌کنید بچه‌های گذشته با بچه‌های امروز فرق دارند؟ به عبارت دیگر، آیا

به مرور زمان کودکی‌ها تغییر کرده است؟ نیازهای کودکان امروز با کودکان دیروز چه تفاوتی دارد؟ آیا

گذر زمان تأثیری روی نیازهای کودکان گذاشته است؟

● از خردسالی به بعد، این تفاوت‌ها زیاد شده است. در سنین زیر خردسالی، به دلیل این که بچه هنوز از فطرت خودش دور نشده، تفاوت‌ها کمتر است. تا زیر هفت سالگی مشترکات بیشترند. یعنی پنج سالگی و چهار سالگی و سه سالگی من و شما و نوه‌ی ما و فرزندان ما و پدران ما کمتر با هم اختلاف دارند.

مثلاً هر بچه‌ای به عاطفه نیاز دارد؛ چه در این زمان، چه ۵۰۰ سال پیش و چه ۵۰۰ سال بعد. این گونه موارد، مسائل مشترکی هستند که به زمانه مربوط نیستند. کودک خردسال مانند پروانه‌ای است که هنوز در پیله قرار دارد و به عبارتی در خودش است. ولی کودکان بالای هفت سال، به خاطر ارتباط با خانواده و جامعه، با کودکان نسل‌های گذشته و آینده تفاوت‌های زیادی دارند.

○ در نوشتن برای کودک، چه به لحاظ نشریه که یک نشریه‌ی دولتی است و چه به لحاظ شخصی، با چه

کاستی‌ها و موانعی روبه‌رو هستید؟

● در جایی که دست‌های مرا ببندند نمی‌توانم کار کنم، اما تاکنون در خصوص این نشریه، مشکلی وجود

نداشته است. البته واضح است که نوشتن برای بچه‌ها، در مراکز مختلف، تعریف‌ها و ویژگی‌ها دسته‌بندی‌هایی وجود دارد که خود به خود از سوی نویسنده رعایت می‌شود.

○ اشاره کرده‌اید که می‌خواهید جریان‌سازی کنید. برای این کار نیروی انسانی مورد نیاز و ابزار لازم وجود دارد؟ آیا آزادی فکری لازم اساساً

در این زمینه دیده می‌شود؟

● سال‌ها پیش در سمیناری در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» گفتم که در ادبیات کودکان، ویروس بزرگ‌سالی افتاده است. این موضوع در حافظه‌ی خیلی‌ها ماند. احساس من در آن سال‌ها غلط نبود و کم‌کم نویسندگان کودک به سمت بزرگ‌سال‌نویسی گرایش پیدا کردند. شاید شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، باعث این گرایش شده بود. به هر حال نویسندگان به سوی مسائل بزرگ‌سالان رفتند، به طوری

که امروز نویسنده برای مخاطب خردسال بسیار کم داریم. مجله‌ی رشد کودک این فرصت را برایم فراهم کرد که از دوستان نویسنده بخواهم که بیایند و دور هم جمع شویم و خردسالانه فکر کنیم و بنویسیم تا از این طریق تعداد نویسندگانی را که برای خردسالان می‌نویسند، افزایش دهیم.

در حال حاضر، کسانی هستند که با عشق و علاقه و بدون هیچ چشم داشتی، ساعت‌ها در جلسات مجله حضور می‌یابند و کار می‌کنند. هم‌نشینی و هم‌فکری با این دوستان و به‌خصوص یاری گرفتن از «ناصر کشاورز» که از بهترین‌های خردسال‌نویس است، برایم مغتنم و ارزشمند است.

### ○ در حال حاضر چند نشریه برای مخاطب خردسال در کشور داریم؟

● حدود ۶۰ مجله برای کودکان فعالیت دارند که در خیلی از این مجلات، آثار ویژه و مناسب خردسال چندان به چشم نمی‌خورد.

### ○ فکر می‌کنید وجه تمایز رشد کودک با این مجلات چیست؟

● شاید عشق و علاقه‌ای باشد که قلباً و عمیقاً در تک‌تک صفحات مجله دیده می‌شود. شخصاً معتقدم، مجله‌ای که عشق به بچه‌ها در آن نباشد، هر قدر هم خوش آب و رنگ و پر مطلب باشد، نمی‌تواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند.

### ○ غیر از اصول ساده‌نویسی و کوتاه‌نویسی، چه اصولی در مجله‌ی رشد کودک رعایت می‌شوند؟

● ما می‌خواهیم مطلبی را برای مخاطب انتخاب کنیم که از نظر محتوا، مسئله ذهنی کودک خردسال باشد. حتی الامکان، از دنیای کودک دور نباشد. البته این موضوع درجه‌بندی دارد. مثلاً ممکن است یک سلسله مطالب و موضوعاتی را برای این بگوییم که بچه بعدها به آن برسد. ولی اولویت با موضوعی است که از ذهن امروز کودک می‌گذرد. نگاه نویسنده به آن موضوع باید کودکانه باشد. پرداخت‌های شعری، قصه‌ای و علمی به مسائل، باید در خور فهم مخاطب صورت گیرد. خیلی نمی‌توان درشت‌نمایی کرد و وارد شاخه‌های گسترده شد.

در ادامه، بیان مطلب با زبان ادبی و رعایت دستور نگارشی مناسب براساس کشش ذهنی کودک و فرکانس ذهنی اوست، به گونه‌ای که بفهمد و توان درک مطالب را به بهترین شکل ممکن داشته باشد.

○ اشاره کردید کودک فراموش شده و در مجله‌ها به وی توجهی نشده است. برای حل این مشکل و پررنگ کردن حضور کودک در مجله، چه روشی را پیش گرفته‌اید؟

● از نظر حسی و روانی در پی مطالبی هستیم که کودک به آن‌ها علاقه‌مند است و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. درج این‌گونه مطالب، باعث ارتباط نزدیک کودک با مجله می‌شود و رابطه‌ی محکمی بین این دو به وجود می‌آید. مانند بشقاب غذایی که به کودک می‌دهیم. طبیعتاً اگر بشقابی زیبا و مناسب با غذایی متنوع و مورد نظر کودک، به همراه قاشقی سالم و تمیز در نظر گرفته شود و با روشی برنامه‌ریزی شده آن را به دست کودک بدهیم، کودک با اشتیاق و برقراری ارتباط صمیمی، از این غذا بهره می‌برد. به این غذا، بشقاب و قاشق علاقه‌مند می‌شود و با آن‌ها ارتباط نزدیکی می‌گیرد. از آن‌ها گریزان نمی‌شود.

در نوشتن برای کودکان، باید هزار و یک نکته را رعایت کنید. روان‌شناسی کودک بدانید، به ادبیات گفتاری و نوشتاری مسلط باشید، به اصول تربیتی کودکان توجه داشته باشید، احساس کودکان داشته باشید و...

به طور کلی می‌خواهم بگویم، باید به درستی عمل کنیم تا کودک با علاقه به سوی مجله بیاید؛ نه آن‌که خودمان را به او تحمیل کنیم. کودک باید باور کند که مجله برای اوست. خودش مجله را کشف کند و عکس‌های آن را ببیند. خودش بخواهد که قسمت‌های متفاوت مجله را برای او بخواند.

### ○ تاکنون بچه‌ها انتقاد یا پیشنهاداتی برای شما داشته‌اند؟

● تلفن‌هایی می‌شود، اما فعلاً نمی‌توان روی آن‌ها تکیه کرد. فکر می‌کنم باید یک دوره‌ی دیگر از چاپ مجله بگذرد تا بتوانیم روی این موضوع یک برآورد تحقیقی انجام دهیم.

### ○ چه اوقاتی از کار خودتان لذت می‌برید؟

● وقتی که در نوشته‌هایم به لحظه‌های ناب کودکی دست پیدا می‌کنم.

### ○ چه زمانی در کارتان غمگین می‌شوید؟

● هر روز. یعنی روزی نیست که بدون غم بگذرانم. به خاطر این‌که فکر می‌کنم، هر روز آن کاری را که می‌توانستم بکنم، نکرده‌ام. آن‌گونه که می‌توانستم بنویسم، ننوشته‌ام. گاهی کودکان را می‌بینم که مانند بزرگ‌ترها رفتار می‌کنند و بچگی نمی‌کنند. دیدن این کودکان پیر هم مرا آزار می‌دهد. متأسفانه، ما آن‌ها را تشویق می‌کنیم که بزرگ باشند و بزرگانه فکر کنند. از آن‌ها می‌خواهیم نوشته‌های بزرگانه بخوانند. این مسائل مرا غمگین می‌کنند. تلاش می‌کنم که با نوشتن برخی مطالب، جرقه‌هایی بزنم تا بخوانند و بخندند. بفهمند که کودک هستند و بازی کنند و از کودکی خود راضی باشند.

### ○ بهترین زمان زندگی شما چه زمانی است؟

● ساعت دو یا سه‌ی نیمه‌شب که می‌توانم مطالعه کنم. مطالعه برای من خیلی لذت‌بخش و حتی با

با ادبیات بزرگ‌سال هرگز  
می‌توان به دنیای کودکان  
راه یافت

ارزش‌تر از نوشتن است.

### ○ بهترین خاطره‌ای که در این ۳۰ سال از نویسندگی برای کودک دارید، بفرمایید؟

● فکر می‌کنم خاطره داشتن از کسی، یعنی این‌که با او نباشید. من همیشه با مخاطبانم بوده‌ام و با آن‌ها زندگی کرده‌ام. اما به‌عنوان یک اتفاق بگویم که سه سال پیش در غرفه‌ی نمایشگاهی بودم، خانم جوانی آمد و گفت: این کتاب شکوه قاسم‌نیا است. خودشان این‌جا نیستند؟ یکی از دوستان من که در غرفه بود، مرا نشان داد و معرفی کرد. آن خانم دو بچه داشت. آن‌قدر علاقه و محبت کرد که نزدیک بود در آن شلوغی نمایشگاه، بچه‌ای را که در آغوش داشت، بیندازد. گفت که من وقتی کوچک بودم، کتاب‌های شما را می‌خواندم. مادرم هم خواننده‌ی قصه‌های شما بوده است. حالا هم آمده‌ام که برای دخترم، از قصه‌های شما خریداری کنم. و بعد احساس کردم از این‌که سن و سال مرا رخم کشیده خجالت‌زده شده. گفتم: نترس، برای نوهی تو هم می‌خواهم بنویسم. من خیال دارم در سن کودکی همانم. تو اگر می‌خواهی بزرگ شوی، بزرگ شو.

### ○ چند کتاب برای کودکان به چاپ رسانده‌اید؟

● حدود یک‌صد کتاب برای کودکان به چاپ رسانده‌ام که بیشتر این کتاب‌ها مربوط به مخاطب خردسال اختصاص دارند. جوایزی هم گرفته‌ام.

از جمله برای «هلی فسقلی در سرزمین گولها» که یک رمان کودکانه است. در زمینه‌ی شعر هم، «سفید، سیاه، راه‌راه». «کفش‌های پولکی» و «ماه و ماهی» از اشعار مربوط به خردسالان، «گلک چه مهربان است» که جزو اولین قصه‌های من بوده است. و «دختر نارنج و ترنج»، از داستان‌های بلند من است.

○ کودکی که شما خودتان را برای او این‌قدر به زحمت انداخته‌اید، دارای چه ویژگی‌هایی است و چه تفاوتی با دیگران دارد که شما او را انتخاب کرده‌اید؟

ویژگی بارز کودک، صداقت اوست. من عاشق صداقت کودک هستم؛ صداقتی که به دنیا می‌ارزد. ادا در نمی‌آورد و فیلم بازی نمی‌کند. اگر به انجام کاری تمایل نداشته باشد، به زور نمی‌توانی به آن کار وادارش کنی. اگر دروغی بگوید از روی شیطنت است و در پی منفعت نخواهد بود. پاکی و بزرگی کودک به‌خاطر صداقت خالصانه‌ی او، فراتر از آن است که بتوانیم به درک آن برسیم. کودک برخلاف بزرگسال، منت نمی‌کشد. باج نمی‌دهد. برای به‌دست آوردن چیزی، چیز دیگری را از دست نمی‌دهد و از آن‌چه دوست دارد، دفاع می‌کند.

به‌طور کلی، این ویژگی‌ها باعث برتری کودک نسبت به بزرگسال می‌شوند و این نکته را تداعی می‌کنند که هرچه بزرگ‌تر شویم، ضعیف‌تر و دلیل‌تر خواهیم شد. امیدوارم هر بزرگی، به کودکی‌اش برسد.

○ شاید یکی از دلایل تنها ماندن کودکان، نشناختن آن‌ها باشد. شاید کسی برای شناساندن کودک

اولین نوشته‌ی هر نویسنده‌ی ادبیات بزرگسال، می‌تواند شاهکار باشد، ولی در ادبیات کودک این‌گونه نیست. به جرئت می‌توانم بگویم که تا کنون ندیده‌ام اولین اثر یک نویسنده‌ی کودک، خوب باشد

به والدین، معلمان و به‌طور کلی جامعه، تلاشی نکرده است. در این مورد بیشتر توضیح دهید.

● بچه نیازی نمی‌بیند که خودش را بشناساند. او فکر می‌کند که همه باید او را بشناسند و درکش کنند. کما این‌که شما دیده‌اید، کودک دست به‌کاری می‌زند که از نگاه ما اشتباه است، ولی مصرانه



و حقه به جانب پای آن می ایستد. چون فکر می کند کار درستی انجام داده است و نیازی به دفاع کردن از خود ندارد. کسانی که باید از او دفاع کنند، هنرمندان کودک هستند. با زبان، ادبیات، نقاشی، فیلم، تئاتر، کودک، باید از او دفاع شود. با لطافت هنر بیان، باید به شناساندن کودک کمک کرد.

اگر ادبیات کودک را تقویت کنیم، طبیعتاً فرهنگ ما در خصوص کودک اصلاح خواهد شد و فرهنگ برخورد با کودک را بهتر می آموزیم.

○ صمیمانه از شما سپاس گزاریم.









## ۱. یارم همه دانی و خودم هیچ مدانی

روزی روزگاری در سال‌ها پیش، جوانی نخستین کتابش را منتشر کرد. او از دیدن نامش بر جلد کتابی، شادمانه به هیجان آمده بود. با دوستان و آشنایان که می‌نشست، سعی می‌کرد در فرصتی مناسب دریچه‌ی سخن را بر این کتاب بگشاید و توجه آنان را به آن بکشد. از هدف‌های تألیف، تأثیر کتاب بر خواننده، و سرانجام از زحمت‌ها و درد سرهایی که برای آن کشیده بود و خون دل‌هایی که در راه آن خورده بود بسیار سخن به میان می‌آورد تا مَهر تأیید شنونده را به دست آورد. البته در پاسخ هم چیزی جز تأیید و تشویق نمی‌شنید. در نتیجه، کتاب به تصورش شاهکاری بود بس بزرگ که خواننده را وا می‌داشت بر نویسنده آفرین بگوید.

از قضا، گردش روزگار او را بیمار کرد و در انتظار نوبت، به مطب پزشکی انداخت. نویسنده‌ی جوان در آن جا، ناگهان دید جوانی در حالی که کتاب را در دست دارد، وارد شد و به صف منتظران پیوست. درنگ جایز نبود. بلافاصله پیش رفت، سر سخن را باز کرد و از دیدگاهش درباره‌ی کتاب پرسید. آن چه شنید باور کردنی نبود. جوان کتاب به دست در بی‌تفاوتی کامل و در چند جمله، آن شاهکار رویایی و پرگوهر را به ورق‌هایی پر از نوشته‌هایی کم‌ارزش و نامفهوم تبدیل کرد. جوان نویسنده، غرق در غرور جوانی، خواست با او درگیر و گل‌آویز شود، اما نشد. در عوض به فکر فرو رفت: مخاطب در چند ثانیه، او را از عالم خیال و رویا به عالم واقع فرود آورده بود.

از آن پس ترس از رو به رو شدن با مخاطب و شنیدن نظرهای او، روزها، هفته‌ها و ماه‌ها او را به فکر فرو برد و سبب شد سرانجام وسواسی دائمی وجودش را در بر گیرد و در ژرفای اندیشه‌اش بنشیند؛ وسواسی که گاه مخربش می‌دانست و دیگر گاه چراغ راه و عصای دست؛ وسواسی که سرانجام پس از مدت‌ها او را با این ندای درونی با مخاطب آشتی داد: همیشه در نظر داشته باش که مخاطب تو خوب را از بد تشخیص می‌دهد و می‌تواند درباره‌ی آن چه گفته‌ای یا نوشته‌ای قضاوت کند. پس، پیش از آن که دست به کار شوی او را خوب بشناس، نیاز او را در نظر بگیر، هنگام نوشتن به گونه‌ای سخن بگویی یا بنویسی که گویی رو به رویت ایستاده است و تو با او سخن می‌گویی.

باری، جوان از آن پس، از آن درس در کار معلمی هم بسیار استفاده کرد. به این باور رسیده بود که نوشتن و معلمی کردن، هر دو حداقل از یک جنبه یکسان‌اند: در هر دو یک نفر با شماری از مخاطبان ارتباط برقرار می‌کند. پس هر دو از جنس نوعی ارتباط‌اند

سر دبیر رشد آموزش زیست‌شناسی  
محمد کریم الدینی

## دو سفر، دو یادداشت

و در هر دو پیام‌هایی میان افراد منتقل می‌شود. لذا، وسواس در این موقعیت هم دست بردار نبود. جوان می‌ترسید که گاه فراموش کند، که دانش‌آموزان ممکن است بعضی از واژه‌هایی را که او در کلاس درس بیان می‌کند، درک نکنند. در نتیجه نباید بیهوده انتظار داشته باشد که آن‌ها را مو به مو اجرا کنند و اگر نکنند، خطا کارند و بایسته‌ی مجازات. هراس جوان از این بود که فراموش کند: «گاه گوینده منظور خود را به درستی بیان نمی‌کند. در نتیجه مخاطب پیام را درک نمی‌کند و به درستی نمی‌داند چه بکند. گاه گوینده موضوع را به درستی بیان می‌کند، اما شنونده آن را به درستی درک نمی‌کند. گاه این دو مشکل وجود ندارند، یعنی گوینده سخن خود را به درستی بیان می‌کند و مخاطب هم خوب متوجه می‌شود که گوینده چه گفته است، اما با آن موافق نیست و لذا آن را انجام نمی‌دهد. و سرانجام، این احتمال هم وجود دارد که مخاطب پیام را خوب فهمیده است، با آن هم موافق است، اما به دلایلی آن را انجام نمی‌دهد.»

اکنون اما که روزگار در گذر سالیان، آن نویسنده‌ی جوان پریروز را پشت میز سردبیری فصل‌نامه‌ی علمی - آموزشی رشد آموزش زیست‌شناسی نشانده، او باور دارد که لازم است هر چه بیشتر با مخاطبان ارتباط داشته باشد. پیش مخاطبان بشتابد، به سخنانشان گوش فرا دهد و گفت و گوی حضوری را به رابطه‌ای که تا کنون از جنس نامه‌های کاغذی و الکترونی و گفت و گوهای تلفنی بوده است، بیفزاید؛ مگر از آنان نخواسته است که عیب‌های کارش را به خود او بگویند، اما خوبی‌هایش را به دیگران؟

جوان دیروز می‌اندیشید، که اکنون وقت آن فرا رسیده است که به دیدار مخاطبان بشتابد و به سخنانشان گوش فرا دهد. از این رو، هنگامی که مسئول سفرهای استانی دفتر انتشارات کمک آموزشی از او پرسید که آیا در سفر گروهی مسئولان و سردبیران مجلات رشد به استان همدان همراهی‌شان خواهد کرد، او بدون تعارف‌های معمول و نالیدن از تنگی وقت و کارهای عقب افتاده‌ی فراوان، بلافاصله پاسخ داد: «با کمال میل!»

او در آن لحظه البته، حدس می‌زد که گروهی از مخاطبان در هر فصل برای مشاهده‌ی شماره‌ی جدید کم‌صبری می‌کنند؛ چون در اجرای شعار «معلمان برای معلمان می‌نویسند»، دو چرخ از چهارچرخه‌ی مجله‌ی او را خود آنان می‌چرخانند.





می‌دانست که برخی از مخاطبان تیزبینانه مجله را می‌خوانند و از ابراز عقیده‌ی خود درباره‌ی محتوای آن ابایی ندارند؛ چون نمونه‌هایی از آن‌ها را فرستاده‌اند و در شماره‌های متفاوت مجله درج شده است. پس اگر او بتواند در این سفر به برخی دیدگاه‌های آنان بیش‌تر پی ببرد، کار بزرگی انجام داده است.

باری، او بار سفر بست. دومین بار بود به همدان سفر می‌کرد. بار نخست، چند سال پیش بود که سحرگاه به قصد اجابت دعوتی برای انجام سخن‌رانی قدم در راه گذاشته بود. آن روز تا ساعت پنج عصر، سخن‌رانی یکسره پیرامون آموزش زیست‌شناسی گذشت و نیم‌شب همان روز بار دیگر در خانه بود؛ در حسرت شنیدن دیدگاه‌ها.

در این سفر دوم اما، چند روز فرصت برای دیدار با مجموعه‌ای از مخاطبان فراهم بود؛ در بازدید از شهرها و روستاهای دوردست استان همدان. نخستین دیدار او با معلمان و مدیران شهرستان «کبودرآهنگ» و آخرین آن‌ها با دبیران زیست‌شناسی ناحیه‌ی ۲ شهر همدان بود. شگفتا که در سفر نیاز به سخن‌رانی نبود؛ چه، گویی همه می‌دانستند آن چه را که او می‌خواست بگوید. گویی نوشته‌های او را واژه به واژه در ذهن داشتند.

سخن کوتاه کنم، در این دیدارها بار دیگر همان نکته‌ها در ذهنش زنده شد: همیشه در نظر داشته باش که مخاطب تو خوب را از بد تشخیص می‌دهد و می‌تواند درباره‌ی آن چه گفته‌ای یا نوشته‌ای قضاوت کند. پس، پیش از آن که دست به کار شوی او را خوب بشناس، نیاز او را در نظر بگیر، هنگام نوشتن به گونه‌ای سخن بگویی یا بنویس که گویی رو به رویت ایستاده است و تو با او سخن می‌گویی.

## ۲. سفر به دل عالم

اولین باری که بر این گونه خودروها سوار شدیم، ۱۸ سال پیش بود در ولایت شام. در آن جا به این نوع مینی‌بوس‌های کوچک که حداکثر گنجایش حدود ۴۱ نفر را دارند و ما «وَن» می‌نامیمشان، می‌گویند: «میکروباص». البته آن عرب‌زبانان، در راستای گسترش و غنای زبان خود این واژه‌ی بیگانه را پذیرفته‌اند و آن را در زبان



خود حل کرده‌اند. یعنی مثلاً آن را با «صاد» می‌نویسند و با «ات» جمع می‌بندند که می‌شود «میکروباصات»؛ انگار نه انگار که این واژه بیگانه و غیرعرب است.

در آن روزگار، چون زبان عربی محاوره‌ای را در مدرسه نیاموخته بودیم، به اجبار زبان محاوره‌ای محلی دمشق را که به تجربه یاد گرفته بودیم، دست و پا شکسته به کار می‌بردیم و بدین وسیله می‌توانستیم گلیم کوچک خود را در زندگی روزمره تا حدودی از آب بیرون بکشیم. مثلاً می‌دانستیم که وقتی میکروباص به مقصدمان نزدیک می‌شود و می‌خواهیم که متوقف شود تا پیاده شویم، باید اصواتی شبیه این را خطاب به راننده به زبان آوریم: «علی مهلك» که البته از شما پنهان هنوز هم معنی آن را به طور کامل نمی‌دانیم.

باری، وقتی در آن صبح آفتابی و خوش ۲۵ آذرماه ۱۳۸۸ سوار بر میکروباصی، از کرمان به راه افتادیم، از کوه و در و دشت گذر کردیم، گردنه‌ی «خانه سرخ» را که دیگر سال‌هاست از زنگ غافله‌ها و هیاهوی تفنگچی‌های گردنه‌گیر خالی است، پشت سر گذاشتیم و به آرامی از کنار دامنه‌ی خواب‌آلود و پر راز «کوه‌پنچ» عبور کردیم و به مبادی شهر سیرجان رسیدیم. از سه راهی کرمان که پیچیدیم، سمت راست ناگهان با دیدن تابلوی اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان سیرجان، ناخواسته و بی‌اختیار این کلمات پس از سال‌ها در ذهنم جان گرفتند و بر زبانم جاری شدند: «علی مهلك». جای شکرش باقی بود که هیچ يك از همراهان، نه آقای نادری معاون مجلات، نه آقای طلایی مدیر هنری و نه آن عکاس جوان محلی که از کرمان همراهمان شده بود، هیچ‌یک نشنیدند، یا اگر شنیدند، گیر ندادند که آن اصوات چه معنی می‌دهند، از کجا آمده‌اند و ریشه در کجا دارند.

خودرو متوقف شد و ما سرنشینان پا به زمین گذاشتیم. هنوز چند گامی فراتر برداشته بودیم که مردی سپیدموی و موقر را دیدیم که به استقبالمان می‌آید. پس از سلام‌ها، علیک‌ها و تعارف‌های معمول، آقای نادری که داشت همراهان را معرفی می‌کرد، در حالی که دستش را به نشانه‌ی معرفی به سوی من دراز کرده بود، رو به آن مرد موسیّد نام مرا بر زبان راند. مرد سپید موی با لبخندی مهربان، سر به زیر و آهسته رو به من نجوا کرد که: «می‌شناسم. ایشان (یعنی من) معلم ما بوده‌اند.» به چشمانش نگاه کردم. خیلی زود آن نوجوان پر شور را شناختم. اما برفی که تغییر در گذر زمان بر سر و روی او نشانده بود، مرا به گذشته‌ای دور فرا می‌خواند؛ به زمانی بسیار دورتر از آن روزگار که دست تقدیر ما را به سرزمین شام انداخته بود، به نقطه‌ای در جوانی من و نوجوانی او. پرسیدم: «بیست سالی شیرین از آن روزگار می‌گذرد، مگر نه؟» گفت: «سی سالی شیرین از آن روزها می‌گذرد!»

ها. یادم آمد، گویی همین دیروز بود. «دبیرستان ابن سینا» یکی از دو دبیرستان شهر بود و آن تخته‌ی سیاه کلاس در زیر سقف‌های گنبدی کاهگلی آن، به حوض رنگ می‌مانست با گچ‌هایی از رنگ‌های مختلف در پاشویه‌اش. این حوض رنگارنگ هر روز به رنگی درمی‌آمد. یک روز نوبت می‌رسید به بساک و تکوین دانه‌های گرده‌ی زرد در کنار کاسبرگ‌های سبز و گلبرگ‌های گل‌بهی، و دیگر روز به گویچه‌های سرخ خونی در کنار رشته‌های زرد و سفید بافت هم‌بند. به جز کاغذ و قلم، گچ‌های سفید و رنگی تنها ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی ما بودند که تنها تنوعشان، تفاوت رنگ بود.

روزی از آن روزها در میانه‌ی درس، دانش‌آموزی سؤال ساده ولی عجیب مطرح کرد. او پس از مشاهده‌ی تصویری از سلول در کتاب درسی، ناگهان آهسته غرید که: حالا از کجا معلوم که این شکل‌ها راست و درست باشند؟ البته بگذارید همین جا اقرار کنم که در آن لحظه، از شما چه پنهان، نتوانستم نوع پرسش این دانش‌آموز را تشخیص دهم؛ گر چه همه‌ی استعدادها و تجربه‌هایم را به کار گرفته بودم. ندانستم از سر کنجکاوی است که می‌پرسد یا به قول معروف آن روزها، برای ایجاد تنوع! در آن لحظه اما، تنها چیزی که به نظرم رسید، آن ضرب المثل معروف ملانصرالدین بود که در پاسخ به کسی که در جست و جوی مرکز کره‌ی زمین بود، گفت: «مرکز کره‌ی زمین درست همین جایی است که میخ طویله‌ی الاغ من در زمین فرو رفته است. قبول نداری خودت اندازه بگیر.» اما ما میکروسکوپ نداشتیم که سلول‌ها را با آن ببینیم و خودمان مرکز کره‌ی زمین را اندازه بگیریم. راستی، یادم آمد؛ به جز کاغذ، قلم و گچ رنگی، یک میکروسکوپ یک چشمی قدیمی هم در مدرسه داشتیم که همیشه درون قفسه‌ی اتاقی که روی کاغذی در کنار در ورودی‌اش نوشته بودند «آزمایشگاه»، در خواب بود. کسی سراغش را نمی‌گرفت، مگر تازه‌واردی که نمی‌دانست خراب است این ابزار درشت‌نمایی و جست و جو در جهان ناپیدا.

در آن لحظه به سرم زد که نزد دانش‌آموزان پیشنهادی مطرح کنم. بدانان گفتم حالا که میکروسکوپ نداریم تا با آن سلول‌ها را ببینیم، بیایید خودمان یک میکروسکوپ بسازیم و وسیله‌ای برای درشت‌تر نشان دادن اشیاء درست کنیم، به اندازه‌ای که حداقل هسته‌ی سلول را به ما نشان دهد. مطرح کردن این پیشنهاد شد مثل انداختن کبریتی در انبار «جاز». نه، بهتر است بگویم، مثل آتشفشانی شد که ناگهان فوران کند. کلاس شد صحنه‌ی آنچه که امروزه به آن می‌گویند: «بارش مغزی»: با یک ذره‌بین بزرگ می‌شه؟ با دو تا ذره بین که حتماً می‌شه! چه‌طوره دنبال سلولی بگردیم که بزرگ باشه. راستی، تخم مرغ چه‌طوره؟ ... عجله‌ای در کار نبود. قرار گذاشتیم هفته‌ی آینده در همان زنگ هر کس روی آن چه به نظرش می‌رسد، بیشتر فکر کند یا اگر توانست، وسیله‌ای ابتکاری طراحی یا اجرا کند و به کلاس بیاورد.

سه روز بعد اما، آن چه می‌دیدم به معجزه می‌مانست. یکی از دانش‌آموزان طرحی از وسیله‌ای بسیار ساده، اما کارآمد با خود به کلاس آورد. پرسیدم: «اما قرارمان هفته‌ی آینده بود، چرا عجله کردی؟ مگر گوش نمی‌دادی در آن موقع که می‌گفتم؟» که گفت: «چرا، گوش می‌دادم، اما صبر نمی‌توانستم بکنم. پریشب و دیشب در مجموع چهار ساعت هم نخواستیم. وسوسه‌ی ساختن میکروسکوپ دست از سرم برمی‌داشت آقا!» و شگفتا که او همان بود که در خواندن و حفظ کردن مطالب شیرین زیست‌شناسی چندان خود را علاقه‌مند و کوشا نشان نمی‌داد. وسوسه‌ی او این اندیشه را در من ایجاد کرد که آموختن نظری و آموختن عملی با هم فرق دارند؛ گویی از جنس هم نیستند و رویکردها و راهکارهای متفاوت دارند. به گونه‌ای که این دو را نباید با هم مقایسه کرد.

باری، وسیله‌ی بسیار ساده و ابتکاری این دانش‌آموز متوسط را سال‌ها بعد، در حضور جمعی بزرگ از دبیران زیست‌شناسی کشور که برای گذراندن دوره‌ای کارآموزی در تهران جمع شده بودند، رونمایی و برملا کردم. خوب به یاد دارم در آن روز گرم تابستانی، وقتی نزد ایشان بر ضرورت نشان دادن دانه‌های گرده‌ی سرخس به دانش‌آموزان تأکید می‌کردم، از پیش می‌دانستم که بسیاری از میان جمع بخواهند خاست که: ما میکروسکوپ از کجا بیاوریم؟ در مدرسه‌ی ما میکروسکوپ وجود ندارد یا خراب است. و من چون بازیگری در میان جمع خود را متعجب و پشیمان از پیشنهاد جسورانه‌ام نشان دادم. جمعیت از مشاهده‌ی این حالت پشیمانی من به وجد



آمد و هر کس سخنی از کمبود امکانات آموزشی و کمک آموزشی در مدرسه‌ی خود گفت. چاره‌ای نبود، جز شنیدن همه‌ی آن‌ها. اما این معلم حقیر که در آن لحظه به هدفی، به بازیگری روی آورد بود، شب قبل از آن، وسایلی را که برای ساختن میکروسکوپ ابداعی آن دانش‌آموز سیرجانی لازم بود، از بقالی سر کوچه خریداری کرده بود: تعدادی قوطی کبریت که آن‌ها را از چوب کبریت خالی کرده بود، نوار چسب، تعدادی تیغ. مقداری طلق بی‌رنگ و شفاف، یک عدد پیاز و چندین برگ هاگینه‌دار سرخس هم آماده داشت.

باری، آن روز معلمانی که همگی زیست‌شناسی را در دانشگاه خوانده و لابد بارها با میکروسکوپ‌های دانشگاهی سلول را مشاهده کرده بودند، شگفت زده با یک قوطی کبریت خالی به مشاهده‌ی سلول پیاز و هاگ سرخس پرداختند. همان کارستانی که آن دانش‌آموزان سیرجانی ده‌ها سال پیش در آن روز زیبای پاییزی کردند!

گفتم بازیگری کردم؟ آری، به نظرم برای رسیدن به هدف‌های آموزشی بازیگری در صحنه‌ی کلاس هم گاه کارآمد است. یادم آمد، یک بار دیگر هم از بازیگری در تدریس استفاده کردم. آن روز قرار بود در جمع گروهی از معلمان زیست‌شناسی درباره‌ی ارزش‌یابی از ترازهای یادگیری دانش‌آموزان بحث کنیم. در آن جمع، پس از بحث مقدماتی درباره‌ی ترازهای متفاوت یادگیری، پرسیدم که آسان‌ترین قسمت کتاب درسی که از آن کم‌ترین تعداد سؤال را می‌توان طرح کرد، کدام است. پاسخ را می‌دانستم و البته، پیش از حاضر شدن در جمع، نشسته بودم و از آن بخش از کتاب که به نظر چندان آسان می‌آید و معمولاً از چندین صفحه‌ی آن بیش از یکی دو سؤال در نمی‌آید، پرسش‌هایی طراحی یا از متون ترجمه و ترازبندی کرده و آن‌ها را در سطوح متفاوت یادگیری جای داده بودم. در آن جمع، سؤال‌ها را از پایین‌ترین تراز یادگیری شروع کردم که پاسخ آسان داشتند تا رسیدم به مسئله‌های حل کردنی. در پایان سؤال‌ها، مسئله‌ای نه چندان آسان را که از آن قسمت سبک کتاب در آستین داشتم، رو کردم. هیچ یک از حاضران پاسخ را نمی‌دانست. در این هنگام برای آن که حاضران را به فعالیت بیشتر تشویق کنم، وانمود کردم که خودم هم پاسخ را نمی‌دانم. تیر به هدف خورده بود. شوری برای یافتن پاسخ جمع را در بر گرفت ...

آن مرد سپید موی مرا به نام صدا کرد. ناگهان به خود آمدم و از دریایی که داشت مرا در خود غرق و از جمع دور می‌کرد، پای بیرون گذاشتم. خوش‌بختانه، هنوز در محوطه‌ی اداره‌ی آموزش و پرورش سیرجان ایستاده بودیم و ثانیه‌ای بیش نگذشته بود. من که همیشه از آن می‌ترسیدم به سرنوشت آن دوست سرد و گرم چشیده‌ای دچار شوم که هر وقت احوالش را می‌پرسی، بی‌درنگ روی یکی از چند فایل خاطره‌ی درون ذهنش کلیک و آن را باز می‌کند و بی‌توجه به حوصله‌ی شنونده، هر چه درون دارد بیرون می‌ریزد، از آن خوشحال شدم که حداقل بلند بلند فکر نکرده‌ام و همه‌ی آن چه را که نوشتم، فقط در ذهن مرور کرده بودم!

خیلی دلم می‌خواست دبیرستان ابن سینای سیرجان را که درون آن، روز از روزگاران گذشته به یاد مرکز کهری زمین افتاده بودم، یک بار دیگر ببینم. بی‌پرده‌تر بگویم، دلم می‌خواست بار دیگر جایی را ببینم که که در گذر زمان برایم به مرکز کهری زمین تبدیل شده بود. چون، از شما چه پنهان، سیرجان که دبیرستان ابن سینا را در برگرفته است، برای من که کودکی را در آن گذرانده‌ام و زمینش از خاک نیاکان و خویشاوندانم پوشیده است، در واقع مثل همان مرکز کهری زمین یا «دل عالم» است. روزی نیست که گوشه‌ای از فرهنگ قدیم این سرزمین را به خاطر نیاورم، در جمع خانواده و دوستان نقل نکنم یا از غنای فرهنگ این بخش از خاک ایران سخنی نگویم. شبی نیست که در عالم خواب آن روزگار را نبینم و با پدر و مادری که سال‌هاست در دل خاک سرد آن خفته‌اند، گفت

و گویی نکنم. اگر چه ده‌ها سال است که از آن سرزمین رخت بر بسته‌ام. بنابراین، در ذهن من سفر به سرزمین خشت خام، کاهگل و سقف‌های گنبدی کرمان، بازگشت به دل عالم بود. برای من اما، به نظر می‌رسد که آن دل عالم فقط در عالم خواب و خیال زنده باشد، بلکه در عالم واقع سرزمینی که من در آن چشم باز کرده و رشد یافته‌ام، آن چنان که رسم زمانه است، پشت زمان‌ها منقرض و نابود شده است، یا حداکثر فقط در نقاشی‌های رویایی پرویز کلانتری وجود دارد. در دل اما، حداقل می‌توان به این شعرِ آن شاعرِ اهل دل بسنده کرد که:

هرچند که از روی کریمان خجلیم

شک نیست که پرورده‌ی این آب و گلیم.

در روی زمین نیست چو «کرمان» جایی

«کرمان» دل عالم است و ما اهل دلیم

آه، دیدید چه شد؟ از همه چیز گفتم، الا از جلسه‌ای که در سیرجان با جانشینان جوان خود درباره‌ی مجله‌ی رشد آموزش زیست‌شناسی داشتم. بگذریم، می‌ترسم حوصله‌ی شنیدنش را نداشته باشید! پس بگذارید همانند تا به عمل کار برآید.

\*\*\*



# تجربه‌های استان‌ها در ترویج مجله‌های رشد

- مثل آب، مثل رود
- با رشد از گذشت زمان لذت می‌برم
- برهمنیم که بودیم و همان خواهد بود
- آب کم جوی، تشنگی آور به دست
- یک روز دیر آمده بودیم
- گز آنلاین
- آن‌هایی که ندیدیم شان
- شود آسان ز عشق کاری چند



## مثل آب، مثل رود

سال‌ها مثل آب در کوزه کنار دستمان بود. نمی‌گویم آن را گم کرده بودیم که اصلاً تشنگی فراموشمان شده بود. معلم درسش را قبلاً خوانده و الان مشغول تدریس است. اصلاً مگر کار و زندگی و هزار و یک گرفتاری دنیای امروز، مجال هم برای مطالعه‌ی آزاد می‌گذارد؟ همین که سر کلاس برویم و از عهده‌ی تدریس و سروکله زدن با دانش‌آموزان برآییم، کلی هنر کرده‌ایم. غافل از این که هنرمندان واقعی از تجربیات و هنر کلاس‌داری خود برای من گفته‌اند و گذاشته‌اند در همان کوزه‌ای که کنار دستم است و اگر بردارم و جرعه‌ای بنوشم، نه تنها از پس کلاس‌داری و تدریس آسان‌تر بر می‌آیم، که عطشم به خواندن و دانستن افزوده می‌شود.

ما در امور اقتصادی، خرید خانه یا کوچک‌ترین اجناس مصرفی خود، با کسانی که وارد هستند و پیش از ما تجربه کرده‌اند، به مشورت می‌نشینیم و یا تجربیاتمان را در این موارد در اختیار دوستان قرار می‌دهیم. چه‌طور درباره‌ی آن چه که حداقل نیمی از فعالیت روزانه‌ی ما که نه، زندگی ماست، از این آب کنار دستمان بهره‌ای نبرده‌ایم؟ دانش‌آموزم را می‌بینم که پنهانی مجله‌ای لای کتاب درسی یا جامیز خود می‌خواند؛ ورق‌های رنگارنگی که شاید هیچ محتوای علمی و ادبی نداشته باشد. تشنگی‌اش را می‌بینم و به آن چه می‌نوشد توجه نمی‌کنم. در حالی که سالیان دراز است که خانواده‌ی فرهنگی من، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش، با مراقبت تمام براساس نیازهای هر گروه و مطابق با سیاست‌های آموزشی و محتوای درسی، خوراکی مناسب تهیه می‌کنند. مجله‌ای که از عکس روی جلد آن گرفته تا لطیفه‌اش، محتوای آموزشی و تربیتی و بار فرهنگی دارد. فقط باید «چشم‌ها شسته شود تا جور دیگر ببیند».

این تفاوت نگرش به محصولات فرهنگی رشد، حدود شش سال است که آغاز شده و در همین زمان کوتاه، چیزی حدود ۴۰ درصد جمعیت دانش‌آموزان، معلمان و فرهنگیان از این رودخانه‌ی عظیم بهره‌مند شده‌اند. رودی که بستر آن را مسئولان رشد در دفتر انتشارات کمک‌آموزشی و نمایندگان دلسوز آن‌ها در سراسر کشور فراهم آورده‌اند. آقای فریدون واحدی، معاون سابق دفتر، درباره‌ی این حرکت چنین گفته‌اند:

● مجلات رشد با عناوین فراوان و متنوع، گسترده‌ترین شبکه‌ی توزیع را در کشور دارند. زمانی مسئولان توزیع، کارمندان واحدهای اداری و مالی بودند که مثل کتاب‌های درسی، کار تحویل گرفتن مجلات، توزیع آن‌ها و در آخر سال تسویه‌ی حساب مالی و امور اداری را انجام می‌دادند. در حالی که برای این کار به کارشناسی نیاز بود که آن چه را عرضه می‌کند بشناسد، با مخاطبان در ارتباط باشد و با اعتقادی که به تأثیرگذاری این محصول در آموزش و پرورش دارد، به دنبال مطالب و محتوایی جدیدتر باشد. پس در اولین قدم، موزعین (مسئولان توزیع)، عنوان «نمایندگان رشد» یافتند. برای فرهنگ‌سازی ابتدا باید نوع نگاه تغییر کند. با ارائه‌ی تعریف جدید از کار، اهمیت آن را مشخص می‌کنید و زمینه را برای انجام امری مهم فراهم می‌آورید.

وظایف نمایندگان در نشست‌های سالانه تعریف می‌شد که آخرین آن‌ها، کارهای اجرایی و حساب و کتاب مالی بود. ما مسئولیت را از حوزه پشتیبانی و سازمان اداری به معاونت آموزش عمومی و گروه‌های آموزشی انتقال دادیم. در نشست‌ها از معاونین آموزشی و کارشناس مسئولان گروه‌ها دعوت کردیم و برنامه‌های آن‌ها را از کارهای اداری و اجرایی به کارهای آموزشی و محتوایی توسعه بخشیدیم. لازم بود این نمایندگان برای اصلاح روش‌های جلب مخاطب و توسعه فعالیت‌های فرهنگی، از توانمندی‌هایی برخوردار شوند. بدین ترتیب وارد عرصه‌های جدید شدیم.

در طول سال ۱۳۸۳، نمایندگان به تدریج مشخص شدند و در یک گردهمایی آموزشی در همان سال، با اهداف و مسئولیت‌های جدید آشنا گردیدند. راه‌های جلب مشارکت دانش‌آموزان و معلمان در حوزه تولید محتوا، بهره‌مندی از مجلات رشد، و بازخورد گرفتن از مخاطبان (معلمان و دانش‌آموزان)، از بحث‌های اولیه این جلسات بود. بحث شیوه‌های نظرسنجی و راه‌های افزایش جذابیت مجلات را با نمایندگان مطرح کردیم و درباره برنامه‌های فرهنگی که می‌توان در مدارس به اجرا درآورد، بحث و گفت‌وگو شد.

**آن چه اهمیت دارد، فرهنگ مطالعه است که مجلات رشد می‌توانند وسیله‌ی خوبی برای ایجاد و پیشرفت آن در جامعه باشند. پیشنهاد «زنگ رشد» در مدارس برای رشد مطالعه بود**

برنامه‌های فرهنگی مدارس برای گسترش فرهنگ مطالعه بود، نه فقط خواندن «رشد». برای تقویت کارکرد آموزشی گردهمایی سال ۱۳۸۴، کتاب‌ها و جزوه‌هایی مثل «توسعه‌ی سواد خواندن» و «مقایسه‌ی نتایج ملی و بین‌المللی مطالعه‌ی پیشرفت سواد خواندن در سال ۲۰۰۱»، بین نمایندگان توزیع شد. آن چه اهمیت دارد، فرهنگ مطالعه است که مجلات رشد می‌توانند وسیله‌ی خوبی برای ایجاد و پیشرفت آن در جامعه باشند. پیشنهاد «زنگ رشد» در مدارس برای رشد مطالعه بود. بچه‌ها در این ساعت به فعالیت‌هایی مثل خواندن مجله، قصه‌گویی، داستان‌نویسی، شعر و چیزهای دیگر می‌پردازند. حتی ساختن کاردستی و آشپزی از روی مجله از فعالیت‌های مدارس بوده است. خیلی از مدارس و استان‌ها «زنگ رشد» داشته‌اند. علاوه بر تشویق دانش‌آموزان به مطالعه‌ی مجلات، یکی از بحث‌های گردهمایی، چگونگی ترغیب معلمان به نگارش و بیان تجربیات و روش‌هایشان بود. تشویق به نوشتن مشکلات می‌تواند موضوعات مناسبی برای مجله فراهم آورد. مدیری می‌گوید من در مدرسه این مشکل را دارم. یا معلمی می‌گوید هنگام تدریس این ضعف را دارم.

در سال‌های اخیر شاهد اتفاق‌های بسیار خوبی بوده‌ایم. یک معلم در مریوان و جاوه روش‌هایی دارد که برای معلمی در زنجان و بوشهر الگویی شود.

در نشست‌ها صلاح دیدیم که معاونت آموزشی و بعد معاونت متوسطه حضور داشته باشند. در نشست‌های ستاد هم، علاوه بر مدیران سازمان، معاونت آموزش عمومی، متوسطه، معاونت آموزش نوآوری و مدیرانشان را دعوت کردیم. می‌خواستیم رییسان آموزش و پرورش، معاونان آموزش و پرورش عمومی، کارشناسان گروه‌ها و خلاصه عمومی دست‌اندرکاران نظام تربیت و آموزش در مناطق و استان‌ها، نسبت به مجلات رشد تعلق خاطر و دل‌بستگی پیدا کنند.

ما برای خودمان نوشته‌ایم، بدون این که بدانیم آیا به آن عمل کرده‌اند یا خیر. آیا این محتوایی که من ساخته‌ام کارایی دارد؟ بر اساس نیازهای اقلیمی تعریف شده است؟ به عنوان یک سازمان یا دفتری که برای نظام خانواده‌ی تعلیم و تربیت محتوا تولید می‌کردیم، کوشیدیم این پل را

ایجاد کنیم.

ما برای فرهنگ‌سازی، تبلیغ و توزیع مجلات رشد، عقبه‌ی تشکیلاتی و سازمانی خاصی در استان‌ها نداشته‌ایم.

نه فقط رشد که سازمان پژوهش نیز پست اداری و چارت تشکیلات سازمانی در استان ندارد. ما همه‌ی این سازوکارها را در نمایندگان رشد تعریف کردیم؛ نماینده‌ای که بار سازمانی ما را باید به صورت غیرموظف انجام دهد. از معاونین آموزش و نوآوری استان‌ها خواستیم نماینده‌ی رشد معرفی کنند و تلاش کردیم که نماینده‌ها از گروه‌های آموزشی باشند. در همه‌ی استان‌ها و مناطق شهرستان‌ها، کارشناس تکنولوژی و یا کارشناس ابتدایی «نماینده‌ی نشریات رشد» می‌شود. شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی گسترده‌ای است. علاوه بر ادارات، ما در مدارس هم نماینده داریم. نماینده‌ی رشد، یک‌جا مدیر مدرسه است، جایی معاون پرورشی و یا معاون آموزشی. اگر در همه‌جا نقش معلمی مان را حفظ کنیم و به مفید بودن محتوای مجلات اعتقاد داشته باشیم، به دنبال بهره‌مندی خود و فرزندانمان از آن خواهیم بود.

یکی از بحث‌های نشست‌ها، سفرهای گروهی به استان‌ها و شهرستان‌ها بود.

برای این که وارد شهرستان‌ها و مدارس بشویم و ببینیم محتوایی که تولید کرده‌ایم به درد می‌خورد یا نه، به شکل گروهی (سردبیران، مسئولان دفترها، حتی رییس سازمان) به طرف استان‌ها رفتیم. در طول هشت نه سال، به ۲۵ استان سفر کردیم. در شهرستان‌ها با مدیران مدارس جلسه‌های محتوایی نقد و بررسی گذاشتیم. تهیه‌ی فرم‌های نظرسنجی و توزیع آن در سراسر استان‌ها و گرفتن بازخورد آن‌ها، از برنامه‌های کار ما بود. اولویت اول بهره‌مندی از نشریات رشد بود که تا حد قابل توجهی به این هدف نزدیک شدیم: جمعیت دانش‌آموزی از ۱۸/۵ میلیون به ۱۴/۵ میلیون رسیده و تعداد خوانندگان مجلات رشد از ۱۳/۵ به ۳۶ میلیون رشد کرده است.

## ما شاهد اتفاقات عظیم فرهنگی در استان‌ها بودیم

از افتخارات مجله، خرید اختیاری آن است. نه مدیر معلمان را مجبور می‌کند و نه بخش‌نامه‌ای از همکاران خواسته است خریدار مجله باشند. با شروع حرکت‌های فرهنگی، به تدریج استان‌ها فعال شدند. استان‌هایی که در نقشه‌ی رشد جایی نداشتند، شدند استان‌های فعال. استان‌هایی که در حاشیه بودند، مخاطب قرص و محکم ما شدند. گرچه هنوز مدارس و معلمینی هستند که می‌گویند: مگر مجله تولید می‌شود؟!

از استان‌ها خواستیم که به هر طریق و بهانه، فعالیت‌های فرهنگی را در شهرستان‌ها، مناطق و مدارس توسعه دهید. قرار گذاشتیم برای ایجاد رقابت سالم بین استان‌ها، در نشست‌پایان سال فعالیت‌های هر استان ارزیابی و از استان‌های برتر تجلیل شود. از نمایندگان درخواست شد، از فعالیت‌هایشان در عرصه‌ی فرهنگی، مثل برگزاری مسابقه و آزمون از محتوای مجلات، برگزاری نمایشگاه‌های استانی و منطقه‌ای، تقدیر از مدیران و نمایندگان برتر و... مستنداتی برایمان بفرستند تا در پایان دوره، در کمیته‌ی ارزیابی، توسط پنج شش داور بررسی شود و در نشست سالانه ارائه گردد. در فرم ارزیابی - که برای تهیه‌ی آن هم از خودشان کمک گرفته بودیم - معیارهایی مشخص شده است؛ مثلاً زیر عنوان «فعالیت‌های فرهنگی»، سفرهای استانی، برگزاری نمایشگاه‌های استانی، اطلاع‌رسانی، چاپ پوستر، برگزاری مسابقات، سفرهای گروهی دفتر به استان‌ها، نقد و بررسی مجلات رشد، نظرسنجی و... مشخص شده است.

از معیارهای دیگر ارزیابی، تعداد مشترک تحت پوشش استان نسبت به کل دانش‌آموزان آن استان و هم‌چنین نسبت به تعداد مشترکان استان‌های دیگر است و این که تعداد متقاضیان و استفاده‌کنندگان مجلات رشد، هم از نظر نوع مخاطب و هم از نظر تعداد، در آن استان



نسبت به سال گذشته چه تغییری کرده است؟

از آن جا که در تهران بهره‌مندی از منابع آموزشی بیشتر است، با توسعه‌ی رشد در مدارس مناطق روستایی دور افتاده و محروم، به شعار «عدالت آموزشی» بهتر عمل کرده‌ایم.

ما اعلام کردیم که در حاشیه‌ی نشست‌ها می‌توانید نمایشگاهی از فعالیت‌های فرهنگی خود ارائه دهید. سیل کارها به صورت تصویری و هم‌فیزیکی ارائه شد. ما شاهد اتفاقات عظیم فرهنگی در استان‌ها بودیم؛ استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان با محرومیت‌هایی که دارد. آذربایجان غربی با شرایط اقلیمی و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی حاکم بر آن، بوشهر، اردبیل، کردستان، عشایر لرستان و...

اولین استارت کارهای فرهنگی در فارس زده شد. در سمنان «دبیرخانه‌ی رشد» تشکیل شد. در اردبیل مدارس دورافتاده و روستایی از منابع مالی سازمان و سرانه‌ی مدارس مشترک رشد شدند. هم‌چنین، در زنجان طرح استفاده‌ی مناطق محروم از مجلات رشد به اجرا در آمد. طرحی که فقط درباره‌ی خرید مجلات نبود، بلکه راه‌های بهره‌مندی از محتوای آن بود. در شبکه‌ی استانی تلویزیون کردستان درباره‌ی مجلات رشد اطلاع‌رسانی شد. نمایشگاه‌های رشد و فعالیت‌های فرهنگی بوشهر که هر سال مشاهده می‌کنیم، قابل تحسین است. معلم بازنشسته‌ی «دلوار»

در جلسه‌ای چنان از رشد حرف می‌زد که گویی از متولیان آن است. او که از سال‌های خدمت تا بعد از بازنشستگی از رشد استفاده کرده، در پی آشنایی و استفاده‌ی دیگران از آن است. استان اصفهان، از نظر فعالیت‌های فرهنگی و بهره‌مندی از رشد می‌توان گفت که به حد اشباع رسیده است و... استان‌های دیگر به همین ترتیب.

برای توسعه‌ی فرهنگ مطالعه و تأثیر آن در حوزه‌ی یادگیری و یاددهی به کمک هم و به یاری خدا تلاش کرده‌ایم. اکنون بستر رود فراهم و اعتقاد ایجاد شده است. اگر رودخانه جاری شود، مسیر خود را پیدا می‌کند.

اکنون بستر رود فراهم و  
اعتقاد ایجاد شده است. اگر  
رودخانه جاری شود، مسیر  
خود را پیدا می‌کند



اشاره

استان اردبیل از جمله استان‌هایی است که ارتباطی بسیار قوی با مجلات رشد برقرار ساخته است و مسئولان و دیگر عوامل تلاشگر عرصه‌ی آموزش و پرورش در این خطه، برآن اند که از طریق این رسانه، فرایند تعلیم و تربیت آسان شود و ارتقا یابد. در همین زمینه، گفت‌وگویی صمیمی با مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل، سرکار خانم ژیلا فیروزی انجام شده است که به نظر خوانندگان می‌رسد.

○ سرکار خانم فیروزی، مجلات رشد را چگونه می‌بینید؟

● مجلات رشد عاملی دارند. من مجلات رشد را تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده‌ی برنامه‌های آموزشی می‌دانم. همکاران و دانش‌آموزان در استان ما به این نتیجه رسیده‌اند که از این مجلات می‌شود در آموزش مهارت‌های زندگی و ارتقای برنامه‌های آموزشی، بهترین استفاده را کرد.

من حتی در برنامه‌ها و سخنرانی‌هایم، از داستان‌ها و مطالب مجله‌های رشد استفاده می‌کنم و مطالعه‌ی آن‌ها برای من امیدبخش و خوشایند است. پس از مطالعه‌ی هر مجله، اگر قسمتی را مناسب کارشناسی‌ها تشخیص دهم، آن را یادداشت می‌کنم و به قسمت موردنظر ارجاع می‌دهم.

این مجلات، گروه‌های علمی، روزنامه‌نگاری و ادبی خوبی دارند و امیدوارم مثل همیشه با صداقت و صمیمیت پیش بروند.

○ با توجه به موقعیت استان و وجود مناطق غیربرخوردار و حتی عشایری، در ارتباط با معرفی و گسترش توزیع مجلات رشد در این دیار چه فعالیت‌هایی انجام شده است؟

● همان‌طور که گفتید، استان ما وسیع و شامل ۲۰ ناحیه است که یک ناحیه‌ی آن نیز به امور عشایر و ۱۰ هزار دانش‌آموز آن رسیدگی می‌کند.

اقدامات استانی ما چنان ریز است که حتی در سطح گروه‌های آموزشی انجام شده است. ما فعالیت‌های گوناگون و تعریف شده‌ای داریم: گاه مجلات را می‌خوانند، گاه مباحث آن تعریف و تدریس می‌شوند، و گاه مستندات از روی آن مطالب و مقالات تهیه می‌کنیم.

سعی کرده‌ایم مجلات رشد را در اختیار هر همکار و دانش‌آموزی قرار دهیم. در نتیجه‌ی این دیدگاه، دانش‌آموزان ما هم به این نقطه نظر رسیده‌اند که به‌عنوان مکمل درسی و متصل به درس، از مجلات استفاده کنند. زودبه‌زود از مسئولین دفترم می‌پرسم:

## این هزینه، رشد سرمایه است

ژیلای فیروزی مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل در گفت‌وگو با هزار نقش

عکس: اکبر مداحی گیوی  
اصغر ندیری

آیا نسخه‌ی جدیدی از رشد نیامده است؟ مجلات رشد در این استان شناخته شده‌اند.

○ با شناختی که از مجلات رشد دارید، فکر می‌کنید چه آسیب‌هایی ممکن است مجلات رشد را تهدید کنند؟

● مسائل کلیشه‌ای و عادی می‌توانند تهدیدی برای این مجلات باشد. رشد باید خلاقیت و نوآوری خود را حفظ کند و انگیزه‌های مخاطب را قوت بخشد. سعی کنید در اوج بمانید، زیرا ما مطالب دست اول خود را از رشد وام می‌گیریم. البته کمبودهایی در مجلات رشد تخصصی به چشم می‌خورند که امیدوارم به جذابیت آن‌ها هم افزوده شود. نباید دچار روزمرگی شد.

○ روی‌آوری و اقبال به مجلات رشد در استان به چه صورت اتفاق می‌افتد؟

● در مراسم رسمی، ملی یا مذهبی، در پژوهش‌ها و حتی در کنار مباحث درسی مانند دین و زندگی، از موضوعات مجله‌های رشد استفاده می‌شود.

واحد‌ها و همکاران آموزشی ما از محتوای مجلات، مسابقات آموزشگاهی و دانش‌آموزی برگزار می‌کنند. هم‌چنین در جلسات ادبی، مقاله‌نویسی یا مراسم آغازین مدرسه‌ها از رشدها استفاده می‌شود. در بحث انشانویسی هم به رشد و تقویت قدرت نویسندگی دانش‌آموزان از طریق این مجله‌ها توجه می‌کنیم و در کنار شعار تحصیلی هر ساله‌ی خودمان، نام و تصویر رشد همه‌جا نصب می‌شود.

○ آیا کمک می‌کنید تا این مجله‌ها با هزینه‌ی کمتری به مخاطبان و مناطق دوردست و عشایری برسد؟

● برای نهادینه کردن عادت مطالعه و گسترش روی‌آوری به مجلات رشد باید هزینه کرد. این هزینه را هم آموزش و پرورش باید متحمل شود که در عین حال خود نوعی سرمایه‌گذاری سودآور است. ما به دوردست‌ترین نواحی که عشایر در آن‌ها زندگی می‌کنند، مانند «قشلاق دشت»، که بیشترین درصد دانش‌آموز عشایری را دارد، و «انگوت»، «پارس‌آباد»، «گرمی» و «اصلاندوز»، مجله‌ها را می‌رسانیم. این نوع توزیع حتی در بیلاق‌ها و در فصل تابستان

هم ادامه دارد. اهدای مجلات در قالب جوایز هم، از دیگر تمهیدات ما در توزیع راحت و حتی بایگانی مجلات در سطح استان است.

○ از بین همکاران افرادی هستند که مقالاتی برای رشد می‌فرستند. در زمینه‌ی شناسایی و تشویق این افراد چه کارهایی از طرف سازمان انجام شده یا می‌شود؟

● همکارانی وجود دارند که از طریق کارشناسی مربوطه، آثار و حاصل پژوهش‌ها یا تجربه‌ها و بررسی‌های خود را به دفتر انتشارات کمک‌آموزشی می‌فرستند. عده‌ای نیز خود به‌طور مستقیم اقدام می‌کنند. اما پیشنهاد ما این است که برای همکاری سازمان‌یافته‌تر و گسترده با مجلات، همکاران ما با انجمن‌های علمی استان که بالغ بر ۱۵ انجمن می‌شوند، تعامل کنند. چون هر

سعی کرده‌ایم مجلات رشد را در اختیار هر همکار و دانش‌آموزی قرار دهیم. در نتیجه‌ی این دیدگاه، دانش‌آموزان ما هم به این نقطه نظر رسیده‌اند که به‌عنوان مکمل درسی و متصل به درس، از مجلات استفاده کنند

کدام از این انجمن‌ها تخصص و یافته‌ای دارد و هر کدام که بتواند بیشترین مقاله‌ی چاپ شده را داشته باشد. به صورت ویژه تقدیر خواهد شد.

در زمینه‌ی شناسایی افراد هم این وظیفه را به مشاور جوانم سپرده‌ام تا برای افراد فعال و به قولی نخبه، شناسنامه‌ای تهیه کند. به این ترتیب، ارتباطات بعدی راحت‌تر خواهد شد.

○ آیا برای شناساندن رشد در استان و ارتباط با آن در آینده، برنامه‌های خاصی دارید؟

● من معتقدم باید شهر به شهر مجله‌های رشد نمود داشته باشند. مسابقه و طرحی علمی در کارشناسی تکنولوژی و گروه‌های آموزشی داریم به نام «از یافته‌های رشد چه یافتید؟» که بازتابی از مطالب رشد است و در آینده ارتباط تنگاتنگی در گروه‌ها با رشد ایجاد می‌کند.

○ در خاتمه اگر پیشنهاد یا سخنی دارید...؟

● من از زحمات شما و توجه‌تان متشکرم. پیشنهاد می‌کنم در مجلات از استادان بزرگی مثل **حسن احمدی گیوی**، از منطقه‌ی کوثر، مطالبی ذکر شود. به علاوه، اماکن تاریخی و تفریحی استان معرفی شوند. زیرا هنگامی که یک فرهنگی یا دانش‌آموز، خودش یا هم‌شهری‌اش را در مجله ببیند، بیشتر احساس قربت خواهد کرد.

شعار تحصیلی امسال ما تحول، نوآوری و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش است و مجلات می‌توانند ما را در رسیدن به این هدف یاری کنند. از دیگر درخواست‌های من، یادکرد از خیرین مدرسه‌ساز، به خصوص در این استان، آقای **حسن علی پور** است که زندگی‌اش را وقف مدرسه‌سازی کرده و تاکنون ۷۲ مدرسه تحویل آموزش و پرورش داده است. توزیع یافته‌های رشد

\*\*\*

برای نهادینه کردن عادت مطالعه و گسترش روی آوری به مجلات رشد باید هزینه کرد. این هزینه را هم آموزش و پرورش باید متحمل شود که در عین حال خود نوعی سرمایه‌گذاری سودآور است

## گفت‌وگو با نماینده‌ی توزیع مجلات رشد در استان اردبیل

فراهم ساختن امکان توزیع مجلات رشد در سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها و شهرستان‌ها، با وجود میلیونی بودن شمارگان مجلات، به همت نمایندگان توزیع مجلات رشد صورت می‌پذیرد. در این میان اما، از آقای **بهزاد سلیمانی** باید نام برد که دو سال است، علاوه بر سمت کارشناس مسئولی تکنولوژی و گروه‌های آموزشی، نمایندگی مجلات رشد استان اردبیل را هم بر عهده دارد.

از آن‌جا که در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴، استان اردبیل با ۳۶۷۳۵ امتیاز جایگاه بسیار خوبی داشت، با قدردانی از زحمات نماینده‌ی توزیع سابق استان، از بهزاد سلیمانی می‌خواهیم تا در مورد وظایف و طرح‌های جدید و آتی توزیع بگوید. و او می‌گوید:



«هرچند در گذشته، برخی فعالیت‌های فرهنگی در این زمینه وجود داشت، اما الان تلاش ما این است که چنین فعالیت‌هایی بیشتر شوند و گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها و مطالعات پژوهشی به جایگاه بالایی دست یابند. در پی این امر، به مطالعه‌ی مجلات رشد پرداخته می‌شود و هم‌چنین فرایند آمارگیری و شناسایی دقیق مشترکین و تعداد آن‌ها انجام می‌گیرد. امروز ما از حالت مجری بودن و توزیع‌کننده‌ی صرف درآمده‌ایم و اهداف و رویکرد ما، همکاری با گروه‌های آموزشی است؛ تا از این راه به توسعه‌ی توانمندی‌های معلمان، مربیان، مدیران و معاونان در حوزه‌های گوناگون علمی، فناوری، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برسیم.

گروه‌ها هر ماه جلسه‌ای را با نام «از یافته‌های رشد چه یافته‌اید؟» برگزار می‌کنند تا دریافت‌ها و چکیده‌ی مطالب را به‌طور الکترونیکی یا مکتوب در معرض دید سایر همکاران قرار دهند. در این زمینه، یک مسابقه‌ی آنلاین استانی هم تدارک دیده شده است.

○ چرخه‌ی کاری شما در معرفی مجلات جدید مانند «رشد آموزش پیش‌دبستانی» چگونه است؟

● طبق تصمیم مسئولین آموزش و پرورش استان، در راستای توانمند ساختن مربیان و معلمان، هر همکار باید یک مجله در اختیار داشته باشد و نکات مناسب آن را در شورای معلمان مطرح کند. بنابراین، اگر مجله‌ی جدیدی منتشر شود، ما به محض وصول بخش‌نامه‌ی مربوطه، نامه‌ها و زیرنویس‌هایی به همه‌ی دوایر و مناطقی که آمار مشترکین را دارند، ارسال می‌کنیم.

شعار تحصیلی امسال ما تحول، نوآوری و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش است و مجلات می‌توانند ما را در رسیدن به این هدف یاری کنند





عکس: محمد رضا بابایی  
اصغر ندیری

## با رشد از گذشت زمان لذت می برم

گفت‌وگو با خسرو ساکی  
مدیرکل آموزش و پرورش استان کردستان

مدیرکل آموزش و پرورش استان کردستان خسرو ساکی می‌گوید دیرزمانی است که با مجلات رشد انس دارد، این الفت چندین ساله ما را بر آن داشت که درباره‌ی چگونگی توزیع مجلات رشد و افزایش نرخ مخاطب در استان و حتی ارتقای کیفیت نشریات، نظرات سازنده‌ی ایشان را جویا شویم. بنا به درخواست آقای ساکی «هزار نقش» متن مصاحبه را ویرایش نکرده است.

\*\*\*

○ نگاه و حس شما نسبت به مجلات رشد چگونه است؟  
● به نظر بنده مجلات رشد، عامل به روزآوری دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان می‌باشد. مدت زیادی است که با رشد آشنا هستم. می‌توانم بگویم از ۲۵ سال قبل، هنگامی که آموزگار روستایی بیتوته‌ای بودم مجلات رشد همنشین تنهایی من بود و با مطالعه رشد از گذشت زمان لذت می‌بردم و به‌نظر می‌رسد امروز هم با جهشی که در تهیه و نشر این مجلات پدید آمده است، یکی از در دسترس‌ترین رسانه‌های مکتوب برای معلمان و دانش‌آموزان روستایی می‌باشد.

○ فکر می‌کنید با افزایش تعداد و کیفیت رسانه‌ها، آیا مجلات رشد ظرفیت حفظ مخاطب خود را دارند؟

● نگرش من نسبت به مجلات رشد مثبت است. چون دیر زمانی است که با این مجلات انس دارم و به‌نظرم مجلات رشد

هنوز، ظرفیت ارتقاء آگاهی و اقناع مخاطب را دارد. به‌ویژه در شرایط حاضر که با استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات از طریق سایت رشد نیز عرضه می‌شوند. اما نکته قابل توجه این است که مجلات رشد به‌عنوان رسانه‌های مکتوب به نقاط دور دست و محروم روستایی کشور ارسال می‌گردد و تنها کانال اطلاع‌رسانی و ارتقاء آگاهی حرفه‌ای معلمان و دانش‌آموزان روستاهای محروم می‌باشد و به‌عبارتی یکی از معدود منابع دانش‌افزایی آن‌ها است که بر این اساس ما در سال‌های اخیر روند توزیع این مجلات را در مدارس روستایی افزایش داده‌ایم اما کافی نمی‌دانیم.

○ فکر می‌کنید آیا مشکلی به‌عنوان مثال، از طرف «دفتر انتشارات کمک آموزشی» پیش آمده است؟

● خیر، مسئله‌ی ما، فعلاً کمبود منابع مالی برای پرداخت بهاء مجلاتی است که به‌صورت رایگان در اختیار مدارس قرار می‌دهیم،



مجلات رشد عامل به روزآوری  
دانش و مهارت‌های حرفه‌ای  
همکاران آموزشی می‌باشد

البته برای حل این مشکل در حال فرهنگ‌سازی هستیم که خانواده‌ها در سبد هزینه‌های خانوار برای خرید محصولات فرهنگی به‌ویژه مجلات کمک‌آموزشی مبالغی را هم در نظر بگیرند. ضمناً در حال حاضر قیمت مجلات زیاد نیست، اما به علت محرومیت بیشتر نقاط استان، میزان خرید تمام نشریات به‌ویژه رشد مطلوب نمی‌باشد که به همین دلیل از منابع مالی مدرسه تهیه و رایگان توزیع می‌شود.

○ سازمان آموزش و پرورش استان کردستان چه تدابیری برای بالا رفتن آمار دریافت‌کنندگان مجلات رشد به‌کار برده است؟

● در حوزه‌ی معاونت آموزش و نوآوری، تمهیداتی اندیشیده شده است که به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌کنم:

- برگزاری آزمون غیر حضوری دانش‌افزایی از مجلات رشد تکنولوژی و معلم برای همکاران فرهنگی و رشد مدیریت مدرسه برای مدیران مدارس.

- برگزاری مسابقات علمی از مجلات رشد برای دانش‌آموزان.

- تقدیر از مدیران فعال در توزیع مجلات، به‌عنوان مثال در سال گذشته از ۴۲ مدیری که عملکرد بهتری داشته‌اند تقدیر مادی و معنوی به‌عمل آمده است.

- معرفی مجلات رشد به خانواده‌ها در مطبوعات و هفته‌نامه‌های محلی استان.

- برپایی نمایشگاه مجلات رشد در سطح شهرستان‌ها و مناطق استان.

- برپایی نمایشگاه‌های مجلات رشد در حاشیه‌ی جلسات انجمن‌های اولیاء و مربیان، گروه‌های درسی و گردهمایی‌ها و مناسبت‌های گوناگون.

○ آیا برای تهیه‌ی مجلات رشد توسط برخی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، حمایت‌های مالی یا

تشویقی در راستای کمک به سبد فرهنگی خانواده انجام گرفته است؟

● فعالیت‌های ما در این زمینه علاوه بر حمایت تشویقی، رویه‌ی فرهنگ‌سازی دارد. برای استفاده‌ی همکاران فرهنگی نیز

بخشی از منابع مالی مدرسه، صرف خرید نشریات می‌شود. حتی این امکان هست که مجلات رشد را به امانت بگیرند. در شورای معلمان از همکارانی که مقالات مورد علاقه‌ی خود را از مجلات رشد انتخاب و ارائه نمایند تقدیر کتبی به‌عمل می‌آید.

- در مدارس شبانه‌روزی نیز از منابع مالی مدرسه برای استفاده‌ی دانش‌آموزان و معلمان مجلات رشد تهیه می‌شود.

○ برخورد سازمان با فرهنگیانی که آثارشان در مجلات رشد چاپ می‌شود، چگونه است؟

● از تلاش همکاران در طرح اقدام‌پژوهی، خاطره‌نویسی، تحقیقات آکادمیک و درج مقالات در نشریات، تقدیر مادی و معنوی به‌عمل می‌آید و بالتبع از کسانی که مقالات آن‌ها در مجلات رشد چاپ گردد هم تقدیر می‌نماییم.

○ با توجه به این‌که استان کردستان از مناطق دوزبانه است، رشد در این منطقه چگونه می‌تواند مؤثر باشد؟

● در تشویق دانش‌آموزان به یادگیری بهتر و استفاده از زبان فارسی، مجلات رشد دانش‌آموزی می‌تواند گام‌های مؤثری بردارد

به‌عنوان مثال همکاران ما در عناوین پیک نوروزی و کتاب شکوفه‌های پیش‌دبستانی، در کنار لغات فارسی، از لغات کردی نیز استفاده نموده‌اند و در متون این مجلات به لغات پایه و مشترک توجه بیشتری داشته‌اند تا دانش‌آموزان با درک مترادف‌های کلمات

کردی در زبان فارسی، به استفاده از زبان رسمی تشویق و گویش فارسی آن‌ها تقویت گردد.

○ با تشکر از عنایت حضرت عالی، آیا توصیه یا پیشنهاد دیگری دارید؟

● فکر می‌کنم در مجلات رشد باید به تشریح رخدادهای ملی و مذهبی بیشتر توجه شود، از مطالب جدید و تحول‌آفرین استفاده تا مخاطب بیشتری جذب گردد. تهیه و تدوین مطالب به‌گونه‌ای باشد که مخاطبان در اوقات فراغت خود از روی میل به رشد مراجعه نمایند به‌عنوان مثال درج داستان‌ها و مطالب دنباله‌داری که پیام‌های فرهنگی و آموزشی دارند، انگیزه‌ی بیشتری برای مطالعه می‌تواند فراهم آورد.

حمید شفیعی، نماینده‌ی توزیع مجلات رشد در استان کردستان و کارشناس مسئول گروه‌های آموزشی دوره‌ی عمومی سازمان آموزش و پرورش استان می‌باشد. سه سال است که نمایندگی توزیع را برعهده دارد و طبق آماري که ارائه کرد، هر سال حدود ۱۷ درصد افزایش پوشش و مخاطب داشته است. با وی هم دقایقی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌آید.

○ کارشناسی و گروه‌های آموزشی و توزیع مجلات چه ارتباط و تعاملی با هم دارند؟

● این واحد با معلمان، مدارس و در یک جمله با ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای و کیفیت آموزش سروکار دارد. ما سعی می‌کنیم طی جلسات کاری گردهمایی‌های معلمان و مدیران، فرهنگیان مؤلف و پژوهشگر را بشناسیم، مجلات رشد را معرفی کنیم و با توجه به جنبه‌ی فرهنگی این فعالیت، با قرار دادن مشوق‌ها و انگیزه‌هایی، در عرصه‌ی نشریات مؤثر باشیم. در واقع به نوعی مخاطب و اقبال به مجلات را ارتقا دهیم.

○ آیا آماري از پوشش توزیع مجلات رشد در سطح استان دارید؟

● بله در سطح استان کردستان ۱۸۰۰ دبستان وجود دارد که ۱۱۲۰۰۰ نفر دانش‌آموز را در خود جای داده‌اند با احتساب پیش‌دبستانی، این تعداد به ۱۲۱۰۰۰ نفر می‌رسد. در دوره‌ی ابتدایی بیش از ۳۵ درصد دانش‌آموزان مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز را دریافت می‌کنند که طبق آمار سال ۸۸، ۱۳۸۷، تعداد آن‌ها به ۳۹۷۶۵ نفر می‌رسد.

در دوره‌ی راهنمایی، ۸۰ هزار نفر دانش‌آموز داریم که از این تعداد ۷۰۰۰ نفر مشترک هستند در دوره‌ی متوسطه، به دلایلی که نیاز به پژوهش دارد استقبال کمتر بوده و تعداد دریافت‌کنندگان مجلات رشد کمتری می‌باشد حدوداً ۲۰۰۰ نفر از کل ۸۷ هزار نفر دانش‌آموز. البته اعداد و ارقام، رشد ۱۷ درصدی مخاطب را نسبت به قبل نشان می‌دهند. کلیه‌ی مدارس سه دوره‌ی تحصیلی در ۶ عنوان مجلات رشد عمومی بزرگسال (رشد معلم، مدیریت، آموزش راهنمایی یا ابتدایی، تکنولوژی آموزشی، مدرسه‌ی فردا و مشاوره) آبونه می‌باشند. و ۶۰ درصد دبیران سطح استان نیز مشترک مجلات رشد تخصصی می‌باشند.

○ آیا الهدایی یا ارسال رایگان هم دارید؟

● با موافقت ریاست محترم سازمان، تمامی کارشناسان و سرگروه‌های آموزشی در تمام دوره‌های تحصیلی از مجلات به‌صورت رایگان استفاده می‌کنند. مدرسه‌های زیر ۲۰ نفر نیز که معمولاً در نقاط دورافتاده‌اند، با تخفیف یا به‌طور رایگان مجلات رشد را دریافت می‌کنند. با توجه به این‌که استان دارای بخش‌های محروم و غیر برخوردار می‌باشد، انتظار می‌رود دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نسبت به ارسال مجلات رایگان و یا در نظر گرفتن درصد تخفیف بیشتر نسبت به استان‌های برخوردار اقداماتی

داشته باشد.

○ مجله‌ی جدیدی مثل رشد آموزش پیش‌دبستانی چگونه توزیع می‌شود؟

● ما هر ساله در راستای آشنایی بیشتر مخاطبین با مجلات رشد اقدام به چاپ و توزیع بروشور، پوستر، تراکت و بنرهای تبلیغی می‌نماییم که مجلات جدیدالانتشار نیز در این بحث، پررنگ‌تر دیده می‌شوند. معمولاً ظرف مدت یک هفته نشریات در سطح استان توزیع می‌شوند.

در ارتباط با مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی باید اضافه کنیم با این‌که این مجله به تازگی در زمره‌ی مجلات رشد قرار گرفته است حدوداً ۶۰۰ جلد در استان برای آن درخواست داشتیم که ۲۴۰ نسخه از آن طی توافق‌نامه‌ای به مربیان پیش‌دبستانی تحت پوشش سازمان بهزیستی اختصاص یافته است.





فاطمه رضایی

گفت‌وگو با یوسف شمس، نماینده‌ی سابق مجلات رشد در استان فارس

## بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود<sup>۱</sup>

«چو خواهی که نامت بماند به جای  
پسر را خردمندی آموز و رای  
خردمند و پرهیزکارش برآر  
گوش دوست داری، به نازش مدار  
نوآموز را ذکر و تحسین و زه  
ز توبیخ و تهدید استاد به»<sup>۲</sup>

در شهر آموزگار ادب و مربی بزرگ اخلاق، سعدی، در خدمت معلمان بزرگی بودم که بوستان دانش را نظم بخشیده و نهال فرهنگ مطالعه را در گلستان آموزش چنان کاشته‌اند که کودکان را به کار آید و بزرگان را مهارت افزایش دهد. و آقای شمس از نامداران این میدان است.

آقای یوسف شمس، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، از مهرماه ۱۳۸۱ تا آخر شهریورماه ۱۳۸۸ با عنوان کارشناس مسئول تکنولوژی و گروه‌های آموزش عمومی و نماینده‌ی نشریات رشد، یار و همراه فرهنگیان و دانش‌آموزان استان فارس بود و از مهر ۱۳۸۸، با عنوان مدیریت «مدرسه‌ی راهنمایی غیردولتی پسرانه‌ی خرد»، مشغول خدمت است؛ جایی که ما امکان آشنایی و گفت‌وگو با ایشان را یافتیم.

«نمایندگی رشد» عنوانی بود که بودن و نبودنش کنار اسم آقای شمس فرقی نمی‌کرد. نه از تلاش و فعالیتش در جهت

فرهنگ‌سازی، مطالعه و نوشتن کاست، نه در دفاع از باورهایش قدمی عقب نشست. به قول خواجه‌ی شیراز «دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود.»

\*\*\*

○ آقای شمس از تلاش شما در این سال‌ها تشکر می‌کنیم و امیدواریم هم‌چنان در انجام کارهای فرهنگی پرتوان باشید. چند سال از نمایندگی رشد را برعهده داشتید و مهم‌ترین تغییرات و قشنگ‌ترین اتفاقات مربوط به رشد، از چه سالی در استان انجام شد؟ ● من هم ابتدا از همه‌ی عزیزانی که در خدمتشان بودیم، تشکر می‌کنم. اگر توفیقی حاصل شده است، نتیجه‌ی زحمت عزیزان در سازمان، همه‌ی مناطق استان، همراهی و هم‌گامی دوستان عزیزمان در دفتر انتشارات و به‌خصوص همکاران در مدارس بود. اگر اتفاقی در مدارس

نیفتد، هر طرح و برنامه‌ای هم داشته باشیم، به اعتقاد من خیلی ثمربخش نخواهد بود. از تلاش همه‌ی عزیزانی که همراهی و همدلی داشته‌اند، تشکر می‌کنم.

هفت سال نماینده‌ی رشد بودم. در تمام این سال‌ها، به فرهنگ‌سازی در زمینه‌های گوناگون اعتقاد داشته‌ام. مثلاً برای تهیه‌ی پیک نوروزی سال ۱۳۸۲ از ارگان‌ها و سازمان‌های متفاوت - زیست، راهنمایی و رانندگی و... - دعوت کردیم و نظر آنان را در مورد چگونگی فرهنگ‌سازی با توجه به امکانات موجود جویا شدیم و در این زمینه‌ها، مطالبی در خور فهم دانش‌آموزان تهیه کردیم.

از همان سال تا بهار ۱۳۸۸، پشت پیک‌های نوروزی، تبلیغ مجلات رشد را زدیم تا خانواده‌ها با این نشریات بیشتر آشنا شوند. تقویم‌های نوروزی را، در طرح‌های زیبا و تبلیغاتی از مجلات رشد، برای مدیران ادارات تهیه و ارسال کردیم. دعای مطالعه را نیز در طرحی جذاب و جالب برای استفاده‌ی ادارات و مدارس فرستادیم.

در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲، با راهنمایی یکی از استادان شیراز، آقای دکتر جعفر جهانی، روی وضعیت مطالعه‌ی غیردرسی در مدارس تحقیق کردیم. کار اصلی، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر میزان مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم راهنمایی مدارس دولتی در نواحی ۲ و ۴ آموزش و پرورش شهر شیراز بود. در پی دلایل و در نهایت ارائه‌ی پیشنهادهایی برای تغییر وضعیت مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان از شکل موجود بودیم. راهکارهای عملی این تحقیق، در روند فرایند کار ما در چند سالی که نمایندگی رشد را بر عهده داشتم، بسیار مؤثر بود. در کنار این تحقیق، مطالعات دیگری هم انجام دادیم که به یاری خداوند، به کارهایی برای بهبود وضع موجود انجامید.

مطالعه‌ی راهی است برای رسیدن به قله‌های سعادت و بهروزی. اندیشمندان دنیا یکی از پارامترهای توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی جامعه را مطالعه می‌دانند. اگر تمایل به مطالعه در جامعه‌ای به شکل صحیح رشد کند، جلوی نادانی‌ها را می‌گیرد و زمینه‌ی آگاهی را فراهم می‌آورد. آگاهی عین جان آدمی است که با وجود آن انسان‌ها به چاله نمی‌افتند. در این راستا سعی کردیم برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کنیم. شروع این طرح‌ها از سال ۱۳۸۱ بود. در سفری که خدمت دوستان رشد در تهران بودیم، به این نتیجه رسیدیم که به برنامه‌ریزی و فکر اساسی در جهت «فرهنگ‌سازی» نیاز داریم.

برای این که هنجاری را در جامعه برقرار کنیم، سه راه بیشتر برای ما وجود ندارد: یکی این که دیگران را وادار کنیم از ما اطاعت کنند؛ یعنی نه با میل واقعی که با تحکم، فرهنگی را حاکم کنیم و جا بیندازیم. نوع دیگر این است که الگوهای مناسب بسازیم. همان‌طور که امام‌صادق (ع) می‌فرمایند: اگر می‌خواهید انسان‌ها را به خوبی دعوت کنید، نه فقط با زبانتان بلکه با رفتارتان چنین کنید که بی‌شک مؤثرتر است. نوع سوم و عالی‌تر این است که ما انسان‌ها را به «باور» برسانیم. اگر انسان‌ها باور کنند، کاری که انجام می‌دهند درست است. عاشقانه مثل فرهاد کوه را هم می‌کنند. باید راهکاری پیدا کنیم که بچه‌ها و معلمان عشق خواندن پیدا کنند.

○ در جهت این فرهنگ‌سازی چه اقداماتی کردید؟

● دانایی اتفاقی نیست؛ فرایندی است که برای رسیدن به آن باید با برنامه‌ریزی پیش رفت.

از سال ۱۳۸۱، جلسات ما با نمایندگان رشد در مناطق و شهرهای گوناگون آغاز شد. این جلسات برای تشویق عزیزان، دوبار در مشهد مقدس - با حضور مسئولان و سردبیران نشریات - و هر ساله در شیراز برگزار شد. همکاران راه‌های فرهنگ‌سازی را که برای گسترش مطالعه در شهرستان‌های خودشان به اجرا درآورده بودند، در این جلسات به اطلاع حاضران می‌رساندند.

از سال ۱۳۸۲، آزمون‌هایی برای مدیران به اسم «طرح دانش و توانش مدیران» براساس مطالب مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه طراحی کردیم. از این کار دو هدف داشتیم: یکی آشنایی مدیران با مطالب مجله - ارتقای صلاحیت حرفه‌ای مدیران - و عادت به مطالعه، دیگر این که الگویی مناسب برای کار در اختیار این عزیزان قرار بگیرد. سعی کردیم این مهم بر مبنای تشویق انجام شود. در سال‌های بعد و تا سال ۱۳۸۸، آزمون‌هایی از مجلات رشد معلم، مدرسه‌ی فردا و تکنولوژی به صورت سراسری در استان برای تمام همکاران برگزار می‌شد و از همکارانی که درصد قابل قبولی از سؤالات را پاسخ می‌دادند، تقدیر می‌شد. علاوه بر آن، ادارات مختلف از مجلات تخصصی موردنظر خود جداگانه آزمون برگزار می‌کردند و نتایج آن را به سازمان می‌فرستادند.

برگزاری این آزمون‌ها را سال‌هاست که در برنامه‌ی کار خود داریم؛ البته امروز باید به شکل دیگری انجام شود و به شکل اینترنتی آن فکر کنیم.

○ آیا مطالعه‌ی مجله برای شرکت در آزمون نوعی «اجبار به مطالعه» نیست؟

● خیر. هرکس که مایل بود، در این آزمون‌ها شرکت می‌کرد و با دریافت نمره‌ی لازم، از او تقدیر شده است. سال‌های اول به بیش از پنج هزار نفر لوح تقدیر و هدایایی به رسم یادبود دادیم. سال گذشته به شکل مکتوب از وزارت خانه گواهی ضمن خدمت تقاضا کردیم و امسال با این کار موافقت کردند. این مرحله به اعتقاد من همان مرحله‌ی اولیه، یعنی آگاهی دادن یا اطلاع‌رسانی است.

بعد از آن، ما طرح تشویق مدیرانی را داشتیم که دانش‌آموزان آن‌ها به‌طور کامل تحت پوشش نشریات رشد هستند که البته لازم است ابتدا اطلاع‌رسانی شود و آگاهی لازم را بدهیم تا حرکت از «آگاهی محوری» به سوی «دانایی محوری» باشد. این اطلاع‌رسانی در خیلی از مدارس به نحو شایسته‌ای انجام می‌شد. سال گذشته یکی از مدارس، در مسجد محل مسابقه‌ای را برگزار کرد که در آن، اولیا در کنار دانش‌آموزانشان از مطالب رشد آزمون دادند.

حدود چهار سال پیش، سال ۱۳۸۴، طرحی را به وزارت خانه داده بودم که در مدارس و ادارات، کنار ستادهای متفاوتی که تشکیل می‌شود، «ستاد مطالعه‌ی غیردرسی» راه‌اندازی کنند. مطالعه‌ی زمینه‌ی

باید راهکاری پیدا کنیم  
که بچه‌ها و معلمان عشق  
خواندن پیدا کنند

بصیرت، آگاهی و دانایی جامعه را فراهم می‌کند و از هر کاری مهم‌تر است.

○ این طرح به تصویب و اجرا هم رسید؟

● در استان فارس اجرا شد، اما از تأیید آن در کشور اطلاع ندارم.

○ اعضای این ستاد چه کسانی بودند و ستاد چه‌طور فعالیت می‌کرد؟

● معاون آموزش عمومی، کارشناسان گروه‌های آموزشی، آموزش ابتدایی و راهنمایی، نمایندگان نشریات رشد، رییس اداره و معاونین، اعضای ستاد بودند. خواسته بودیم چنین ستادی در ادارات هم تشکیل شود. هدف اولیه این بود که به رییس‌ان ادارات، مدیران مدرسه و همه‌ی کسانی که در کار آموزش هستند، اهمیت مطالعه را یادآوری کنیم تا خودشان نیز علاوه بر دانش‌آموزان به این مهم بپردازند. نحوه‌ی فعالیت چنین بود که گروه‌های آموزشی و معاون اداره، در جلساتی اهمیت مطالعه و لزوم گسترش فرهنگ آن را تبیین می‌کردند. هر منطقه و مدرسه برحسب توان و نیاز خودش، برنامه‌هایی را سیاست‌گذاری می‌کرد و راهکارهای خودش را برای ما می‌فرستاد که کارها به حق قابل تقدیر بودند. برنامه‌هایی وجود دارند که بدون هزینه می‌توان در جهت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به کار گرفت. من از تجربیات همکارانم در مدارس



دیگر زیاد استفاده می‌کنم. می‌توانیم تجربیاتمان را در اختیار یکدیگر بگذاریم.

○ از بین راهکارهایی که برای شما فرستادند، به نظر شما کدام برجسته‌تر بود که بتوان واقعاً با آن کاری برای گرایش بچه‌ها به مطالعه کرد؟  
● در «ستاد مطالعه‌ی غیردرسی» خیلی اتفاقات می‌تواند بیفتد. در شیوه‌نامه‌ی اولیه از همکاران خواستیم که آزادانه ابتکار عمل داشته باشند و هر اقدامی را که با شرایط مدرسه و محیط و امکاناتشان متناسب‌تر، است انجام دهند. طرح‌های خلاقانه و فعالیت‌های جالبی انجام داده بودند. در یک مدرسه‌ی روستایی از فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام داده بودند، عکس گرفته و دفتر و سی‌دی درست کرده بودند. چون خود همکاران درگیر کار شده بودند، فعالیت‌هایشان بسیار عالی بود. یکی از مدارس طرحی را به نام «از گنج تا گنجینه» اجرا کرده بود. در این طرح، کتاب‌هایی را که در گنج‌های خانه‌ها استفاده نمی‌شد، به گنجینه‌ی کتاب‌خانه‌ی مدرسه آورده بودند و امانت می‌دادند. در جای دیگری، بچه‌ها همراه اولیایشان یکی از بازی‌های مجله - توپ و سبد - را انجام دادند. ساختن روزنامه‌ی دیواری، پختن غذاهای رشد، و تهیه‌ی مجلاتی به سبک مجلات رشد توسط دانش‌آموزان، از فعالیت‌هایی بود که همگی از دل مجلات بیرون آمده بود؛ حرکت‌هایی که همگی را مدیون اطلاع‌رسانی نمایندگان رشد در مناطق گوناگون هستیم.

در برخی مدارس، زنگ رشد وجود داشت که در ساعتی از برنامه‌ی هفتگی، بچه‌ها به مطالعه، خلاصه‌نویسی و فعالیت‌های دیگر در ارتباط با مجله می‌پرداختند. مسابقات خاص دانش‌آموزی در زمینه‌های داستان‌نویسی، خلاصه کردن مطالب رشد و مسابقات خیلی ساده برای معرفی رشد هم برگزار شدند. یکی از ادارات گفته بود ما تصمیم گرفته‌ایم برای امسال، در فیش حقوقی همه‌ی معلمان، یکی از جمله‌های کلیدی مجلات رشد را بیاوریم.

○ برنامه‌ریزی‌ها مختص اوقاتی بود که بچه‌ها در مدرسه بودند یا برای اوقات فراغت آن‌ها نیز کاری می‌کردند؟ در ترویج مطالعه‌ی غیردرسی، آیا کتابی هم معرفی می‌شد؟

● ستاد مطالعه‌ی غیردرسی مخصوص مجلات رشد بود و کتاب خاصی را تبلیغ نمی‌کردیم. بعضی‌ها فکر می‌کنند، اوقات فراغت دانش‌آموزان باید با سرگرمی پر شود. من موافق نیستم. اوقات فراغت باید زمینه‌ساز رشد و تعالی بچه‌ها باشد. باید پایه و اساس یادگیری و خلاقیت آن‌ها را فراهم کند. اگر بچه‌ها در مدرسه با مطالعه‌ی درست آشنا شوند و به آن عادت کنند، زمان فراغت خود را نیز به آن می‌پردازند.

○ این ستاد چگونه پشتیبانی می‌شد؟ آیا در حال حاضر هم در استان فارس فعالیت دارد؟

● دوستان در سازمان و معاونت آموزشی، آقایان حاج فرزدقی، همافر، افتاده و آقای طاهری که الان هم تشریف دارند، در طرح‌های متنوعی که داشتیم، همیشه ما را همراهی کرده‌اند.

شیوه‌نامه‌ی ستاد را چهار سال پیش فرستادیم و فکر می‌کنم همان سال به هدفی که داشتیم رسیدیم. لازم بود که مسئولان و معلمان ما به اهمیت مطالعه‌ی غیردرسی و تأکید آن در مدارس پی ببرند. اگر معلم مطالعه نکند، به دانش‌آموز هرچه قدر هم که بگوید بخوان، تأثیری ندارد. تأثیر اولیا نیز در گرایش فرزندان به مطالعه کم نیست. ستاد مطالعه، همه‌ی افراد را در نظر دارد.

برای مثال، در مدرسه‌ی ما همه‌ی دانش‌آموزان «رشد نوجوان» را می‌خوانند. در راستای الگوسازی، همه‌ی والدین نیز مشترک مجلات پیوند

ما طرح تشویق مدیرانی را داشتیم که دانش‌آموزان آن‌ها به‌طور کامل تحت پوشش نشریات رشد هستند

هستند. در برنامه‌های سالانه اعلام کردیم که مسابقه‌ای داریم که دانش‌آموز با ولی در کنار هم می‌نشینند و با مشورت هم، به یک نمونه سؤال ترکیبی از مجلات رشد و پیوند جواب می‌دهند. به این ترتیب، والدین مجله‌ی فرزندان‌شان را هم می‌خوانند. از طرف دیگر، کتاب‌خانه‌ی مدرسه نیز کتاب‌های تربیتی مخصوص اولیا را دارد که در اختیار آنان می‌گذارد. هدف ما این است که اولیا نیز درگیر مطالعه بشوند.

○ فکر می‌کنید چنین برنامه‌هایی در مدرسه‌های دولتی، با توجه به جمعیت آن‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و سواد خانواده‌ها، قابل اجرا هستند؟  
● اگر «ستاد مطالعه‌ی غیردرسی» تشکیل شود، هر مدرسه‌ای با توجه به شرایط و وضعیت خودش می‌تواند خیلی کارها را انجام دهد. مثلاً ما در شورای مدرسه، کمیته‌های متفاوتمان را با شورای دانش‌آموزی هماهنگ کردیم. از جمله، کمیته‌ای به نام کمیته‌ی آموزشی و پرورشی و فرهنگی، تشکیل دادیم. در بحث ستاد مطالعه‌ی غیردرسی، اولیا خودشان در باره‌ی چگونگی کار نظر دادند و با ما هم‌گام شدند. این همراهی و هم‌گامی خیلی مؤثر است و به مدرسه در همه‌ی زمینه‌ها کمک می‌کند.

○ اقدامات و برنامه‌های فرهنگی دیگر گروه‌های آموزشی در این سال‌ها چه بود؟

● در جهت فرهنگ‌سازی خیلی کارها می‌توان کرد. همین درگیر کردن اولیا با خواندن، تأثیر زیادی بر خانواده و جامعه می‌گذارد. سال‌ها شمار مشترکان مجلات زیر یک میلیون بود و اکنون بیش از سه میلیون متقاضی دارد؛ افزایشی که روند آن متوقف نخواهد شد، چرا که فرهنگ ساخته شده و علاقه‌مندی به وجود آمده است.

در رابطه با آزمون «تیمز» و «پرلز»، ما چندین سال آزمون‌های متفاوت علوم و ریاضی را برای بچه‌ها طراحی و اجرا کردیم که مورد توجه ادارات، مدارس و بچه‌ها بود. از سال ۱۳۸۲، «جشنواره‌ی خواندن» برنامه‌ریزی شد. ما در آزمون‌های پرلز وضعیت مناسبی نداشتیم، این بود که برای پیشرفت بچه‌ها در سواد خواندن «جشنواره‌ی خواندن و درک مفاهیم» را به راه انداختیم. در این جشنواره که سال ۱۳۸۲ در مدارس کل استان به اجرا درآمد، نشریات رشد جایگاه ویژه‌ای داشتند و یکی از منابع کار، علاوه بر کتاب‌های علمی و داستانی، این مجلات بودند. جشنواره تا سال ۱۳۸۶، طبق روال چهارساله‌ای که برای آن برنامه‌ریزی کرده بودیم، ادامه داشت. در کنار هر کدام از سه مرحله‌ی برگزاری جشنواره - مراحل آموزشگاه، اداره و منطقه‌ی قطب<sup>۲</sup> - نمایشگاه رشد هم برپا شد. اولیایی که در مراسم شرکت می‌کردند، با مجلات هم آشنا می‌شدند. صدا و سیما، استان و نشریات محلی، این جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها را پوشش خبری می‌دادند که در امر اطلاع‌رسانی بسیار مؤثر بود.

سال گذشته در ادامه‌ی طرح جشنواره‌ی خواندن، «جشنواره‌ی مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان» را اجرا کردیم که بسیار موفق و مؤثر بود. «جشنواره‌ی شکوفایی رشد» که در سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷ برگزار شد، کاری نو، بدیع و بسیار جالب بود که علاوه بر خواندن مجلات، آزمون‌ها و مانند آن، بحث تحقیق درباره‌ی مجلات نیز در آن مطرح شد. سال قبل حدود ۱۲ موضوع را در بخش‌نامه‌ای به مدارس فرستادیم. با یکی از ادارات نیز هماهنگ کردیم که مجری طرح باشد. طی شیوه‌نامه‌ای از همکاران خواستیم که هر کس مایل است - از معلمان و مدیران تا دفترداران و هر کس که در امر آموزش و پرورش سهمی دارد - در این طرح همکاری و شرکت کند و در موضوعات مشخص شده، مقاله بنویسد، اقدام پژوهی و تحقیق داشته باشد، و یا در زمینه‌ی ارائه‌ی تجارب موفق، طرح‌های خلاقانه و تهیه و بلاگ و سایر زمینه‌ها فعالیت کند.

در برخی مدارس، زنگ رشد وجود داشت که در ساعتی از برنامه‌ی هفتگی، بچه‌ها به مطالعه، خلاصه‌نویسی و فعالیت‌های دیگر در ارتباط با مجله می‌پرداختند

برخی از موضوعات عبارت بودند از: نقش مجلات رشد در اصلاح الگوی مصرف، نقش مجلات رشد در اصلاح الگوی مصرف، نقش مجلات رشد در عادت به مطالعه بین دانش‌آموزان و معلمان، نقش مجلات رشد در فرایند یاددهی و یادگیری، نقش مجلات رشد در بیان تجربیات سبز دیگر کشورها، و بالاخره نقش مجلات در آموزش مهارت‌های زندگی. بچه‌هایی که از مدارس بیرون می‌آیند، از دریای وسیع با عمق کم، به دریای زندگی پا می‌گذارند و گاه با مشکل مواجه می‌شوند.

پیش از آن شیوه‌نامه‌ای به مدارس فرستاده بودیم و این سؤال را مطرح کرده بودیم که: «از یافته‌های رشد چه یافتید؟» از دوستان خواسته بودیم مجلات را نقد هم بکنند.

در يك دوره‌ی آموزش ضمن خدمت ۳۲ ساعته برای اعضای علمی گروه‌های آموزشی نواحی گوناگون شیراز، تحلیل کتب را به روش‌های متفاوت، مثل «فلش» و «مریل» آموزش دادم و دو روش تحلیل «ویلیام رومی» و «مریل را هم به صورت کارگاهی انجام دادیم که در آن، همکاران

خودشان کتاب‌هایی را تحلیل کردند. پس از آن سراغ مجلات رشد رفتیم و نمونه‌ی نقد و تحلیل‌های آن‌ها را به دفتر ارسال کردیم. هدفمان این بود که همکاران خودشان بتوانند به مجله مطلب بدهند که در این امر موفق بوده‌ایم. امروز بسیاری از عزیزان ما برای دفتر نشریات رشد مطلب ارسال می‌کنند. در حال حاضر کتابی در موضوع «مبانی تحلیل نشریات و کتب» با استفاده از روش‌های علمی و منابع گوناگون تهیه می‌کنم که امیدوارم راهنمای کسانی باشد که قصد نقد و بررسی کتاب و مجله را دارند. در بحث «فرهنگ‌سازی» خیلی خوب توانستیم با همکارانمان در مناطق گوناگون همراه شویم. به شهرستان‌ها و مناطق می‌رفتیم و درباره‌ی مطالعه صحبت می‌کردیم. در بسیاری از جلسات، خود مدیران مشتاق مطالعه می‌شدند. من با ارسال رایگان مجلات به مدارس موافق نیستم، چرا که فرد خودش باید مجله را بخواند. ما باید بتوانیم مجلات را به شکل درست معرفی و تبلیغ کنیم. سه چهار سال قبل در یکی از شهرستان‌ها، بچه‌ها با لباس محلی در نقش مجله‌های رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز به‌طور نمایشی مجلات را معرفی و درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کردند.

○ شما برای بچه‌های نابینا نیز مجلات را به خط بریل درآوردید. آیا این کار ادامه پیدا کرد؟

● در راستای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، مجلات رشد را برای معلمان و بعد برای دانش‌آموزانشان

به خط بریل تبدیل کردیم تا بتوانند از مجلات رشد استفاده کنند. این کار يك بار در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ انجام شد و پیشنهادش را در سطح وسیع به وزارت‌خانه دادیم. سال بعد سراغ «نیمه‌بینایان» رفتیم و برای آنان مجله را با فونت درشت کار کردیم. اصل این است که ما باید گستره‌ی جامعه را در نظر بگیریم.

○ برای جذب همکاران به مطالعه و ایجاد انگیزه در آن‌ها، علاوه بر جشنواره‌ی شکوفایی رشد و تشکیل جلسات، چه فعالیت‌هایی انجام شد؟

● نوع دیگر تشویق همکاران به مطالعه‌ی مجلات این بود که وقتی با اعضای علمی گروه‌ها به مناطق می‌رفتیم، در کنار بحث‌های آموزشی، گاهی مطالبی را از مجلات را بیان می‌کردیم و همان‌جا مسابقات شفاهی می‌گذاشتیم و به دوستان جوایز و لوح تقدیر می‌دادیم. یا پرسشی را طرح می‌کردیم که هر کس مجلات را خوانده بود، می‌توانست جواب دهد. از او می‌پرسیدیم که این مطلب را کجا خوانده‌ای و با توضیحی که

«جشنواره‌ی شکوفایی رشد»  
که در سال تحصیلی ۸۸ -  
۱۳۸۷ برگزار شد، کاری نو،  
بدیع و بسیار جالب بود که  
علاوه بر خواندن مجلات،  
آزمون‌ها و مانند آن، بحث  
تحقیق درباره‌ی مجلات نیز  
در آن مطرح شد

می‌داد، در حقیقت مجله را معرفی می‌کرد.

در یکی از جلساتی که در «زرین‌دشت» برای همکاران داشتیم، مطالب کوچکی از مجلات رشد تهیه کردیم و مجوز صدور تشویقی را هم از قبل گرفته بودم. گفتیم از این مطالب سؤال مطرح می‌کنیم. هر کس پاسخ دهد، تشویقی می‌گیرد. در گردهمایی‌های گوناگونی که با عزیزان داشتیم، شاید ابتدا بعضی‌ها فکر می‌کردند هدف فقط افزایش شمارگان است. ما از طریق فرهنگ‌سازی دوستان را با نشریات آشنا می‌کردیم و بعد از آشنایی تقاضا نیز پیدا می‌شد.

○ آیا بعد از بازنشستگی از کار رشد، مدیریت مدرسه را به عهده گرفته‌اید یا هم‌زمان مسئولیت مدرسه را هم داشته‌اید؟

● من خوش‌بختانه بازنشست نشده‌ام. در حال حاضر در مدرسه‌ی خودم به‌طور موظف مدیر هستم. یعنی هم‌زمان با مسئولیت نمایندگی رشد، از فضای آموزشی مدرسه هم دور نبوده‌ام.

○ بی‌شک حضور در مدرسه و اداره به‌طور هم‌زمان و آگاهی از نیاز همکاران و دانش‌آموزان از نزدیک، در طرح ایده‌ها و برنامه‌های

جدید مؤثر بوده است. با توجه به این‌که نمایندگی رشد یک پست سازمانی نبود، آیا وقت و نیروی شما را برای انجام فعالیت‌های دیگری که در سازمان و گروه‌های آموزشی داشتید، نمی‌گرفت و مزاحمت یا مانعی برای فعالیت‌های اصلی شما نبود؟

● یکی از وظایف اصلی گروه‌های آموزشی که در شرح وظایف آن‌ها آمده، ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان است. وقتی جشنواره‌ی خواندن را راه انداختیم، در کنار نشریات مجلات رشد را معرفی می‌کردیم. این دو باهم عجین و ابزار کمک هم شده بودند، نه عامل بازدارنده‌ی هم. رشد عامل تسریع‌کننده‌ای بود که می‌توانست در همه‌جا به ما کمک کند.

○ انجام کارهای اجرایی، حساب و کتاب فاکتورها، و تحویل و توزیع مجلات نیز برعهده‌ی خود شما بود؟

● ما کار را تقسیم کرده بودیم. کار توزیع با انبار کتاب بود که این‌جا از آن‌ها تشکر می‌کنم. به‌خصوص در سال‌های اخیر خیلی منظم این کار انجام می‌شد. من بر کار انبار نظارت می‌کردم. برای این‌که با اشکال مواجه نشویم، اسامی همه‌ی مجلات را نوشتم. گفتم جای هر مجله را از قبل مشخص کنید که

زمان تحویل دادن دچار مشکل نشوید. با آسیب‌شناسی که کردم، فهمیدم گاه مجلات که از تهران می‌آیند، در انبار جابه‌جا می‌شوند و پیدا کردن آن‌ها سخت می‌شود. نامه‌ای هم به وزات‌خانه نوشتم و در آن متذکر شدم، برای حمل و نقل در استان‌ها، می‌توانید از این روش استفاده کنید. سال ۸۷ - ۱۳۸۶، برنامه‌ای را تنظیم کردم که بار مسائل مالی را از دوش گروه‌های آموزشی بسیار کم می‌کرد و در عوض، به وقت و توان آن‌ها برای انجام فعالیت‌های فرهنگی می‌افزود. سال گذشته، یعنی سال ۸۸ - ۱۳۸۷، با این برنامه شهرستان کازرون یک مجله هم از ما نگرفت و مستقیم از خود تهران به‌صورت اشتراک مدارس، مجلات را دریافت کرد. چنان برنامه‌ریزی کرده بودیم که مجلات فروردین، در اسفندماه - قبل از عید - با پیک‌ها به مدارس می‌رفت و به دست بچه‌ها می‌رسید. تحویل آمار و تهیه‌ی فاکتور با خود من بود. برای مسائل مالی، با یکی از همکاران برنامه‌ی منظمی نوشته بودیم و کارهای حسابداری و فاکتور زدن‌ها به‌طور منظم انجام می‌شد. غالباً این کارها را بعد از ساعات اداری و شب‌ها انجام می‌دادم.

در راستای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، مجلات رشد را برای معلمان و بعد برای دانش‌آموزانشان به خط بریل تبدیل کردیم تا بتوانند از مجلات رشد استفاده کنند

○ شما در کنار استفاده از تجربیات همکاران، همیشه به دنبال ایده‌های جدید و کسب تجربیات تازه بوده‌اید. آیا طرح و برنامه‌ی جدیدی در نظر دارید که این بار در ابعاد کوچک‌تر، در مدرسه‌ی خودتان، بخواهید تجربه کنید؟

● اعتمادسازی در دانش‌آموزان از برنامه‌های جدید من است. در بحث فمراهی انضباط، این جمله بر دیوار کلاس‌ها و دفتر مدرسه نصب شده است که: «انضباط کسب کردنی است، نه کسرکردنی.» منشوری را تنظیم کرده‌ایم که با انجام این کارها می‌توانید انضباط کسب کنید. از تشویق به عنوان ابزار اولیه‌ی کار استفاده می‌کنیم.

بحث دیگر آمادگی ذهنی بچه‌ها برای یادگیری «ان ال پی» است. ضمن این که بهره‌ی هوشی در یادگیری خیلی مهم است، ذهن هم در این یادگیری کاملاً دخیل و مؤثر است. آنان که تفکر مثبت دارند و می‌گویند: «می‌توانم بیاموزم و آماده‌ی یادگیری هستم، در فراگیری موفق‌ترند. ارتباط بین مغز و زبان، توانایی یادگیری بچه‌ها را افزایش می‌دهد. از دانش‌آموزان سال اول راهنمایی خواسته‌ایم، با ورود معلم به کلاس، آمادگی خود را برای یادگیری اعلام کنند.

با تشکیل «شورای بهداشتی» در انجمن مدرسه و استفاده از وجود والدینی که در خدمات بهداشتی و پزشکی فعالیت دارند، امسال همه‌ی بچه‌ها را برای یک چکاپ کلی به آزمایشگاه می‌بریم.

من از تجربیات سبز همکارانم تلفنی، حضوری و از طریق یادداشت‌ها و مجلات استفاده می‌کنم. تجربه‌های خودم را نیز می‌نویسم و در اختیار دوستان قرار می‌دهم.

○ ما هم از صحبت‌های شما بسیار استفاده کردیم. آرزو داریم در راهی که پیش گرفته‌اید، همواره پرتوان حرکت کنید. و حسن ختام سخنان آقای شمس، عبارت زیبایی بود که از روی دیوار اتاقش برای ما خواند: «اگر روزی بتوانیم تکه سنگ کوچکی را در راه کمک به کسی از جای خود تکان دهیم، آن روز، روز مبارکی است؛ روزی است که بیهوده نگذشته است.» دقایقی همراه آقای شمس به جمع نوجوانان شاد و پر انرژی پایه‌ی اول راهنمایی وارد شدیم. با جمله‌ی «آماده‌ی یاد گرفتیم، لطفاً بفرمایید!» از ما استقبال شد. اما چیزی برای آموزش نداشتیم! از کتاب‌های درسی‌شان حرف زدند؛ این که چه درس‌هایی را بیشتر دوست دارند و کدام‌ها را کمتر. بعضی‌ها از حفظ کردن شعرهای کتاب فارسی شاکی بودند، اما همگی خواندن را دوست داشتند و به خصوص خواندن مجله را بر کتاب ترجیح می‌دادند؛ به این علت که تنوع مطالب آن بیشتر و سرگرم‌کننده‌تر است.

متأسفانه با وجود این اشتیاق، فقط مجله‌ی شماره یک نوجوان به دستشان رسیده بود، در حالی که در پایان آذرماه بودیم. وقتی از مطالب مجله سؤال کردیم، بخش‌های مورد علاقه‌ی خود را نام بردند که یکی از آن‌ها بخش آشپزی بود. پرسیدم: «فکر نمی‌کنید این کار دخترانه است و بهتر است در مجله‌ای برای دخترها چاپ شود؟»

گفتند:

– ما قرار است چند سال دیگر به دانشگاه برویم. ممکن است لازم باشد تنها زندگی کنیم پس باید هر کاری را یاد بگیریم.

(والحق که برایشان جالب بود! چون فهرست غذاهای شماره‌های متفاوت مجلات سال گذشته را به خاطر داشتند: حلوا، خرما، املت پیتزا و...)

– کاردستی‌های مجله، هم به درد دخترها می‌خورد هم به درد پسرها.

– بچه‌ها از همه‌ی مطالب می‌توانند استفاده کنند.



- در مجله‌ی پارسال، بازی و ریاضی و چیستان‌های قشنگی بود.  
- رشد دوره‌ی ابتدایی (رشد دانش‌آموز) مطالب جالبی داشت.  
- پارسال پشت جلد‌های مجله‌مان، شعرهای سعدی و حافظ هم بود.  
- در مجله‌ی شماره‌ی ۳ پارسال درباره‌ی فردوسی مطلب بود.  
- کاردستی یک کیفی بود که آب نمی‌گرفت. ما آن را درست کردیم.  
گفتم: «شماره‌های ۲ و ۳ مجله به دستتان نرسیده است. دوست دارید چه چیزهایی در آن‌ها باشد؟»

گفتند

- داستان و شعر مناسب محرم.  
- درباره‌ی روایات‌ها مطلب باشد.  
- کاردستی‌هایی که زیاد سخت نباشند و بتوانیم آن را بسازیم.  
- کاردستی‌هایی که با آرمیچر و باتری کار کنند.  
- مثل رشد دانش‌آموز، داستان‌هایی از شاهنامه داشته باشد.  
پرسیدم: «با علاقه‌ای که به مجلات دوران ابتدایی داشتید، با آن‌ها چه کار کردید؟»  
گفتند:

- بعضی از آن‌ها را که مطالب جالب داشتند، کنار دفترهای مشقم برای یادگیری قایم کردم.


- دو سال پیش قصه نوشتیم و از عکس‌های مجله برای کتاب قصه‌مون استفاده کردیم.  
- من یک مجله‌ی تازه درست کردم.  
- همان پارسال روزنامه‌ی دیواری هم ساختیم.

ممکن بود مجله‌های سال قبل را نگه نداشته یا از بین برده بودند، اما از تعریف‌هایشان پیدا بود که مطالب آن را چنان خوانده و شاید مرور کرده بودند که تقریباً حفظ بودند. امیدواریم همین علاقه‌مندی به مطالعه، در زمان نبودن مجله و در تمام اوقات فراغت، نسبت به خواندن کتاب‌های غیردرسی هم وجود داشته باشد.

### زیرنویس

۱. حافظ. حلقه‌ی پیر مغان از ازلم در گوش است  
بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود
۲. بوستان سعدی، باب هفتم.
۳. مناطق به خاطر پراکندگی جغرافیایی و تعداد زیادشان به هفت قطب تقسیم شده‌اند.





وقتی جشنواره‌ی خواندن  
را راه انداختیم، در کنارش  
نشریات و مجلات رشد را  
معرفی می‌کردیم



با آقای مجید بذرافکن گفت‌وگو و مصاحبه‌ی رسمی نداشتیم. تنها در دقایقی که همراه ایشان به مدرسه‌ی خرد، دبستان نیاکوثری و تپه‌های اطراف شیراز برای دیدن آقای مرادی و شاگردانش رفته بودیم، از صحبت‌ها و نظرات اندیشمندانه‌ی ایشان در خودرو استفاده کردیم؛ حرف‌هایی که قابل تأمل و اندیشه است.

آقای بذرافکن، جوانی پرانرژی، بسیار اهل مطالعه و صاحب قلم، از همکاران و دوستان نزدیک آقای شمس است. با وجود هدف مشترکی که در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی با ایشان داشته است و با وجود همکاری و همراهی در بسیاری طرح‌ها، تشویق‌ها و تقدیرنامه‌ها را وسیله‌ی خوبی برای ایجاد انگیزه و گرایش همکاران و دانش‌آموزان به مطالعه نمی‌داند و اعتقاد دارد:

- در نظام مکتب‌خانه‌ای قدیم، کسانی که به یادگیری می‌پرداختند، همه عاشق علم بودند. اما در دوران کنونی، ما دائماً گفته‌ایم: این کار را بکن، تقدیرنامه و جایزه می‌دهیم. دانش‌آموز احساس می‌کند باید کتاب بخواند به خاطر این که هدیه و جایزه بگیرد. یا من معلم مجله بخوانم تا تقدیرنامه بگیرم.

چرا وقتی آزمون را برمی‌داریم، یا تقدیرنامه را حذف می‌کنیم، میزان درخواست مجلات پایین می‌آید؟ جز این است که به اندازه‌ی لازم فرهنگ‌سازی نکرده‌ایم؟

از ۱۰ سال پیش تاکنون، ما چه قدر به سمت تربیت درون

و احساس نیاز و ایجاد این باور حرکت کرده‌ایم؟ از زمان آقای زارع تاکنون، حرکت‌های زیادی شده است، اما به نظر من خیلی موفق نبوده‌ایم. افراد را تشنه‌ی گرفتن تقدیرنامه و گواهی دانش‌افزایی و... کرده‌ایم. اگر پاداشی در کار نباشد و بگویند: «بخوانید برای خودتان»، کسی رغبت به مطالعه ندارد.

○ طرح دانش‌افزایی از طریق مجلات رشد و آزمون و تقدیرنامه در برنامه‌ی کار امسال شما نیز هست. چه تغییری در شکل و نحوه‌ی کار داده‌اید؟

● طرح دانش‌افزایی از ۱۰ سال پیش و در زمان آقای زارع و قاسمی هم انجام می‌شد؛ زمانی که فقط رشد آموزش ابتدایی را داشتیم. هنگامی که انتشار رشد مدیریت شروع شد، من این طرح را به نام «ارتقای دانش و توانش مدیران» تغییر دادم و مجله‌ی رشد مدیریت

## آب کم جو، تشنگی آور به دست

فاطمه رضایی

گفت‌وگو با مجید بذرافکن، نماینده‌ی  
مجلات رشد در استان فارس

هم همان سال آن را چاپ کرد؛ سال ۱۳۸۱ یا ۱۳۸۲. این طرح تا زمانی که آقای شمس مسئولیت رشد را در استان برعهده گرفت هم ادامه پیدا کرد و به همان سبک اجرا می‌شد.

در طرح دانش‌افزایی که آقای شمس به مدارس فرستاده بود، معلمان می‌توانستند در سه آزمون جداگانه‌ی مجله‌های رشد معلم، مدرسه‌ی فردا و تکنولوژی - هر سه مورد یا یکی از آن‌ها - شرکت کنند و به تعداد هر کدام تقدیرنامه بگیرند. من این طرح را به این شکل تغییر دادم که طرح در دو گروه انجام می‌شود: در گروه یک که عمدتاً همکاران دوره‌ی ابتدایی و مدیران دوره‌های تحصیلی گوناگون خواهند بود، داوطلبان دو عنوان از مجلات ماه‌نامه را انتخاب می‌کنند و روز آزمون، به ۲۰ سؤال برای هر عنوان پاسخ می‌دهند. در گروه دو که شامل مربیان پیش‌دبستانی، دبیران مدارس راهنمایی و متوسطه است، همکاران یک عنوان از مجلات رشد تکنولوژی، مدرسه‌ی فردا و معلم، و یک عنوان از مجلات تخصصی مورد علاقه‌شان را انتخاب می‌کنند. در نهایت همه در یک آزمون به ۳۰ سؤال پاسخ می‌دهند و در صورت موفقیت تقدیرنامه می‌گیرند.

تفاوت دیگر طرح جدید دانش‌افزایی از طریق مجلات این است که همکاران برای شرکت در آزمون موظف به خرید مجله‌ها نیستند. با حذف اشتراک اجباری نیز، میزان تقاضای مجلات قدری افت کرد. خیلی از همکاران ما متأسفانه اصلاً علاقه‌ای به خواندن ندارند. سال‌های گذشته در یکی از شهرستان‌ها آزمون به طور کامل باطل شد؛ چون همه‌ی همکاران نمره‌ی یکسان گرفته بودند! اکثر آن‌ها بدون مطالعه و به امید مشورت با هم شرکت کرده بودند.

دیگر این‌که عوامل برگزارکننده‌ی آزمون پارسال، هنوز نتوانسته‌اند حق‌الزحمه‌ی خود را دریافت کنند. ۱۰ سال پیش بابت برگزاری آزمون حق‌الزحمه‌ای پرداخت نمی‌شد و این کار به طور موظف انجام می‌گرفت. ولی وقتی یک بار بابت انجام کاری پولی پرداختید، این پرداخت فرهنگ و قانون می‌شود. شاید آزمون امسال را بتوانیم با مشورت با همکارانمان در اصفهان، به صورت اینترنتی برگزار کنیم. با طرح جدید، در حال حاضر شمار مشترکان مجلات تخصصی، هر کدام تا ۵۰۰ نسخه افزایش یافته، اما از مشترکان رشدهای معلم، مدرسه‌ی فردا و مدیریت کاسته شده است.

○ شما نگران کم‌شدن میزان تقاضای مجلات نیستید؟

● اگر کسی مجله را بگیرد و نخواند، چه‌قدر باید از کار خودمان راضی باشیم؟ اگر ۱۰ سال پیش، این تشنگی را نسبت به محتوای مجلات ایجاد کرده بودیم، نه نسبت به دریافت تقدیرنامه و امتیاز، با حذف پاداش تعداد مشترکان مجلات افت نداشت. قدم اول من برای مبارزه با این فرهنگ نادرست، حذف اجبار خرید مجلات است، چه برای دانش‌آموزان و چه برای همکارانی که داوطلب شرکت در آزمون دانش‌افزایی هستند. نباید دریافت تقدیرنامه عاملی شود که مدیر مدرسه، خرید مجلات را برای بچه‌ها الزامی کند. برای دانش‌افزایی نیز در بخش‌نامه‌ها به طور ملایم به همکاران توصیه کرده‌ام که: «خرید مجلات اجباری نیست، اما مجلات رشد یکی از منابع ارزشمند برای نگه‌داری در کتاب‌خانه‌ی شخصی شما هستند.» بدین ترتیب شاید ظرف ۱۰ سال آینده به جایی برسیم که بدون برگزاری آزمون و اهدای تقدیرنامه، معلم نیاز به خواندن را احساس کند و عادت به آن را در خود پرورش دهد.

اگر پاداشی در کار نباشد  
و بگویند: «بخوانید برای  
خودتان»، کسی رغبت به  
مطالعه ندارد

○ فکر نمی‌کنید با شتابی که در تحولات جهانی وجود دارد، مدت ۱۰ سال برای فرهنگ‌سازی به منظور درک ضرورت نیاز به مطالعه، زمان درازی است؟ چه‌طور می‌توان به این حرکت سرعت بخشید؟

● کارگاه‌های خوب و مدرسان توانا می‌توانند این نیاز را در معلمان ایجاد کنند. معلمان ابتدایی ما هنوز تشنه‌ی این قضایا هستند. در يك کارگاه آموزشی، مدرس خوب را رها نمی‌کنند؛ وقت ناهار هم می‌گویند کلاس را تعطیل نمی‌کنیم، لطفاً ادامه دهید. مدرسی که در حین تدریس مطلب جالبی را عنوان می‌کند که همکاران مشتاق شنیدن ادامه‌ی آن و یا شرح مفصل‌تر آن هستند، می‌تواند مخاطبین را به مجله یا کتاب منع ارجاع دهد. بدین ترتیب لذت خواندن و انگیزه‌ی مطالعه در همکاران ایجاد می‌شود.

در کارگاه «مهارت زبان‌آموزی»، استاد برای معرفی مجلات به عنوان یکی از ابزارهای مناسب کار معلمان، بخشی از داستان «موچاق» را از «رشد نوآموز» تعریف کرد و ادامه‌ی داستان را از همکاران پرسید. معلمان حدس‌های متفاوتی می‌زدند و مشتاق شنیدن ادامه‌ی ماجرا بودند. در عین حال که فرا گرفتند، چه‌طور از مجلات به عنوان ابزار کمک‌آموزشی در کلاس استفاده کنند، به ضرورت خواندن و مطالعه برای خود پی بردند.

مقالات آقای طاهری در رشد آموزش ابتدایی درباره‌ی فعالیت‌های تکمیلی علوم برای همکاران، بسیار جالب و ملموس بود. کافی بود همکاران يك بار به شکل کاربردی با این مقالات آشنا شوند تا آن‌ها را برای کار و پیشرفت خود ضروری بدانند و برای همیشه آن‌ها را در زمره‌ی منابع مطالعه‌ی خود قرار دهند. زمانی که آموزگار بودم، قسمت‌هایی از این مقالات را برای خودم و همکارانم کپی گرفته بودم و از آن‌ها استفاده می‌کردیم.

ما فقط باید به همکاران جهت بدهیم و آن‌ها را به مطالعه و یادگیری علاقه‌مند کنیم. چند وقت پیش که در جلسه‌ی مدیران از دو نیاز کودکان حرف می‌زدیم؛ یکی از نیازها را از کتابی خواندم و قبل از خواندن نیاز دوم، کتاب را بستم. همکاران علاقه‌مند شدند کتاب را بخوانند و ادامه‌ی مطلب را بدانند. در هر کارگاه علمی، مدرس و عوامل آموزش و پرورش باید دوستان را تشویق کنند که: «این مطلب را بخوان و تأثیرش را آزمایش کن. اگر اثر نداشت، دیگر سراغش نرو.» وقتی معلم ببیند که خواندن مطلبی کارش را در کلاس آسان می‌کند، بچه‌ها هم بیشتر

دوستش دارند، لازم هم نیست که انرژی زیادی صرف کند، آن را می‌پسندد. مهم این است که چنین سمت و سویی داده شود.

○ شما و همکارانتان در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی هم بسیار موفق بوده‌اید. این را از درصد افت بسیار کم مشترکان مجلات در طرح جدید می‌توان فهمید. درباره‌ی کاربردی بودن مطالب رشد نیز فرمودید که می‌تواند به ایجاد انگیزه در گرایش معلمان به استفاده از نشریات کمک کند.

● بله، کسی که نقش مجلات را باور دارد، نه تنها آن‌ها را مطالعه می‌کند که به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد. من به تأثیر مجله‌ها اعتقاد دارم. سال‌هاست همه‌ی شماره‌های رشد آموزش ابتدایی و مدیریت را به دقت مطالعه می‌کنم. می‌توانم بگویم فلان مطلب یا گزارش از نظر علمی اهمیت دارد یا نه، یا کدام مطلب بسیار مفید است. برای مثال، زمانی رشد آموزش ابتدایی

وقتی معلم ببیند که خواندن مطلبی کارش را در کلاس آسان می‌کند، بچه‌ها هم بیشتر دوستش دارند، لازم هم نیست که انرژی زیادی صرف کند، آن را می‌پسندد. مهم این است که چنین سمت و سویی داده شود

خیلی کاربردی‌تر بود و مخاطب را بهتر می‌شناخت. الان برخی مسائل تحقیقی و ارجاع دادن‌ها برای معلمان شاید خیلی مطلوب نباشد و باعث خستگی شود.

احساس می‌کنم، در رشد مدیریت جای مطالبی خالی است. مثلاً نکات کوچک علمی و روان‌شناسی درباره‌ی شکل و رنگ کلاس و مدرسه؛ مسائلی که کارایی و توان مدرسه را افزایش دهند. برای نمونه، رنگ کلاسی که با هم از آن بازدید کردیم، دقیقاً به رنگ روپوش دانش‌آموزان بود؛ رنگ صورتی که خیلی زود چشم را خسته می‌کند. دانستن این‌که از نظر علمی چه رنگی برای کلاس مناسب است و در مقابل، لباس دانش‌آموزان چه رنگی داشته باشد، روی در مدرسه باید نقاشی باشد یا نه و نکاتی از این قبیل، برای مدیر لازم است. اگر مدیر بداند این نکات و مطالب لازم دیگر را می‌تواند در مجله پیدا کند، حتماً به سراغ آن می‌رود. آزمون و تشویقی هم لازم ندارد!

○ در زمینه‌ی علاقه‌مند سازی کودکان به مطالعه، مثل هر کار دیگری فکر نمی‌کنید و تشویق و جایزه مهم‌ترین حربه و وسیله است؟

احساس می‌کنم، در رشد مدیریت جای مطالبی خالی است. مثلاً نکات کوچک علمی و روان‌شناسی درباره‌ی شکل و رنگ کلاس و مدرسه؛ مسائلی که کارایی و توان مدرسه را افزایش دهند

● آقای دکتر احمدی علت بی‌علاقگی بچه‌ها به مطالعه را، ضعف محیط کتاب‌خانه‌ای در خانواده می‌داند. وقتی پدران و مادران درس خوانده، به آن‌چه که اعتقاد دارند، عمل نمی‌کنند و اهل مطالعه نیستند، این باور در دانش‌آموزان هم ایجاد نمی‌شود. برای پرداختن به این مسئله و ایجاد این باور، فعالیت در یک عرصه کافی نیست. از همه‌ی ابعاد باید به آن پرداخت و همه باید دست به دست هم بدهند. افراد باید از خواندن لذت ببرند و علاوه بر پاسخ به نیازهای درونی خود، در عرصه‌ی زندگی نیز از آن استفاده کنند. شاید این مسئله برمی‌گردد به این‌که نظام تعلیم و تربیت رسمی ما موفق نبوده است.

با نظرسنجی که در مدارس داشتیم، دریافتیم که از بیک نوروزی در دوره‌ی راهنمایی، نه معلم استقبال می‌کند نه دانش‌آموز. فکر کردیم می‌توانیم به یکی از پایه‌ها، چند کتاب خاص و برگزیده، با محتوای علمی، داستان و یا رمان با قلم خوب معرفی کنیم. بچه‌ها می‌توانند یکی را به سلیقه‌ی خود انتخاب کنند، در طول نوروز بخوانند و در پایان آن‌را خلاصه یا نقد کنند. دانش‌آموزانی که از بیک شاکمی بودند، باز آن را بر خواندن کتاب ترجیح دادند! بچه‌ها هنوز لذت خواندن یک کتاب خوب را نچشیده‌اند که این ولع در آن‌ها ایجاد شود. ما نتوانسته‌ایم این ولع را در آن‌ها ایجاد کنیم.

کتاب‌خانه‌های مدارس خاص و خوب، پر از کتاب‌های کمک‌آموزشی هستند. اما والدین ترجیح می‌دهند، بچه‌ها بیشتر درسشان را بخوانند تا مطالعه‌ی آزاد داشته باشند. کنکور و درس مثل یک بیماری آن‌ها را از مطالعه دور کرده است. در مطالعات «پرلز» روی ۳۵ کشور، ما رتبه‌ی ۳۱ شدیم! اسیر این نگرش اشتباه هستیم که مطالعه‌ی آزاد، روی پیشرفت تحصیلی اثری ندارد. در حالی‌که اگر دانش‌آموز، قدرت خواندن و توانایی درک و فهمش بالا رود، در درس‌هایش هم موفق‌تر خواهد بود. فقط به آزمون مدرسه، کنکور و هدف آخر توجه دارند.



○ برنامه و هدف اصلی شما در فعالیتهای گروههای آموزشی امسال چیست؟

● من در مورد افزایش کمی مجلات کوتاهی نمی‌کنم، ولی عمده‌ی فعالیتم را هم روی این کار متمرکز نمی‌کنم. برنامه و هدف اصلی من، بحث نرم‌افزاری آموزش است. اگر معلمی از من سی دی روش تدریس درسی را بخواهد، یا مدیری در رابطه با کار و مدیریت خود سی دی آموزشی لازم داشته باشد، یا معلم راهنما، یا یک معلم کلاس چندپایه و دیگر همکاران از من کمک بخواهند، چه چیز برای ارائه دارم؟ در کشور ۴۸ هزار کلاس چند پایه داریم. آیا تا به حال کسی فیلمی از آموزگاری که به طور ماهرانه این کلاس را اداره می‌کند، درست کرده است تا الگویی برای معلمان دیگر ما باشد؟ سه هزار کلاس چند پایه در استان فارس وجود دارد که به الگو و روش تدریس نیاز دارند. من معلم چند پایه‌ای را می‌شناختم که ۳۱ دانش‌آموز در پنج پایه داشت و از هر مدرسه‌ی خاصی که شما نام ببرید، بهتر کار می‌کرد. به خانه‌ی بچه‌ها می‌رفت، در فضای باز و در طبیعت درس می‌داد و خیلی کارهای دیگر.

○ نمونه‌ی کار این معلمان موفق در رشد آموزش ابتدایی آمده است. آیا می‌تواند برای همکاران الگو باشد و به آن‌ها کمک کند؟

● تجربه‌های معلمان موفق در مجلات رشد به صورت گزارش ارائه می‌شوند، نه الگوی طرح درس و روش تدریس. برای دانش‌آموزان مطالبی ارائه شده است، ولی برای همکاران نه. ما به الگوهایی برای آموزش مهارت‌های املا، انشا و مانند آن‌ها نیاز داریم، در حالی که تنها فیلم‌های در دسترس، فیلم‌های جشنواره‌های تدریس هستند که آن‌ها هم به صورت غیرحرفه‌ای فیلم‌برداری می‌شوند. پخش صدا در صحنه، دوربین ثابت، و داورهایی که نشسته‌اند، از جمله اشکالات این فیلم‌ها محسوب می‌شوند.

دلم می‌خواهد روی یک سی‌دی، ۱۰ کلیپ و فیلم‌های سه دقیقه‌ای بگذارم که هر کدام حاوی یک نکته‌ی آموزشی خوب و لازم باشد تا با عنوان پیام گروه‌های آموزشی به مدارس فرستاده شود. این سی دی را می‌توان یک روز در میان در زنگ تفریح، به مدت سه دقیقه برای همکارانی که در دفتر در حال استراحت هستند، پخش کرد. جمع این سه دقیقه‌ها می‌تواند کارساز باشد. اول باید

زمینه‌ی ذهنی همکاران را آماده کرد و سپس چنین محصولاتی را برای آنان ساخت.

یک شیوه‌ی ارزیابی گروه‌های آموزشی این است که وارد مدرسه‌ای شویم و از معلم بپرسیم: شما از گروه‌های آموزشی چه خیری دیده‌اید؟ اگر او فکری کرد و گفت: گروه‌های آموزشی برای بچه‌ها پیک می‌نویسند و از این قبیل کارها، مردود شده‌ایم. اگر درباره‌ی ما که ادعا داریم این قضیه را رهبری می‌کنیم، این‌طور قضاوت کنند، باید باور کنیم که در حقیقت هیچ نقشی نداریم! باید به همراه سرگروه‌ها و نیروهایی که تحت پوشش هستند، توان و ظرفیت‌مان را روی تهیه‌ی نرم‌افزارهای مناسب متمرکز کنیم. به کلاس‌ها سر بزنیم و از معلمان بپرسیم: شما چه‌طور مطالب درسی را ارائه می‌کنید؟ یا برنامه‌ی دادن تکلیف و ارزش‌یابی‌تان چگونه است؟ بعد یک سی‌دی مناسب به آن‌ها بدهیم که فقط صد تومان هزینه برمی‌دارد. به هر حال، تلاش گروه‌های آموزشی باید در جهت هدایت و رهبری و کمک به وضعیت آموزشی کلاس‌ها باشد.

○ ما نیز امیدوار و مطمئن هستیم که شما در این مسیر پیروز و موفق خواهید بود. ان‌شاءالله.

با نظرسنجی که در مدارس داشتیم، دریافتیم که از پیک نوروزی در دوره‌ی راهنمایی، نه معلم استقبال می‌کند نه دانش‌آموز







در جمع همکاران دبستان نیا کوثری

# یک روز دیر آمده بودیم!

فاطمه رضایی

از قدیم قصه‌ی آشپز که دوتا شود و دو سلطانی که در اقلیمی نمی‌گنجند را شنیده‌ایم و گاه شرح اختلاف مدیران دو نوبت صبح و عصر را در گزارش‌ها و حکایت‌های مدرسه‌ها خوانده‌ایم. اما حکایت خانم نبوی‌زاده و خانم راستی، مدیران دو نوبت صبح و عصر مدرسه‌ی دخترانه‌ی «نیا کوثری» ماجرای دیگری است.

هماهنگی، همدلی و برنامه‌های حساب شده و دقیق این دو همکار را، از نظم و آرامش مدرسه گرفته تا پوشش ظاهر آن‌ها می‌توانستی احساس کنی. هر طرح و برنامه‌ای در مدرسه برای دو نوبت به‌طور یکسان اجرا می‌شود. اولین و آخرین شورای آموزگاران دو نوبت و تمام جلسات انجمن اولیا و مربیان، مشترک است. اما ویژگی مورد توجه ما که سبب شد برای تهیه‌ی گزارش همراه آقای بذرافکن به آن‌جا برویم، میزان استفاده و شیوه‌های بهره‌مندی آن‌ها از مجلات رشد بود.

با وجود تمام شدن ساعت کار نوبت صبح، خوش‌بختانه هر دو مدیر در مدرسه حضور داشتند که می‌گفتند در اغلب موارد چنین است. داخل ساختمان، کنار در ورودی تابلوی «ایستگاه خبر»، شاد و خندان ایستاده بودند. از مطالب علمی و مذهبی گرفته تا لطیفه و چیستان، روی این تابلو خودنمایی می‌کرد. خانم راستی توضیح داد: «بخشی از این مطالب از مجلات رشد بچه‌ها انتخاب شده است. مطالب به مدت یک ماه روی تابلو می‌ماند. ابتدای ماه بعد، مطالب جدید به اضافه‌ی سؤال‌هایی از مطالب ماه پیش جای آن‌ها را می‌گیرند. کسانی که مایل هستند، به سؤال‌ها پاسخ می‌دهند و پاسخ را در صندوقی که نزدیک تابلو روی دیوار نصب شده است می‌ریزند تا در مسابقه شرکت داده شوند.»

خانم نبوی‌زاده اضافه کرد: «نه تنها تمام بچه‌های دو نوبت تحت پوشش رشد هستند که امسال از طرف مدرسه تمام همکاران و معاونان نیز مشترک رشد شده‌اند. برای بالابردن سطح علمی همکاران صرف این هزینه‌ها لازم است.»

خانم نبوی‌زاده هم چنین توضیح داد: «در جلسات شورای آموزگاران تا پایان سال تحصیلی برنامه‌ریزی شده است که هر جلسه، آموزگاران یکی از پنج پایه درباره‌ی یکی از مطالب رشد آموزش ابتدایی که برایشان جالب‌تر بوده است، صحبت کنند و در آن زمینه با همکاران تبادل نظر داشته باشند.»

دیروز نوبت معلمان پایه‌ی دوم بود که از ۷۰ راه اثربخشی آموزش املا صحبت کردند. همکاران به یاد خاطره‌ها و تجربیات شخصی خودشان می‌افتادند و هر کدام به نحوی بحث را کامل می‌کردند. تعامل زیبا و رضایت‌بخشی پیش آمده بود.»

جای ما خالی بود و یک روز دیر آمده بودیم! خانم راستی و نبوی‌زاده که هر دو از خوانندگان جدی مجلات رشد مدیریت مدرسه و رشد آموزش ابتدایی هستند، از مطالب آموزنده‌ی مجلات و تجربیات سبز دیگر همکاران، با توجه به شرایط مدرسه‌ی خود استفاده می‌کنند. از جمله، طرح «تابلوی معرفت» که به شکلی تازه‌تر در مدرسه اجرا می‌شود. آن‌ها والدین بچه‌ها را نیز که اغلب از فرهنگیان هستند، فراموش نکرده‌اند و سهمی از وب‌سایت مدرسه را به مطالب مجلات رشد برای والدین اختصاص

خانم نبوی‌زاده اضافه کرد: «نه تنها تمام بچه‌های دو نوبت تحت پوشش رشد هستند که امسال از طرف مدرسه تمام همکاران و معاونان نیز مشترک رشد شده‌اند. برای بالابردن سطح علمی همکاران صرف این هزینه‌ها لازم است.»



داده‌اند. مطالب بهداشتی، آموزشی، رفتاری و سایر مواردی که ممکن است برای والدین مفید و لازم باشد، علاوه بر وبسایت به صورت بروشور هم در اختیارشان قرار می‌گیرد. جای تأسف بود که با این میزان توجه به نشریات، در پایان آذرماه فقط مجلات شماره‌ی یک به دست آن‌ها و دانش‌آموزانشان رسیده بود. آموزگاران نیز از نحوه‌ی توزیع مجلات گله و شکایت داشتند که شرح آن پس از این خواهد آمد.

خانم راستی درباره‌ی محتوای مجلات گفتند: پیش از این، رشد آموزش ابتدایی هم تعداد صفحاتش بیشتر بود، هم پرمحتواتر و متنوع‌تر بود. در مجموع، مقالات ساختارگرایی که در هشت شماره ادامه داشت، مقالات دکتر مصطفوی و مقالات آقای طاهری در زمینه‌ی علوم خیلی مفید بودند.

خانم نبوی نیز عقیده داشت: تجربیات سبز کشورهای مختلف از بخش‌های جالب مجله بود. به کلاس خانم یزدیان، معلم کلاس اول رفتیم و با بچه‌ها درباره‌ی مجله‌ای که فقط یک شماره‌ی آن را از اول سال دیده بودند، حرف زدیم. درباره‌ی فرق کتاب و مجله گفتند و این‌که: «وقتی مجله می‌خوانیم به ما خیلی خوش می‌گذرد.»  
کاردستی و لطیفه‌های مجله از قسمت‌های مورد توجه آن‌ها بود. خانم معلمشان بیشتر از کتاب‌های قصه برایشان می‌خواند. خانم یزدیان گفت: «در حال حاضر، بچه‌ها فقط دور حروف را خط می‌کشند و از بعد از عید روی مجلات کار خواهند کرد.»  
در کلاس خانم جعفرزاده، دانش‌آموزان کلاس چهارم، هرچه از مطالب مجله به یاد داشتند، گفتند؛ از زندگی عقرب گرفته تا



آقای بذرافکن گفت: «من فکر می‌کنم خیلی از همکاران ما اگر اسم آزمون و دانش‌افزایی نباشد، علاقه‌ی چندانی به مجلات ندارند. آیا موافقید؟»

درست کردن ژله. یکی از بچه‌ها پرسید: «مجله‌های بچه‌ها در مدرسه‌های شهرهای دیگر هم مثل همین مجله است؟ بچه‌ها گفتند که هنوز ورق زدن و تماشای مجلات سال‌های گذشته برایشان جالب است و حوصله‌شان سر نمی‌رود؛ به‌خصوص چیستان‌ها و لطیفه‌هایش که بیشتر از امسال است. همین‌طور گفتند:

- بعضی از مطالب را کوتاه‌تر و خلاصه‌تر بیاورید و به جایش مطالب تازه‌تر بگذارید.
- درباره‌ی انسان‌های نخستین بنویسید.
- درباره‌ی پیامبرانی بگویید که نمی‌شناسیمشان.
- بعد از هر قصه سؤال بدهید.

از خانم جعفری در مورد فعالیت‌هایشان در ارتباط با مجلات پرسیدیم. گفتند: «در آغاز سال تحصیلی» جلسه‌ای با اولیا در مورد مجلات رشد داشتیم و والدین که اکثرشان فرهنگی هستند، روی توجه بیشتر به مجلات و حتی برگزاری آزمون از آنها اصرار داشتند. چرا که معتقد هستند، ممکن است در آزمون‌های مدارس خاص و تیزهوشان از مطالب این مجلات سؤال بیاید.» پرسیدیم: آیا این کار باعث دل‌زدگی بچه‌ها از مجله نمی‌شود؟ و پاسخ شنیدیم: «اگر به صورت مسابقه باشد، نه. بچه‌ها



مسابقه را دوست دارند. بیست سؤالی راه می‌اندازیم و بچه‌ها به صورت گروهی به پرسش‌ها جواب می‌دهند. خواندن مجله به درک مطلب دانش‌آموزان کمک می‌کند و درسشان هم قوی‌تر می‌شود. گاهی والدین ترجیح می‌دهند بچه‌ها به جای مجله درس بخوانند و این اشتباه است.»

زنگ تفریح در دفتر مدرسه در جمع همه‌ی معلمان خوب، اندیشمند و صمیمی دبستان بودیم. هر کس از فعالیت خود روی مجلات رشد مطلب جالبی گفت که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم (قبلاً از این که اسامی این عزیزان را ذکر نکرده‌ام، عذر می‌خواهم؛ چرا که همه‌ی این دوستان زمان صحبت نام خود را نگفتند):  
در کلاس، برای تقویت روخوانی در کلاس از مجلات استفاده می‌کنیم.  
- مجلات می‌توانند مکمل کتاب درسی باشند. در ساعت انشا برای خلاصه‌نویسی داستان یا مطالب علمی، سراغ مجله‌ها می‌رویم.

- برای تقویت املا و تقویت انشا و آمادگی در جشنواره‌ی خواندن از این مجله‌ها استفاده می‌کنیم.  
- (معلم کلاس پنجم) مشکل ما این است که مجلات رشد به موقع به دست ما نمی‌رسد. سال‌های گذشته برای رشد تکنولوژی و رشد آموزش ابتدایی ثبت‌نام کرده و هزینه‌اش را پرداخته بودم، اما سه چهار شماره‌اش اصلاً نیامد. اگر می‌گفتند نمی‌آید، خودمان می‌رفتیم و تحویل می‌گرفتیم. این بی‌نظمی در توزیع باعث می‌شود که خودبه‌خود کمی سرد شویم. ولی در کل مجلات رشد مطالب خوبی دارند. در کلاس از مجلات بچه‌ها استفاده نمی‌کنم، ولی تأکید دارم که در خانه آن را بخوانند. از آن چه که در کلاس می‌گویند، می‌فهمم که مجله را خوانده‌اند.

- (معلم کلاس دوم) ما مجله را در کلاس می‌خوانیم و من از مطالب مجله سؤال می‌کنم. این کار باعث تقویت درک مطلب آن‌ها می‌شود. اگر از آن‌ها نخواهم و اجبار نکنم، نمی‌خوانند.  
- فرهنگی بودن خانواده‌های بچه‌ها از یک جهت خوب است اما شاغل بودن مادرها و این که فرصت ندارند، مشکلی برای ماست. والدین از ما توقع دارند که با بچه‌ها مجلات را بخوانیم.

- بچه‌ها مسابقه و جایزه را دوست دارند.  
- خوب است که از مطالب کاربردی و درسی یکی دو سؤال در مجلات باشد.  
- بازی‌های مجله و سرگرمی‌های آن برای بچه‌ها جالب‌ترند.  
- بچه‌ها به جدول هم علاقه دارند. هم دایره‌ی واژگان آن‌ها را زیاد می‌کند و هم روی حافظه‌ی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.  
آقای بذرافکن گفت: «من فکر می‌کنم خیلی از همکاران ما اگر اسم آزمون و دانش‌افزایی نباشد، علاقه‌ی چندانی به مجلات ندارند. آیا موافقید؟»

پاسخ معلمان چنین بود:

- اگر مطالبی به‌روز و مفید باشد، حتماً به آن توجه می‌شود. برخی از مطالب تکراری‌اند، اما ما مجلات را می‌خوانیم.  
- معلمان دوست دارند، در مجلات با روش‌های نوین تدریس در مجلات آشنا شوند.



- من با توجه به وقت محدودی که دارم، در کلاس به جای مقالات طولانی، مطالب کوتاه و مفید را لازم دارم. نشریات رشد باید چنین مطالبی داشته باشند.

آقای بذرافکن افزود: تنها خودتان را در نظر نگیرید. آیا همکارانتان در مدارس دیگر به خواندن علاقه دارند؟ چه طور می‌شود که بدون برگزاری آزمون، معلمان به مطالعه علاقه‌مند شوند؟  
- بیشتر همکاران فرصت مطالعه ندارند.

- علاقه به مطالعه باید از کودکی ایجاد شود و بیشتر تحت تأثیر محیط خانواده شکل می‌گیرد تا اصرار معلم در مدرسه.  
- چرا من معلم ساعتی را در مدرسه برای مطالعه و افزایش دانسته‌هایم ندارم؟ همه‌ی کارمندان ساعت اضافه‌کاری دارند. ما بیشتر کارهای مدرسه را در خانه انجام می‌دهیم. حتی در مدرسه، غیر از ساعت شورا، فرصتی برای مشورت با همکارم ندارم. شش روز در هفته سرکلاسیم و در خانه فرصت مطالعه نداریم. یک روز در هفته را بگذارید که به جای رفتن سرکلاس، به سراغ مطالعه و تحقیق در اینترنت و یا برای آموزش ضمن خدمت به اداره برویم.  
- ساعت مطالعه و تحقیق را جزو ساعت درسی ما بگذارید. نظام آموزش و پرورش ما، به ما امکان مطالعه و افزایش معلومات را نمی‌دهد.

آقای بذرافکن فرصت را مناسب دانست و در مورد طرح امسال دانش‌افزایی هم از همکاران نظرخواهی کرد. همکاران ضمن تأیید آن گفتند خوب است که در انتخاب مجلات آزادتر باشند و از ساعت و زمان آزمون‌های سال گذشته که با ساعت تدریس آن‌ها برخورد داشت، گله کردند.

فرهیختگان مدرسه‌ی نیا کوثری را به خدا سپردیم و برایشان آرزو کردیم آن‌طور که دوست دارند، روز و ساعتی در هفته به مطالعه و دانش‌افزایی آن‌ها اختصاص یابد.





با بچه‌ها به خانه آمد و در دست پدران و مادران نشست. آنان که در جلسات آموزش خانواده در مدارس، با ارزش و اهمیت این مهمان آشنا شده بودند، تحویلش گرفتند و در کنار فرزندان خود از خوانندگان «رشد» شدند. جمعی نیز از این فراتر رفتند و با این که معلم نبودند، با رشد آموزش ابتدایی و انواع رشدهای تخصصی معلمان اشتراک پیدا کردند. زمانی طولانی از این ماجرا نگذشت که این بار بچه‌های فرهنگیان، کنار والدین نشستند تا آن‌ها را در «آزمون اینترنتی از محتوای مجلات رشد» همراهی کنند. این اقدام علاوه بر آن که حس بزرگی و اعتماد به نفس را در دانش‌آموزان افزایش داد، به معلمان و دانش‌آموختگان قدیم نیز یادآور شد که باید شتاب کنند تا در علوم نوین از فرزندان خود عقب نمانند؛ که امروزه در جوامع پیشرفته، معنای سواد تغییر یافته و «باسواد» کسی است که از علوم دیجیتالی آگاهی دارد، مسلط به زبان انگلیسی است و مهم‌تر از همه «مهارت زندگی» دارد.

«آزمون اینترنتی» برای همکاران، بعد از کارها و فعالیت‌های فرهنگی متفاوتی برگزار شد که تاکنون استان اصفهان در زمینه‌ی ارتقای فرهنگ مطالعه و ترویج نشریات رشد در مدارس برای بچه‌ها داشته است؛ فعالیت‌های مثل: درست کردن مجله توسط دانش‌آموزان با الگوبرداری از مجلات رشد، برپایی نمایشگاه از فراورده‌های رشد، جشنواره‌ی غذا از بخش آشپزی مجله، اجرای مسابقه در زمینه‌های داستان‌نویسی و طنز و چیستان، اجرای فعالیت‌ها و بازی‌های رشد

در زنگ ورزش، نصب مطالب جالب مجله روی پانل‌ها و دیوار راهروهای مدارس، و اختصاص ساعتی با عنوان «زنگ رشد» در برنامه‌ی هفتگی بعضی مدارس و استفاده‌های متنوع از مجلات در آن ساعت. مدارسی نیز مجلات سال‌های گذشته را به صورت مجلد (شماره‌های یک سال) در کتاب‌خانه‌ی خود برای مراجعه و استفاده‌ی همکاران فراهم کرده‌اند.

اما فعالیت‌های رایانه‌ای اصفهان، به خصوص برگزاری آزمون اینترنتی از محتوای مجلات رشد، اقدامی تازه و تجربه‌ای نو در کشور محسوب می‌شود. با آقای محمدرضا اسماعیلی، نماینده‌ی مجلات رشد در اصفهان و عضو شورای IT سازمان در این باره به گفت‌وگو نشستیم:

- بعد از تأیید اهمیت و لزوم آشنایی همکاران فرهنگی با رایانه و علوم مربوط به آن، یعنی ICT، نقطه‌ی آغاز فعالیت شما کجا بود؟
- ابتدا در یک آسیب‌شناسی کلی، دلایل این که چرا در مدارس کشور از IT به درستی استفاده نمی‌شود، مشخص شد: اول، زیرساخت‌های

## گز آنلایین

گفت‌وگو با محمدرضا اسماعیلی،  
نماینده‌ی رشد اصفهان

فاطمه رضایی

لازم در مدارس آموزش و پرورش ما موجود نیستند. دوم، معلمان ما دانش لازم و کافی را برای استفاده‌ی خودشان و نیز آموزش کودکان ندارند. ممکن است در روش سنتی بسیار مهارت داشته باشند، اما نمی‌توانند آن را با روش‌های جدید و IT تلفیق کنند. اصلاً فرهنگ استفاده از آن در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدارس ما کم یا ضعیف است. از طرف دیگر، الگوی مناسب، عینی و زنده‌ای در آموزش و پرورش ما وجود ندارد که معلمان بتوانند آن را در کلاس خود به کار گیرند.

ما به دنبال راهکارهای عملی بودیم که این موانع را به حداقل برسانیم. در ارتباط با زیرساخت‌ها، ابتدا آماری از مدرسی که کارگاه رایانه دارند، تهیه کردیم. سپس به تقویت و فعال کردن آن‌ها پرداختیم، تا حدی که بتوانند مدارس دیگر را هم سرویس دهند. مصمم شدیم طی برنامه‌ای پنج ساله که از امسال آغاز شده است، تمام واحدهای آموزشی را به کارگاه رایانه مجهز کنیم و منابع مربوط به IT را در کتابخانه‌های مدارس توسعه دهیم.

بین مدرسی که در زمینه‌ی IT قوی هستند، با مدارس ضعیف‌تر ارتباط چند سویه برقرار کردیم؛ ارتباطاتی مثل بازدیدهای آموزشی مدارس از هم، تشکیل شورای معلمان مشترک، تشکیل انجمن اولیا و مربیان مشترک برای انتقال تجارب و کارهایی که انجمن همراهی و کمک کرده است و آموزش و هدایت معلمان. به راه انداختن «جشنواره‌ی روش‌های تدریس مبتنی بر IT»، اقدام دیگری بود که سال گذشته در حوزه‌ی مدارس راهنمایی در درس‌های جغرافیا و علوم تجربی انجام شد. امسال حرفه‌وفن و زبان را در برنامه‌ی جشنواره داریم و به ترتیب هر سال این برنامه را به یاری خدا برای همه‌ی درس‌ها ادامه خواهیم داد.

○ برای معلمان که مهارت‌های لازم را برای استفاده از رایانه نداشتند، چه راهکارهای عملی در نظر گرفته شد؟

● ناچار شدیم مهارت‌های هفت گانه‌ی IT را به عنوان بازآموزی برای کسانی که آن را به‌بوته‌ی فراموشی سپرده و کسانی که دوره ندیده‌اند، به آموزش بگذاریم؛ دست کم در دو برنامه‌ی «powerpoint» و «word» که بتوانند لاقلاً محتوا را از قالب گچ و تخته به نمایش دیجیتالی درآورند.

○ برگزاری مجدد این کلاس‌ها به صرف هزینه‌ی دوباره نیاز داشت.

● بله، برای این منظور ۳۰ میلیون تومان اعتبار در شورای IT سازمان تصویب شد که ارزش آن را داشت. برای نیروهایی با ظرفیت بالاتر هم آموزش تولید محتوا، فلش و مولتی‌مدیا گذاشتیم؛ تا برای کلاس درس خود به صورت بومی، سی‌دی آموزشی تولید کنند. سی‌دی زبان انگلیسی را خود معلمان ساخته‌اند. سی‌دی حرفه‌وفن هم تولید شده است و ساخت سی‌دی برای درس علوم در حال انجام است.

○ چه طور شد که به فکر برگزاری آزمون اینترنتی برای همکاران افتادید؟

● ما همه ساله برای کل کارکنان استان و معلمان سه دوره‌ی تحصیلی، آزمون علمی برگزار می‌کردیم. آزمون در دو مرحله‌ی استانی و منطقه‌ای انجام می‌شد و مشکلات عمده‌ای داشت؛ از جمله: هزینه‌ی ایاب و ذهاب برای همکاران، خطرات تردد از مناطق گوناگون استان، هزینه‌ی کاغذ و چاپ و تکثیر و توزیع سؤال، به علاوه‌ی عوامل اجرایی دست‌اندرکار آزمون‌ها. گذشته از این که شکل امتحان با حضور ناظر و مراقب از لحاظ فرهنگی و اخلاقی مناسب و در خور معلمان نبود.

تصمیم گرفتیم آزمون مبتنی بر IT را به صورت «on line» انجام دهیم. مشکلاتی که احتمالی می‌دادیم با آن‌ها برخورد کنیم عبارت بود از: نداشتن تجربه‌ی عملی در کشور، امکان محدودیت‌های مخابراتی و پهنای باند، عدم استقبال همکاران و مقاومت آن‌ها و مواردی مثل این. اما

فکر کردیم، حتی اگر شکست بخوریم، مهم نیست. آن چه اهمیت دارد، «نقطه‌ی آغاز و شروع کار» است. به همراه سه نفر از دوستان مسلط بر IT، کار را شروع کردیم. نوشتن برنامه دو ماه طول کشید و در مجموع دو مرحله آزمون استانی و منطقه‌ای، ۳۰/۰۰۰ نفر امتحان دادند. البته مشکلاتی هم در نرم‌افزار داشتیم که برطرف کردیم و با به‌روزر کردن آن، دوباره برای آزمون دی ماه سال ۱۳۸۸ آماده است.

○ آیا در آزمون‌های حضوری تعداد بیشتری از همکاران شرکت می‌کردند؟ برگزاری آزمون به این شکل باعث گله و شکایت همکارانی نشد که دسترسی به رایانه و یا مهارت لازم برای کار با آن را نداشتند؟

● نه، کسی شاکی نبود. کمتر بودن تعداد همکاران هم قابل پیش‌بینی بود. دو سال پیش از آن، در حوزه‌ی حضوری، ۱۳۰۰۰ نفر برای آزمون آمدند و در اولین تجربه‌ی آزمون اینترنتی ۸۵۰۰ نفر شرکت کردند؛ با وجود آن که بسیاری از مدارس، از جمله مدارس روستایی دسترسی به رایانه نداشتند. این نسبت خیلی خوب است.

در مرحله‌ی اول جای خاصی را برای امتحان مشخص نکردیم. گفتیم هر کس از هر جا که می‌تواند (منزل، کافی‌نت و...) شرکت کند. از معاونت آموزشی هم خواستیم به هر کس در این آزمون شرکت کرد، تقدیرنامه بدهد، تنها این مهم بود که ترس همکاران بریزد و ضرورت کار احساس شود. هدف، آشتی معلمان با بحث فناوری و IT بود.

در مرحله‌ی دوم آزمون، حوزه‌های اجرا، ادارات آموزش و پرورش محل و مدرسی بودند که کارگاه رایانه داشتند. آزمون به صورت on line انجام شد. زمان آزمون را باید به علت مشکلات احتمالی مثل قطع برق و پایین آمدن سرعت اینترنت، محدود می‌کردیم. نیم ساعت زمان برای آزمون گذاشتیم. در مجموع دو امتحان حدود ۳۰/۰۰۰ نفر، یعنی نزدیک به نصف جمعیت کارکنان ما شرکت کرده بودند. خود همکاران خیلی اظهار رضایت کردند. یکی از معلمان ابتدایی می‌گفت: شما باعث شدید من آموزش‌هایی را که دیده بودم، دوره کنم و یک لپ‌تاپ برای خودم بخرم.

به نتایجی که می‌خواستیم رسیدیم: به وجود آمدن احساس نیاز به کار با رایانه؛ علاقه‌مند شدن فرهنگیان و فرزندان آن‌ها به فراگیری و استفاده از رایانه. در نهایت از مشکلاتی که در آزمون‌های حضوری داشتیم، خبری نبود. این آزمون تأثیر خود را به خوبی گذاشت، به طوری که امروز معلمان زیربار آزمون حضوری نمی‌روند.

○ از منابع آزمون و نوع سؤال‌ها بگویید.

● منابع آزمون، مجلات رشد مثل فصل‌نامه‌ی «مدیریت مدرسه» و کتاب‌هایی متناسب با رشته‌های درسی همکاران بودند. تأمین منابع آزمون و طرح سؤال را برعهده‌ی گروه‌های آموزشی استان گذاشتیم تا سؤالاتی را طرح کنند که جنبه‌ی کاربردی و کلیدی داشته باشند. شکل سؤال هم به صورت تشریحی، چندان جواب‌گویی کار ما نبود. مثلاً برای همکاران دوره‌ی ابتدایی یک بانک سؤال ۶۰۰ تستی از دو سه کتاب فراهم شد که سؤال‌ها برای هر کاربر به صورت رندم تغییر می‌کرد. پنج سؤال نفر اول، برای نفر بعدی تکرار نمی‌شد. معلمان در یک زمان مشخص و محدود متناسب با سؤال‌ها به آن‌ها پاسخ می‌دادند. سؤال‌ها قابلیت کپی کردن ندارند. خود همکاران نیز خواهان سلامت آزمون

مصمم شدیم طی برنامه‌ای پنج ساله که از امسال آغاز شده است، تمام واحدهای آموزشی را به کارگاه رایانه مجهز کنیم و منابع مربوط به IT را در کتابخانه‌های مدارس توسعه دهیم

هستند. ما آزمون‌هایی برای دوره‌ی ابتدایی داریم که به صورت کتاب باز است. بعد از آزمون، بانک سؤال‌ها و پاسخ‌های صحیح باز می‌شود تا همه استفاده کنند.

هنگام ثبت نام، همکاران مثل کنکور با کد کاربری، اطلاعات خود را وارد می‌کنند. بعد از آزمون هم به تفکیک ناحیه و منطقه‌ی استان، دوره‌ی تحصیلی و جنسیت، کارنامه‌هایشان را تحویل می‌گیرند. مثلاً آموزگاران خانم منطقه‌ی اردستان، نتایج آزمون خود را جداگانه می‌بینند. هر فرد نیز بلافاصله پس از آزمون و در انتهای آن، تعداد پاسخ‌های درست و غلط و نمره‌اش را می‌گیرد.

○ این آزمون چه تأثیری در گرایش همکاران به مطالعه‌ی مجلات رشد داشت؟

به معلمان آموزش و بلاگ نویسی داده‌ایم. گروه‌های آموزشی نیز از طریق وبلاگ اطلاعات مورد نیاز و منابع اطلاعاتی را به معلمان خود می‌دهند

● گرچه ما دید کمی نداشتیم و قصد افزایش کمی رشد در میان نبود، استان اصفهان امروز از نظر تعداد توزیع مجلات در کشور اول است. معلمان، چون به غنی بودن محتوای مجلات اعتقاد پیدا کردند،

خود سراغش آمدند. اصفهان از نظر استقبال از مجلات عمومی و فصل‌نامه‌های تخصصی نیز، امسال با استان‌های دیگر اختلاف دارد

و از آن‌ها پیش افتاده است. در حالی که سال‌های قبل در فصل‌نامه‌های تخصصی رتبه‌ی ششم را داشت. معلمان به ترتیب ضرورت و اولویت خواهان «رشد تکنولوژی»، «مدرسه‌ی فردا»، «رشد مدیریت مدرسه»، «آموزش ابتدایی» و سپس سایر مجلات رشد هستند.

○ با توجه به آشنایی با رایانه و علاقه به کار با آن، آیا باز هم معلمان خواهان مجله به شکل سنتی آن هستند؟

● بله. ما سال گذشته پیشنهاد دادیم که مقالات مورد نظر برای آزمون را به صورت pdf روی سایت خودمان بگذاریم. نشانی سایت دفتر انتشارات را هم به همکاران دادیم تا مجلات را از آن‌جا مطالعه کنند. اما قبول نکردند. آن‌ها می‌خواستند خود مجله را به عنوان منبع مطالعاتی داشته باشند. از طرف دیگر، خواندن مطالب از روی رایانه همه‌جا امکان‌پذیر نیست. اگر هم بخواهند از مطالب مورد نظر خود چاپ بگیرند، گران‌تر از خرید مجله درمی‌آید. همگان لذت ورق زدن و خواندن مجله را ترجیح می‌دهند.



○ این اتفاق چه قدر به ایجاد عشق به مطالعه و انگیزه برای تحقیق و پژوهش کمک کرده است؟  
● امروز همکاران ما به دنبال مقالات گوناگون می‌گردند و ما به دنبال شکار سایت‌های مختلف و توسعه‌ی آن هستیم. به معلمان آموزش وبلاگ‌نویسی داده‌ایم. گروه‌های آموزشی نیز از طریق وبلاگ اطلاعات مورد نیاز و منابع اطلاعاتی را به معلمان خود می‌دهند. معلمی از استان، تاکنون هفت مقاله در مجلات رشد به چاپ رسانده است. ترغیب معلمان به مطالعه بدون تردید روی دانش‌آموزان هم تأثیر می‌گذارد.

○ اگر سؤال‌ها، پژوهشی و نیازمند تحقیقات کتاب‌خانه‌ای باشند و یا به گونه‌ای تفکر برانگیز باشند که به جای حفظ مطالب، به ترویج یادگیری کمک کنند، همکاران را بیشتر به مطالعه و نیز به کارگیری قلم و نوشتن تشویق می‌کنند؟  
● خیلی عالی است، اما ارزیابی و گرفتن بازخورد آن دشوار است. ما معلمان اهل قلم هم داریم، اما همه این‌طور نیستند. بررسی و داوری مقالات تحقیقی به تعداد زیاد، برای ما امکان ندارد. همه‌ی معلمان هم، زمان، توان و حوصله‌ی لازم را ندارند. از طرف دیگر، کتاب‌خانه‌های ما در شهرهای کوچک چنان که باید غنی نیستند.

در آینده می‌توانیم هدف سؤال‌ها را طوری تعیین کنیم که کاربر به مطالعه‌ی چند منبع نیاز داشته و پاسخ‌هایش وابسته به درک و تحلیل مطالب باشد. می‌تواند مجله را نقد و بررسی کند و برداشت خودش را از مطلب ارائه بدهد. من فکر می‌کنم خود مجله باید این کار را بکند. دفتر و سردبیر اگر دقت و توجه به مقاله‌ای را لازم می‌دانند، سؤال‌های را در رابطه با آن مطرح کنند و جایزه‌ای برای بهترین پاسخ‌ها بگذارند. ما هم برای آن فراخوان استانی می‌دهیم. جای چنین اقدامی در مجلات رشد خالی است.

○ نرم‌افزاری که تولید کردید، علاوه بر قسمت آزمونی آن، چه ویژگی‌های دیگری دارد؟  
● وجود یک مدیریت لینکستان که کاربران بتوانند به شعبه‌های اطلاعاتی گوناگون متصل شوند. یک مدیریت تماس هم گذاشتیم. کسی که وارد سایت می‌شود، آزمون بدهد یا نه، با ما در ارتباط است. به ما نظر می‌دهد و ما همان‌جا از طریق همان نرم‌افزار به او جواب می‌دهیم که این خیلی مؤثر بوده است. در ارتباط با سؤال و گزینه‌ها «مدیریت نظرسنجی» وجود دارد که همکار همان لحظه‌ای که امتحان

می‌دهد، می‌تواند در مورد سؤال یا گزینه‌ها نظر بدهد؛ مثلاً کاربردی نبودن یا احتمالاً نادرست بودن سؤال. طراح وظیفه دارد به او پاسخ دهد. ما از طریق این سایت، خبرهای آموزشی و تربیتی سازمان را نیز برای همکاران و معلمان می‌فرستیم و از آن‌ها نظر می‌گیریم. مدیریت دانلود فایل‌ها، مدیریت گالری تصاویر، امکان ایجاد صفحات نامحدود برای تعداد زیاد کاربران که هم‌زمان وارد می‌شوند، و منوی اصلی سایت که با فرهنگ اصفهان تناسب زیادی دارد، از دیگر قسمت‌های سایت هستند. فضایی که برای آن پیش‌بینی کرده‌ایم، ۱۰۰۰ مگابایت فضای host است، به پهنای ۱۰ گیگ تا به لحاظ سرعت کمتر مشکل داشته باشیم؛ چرا که هم‌زمان تعداد زیادی برای اجرا وارد می‌شوند.

○ همکاران با استفاده از امکانات اینترنتی و آموزش‌هایی که دیده‌اند، بی‌شک می‌توانند در نقاط گوناگون استان و نیز سایر نقاط کشور، با هم ارتباط داشته باشند و از تجربیات هم استفاده کنند. از طرف دیگر، می‌توانند با دفتر مجلات رشد هم در ارتباط بیشتری باشند. شما آماری از میزان این ارتباطات یا همکاری‌ها که دارای وبلاگ هستند، دارید؟

در ارتباط با سؤال و گزینه‌ها  
«مدیریت نظرسنجی» وجود  
دارد که همکار همان لحظه‌ای  
که امتحان می‌دهد، می‌تواند  
در مورد سؤال یا گزینه‌ها  
نظر بدهد



● ما تنها اطمینان داریم که این اتفاق افتاده است و تعامل چندسویه در نقاط متفاوت استان و حتی در کشور بین همکاران وجود دارد. همان‌طور که اطلاع داریم، تعامل و ارتباط با دفتر مجلات رشد هم افزوده شده است. اما آماری نداریم. شاید بتوان از مدیریت سایت «انتشارات رشد»، تعداد مراجعات را خواست.

○ آیا از امکانات فراهم شده در سایت سازمان، دانش‌آموزان هم سهمی دارند؟ چیزی مثل مسابقه یا آزمون اینترنتی برای آنان تدارک دیده شده است؟

● نه، به خصوص آزمون از مجلات رشد را به هر شکلی ممنوع اعلام کردیم. بخش نامه‌ی رسمی نوشته‌ایم و در بازدیدهایمان از مناطق، تأکید کرده‌ایم که اجرای هرگونه آزمون به خصوص آزمون‌های چندگزینه‌ای در دوره‌ی ابتدایی ممنوع است. امور فرهنگی مربوط به بچه‌ها برعهده‌ی مناطق و شهرستان‌های خود آن‌هاست. اعتقاد داریم با توجه به تنوع فرهنگ، جغرافیا، گویش، ویژگی‌های اقتصادی و... در هر استان، نمی‌توانیم یک برنامه را برای همه‌ی این مناطق طراحی کنیم و به اصطلاح برای همه یک نسخه‌ی مشابه بپیچیم. مناطق خودشان این امور فرهنگی را هدایت و نظارت می‌کنند و در اردیبهشت ماه، از مجموعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی خود گزارش ارائه می‌دهند.

○ از آقای اسماعیلی تشکر می‌کنیم که در شرایط مهمان‌داری (دوستان و خانواده‌ی رشد از تهران) و مشغله‌های کاری و در حالی که تلفن همراهشان پیوسته بی‌تابی می‌کرد، این زمان را برای گفت‌وگو و اختیار ما گذاشتند.

## آزمون از مجلات رشد را برای دانش‌آموزان به هر شکلی ممنوع اعلام کردیم

\* \* \*

طعم خوشی که در «گز موفقیت اصفهانی» هاست، از عطر همدلی، شیرینی همکاری و لطافت وظیفه‌شناسی هر کدام از اعضای گروه، یا بهتر بگوییم این خانواده است. این را پیش از گفت‌وگو با آقای اسماعیلی دریافتم، زمانی که همراه ایشان و آقای واحدی به انبار مجلات رشد در اصفهان رفتیم. غرض احوال‌پرسی بود. به قول آقای واحدی، سرزدن به دوستانی که در انبارها، دور از سازمان و غالباً در حاشیه‌ی شهر هستند، ایجاد همدلی و دلگرمی می‌کند. در برخی استان‌ها که تحویل و توزیع مجلات نیز برعهده‌ی خود گروه‌های آموزشی است، دوستان با سختی‌های زیادی مواجه‌اند. اما این‌جا انبار و توزیع مجلات با بخش پشتیبانی سازمان است و حساب و کتاب‌ها با امور مالی و این است که دوستان در کارهای فرهنگی، زمان و توان بیشتری برای نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها دارند.

گفتند انبار حدود سال ۱۳۷۸ ساخته شده است، اما بسیار نوتر و تمیزتر از این حرف‌ها به نظر می‌رسید. انبار جدیدی هم در حال ساخت بود. آقای الماسی، مسئول انبار، چنان در مورد زمان ورود و خروج کتاب‌های درسی و مجلات به انبار سخن می‌گفت که انگار چای و گز می‌خورد. می‌گفت چون زمان ورود کتاب‌های درسی با مجلات خیلی تداخل ندارد، مشکلی ایجاد نمی‌کند. همه چیز خوب بود و ابراز رضایت از بسته‌بندی‌های جدید مجلات که باعث شده است، دیگر مجله‌ها آسیبی نبینند و تمیزتر به دست همکاران و دانش‌آموزان برسند؛ تمیز و سرشار از انرژی مثبتی که نیک‌اندیشی و همدلی دوستان در اصفهان به آن افزوده است.



## آن‌هایی که ندیدیم شان

فاطمه رضایی

گفت‌وگو با محسن اکبری، کارشناس  
مسئول گروه‌های آموزشی استان سمنان

مردان بزرگی هستند که حیاتشان از آفتاب و باران است. چون درختان، قدم بر زمین دارند و دست‌هایشان به سوی آسمان بلند است. اگر گل می‌کنند و میوه می‌دهند، حاصلِ خواستن‌ها و عطشِ دانستن‌هاست. دماغ از چشمه‌های دانش، نور می‌نوشند و سبزی و ثمره‌اش را به خلق می‌دهند. چون اندیشه‌ی آبادی دارند، هر کجا هستند گستره‌ای را به وسعتِ اندیشه‌شان آبادی می‌بخشند. خواندن و دانستن را مایه‌ی عزت انسان بلکه نیاز اساسی او می‌دانند. می‌خواهند دانش‌آموزان از کودکی به مطالعه انس یابند و معلمان و والدینشان با خواندن آشتی کنند.

«یکی» برای به‌روز کردن دانش آموزگاران و تشویق آن‌ها و بچه‌ها به مطالعه، در شهری کوچک و دور از مرکز، «دبیرخانه‌ی رشد» راه می‌اندازد. که خواندن مجلات را از اسباب رشد و موفقیت خود می‌داند. و «یکی» در روزگاری که کارمندان و مدیران ادارات ما درگیر کارهای اجرایی، مدیریتی و عمرانی شده‌اند، آن‌ها را به خواندن کتاب دعوت می‌کند؛ در هر جلسه‌ای و به هر بهانه‌ای کتابی معرفی می‌کند؛ خوراک روزانه‌اش کتاب است و رسم هدیه دادن کتاب را در اداره باب کرده تا همکارانش چون او ازین باده بچشند و روزی به آن عادت مداوم یابند.

از همکارانی که شیرینی این باده را در کام دارد و آثار دوستی و مصاحبت این بزرگان در او نمایان است، آقای محسن اکبری، کارشناس مسئول گروه‌های آموزشی استان سمنان است. او که خود از درختان

سبزی است که باران را قدر می‌داند. نه چوب‌های خشک که منکر باران‌اند. درباره‌ی «دبیرخانه‌ی رشد»، خالقِ ایده‌ی آن و کسانی که ندیدیمشان با ما به گفت‌وگو نشست.

○ ایجاد «دبیرخانه‌ی رشد» را اولین بار چه کسی و با چه هدفی پیشنهاد کرد؟

● همکارِ اهل قلممان، آقای مهدی حزب‌اللهی در «میامی» مدیر مدرسه بود. سال ۱۳۸۵ جزو بهترین مدیران استان برگزیده شد و همان سال رمز موفقیت خود را مطالعه و استفاده از مجلات رشد (مدیریت، مدرسه‌ی فردا، تکنولوژی و...) عنوان کرد. بعد از مدیریت دوباره در رشته‌ی دینی و قرآن به تدریس مشغول شد در همه‌ی این سال‌ها با مجلات رشد در ارتباط بود؛ نامه می‌نوشت، مطلب می‌داد و یکی دوباری هم به دفتر مجلات رفت و با مسئولان آن ملاقات کرد.

بعد از تغییر سمت از مدیریت به معلمی فرصت بیشتری برای فعالیت‌های جنبی پیدا کرد. از آن جا که به تأثیر و اهمیت مطالعه، به خصوص خواندن مجلات ایمان داشت، پیشنهاد داد زیر نظر گروه‌های آموزشی «دبیرخانه‌ی رشد» راه‌اندازی کنیم. گفتم پیشنهاد فشنگی است، اما به شیوه‌نامه‌ی اجرایی و توضیح نحوه‌ی کار نیاز دارد. به سرعت شیوه‌نامه‌ی نوشت و رونوشتی به ما داد. سال اول آن را به صورت آزمایشی در میامی اجرا کرد. به قصد این که در منطقه‌ای محروم با پراکندگی بسیار، منطقه‌ای که هم معلمان آن از امکانات رفاهی کمتری برخوردار هستند و هم دانش‌آموزان و اولیایشان به سختی زندگی می‌کنند، خوراک فکری فراهم کند و مطالب رشد را به همکاران بشناساند. حدود یک ماه بعد از آن که مجلات تخصصی به دست همکاران می‌رسید، در وبلاگ دبیرخانه‌ی رشد برای هر مجله زمان آزمون مشخص می‌کرد.

به مدارس نامه می‌نوشت و سؤالات را پخش می‌کرد. برای همکاران اهرم تشویقی گذاشته بود: همکارانی که مجلات را مطالعه می‌کردند و در آزمون موفق می‌شدند، از رییس منطقه تشویق نامه می‌گرفتند. آن سال موفقیت خوبی داشت. تعداد زیادی از معلمانی که اصلاً با مجلات آشنایی نداشتند، از خوانندگان رشد شدند. سال بعد طرحش را به استان داد ما در جلسات هفتگی گروه‌ها مطلب را مطرح کردیم. آقای محمودی، معاون آموزشی وقت، از این طرح استقبال کرد؛ چون از زمانی که در مدرسه دبیر زبان بود، از مجلات استفاده می‌کرد و تأثیر و اهمیت آن‌ها را می‌دانست.

در جلسات بعد، آقای حزب‌اللهی به دعوت گروه‌ها حضور داشت و همکاران را در ارتباط با شیوه‌ی کار دبیرخانه توجیه می‌کرد. قرار شد تعدادی از تشویق‌ها را خود منطقه صادر کند و همکارانی را که امتیاز بالاتری دارند، برای دریافت تشویقی به استان معرفی کنند؛ که البته قدری کار دشوار شد. در مرحله‌ی بعد حدود ۱۳۰ نفر برای گرفتن تشویقی از رییس سازمان معرفی شدند که کمیته‌ی تشویقی موافقت نمی‌کرد. برای صدور گواهی ضمن خدمت نیز لازم بود تا منابع با صرف‌های تعیین شده در دوره‌های ضمن خدمت هم‌خوانی داشته باشد. امسال توانستیم برای مدیران، کارشناسان آموزش و معاونان، یک دوره‌ی آموزش ضمن خدمت «مدرسه محوری» برگزار کنیم.

○ دبیرخانه‌ی رشد در کنار تلاش برای ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ مطالعه‌ی همکاران، برای بچه‌ها و دانش‌آموزان چه فعالیت‌هایی داشته است؟

● از همان سال‌هایی که مجلات رشد زیر نظر گروه‌های آموزشی قرار گرفتند، ما بچه‌ها را در نظر داشتیم. تاکنون برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا چهارم ابتدایی مسابقاتی برگزار کرده‌ایم. سال ۸۴ ۱۳۸۵ استان سمنان ۶۶۲۲ نفر مشترک کودک داشت و پارسال ۸۳۱ نفر. هم‌چنین تعداد مشترکان رشد نوآموز در سال ۱۳۸۵، ۷۸۹۱ نفر بود که پارسال به ۱۱۵۲۴ نفر رسید. امروز بیش از نیمی از دانش‌آموزان ابتدایی ما مشترک مجلات رشد هستند.

براساس یک نیازسنجی که از دبیران به عمل آمد، دلیل ضعف بچه‌ها در دروسی مثل تاریخ، جغرافی، علوم و حتی ریاضی، ضعیف بودن توانایی روخوانی و درک مطلب آن‌ها بود. پس «طرح غنی‌سازی درس ادبیات فارسی» را در دوره‌ی راهنمایی برای سه سال متوالی

آقای مهدی حزب‌اللهی در «میامی» مدیر مدرسه بود. سال ۱۳۸۵ جزو بهترین مدیران استان برگزیده شد و همان سال رمز موفقیت خود را مطالعه و استفاده از مجلات رشد (مدیریت، مدرسه‌ی فردا، تکنولوژی و...) عنوان کرد

برنامه‌ریزی کردیم. یکی از منابع این طرح، «رشد نوجوان» بود. برگزاری مسابقات در زمینه‌های مطالعه، درک مطلب، خلاصه‌نویسی، انشانویسی از فعالیت‌های این طرح است. مثلاً برای دانش‌آموزان پایه‌ی سوم راهنمایی مسابقه‌ی انشانویسی گذاشته بودیم که نیاز بود حتماً مطالبی از رشد را خوانده باشند. برای بچه‌های سال اول و دوم راهنمایی هم آزمون‌ی برگزار کردیم که مواد آن از محتوای «رشد نوجوان» بود. تعداد متقاضیان رشد نوجوان امسال ما نسبت به سال گذشته دو برابر شده است.

○ با توجه به مجلات رنگارنگی که بچه‌ها در کیوسک‌ها می‌بینند، آیا برگزاری مسابقات و آزمون می‌تواند انگیزه‌ی خوبی برای خواندن مجله‌ی رشد نوجوان باشد؟

● ما جوایز خوبی در نظر گرفتیم و بچه‌ها هم خوب استقبال کردند. علاوه بر این که مجلات رشد از مجلات دیگر ارزان‌تر و در دست‌رس‌تر هستند. امسال وزارت‌خانه طرحی را مطرح کرد که برنامه‌ی ما را تغییر داد و در حقیقت فعالیت‌مان در برخی مدارس به همین طرح وزارت‌خانه محدود شد. همراه کتاب فارسی جزوه‌ای داده شد که در کنار هر درس، مطلبی (از احادیث، آیات قرآن و...) در ارتباط با آن و مکمل آن آمده است. از ما خواستند که امسال به عنوان استان نمونه‌ی پایه این کار را انجام دهیم. در هر شهرستان دو مدرسه در پایه‌ی اول درگیر این کارند، اما طبق برنامه‌ی سال گذشته مسابقات رشد نوجوان را ادامه می‌دهیم.

امسال بابت توزیع رایگان مجلات رشد در مناطق محروم هم طرحی را به رییس سازمان دادیم که برآورد هزینه شده است. البته من با پوشش صددرصد این مناطق موافق نیستم و فکر می‌کنم در مواردی، اگر حداقل ۲۰ درصد قیمت مجله را دانش‌آموز بپردازد، بیشتر به آن اهمیت می‌دهد.

○ اگر در کنار مجلات دانش‌آموزی، یک جلد از مجلات عمومی و اختصاصی هم به‌طور مجانی یا از سرانه‌ی مدارس، برای آشنایی همکاران فرستاده شود، می‌تواند سبب انگیزه و کشش به مطالعه در این دوستان شود.

● دریافت مجلات حتی یک نسخه به شکلی که همکار و مدیر ما به زحمت نیفتاده باشد، هزینه‌ای پرداخت نکنند، چک ننویسد، امضا نگیرد و... درست نیست؛ ممکن است آن را در آرشیو هم نگه

طرح غنی‌سازی درس ادبیات فارسی را در دوره‌ی راهنمایی برای سه‌سال‌متوالی برنامه‌ریزی کردیم. یکی از منابع این طرح، «رشد نوجوان» بود

ندارند.

برای ارزش‌یابی توصیفی، چهار جلد کتاب به هر مدرسه‌ای فرستادیم. به اکثر مدارس که رفتیم و سراغ گرفتیم دیدیم نیست! معلم می‌گوید: من در مدرسه ندیده‌ام.

یا بین کتاب‌ها گم شده بود، یا در کشوی میز مدیر بود که احياناً گم نشود و از بین نرود!

○ امسال دبیرخانه‌ی رشد در مناطق گوناگون استان برقرار شده است. فعالیت‌های جدید این دبیرخانه‌ها چیست؟

● امسال برای متمرکز و کارآمدتر شدن فعالیت‌های دبیرخانه، سی عنوان مجله را بین مناطق تقسیم کردیم. رشدهای کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و مدیریت مدرسه را در کارشناسی گروه‌های آموزشی سازمان برعهده گرفتیم و بقیه‌ی عناوین را در حد یک تا دو مجله، به هر منطقه سپردیم. گفتیم شما هرگونه فعالیتی که می‌توانید در رابطه با معرفی و استفاده از مطالب این مجلات انجام دهید. گزارش فعالیت‌ها و نیازهای اجرایی خود را برای ما بنویسید. ما در انجام آن به شما کمک خواهیم کرد.

دست همکاران برای برنامه‌ریزی باز است. براساس نیاز مناطق خود فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی می‌کنند و هر سه ماه یک بار گزارشی از فعالیت‌های خود ارائه می‌دهند. به عنوان نمونه، همکاران وزارت‌خانه از نمایشگاهی که پارسال در میامی برپا شده بود، دیدن کردند. امسال با نیازسنجی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که مدیرهای ما خموده شده‌اند و دیگر به دنبال فعالیت‌های مطالعاتی نیستند. دغدغه‌هایشان این است که فلان قسمت را بخرید، آن‌جا را تعمیر کنید و... دنبال کارهای عمرانی و خدماتی رفته‌اند. باید کاری کنیم که وارد سیکل آموزش بشوند.

امسال با اولویت دوره‌ی ضمن خدمت برای مدیران، معاونان و کارشناسان آموزشی، براساس مقالات رشد «مدیریت مدرسه» آزمون‌ی حضوری تدارک دیده‌ایم. ۱۶ ساعت آموزش ضمن خدمت براساس هشت شماره‌ی «مدیریت مدرسه»، همین سال تحصیلی به صورت آزمون تستی برگزار می‌شود. اول قرار بود آزمون به شکل مجازی باشد، اما همکاران در گروه ارتقا آن را نپذیرفتند؛ با این استدلال که ممکن است همه‌ی همکاران منابع را مطالعه نکنند یا به جای هم پاسخ دهند. از طرف دیگر، ما فضای اینترنتی کمی داریم و نمی‌توانیم حجم گسترده‌ای را پوشش دهیم. در حال حاضر برای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت که به صورت مجازی انجام می‌شود با مشکل مواجه می‌شویم.

مشکل را باید به نحوی حل می‌کردیم: گفتیم سؤال‌ها و مطالبان را به مناطق می‌دهیم تا در وبلاگ‌هایشان بگذارند. همکاران هم می‌توانند به صورت‌های متفاوت، با نامه، ایمیل و حتی اس‌ام‌اس، نظرات و پاسخ‌هایشان را مطرح کنند و ما متقابلاً به آن‌ها جواب دهیم.

○ گرچه مطالعه‌ی مدیران خواه ناخواه روی رفتار و کارهای اجرایی آنان در مدارس تأثیر می‌گذارد، اما آیا بهتر نیست به جای هرگونه آزمون نظری، تأثیر مطالب مجله بر عملکرد همکاران در مدارس ملاک نظر و امتیاز باشد؟

● از مدیران خواسته شده است که چنین عمل کنند. اگر گروه ارتقا نیز بیشتر با ما همکاری می‌کرد، دوست داشتیم علاوه بر مطالعه، نمونه‌ی فعالیت‌هایی را هم که در مدرسه انجام می‌دهند، روی سی‌دی برای ما بفرستند و امتیاز بگیرند. در جلساتی که در سازمان با حضور رییس گروه ارتقا و رییس آموزش‌ها داشتیم این خواسته مطرح شد، اما گروه ارتقا نپذیرفت.

به یاری خدا در برنامه‌ی سال آینده از مدیران می‌خواهیم که طرح‌های قابل اجرای مجله را در مدارس پیاده و آن را به صورت مسابقه مطرح می‌کنند.

○ آیا فقط مطالعه‌ی «رشد مدیریت» را از بین مجلات برای مدیران و معاونان ما مفید می‌دانید؟

● علاوه بر رشد مدیریت، رشدهای مدرسه‌ی فردا، تکنولوژی و مجلات دیگر نیز خیلی به درد مدیران ما می‌خورند، ولی برای گام اول و برگزاری آزمون، یک مجله کافی است. اگر تعداد مجلات را زیاد کنیم، به همان نتیجه‌ی اول هم نخواهیم رسید و ممکن است همکاران استقبال نکنند. وقتی با عنوان دبیرخانه‌ی «رشد مدیریت»، طرح و برنامه‌ی آزمون را به مناطق فرستادیم، استقبال خوبی شد. شاید مطالعه‌ی یک مجله شروع خوبی برای مطالعه و درخواست مجلات دیگر باشد؛ به خصوص بعضی مقالات که مخاطب را به مطلبی در مجله‌ای دیگر ارجاع می‌دهد. باید آهسته و پیوسته این باور را در همکاران (مدیر، معلم و...) ایجاد کرد که خواندن و اجرای مطالب رشد در مدارس ما مفید و لازم است.

علاوه بر رشد مدیریت، رشدهای مدرسه‌ی فردا، تکنولوژی و مجلات دیگر نیز خیلی به درد مدیران ما می‌خورند

○ ایجاد دبیرخانه زحمتی اضافه بر دوش همکاران گروه‌های آموزشی مناطق نشد؟

● پارسال شش ساعت گروه‌های آموزشی را به دبیرخانه‌ی رشد دادیم تا نیروهایی که فعالیت می‌کنند، حق الزحمه‌ای هم بابت آن دریافت کنند. امسال به پیشنهاد آقای حزب‌اللهی و با مشورت آقای محمودی، برای گسترش کار آن را جزو وظایف گروه‌های آموزشی قرار می‌دهیم تا دوستان در حوزه‌ای که خودمان اعمال نظر می‌کنیم و در ساعاتی که معین می‌کنیم، بتوانند فعالیتشان را انجام دهند.

○ آیا دبیرخانه برای جذب نیروهای صاحب قلم نیز برنامه‌ای دارد؟

● به مناطق نامه نوشتیم و از همکاران دعوت کردیم تا اگر مطلب جدید و یا نقدی بر مجلات دارند برای ما بفرستند تا با نام خودشان به وزارت خانه بفرستیم. برای مجله مقاله بنویسند و امتیاز بگیرند. شاید اگر به جای این که مستقیماً نوشته‌هایشان را بفرستند، از طریق اداره و از این سیکل وارد شوند، روندکاری سریع‌تر انجام گیرد. عده‌ای هم به‌طور مستقیم با دفتر مجلات در ارتباط هستند. آقای حزب‌اللهی پارسال به تنهایی ۲۵ مطلب برای مجلات متفاوت رشد فرستاد که ۱۰ مورد از آن‌ها چاپ شد.

○ شما فکر می‌کنید برای گسترش فرهنگ مطالعه غیر از استفاده از مجلات رشد، چه کارهایی می‌توان انجام داد؟

● معلم بهترین عامل است. معلمی که خود اهل مطالعه است، برنامه‌ای به دانش‌آموز می‌دهد که بدون مطالعه در کلاس حاضر نشود. معلم حربه‌های خوبی دارد و از راه‌های متفاوت، مثل دادن امتیاز و نمره، می‌تواند بچه‌ها را به مطالعه وادارد. یاد دادن روش تحقیق، خلاصه‌نویسی و... شگردهایی هستند که سبب می‌شوند، بچه‌ها سؤال کنند و به دانستن علاقه‌مند شوند. مشکل این است که همکاران خود را نیازمند مطالعه نمی‌بینند. دانش‌آموز از معلم سؤال نمی‌کند که او به چالش بیفتد. می‌تواند در کلاس بگوید: «هر دانش‌آموزی مطلب جدیدی بیاورد که من ندیده باشم، نمره می‌گیرد.»


معلمی که به مطالعه به چشم یک نیاز نگاه کند و به آن عادت داشته باشد، نه تنها روی دانش‌آموزان که بر دوستان، همکاران و اطرافیان خود تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را به سوی خواندن می‌کشاند. در سازمان خودمان، آقای یحیایی، معاون برنامه‌ریزی، فردی است بسیار کتاب‌خوان. از بس در جلسات بر مطالعه تأکید می‌کند، بر همه تأثیر گذاشته است. «هدیه دادن کتاب» از عادت‌های قشنگ اوست که باعث تشویق دوستان به مطالعه شده است. خود من هر بار او را می‌بینم، سعی می‌کنم کتابی تازه خوانده باشم.

○ نیاز به مطالعه را چه‌طور در همکاران ایجاد کنیم؟

● در بازدیدهایمان از کلاس، از همکاران مطالعه و اجرای روش بحث و گفت‌وگو را در کلاس بخواهیم. بپرسیم چه کردید و کجا بودید؟ در مجمع‌های عمومی می‌بینیم که بعضی رشته‌ها مرده‌اند. در کلاس حرفه‌وفن دانش‌آموز همیشه شاداب و علاقه‌مند است. معلم می‌تواند خیلی فعالیت کند، در حالی که معلم‌مان خمودگی دارند. دنبال هیچ مطلبی نمی‌روند. دو نمره برای تحقیق می‌گذارند که آن را هم بچه‌ها از اینترنت جست‌وجو می‌کنند. در حالی که باید روی یک پروژه‌ی علمی کار کنند. معلم باید به دانش‌آموز موضوع تحقیق بدهد، منابع را معرفی و او را راهنمایی کند، و سپس از او بخواهد که تحقیق را انجام دهد.

معلمی که به مطالعه به چشم یک نیاز نگاه کند و به آن عادت داشته باشد، نه تنها روی دانش‌آموزان که بر دوستان، همکاران و اطرافیان خود تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را به سوی خواندن می‌کشاند





آقای یحیایی، معاون برنامه ریزی،  
فردی است بسیار کتاب خوان. از  
بس در جلسات بر مطالعه تأکید  
می کند، بر همه تأثیر گذاشته  
است. «هدیه دادن کتاب»  
از عادت های قشنگ اوست  
که باعث تشویق دوستان به  
مطالعه شده است

کتاب درسی هشت بخش دارد و در پایان هر کدام یک مصاحبه می‌خواهد. مسلم است که بچه‌ها مصاحبه‌ای انجام نمی‌دهند و همه را از خودشان می‌نویسند. معلم باید روش مصاحبه را به دانش‌آموز بیاموزد و بگوید که به جای هشت مصاحبه، یک مصاحبه را درست انجام بده. متأسفانه همکارانمان به کیفیت کار توجه نمی‌کنند.

○ برای انجام تحقیقات کتاب‌خانه‌ای، همکاران مشکل تهیه‌ی کتاب و منابع ندارند؟

● در مدارس چرا، ولی کتاب‌خانه‌های عمومی حتی دانشگاه‌ها همکاری می‌کنند. ما برای تجهیز کتاب‌خانه‌های مدارس نیز هر سال خیلی هزینه می‌کنیم. برای همکاران راحت می‌توان از تهران کتاب تهیه کرد، چون مشکل طولانی بودن مسافت را نداریم.

○ در چند سال اخیر از نظر میزان تقاضا و اشتراک مجلات رشد، افزایش کمی قابل توجهی داشتید. چه تغییرات کیفی در کار مدارس احساس کرده‌اید؟

● در مدرسی که تعداد بیشتری از دانش‌آموزانشان تحت پوشش رشد هستند، غیر از موفقیت تحصیلی بهتر دانش‌آموزان، خود همکاران هم به مطالعه علاقه‌مندند. مجلات را می‌خرند و دیده‌ایم که در جشنواره‌های الگوهای برتر از روش‌های تدریس آن استفاده می‌کنند. خیلی زیبا، براساس تفاوت‌های محیطی و کلاس خود، این روش‌ها را تغییر داده و روشی تازه ابداع کرده‌اند. در دوره‌ی ابتدایی معلمان خیلی فعال‌تر و زنده‌ترند.

بعضی معلمان فعال راهنمایی به دنبال یادگیری مطالب جدید هستند و از مجلات تخصصی استفاده می‌کنند. ولی در کل، سطح این مجلات خیلی بالاست و برای عموم همکاران ما قابل استفاده نیست. وقتی مطالب سنگین باشند، همکاران خودبه‌خود از مجلات فاصله می‌گیرند.

○ فکر می‌کنید بهتر است مجلات تخصصی چگونه باشند؟

● در مجلات تخصصی مطالب کاربردی برای دوره‌ی راهنمایی وجود ندارد. اگر این مجلات بخواهند تخصصی باشند، باید هم منبعی برای معلمان راهنمایی باشند و هم مطالب مورد استفاده‌ی کارشناسان دبیرستان را ارائه کنند. می‌توان راهکارهای خوبی به دبیران هر دو دوره ارائه داد و ارتباط خوبی بین آن‌ها ایجاد کند. معلم راهنمایی متوجه شود که در دبیرستان چه می‌گذرد و دبیران دبیرستان بدانند که بچه‌ها در راهنمایی تا چه حد کار می‌کنند و بر موضوع تسلط دارند.

من در رشته‌ی خودم (حرفه‌وفن) دقیقاً نقطه ضعف‌های همکارانم را می‌دانم. آقایان در بخش‌های خوراک، پوشاک و حتی در الکترونیک ضعیف‌اند و برای خانم‌ها، بخش‌های مثل الکترونیک و ساختمان سخت است. مجلات تخصصی رشد از الکترونیک می‌گویند که به درد مهندس الکترونیک در هنرستان می‌خورد، در حالی که این مجلات می‌توانند در این زمینه همکاران راهنمایی ما را نیز بسیار یاری کنند.

معلم حرفه‌وفن مقدماتی را می‌خواند که مربوط به شاخه‌های اصلی علوم دانشگاهی است. ما در حرفه یک واحد به نام چوب داریم و آن‌ها رشته‌ای به همین نام. واحدی به نام ساختمان داریم و رشته‌ای به همین نام. مجله می‌تواند باعث افزایش دانش معلم حرفه‌وفن شود. امروز معلم حرفه‌وفن دوره‌ی راهنمایی به شرطی می‌تواند از این مجله استفاده کند که قبلاً کتابی در هر موضوع آن مطالعه کرده باشد! ○ امیدواریم همان‌طور که شما برای شناساندن مجلات و ارزش مطالعه به همکاران تلاش می‌کنید، مطالب مجله‌ها نیز هر شماره به‌روزتر،

هر سه ماه یک بار مسابقه‌ای  
از مطالب رشد به‌طور تستی  
برگزار می‌کنیم که بچه‌ها به‌طور  
اختیاری در آن شرکت می‌کنند

جالب‌تر و کاربردی‌تر شوند و بتوانند رضایت خاطر جمع بیشتری از همکاران ما را فراهم کند. تلاش‌تان پایدار و موفقیت‌تان مستدام باد. جد و جهد آقای اکبری در خواندن و یادگیری و پشتکارش در آموزش و هدایت همکاران و دانش‌آموزان، تصویری از کسانی بود که در سمنان ندیدمشان؛ دوستان خوب او آقای حزب‌اللهی و آقای یحیایی، بزرگانی که مشتاق بهره‌مندی از دیدارشان خواهیم بود.

\*\*\*

## در جمع شاهدان سمنان

آقای اکبری ما را تا «دبستان دخترانه‌ی شاهد» همراهی کردند و به دست خانم عبیری، مدیر مدرسه و همکارانشان سپردند. مدرسه‌ای پرطرفدار که اغلب دانش‌آموزانش فرزندان فرهنگی هستند که از نقاط متفاوت شهر به آن می‌آیند. نکته‌ی مورد توجه ما این‌که همه‌ی بچه‌ها مشترک مجلات رشد هستند. خانم عبیری از ارتباط مدرسه با رشد این‌طور تعریف کردند: «والدین هنگام ثبت‌نام به خرید مجلات برای بچه‌ها تشویق می‌شوند و در جلسات انجمن و در طول سال، بیشتر با مجله‌آشنایی پیدا می‌کنند. غالباً هم از این‌که با بچه‌ها در خواندن مجلات همراهی می‌کنند و اطلاعاتشان افزوده می‌شود، اظهار رضایت دارند.»

خانم نصیری (معلم پایه‌ی اول): بچه‌ها می‌توانند از روزنامه‌ها یا مجلات قدیمی کلمات را قیچی کنند و در دفتر خود بچسبانند. مجلات مکمل کار ما هستند

مدیر مدرسه ادامه دادند: «هر سه ماه یک بار مسابقه‌ای از مطالب رشد به‌طور تستی برگزار می‌کنیم که بچه‌ها به‌طور اختیاری در آن شرکت می‌کنند. این مسابقات به منظور ایجاد انگیزه‌ی بیشتر برای خواندن مجلات و مطالعه‌ی دقیق‌تر آن‌ها انجام می‌گیرند و بچه‌ها هم کلی استقبال می‌کنند؛ حتماً جوایز خوبی در کار است. در کل نمی‌دانم این چه رسمی است که ما همیشه با آزمون ایجاد انگیزه می‌کنیم!»

کار قشنگی که در مدرسه‌ی شاهد انجام می‌شود این است که نسخه‌ای از مجلات مفید و مناسب کار معلمان، مثل رشد معلم، رشد تکنولوژی و رشد مدرسه‌ی فردا، در دفتر قرار دارد و معلمان می‌توانند در مدرسه یا خانه آن‌ها را مطالعه کنند. هر چند روز یک بار در ساعت‌های تفریح جلسات کوتاهی دارند تا هر کس مطلب مناسبی در مجلات رشد خوانده است، برای دیگر همکاران تعریف کند. در جلسات شورا هم به‌طور رسمی درباره‌ی مجلات اظهارنظر می‌کنند و حاصل آن را به اداره گزارش می‌دهند.

خانم عبیری که خود از خوانندگان رشد مدیریت است، در مورد استفاده‌ی همکارانشان از مجله در کلاس، مطالبی را مثال زدند که در گفت‌وگویی که با خود این عزیزان داشتیم، به آن اشاره خواهیم کرد. در دفتر خانم مدیر نشسته بودیم که با صدای زنگ تفریح، اندک‌اندک دوستان هم به ما پیوستند که هر کدام حرفی و نظری داشتند؛ گفت‌وگوی مفصلی که چکیده‌ای از آن را تقدیم می‌کنیم:

خانم جواهری (معلم کلاس اول) با نمونه‌هایی از مجلات بچه‌ها وارد شدند؛ جلد شده و تمیز که در پیشانی هر صفحه امضا، تاریخ و نظر آموزگار آمده بود: «در زنگ کتاب‌خوانی، شعرها و قصه‌های مجله را برای بچه‌ها می‌خوانم. به عنوان تمرین از آن‌ها می‌خواهم که دور نشانه‌های جدیدی را که خواندیم، خط بکشند.»

پرسیدیم: آیا بچه‌ها به چشم تکلیف و مثل کتاب درسی به آن نگاه می‌کنند؟  
خانم جواهرمد: در ارزش‌یابی جدید، تکالیف بچه‌ها بسیار کم است. بچه‌ها یکی دو بار تکلیفشان را به خانه می‌برند تا والدین با روش کار آن‌ها آشنا شوند. بعد از آن در کلاس، هر کس که کارش را زودتر از بقیه انجام دهد، برای آن‌که بی‌کار نباشد، دنبال نشانه‌ها و کلمات جدید در مجله می‌گردند؛ مثل کاری که قدیم در روزنامه انجام می‌دادیم، ولی مجلات را قیچی نمی‌کنیم.  
گفتم: «به این ترتیب بچه‌ها به نوعی خواندن مجله را تجربه می‌کنند. با این دقتی که مجله‌ها را جلد کرده و تمیز نگه داشته‌اند، با مجله‌های خواننده شده چه می‌کنند؟»

خانم جواهرمد: از آن‌ها خواسته‌ام که مجلات پنج سال خود را حفظ کنند؛ همان‌طور که من مجله‌های ده پانزده سال قبل را جلد و حفظ کرده‌ام و از دیدن و خواندن دوباره‌ی آن‌ها لذت می‌برم.

پرسیدم: فکر می‌کنید مجله با کتاب متفاوت است و این دقت در نگه‌داری مجله از صمیمیت آن‌ها با مجله کم می‌کند؟

خانم جواهرمد: من داستان درخت را برای بچه‌ها گفته‌ام و این که مجله مثل کتاب ارزشمند است.  
خانم نصیری (معلم پایه‌ی اول): بچه‌ها می‌توانند از روزنامه‌ها یا مجلات قدیمی کلمات را قیچی کنند و در دفتر خود بچسبانند. مجلات مکمل کار ما هستند.  
خانم عبیری: بچه‌ها می‌توانند عکس‌های مجله را جدا کنند و قصه‌هایی را که دوست دارند، در بیاورند و جایی دیگر بچسبانند.

خانم آل‌بویه (معلم کلاس پنجم): بچه‌ها گاهی در میان درس، یاد مطالبی از مجلات سال قبل می‌افتند؛ مثلاً درباره‌ی نور و رنگ حرف می‌زنیم و می‌گویند مطلبی را درباره‌ی این موضوع در مجله‌ی سال قبل خوانده‌اند. آن را پیدا می‌کنند و به کلاس می‌آورند.

خانم جواهرمد: من اصراری به نگه‌داری مجلات ندارم، ولی بچه‌هایی که آن‌ها را نگه می‌دارند، خاطرات زیادی را به این ترتیب حفظ می‌کنند. من در مجلات رشد ۱۰ سال پیش قصه‌ها، شعرها و لطیفه‌های زیبایی را می‌بینم که گاه از مطالب امروز از نظر محتوا و کیفیت بهتر هستند. معلم و متخصص متوجه‌ی این تفاوت می‌شود. در مجلات امروز از مهارت، نگرش و دانش استفاده کرده‌اند و کوشیده‌اند مطالب علمی و به‌روز باشند. اما فرهنگ‌های دیرین ما در حال کم‌رنگ شدن هستند. قصه‌های قدیمی پدربزرگ و مادر بزرگ‌های ما در آن مجلات با آب و تاب زیبایی می‌آمد.

یکی از همکاران: من هم احساس می‌کنم رشد نوآموز جذابیت‌های قدیم را ندارد، به‌خصوص قصه‌های آن‌که زیبا و دنباله‌دار بودند. اما امروز قصه‌های تکراری را می‌نویسند که بچه‌ها همه را حفظ هستند. قصه‌های ناگفته‌ی پیامبران مثلاً یونس بگویند.  
خانم آل‌بویه (معلم کلاس سوم): از شادمانی‌ها و زندگی خصوصی و تفریحات پیامبران و معصومین مثل شوخی‌های حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) بگویند.

گفتم: این نظرات را هیچ‌وقت برای مجله‌ی خودتان از طریق تلفن، ایمیل و... بیان کرده‌اید؟

گفتند: خیر.

از فعالیت‌هایی که روی مجلات کودکان در کلاس دارند، این‌طور گفتند:

خانم نصیری: خلاصه‌ی داستان‌هایی را که برایشان در خانه یا مدرسه خوانده شده، در کلاس تعریف می‌کنند. کاردستی‌هایش را می‌سازند و برای دوستانشان چگونگی ساختش را توضیح می‌دهند.

خانم آل‌بویه (کلاس پنجم): من مجله‌ی بچه‌ها را به‌طور کامل در خانه می‌خوانم و بین درس به مطلبی که خوانده‌ام اشاره می‌کنم. بچه‌هایی که آن مطلب را خوانده‌اند، سریع ابراز می‌کنند و با هم درباره‌ی آن چه که خوانده‌ایم، بحث می‌کنیم. در کلاس اصلاً مجله را نمی‌خوانیم، فقط آن‌ها را تشویق می‌کنم که وقت خواب و بی‌کاری مجله را بخوانند. یا اگر آشپزی مجله را انجام داده‌اند، مقداری از دست‌پختشان را برای بچه‌ها به کلاس بیاورند تا بچشد.

خانم معصومه آل‌بویه (کلاس سوم): ما هم در کلاس مجله را نمی‌خوانیم، اما در صفحه‌ی آزاد کتاب «بنویسیم» گاهی از آن استفاده می‌کنیم. یا مطلب جالبی را که در خانه خوانده‌اند، به کلاس می‌آورند و برای دوستانشان می‌خوانند.

خانم حلوائی (معلم کلاس دوم): ما در روز توزیع مجله نگاهی به آن می‌اندازیم و قسمت‌هایی از آن را می‌خوانیم. ولی در روزهای دیگر فقط در حین درس به مطالب آن اشاره می‌کنیم و بچه‌ها مجله را در خانه می‌خوانند. بچه‌ها می‌گویند چیستان و لطیفه‌هایش کم است. آن‌ها خیلی دوست دارند سؤال‌های علمی در یک شماره مطرح شوند، آن‌ها دنبال جواب‌ها بگردند و جواب‌ها را برای مجله بفرستند و تا شماره‌ی بعد منتظر باشند. سرانجام هم پاسخ درست و احياناً اسم خودشان را در مجله ببینند.

خانم حلوائی و سایر همکاران: صفحه‌ای را به چاپ شعر، نقاشی و داستان بچه‌ها اختصاص دهید.

هم‌چنین، همکاران درباره‌ی مجلات خودشان (رشد‌های معلم، مدیریت، آموزش ابتدایی و...) نظر دادند:

خانم عبیری: وجود مسابقاتی مثل مسابقات مقاله‌نویسی و عکاسی پشت جلد مجلات، مخاطبان را جذب می‌کند.

خانم جواهری: «رشد آموزش ابتدایی» بحث‌های کارشناسی خیلی خوب دارد. لطفاً منابع آن‌ها و نیز منابعی علاوه بر آن‌ها را برای مطالعه‌ی بیشتر ما معرفی کنید.

خانم جواهری: وجود صفحه‌هایی مثل «گل برگ‌های تربیتی» که جملاتی کوتاه اما مؤثر و آموزنده از بزرگان دارند، برای مجلات رشد لازم است.

خانم معصومه آل‌بویه: وجود مسابقات جالب، چه در مجلات کودکان و چه در مجلات بزرگسالان باعث ارتباط و تعامل بیشتر مخاطب با مجله می‌شود. من از تجربه‌ی معلمان موفق خیلی استفاده می‌کنم. توضیح روش‌های جدید تدریس، مثلاً آموزش قرآن، به حدی خوب بود که اگر کسی نتوانسته بود در کلاس شرکت کند، با خواندن مجله آن را یاد می‌گرفت.

بعضی هم از سخت بودن  
سؤال‌های مسابقات رشد که  
در مدرسه‌شان برگزار می‌شود،  
شاکی بودند و فکر می‌کردند که  
طراح سؤال‌ها دست‌اندرکاران  
مجلات هستند



\* \* \*

ما دقیقی هم در حیاط مدرسه بین بچه‌های کلاس پنجم بودیم. با اشتیاق درباره‌ی مجله‌ی خودشان (رشد دانش آموز) نظر می‌دادند. بعضی‌ها می‌گفتند قصه‌ها و شعرها کودکانه‌اند و در حد ما نیستند. بعضی برخلاف آن‌ها نظر می‌دادند که خیلی هم خوب است! بعضی معترض بودند که اصلاً چیستان و لطیفه ندارد و از این نظر مجلات کودک و نوآموز برایشان جالب‌تر است و می‌گفتند: «شعر و قصه‌اش را زیاد کنید... از کلیله و دمنه بنویسید... قصه‌های شاهنامه قشنگ هستند... قصه‌های مادر بزرگی داشته باشید... به داستان‌های تخیلی عجیب و غریب علاقه داریم. دوست داریم نوشته‌ها و نقاشی‌هایمان را چاپ کنید.»

بعضی هم از سخت بودن سؤال‌های مسابقات رشد که در مدرسه‌شان برگزار می‌شود، شاکی بودند و فکر می‌کردند که طراح سؤال‌ها دست‌اندرکاران مجلات هستند. خوش‌بختانه مدیر حضور داشت و این بار سنگین را از دوش ما برداشت و گفت سؤال‌ات کار مدرسه است و می‌خواهند بچه‌ها مجله را دقیق‌تر بخوانند.

... و در جمع گرم و صمیمی خانم مدیر و بچه‌ها تا در بزرگ مدرسه بدرقه شدیم.







در سرمای بی‌رحمی که تیغ تیزش را از روی بالا پوش و لباس گرم به استخوان‌ها می‌کشید، دلگرم و امیدوار به اداره می‌رفت. تجسم چشمان ذوق‌زده‌ی دانش‌آموزان در فضای انباشته از بوی کاغذ و رنگ‌مجله‌ها، برق شادی در نگاهش انداخته بود. صورت خندان علی که برای پیدا کردن صفحه‌ی لطیفه‌ها، مجله را تندتند ورق می‌زند، مجید که دنبال خانه‌ی جی‌جی باجی‌ها می‌گردد، حمیدرضا که برخلاف آن دو، آرام و با تأنی مزه‌ی هر صفحه را می‌چشد، عنوانش را می‌خواند، دستی بر هر تصویر می‌کشد و می‌رود صفحه‌ای دیگر، و... همگی صورت یخ‌بسته‌اش را به خنده باز می‌کردند.

مسیر زیادی را از روستای «دارمرجان» آمده بود و می‌دانست ساعت‌ها پس از اتمام کار ادارات، به آموزش و پرورش «سردشت» خواهد رسید. ولی نگران نبود، چون اطمینان داشت کسی هست که با خوش‌رویی در را به رویش می‌گشاید، دستش را به گرمی می‌فشارد، چای گرمی باهم می‌خورند و با بسته‌ی مجله‌های بچه‌ها به «دارمرجان» برمی‌گردد. کسی هست که مثل او بچه‌ها را دوست دارد و به شادی، رشد و تعالی آن‌ها فکر می‌کند و مهم‌تر از همه، به نقش مجله به عنوان یکی از ابزارهای مهم کمک آموزشی در رشد فکری، اخلاقی و پیشرفت درسی آن‌ها اعتقاد دارد؛ اعتقادی به استواری باوری که او را در سال‌های جنگ به جبهه کشانده بود. همان باوری که دشوارها را آسان می‌کند و غیرممکن‌ها را ممکن. مگر جهاد برای افزایش سطح سواد و دانش، کم‌تر از مبارزه در جبهه

است؟ فقط باید آن را باور کنیم و به کاری که می‌کنیم ایمان داشته باشیم. تا «نماینده»ی اعتقاد خود باشیم. آقای سید جلال کریمی خدمت‌گزار اداره‌ی آموزش و پرورش سردشت، یکی از نمایندگان رشد است؛ یکی از کسانی که اعتقاد دارد، مجلات رشد برای ارتقای سطح فرهنگ مطالعه و سواد جامعه مؤثر و بلکه لازم است. او رسم پروانگی و جانبازی را سال‌ها پیش از این آموخته است و می‌داند در راه ترویج نور معرفت، اگر از نقد جان نیز مایه بگذارد باکی نیست که: «آن شمع سامان می‌دهد از شعله‌ی زرین بال‌ها»<sup>۱</sup>. آقای محمد گل‌بازی، نماینده‌ی مجلات رشد در استان آذربایجان غربی که با تلاشی کم‌سابقه توانست در طول دو سال، شمار خوانندگان مجلات را از ۱/۲ درصد به ۱۷ درصد برساند، رمز پیروزی خود را همین یاران پروانه صفت می‌داند که به معجزه‌ی عشق ایمان دارند. او را در فرودگاه، میان حاجیان از حج برگشته دیدم، با همان لبخند پیروزی بربل و غمی ناشناخته در نگاه گرچه به ظاهر از حج برنگشته

## شود آسان ز عشق کاری چند که بود نزد عقل بس دشوار

فاطمه رضایی

گفت‌وگو با محمد گل‌بازی، نماینده‌ی  
مجلات رشد در استان آذربایجان غربی

بود و باری در دست نداشت، چمدان دلش لبریز از درد دل و خاطره بود، و آرامش و شادمانی به خاطر سوغاتی که برای همه‌ی بچه‌های استان داشت. از فرودگاه تا خانه‌ی معلم ارومیه، جسته و گریخته از «سعی» دوساله‌اش گفت و «صفای» یارانش و «عرفه‌ای» که به معرفت گل‌های سرزمین مادری‌اش می‌انجامد. گفت که در این زمان کوتاه، چه مسافت طولانی را پشت سر گذاشته است و تا رسیدن به آرمان شهر خود، چه قدر راه دارد.

آقای واحدی، معاون سابق برنامه‌ریزی و انتشارات «دفتر انتشارات کمک آموزشی» گفته بود که استان آذربایجان غربی توانسته است با ابتکارات خاص در انجام تبلیغات گسترده، به درصد خوانندگان و مشترکان رشد بیفزاید، و من آمده بودم تا در این باره با نماینده‌ی رشد گفت‌وگو کنم؛ حال آن‌که تبلیغ کار دشواری نیست، به خصوص اگر سازمان‌های آب و برق و صدا و سیما و سایر وسایل ارتباط جمعی با تو همراه باشند. کار دشوار مبارزه با اندیشه‌های نادرست و تلاش برای ساختن یک فرهنگ و اندیشه‌ی تازه است.

سال‌هاست که اندیشمندان جهان ثابت کرده‌اند، وقتی کودکی کتاب و مجله‌ای می‌خواند، نه تنها به معلومات او افزوده می‌شود که طرح نقش‌ها و سؤال‌های مختلف در ذهن او، به بروز خلاقیت‌ها و اندیشه‌های بزرگ می‌انجامد. حال تصور کن، بسیاری از «دوستان فرهنگی» تو منکر اهمیت و تأثیر معجزه‌آسای خواندن مجلات باشند و بگویند بچه‌ها همین‌که کتاب درسی‌شان را بخوانند، شاهکار کرده‌اند! و ندانند علت افت تحصیلی دانش‌آموزان چیست. آقای گلبازی و دوستانش قهرمان این عرصه‌اند، نه عرصه‌ی تبلیغات!

پس شاخه‌های یاس و مریم فرق دارند؟

آری! اگر بسیار اگر کم فرق دارند

شادم تصور می‌کنی وقتی ندانی

لبخندهای شادی و غم فرق دارند

برعکس می‌گردم طواف خانه‌ات

دیوانه‌ها آدم به آدم فرق دارند

من با یقین کافر، جهان با شک مسلمان

با این حساب اهل جهنم فرق دارند...<sup>۲</sup>

و این تفاوت ما را به گفت‌وگو با آقای گلبازی مشتاق تر کرد:

○ بفرمایید از کی و چه طور به خانواده‌ی رشد پیوستید؟

● اولین بار همراه آقای احمدیان به نشست سالانه‌ی نمایندگان رشد در «اردبیل» دعوت شدیم، درحالی‌که آن زمان مسئولیتی در رشد نداشتیم. در طول گردهمایی، برداشت خودمان را از صحبت‌های دوستان یادداشت می‌کردیم. از نمایندگان رشد در استان‌های هم‌جوار، علل موفقیت آن‌ها را جوینا شدیم و در پی کشف علت ضعف کار خود بودیم. در آن دو شب با معاون آموزشی استان اردبیل، خانم فیروزی، نمایندگان رشد آن‌ها، نمایندگان تبریز، زنجان، قزوین، کردستان و... همه‌ی کسانی که از نظر کمی یا کیفی از ما جلوتر بودند، صحبت کردیم. هرچه بیش‌تر اطلاعات کسب می‌کردیم، بیش‌تر مشتاق می‌شدیم دنبال این کار را بگیریم.

محمد گلبازی، نماینده‌ی مجلات  
رشد در استان آذربایجان غربی  
با تلاشی کم‌سابقه توانست  
ظرف دو سال شمار خوانندگان  
مجلات رشد را از ۱/۲ به ۱۷  
درصد برساند

در همان نشست آقای واحدی عنوان کردند که از مهر ۱۳۸۶ به بعد، معاونان «آموزش و نوآوری» مسئول مستقیم مجلات رشد خواهند بود. همان‌جا آقای احمدیان قرار گذاشتند، مرا به عنوان نماینده‌ی رشد معرفی کنند. از من خواستند تا آن‌جا که می‌توانم اطلاعات جمع‌آوری کنم و با استفاده از امکانات بالقوه‌ای که در استان وجود دارد، بهره‌مندی از مجلات را توسعه دهم.

یکی از دلیل عمده‌ی این تصمیم، درصد پایین قبولی دانش‌آموزان استان بود. ما بیش‌ترین افت تحصیلی را از نظر کمی و کیفی داشتیم. ایشان اعتقاد داشتند توسعه‌ی نشریات رشد تأثیر مثبتی بر روند کمی و کیفی آموزش در استان ما خواهد گذاشت.

○ از مهر ۱۳۸۶ که رسماً رشد را از معاونت پشتیبانی تحویل گرفتید، اولین اقدام شما چه بود؟

● دعوت از مسئولان «دفتر انتشارات کمک آموزشی» از جمله آقای حاجیان‌زاده، مدیرکل وقت دفتر و آقایان شامانی و واحدی، معاونان ایشان، و ۱۵ سردبیر مجلات رشد به استان. جمعاً هشت اکیپ دو نفره را برای ۲۴ منطقه‌ی آموزشی در نظر گرفتیم. هر کدام در سه شهرستان حضور یافتند و در جلسات مدیران، دبیران و آموزگاران در مورد بسته‌های آموزشی و اهمیت آن‌ها، این‌که در دنیا از چه وسیله‌هایی برای آموزش استفاده می‌شود و ما فقط به کتاب درسی و کتاب حل مسئله و... اکتفا کرده‌ایم، صحبت کردند. اولین جرقه، همین نشست‌های سه روزه بود. همکاران با جدیت تمام در جلسات حاضر می‌شدند و دلایل و اهمیت کار را برای معلمان و همکاران توضیح می‌دادند. همکاران نیز عقاید خود را ابراز می‌کردند.

دانش‌آموزان ابتدایی (رشد‌های کودک، نوآموز و دانش‌آموز) بیش از ۷۰ درصد خریداران رشد را تشکیل می‌دهند. بعد از آن از رشد‌های دوره‌ی راهنمایی و تخصصی بیش‌ترین استقبال می‌شود

دومین عامل مهم در رشد سریع نشریات، دقت در انتخاب نمایندگان بود. نماینده باید به کاری که می‌کند ایمان و اعتقاد داشته باشد تا بتواند تأثیر بگذارد. از سال ۱۳۸۶ به دنبال نمایندگانی بودم که افزایش حتی دو کلمه بر گنجینه‌ی لغات دانش‌آموزان را قدر بدانند و ارزش لبخند یک بچه را درک کنند. باید نیروهای مخلص را پیدا کرد و از هرکس به اندازه‌ی توان او انتظار داشت. من برای پیدا کردن این افراد با ماشین خودم به شهرستان‌ها می‌رفتم و آن‌ها را قانع می‌کردم، این مسئولیت را برای آینده‌ی فرزندانمان برعهده بگیرند. سرایدار مدرسه‌ای، انباردار مجلات می‌شود. این انسان معتمد و سالم، با روی خوش از رانندگانی که برای حمل مجلات می‌آیند، پذیرایی می‌کند؛ همان‌طور که عشق و علاقه‌ی خدمت‌گزار اداره‌ی آموزش و پرورش سردهشت، علت موفقیت رشد در این منطقه است.

کارهای فرهنگی مجله برعهده‌ی نمایندگان است؛ اموری مثل برگزاری مسابقات، حضور در صدا و سیما، حضور در دفتر مطبوعات استانی و... در این مدت هرچا جلسه‌ای بود، از نماینده‌ای می‌خواستیم در آن شرکت کند، پنج دقیقه وقت بگیرد و در مورد اهمیت مجلات رشد برای جمع حاضر صحبت کند.

تبلیغات (آگاهی دادن‌های) همه‌جانبه‌ای را شروع کردیم. اگر معاون آموزش و نوآوری مصاحبه داشت، حتماً به مجلات اشاره می‌کرد. اگر رییس سازمان آموزش و پرورش مصاحبه داشت، خواهش می‌کردیم حتماً دو خطی هم درباره‌ی رشد بگوید. اگر رییس سازمان به شهرستان می‌رفت تا با مدیران صحبت کند، باز خواهش می‌کردیم رشد را فراموش نکنند. هر جلسه‌ای که می‌شد، از مسئول امور دفتری اطلاعات می‌گرفتیم که امروز رییس و معاون‌ها کجا هستند و قبل از آن‌ها در آن محل حاضر می‌شدیم؛ به طوری که به حضور ما عادت کرده بودند. گاهی اگر از

نظر سلسله مراتب اداری اجازه داشتیم، خودمان صحبت می کردیم.

○ بیش تر کدام عناوین رشد، معرفی و تبلیغ می شدند؟

● تمام رشدها عمومی و تخصصی - به خصوص تخصصی ها- راهنمایی و دبیرستان- را تبلیغ می کردیم. چون افت تحصیلی ما بیش تر در این دوره هاست. علت ضعیف بودن بچه ها ضعف دبیران و متولیان آن هاست. ضعف علائق شغلی یا کم بودن تخصص معلمان باعث کم شدن علاقه ی نوجوانان و جوانان به درس می شود. وقتی دبیری از نوآوری ها بی اطلاع است، نحوه ی استفاده از رایانه را بلد نیست، توانایی کسب اطلاعات جدید از اینترنت را ندارد و... از دانش آموزی که از او جلوتر است، چه انتظاری داریم؟ ما اعتقاد داریم، نشریات رشد به همکاران ما اطلاعات روز و تخصصی لازم را می دهد.

○ نشریات رشد در استان شما حدود ۲۰ سال فعالیت داشته اند. در طول یکی دو سال اخیر چه تغییری در میزان مخاطب مشاهده می کنید؟ بیش ترین مخاطبان چه گروهی هستند؟

● سال ۱۳۸۶ در کل استان ۶۴۲۰ نفر مشترک رشد بودند، در حالی که ۶۱۲ هزار دانش آموز و ۴۰ هزار معلم داشتیم. یعنی حدود ۱/۲ درصد از این جمعیت از مجلات رشد استفاده می کردند. سال بعد این مقدار به ۸ درصد رسید و سال بعد توانستیم آن را به ۱۲/۵ درصد برسانیم. امسال ۱۷ درصد (۱۲۱ هزار نفر) مشترک داریم.

دانش آموزان ابتدایی (رشته های کودک، نوآموز و دانش آموز) بیش از ۷۰ درصد خریداران رشد را تشکیل می دهند. بعد از آن از رشدهای دوره ی راهنمایی و تخصصی بیش ترین استقبال می شود.

بچه های ابتدایی بیش تر از سایرین مجلات را دوست دارند. وقتی بزرگ تر می شوند، چیزهای دیگری را جایگزین مجلات می کنند. اگر توانسته باشیم ما عشق به مطالعه را در آن ها ایجاد کنیم و آن ها را به خواندن عادت دهیم، تأثیر این کار را پنج شش سال آینده در دوره ی راهنمایی، با افزایش درخواست مجلات و کتاب خواهیم دید. در ده دوازده سال آینده، با ارتقای فرهنگ مطالعه، به یاری خدا نسل جوانی علاقه مند به علم و تحقیق و مطالعه داریم.

زمانی که افراد نمی دانستند رشد اختصاصی و عمومی چیست، رشدهای عمومی فقط در ۱۲ شهر (و نه روستا) توزیع می شدند. امروز در ۲۴ منطقه ی شهری و ۲۴ منطقه ی روستایی، ۳۰ نوع رشد توزیع می شود. دو سال پیش بحث مجلات تخصصی را که پیش کشیدیم، ماه اول ۳۰۰۰ نفر متقاضی داشت. در دی ماه امسال بیش از ۷۳۰۰ متقاضی مجلات تخصصی داریم و این بسیار امیدوارکننده است.

زمانی همکاران نمی دانستند «مدرسه ی فردا» یعنی چه و مناسب چه گروهی است؟ امروز در سایه ی اطلاع رسانی وسیع، حضور در جلسات و صدا و سیما استان، بنز زدن ها و تبلیغ در جلد پیک های نوروزی، والدین هم با ۳۰ نوع مجله ی رشد آشنا شده اند. ۲۵۶ هزار تبلیغ، همراه با پیک های نوروزی سال ۱۳۸۸ به میان ۲۵۶ هزار خانواده رفت.

○ شنیدم که روی فیش های آب و برق هم از مجلات رشد گفته اید. از چه طریق توانستید این کار را انجام دهید؟

● روابط عمومی فرمانداری بر روابط عمومی سایر سازمان ها اشراف دارد. هفت اداره ی مهم را که بیش تر از سایر ادارات با جامعه و خانواده ها در ارتباط هستند، انتخاب کردیم: آموزش و پرورش، پلیس راهور، مخابرات، آبفا، توانیر، شرکت گاز و اداره ی کل راه و ترابری. از فرمانداری خواستیم

در هفته ی معلم هم همه ی  
تبلیغات روی مجلات رشد  
متمرکز شد. اسمش را گذاشتیم  
«بهاران بی سر و صدا»

انجمنی از این اعضا تشکیل دهد و خود دبیر نشست‌ها و جلسات آن شود. در سالروز تقویم‌های هر کدام از این سازمان‌ها، سایرین به تبلیغ بپردازند و در مدارس با بچه‌ها در این باره صحبت شود. مثلاً در «روز هوای پاک»، هر هفت اداره تبلیغات خود را بر این موضوع متمرکز کردند: «اگر دست هم را بگیریم همه باهم رشد می‌کنیم». در هفته‌ی معلم هم همه‌ی تبلیغات روی مجلات رشد متمرکز شد. اسمش را گذاشتیم «مب‌باران بی سر و صدا». در عرض یک هفته شعارهای رشد به ادارات، خانه‌ها و مغازه‌ها سرازیر شد.

رشد کمی مجلات مهم نیست. ما با یکی دو طرح دیگر می‌توانیم شمار مشترکان رشد را به دو برابر الان افزایش دهیم، ولی این افزایش پایدار نخواهد بود. مشترک سه سال پیش ما هنوز خواننده‌ی رشد است. مهم «فرهنگ‌سازی» است؛ این که خانواده‌ها و حتی خیلی از مدیران و معلمان ما باور کنند که مطالعه برای افراد جامعه ضروری و لازم است و مجلات در افزایش فرهنگ مطالعه اثرگذارند.

○ صدا و سیما ای استان هم در تبلیغات رشد سهیم است. چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد و آیا هزینه‌ای از این بابت دریافت می‌کند؟

● خیر، صدا و سیما از اعضای شورای آموزش و پرورش است. وظیفه‌ی تعلیم و تربیت فرزندان ما بر عهده‌ی این واحد نیز هست؛ همان‌طور که برعهده‌ی ارشاد اسلامی، فرمانداری و استانداری هم هست. در حال حاضر، صدا و سیما نشست‌ها و گردهمایی‌های ما را پوشش خبری می‌دهد؛ در باره‌ی مسابقات، فعالیت‌های فرهنگی و جشنواره‌ها اطلاع‌رسانی می‌کند و در برنامه‌هایی (مثل سیما مدرسه در تلویزیون و صدای مدرسه که با زبان محلی پخش می‌شود)، مسئولان آموزش و پرورش، از جمله آقای کریمی، معاون آموزش، گاه از بسته‌های آموزشی و مجلات رشد می‌گویند.

○ فکر می‌کنید معلمان چه قدر اهل مطالعه بوده و هستند و در طول این دو سال چه پیشرفتی در این زمینه کرده‌اند؟

● پنج تا هشت درصد معلمان که اغلب متاهل نیستند و یا به درآمد خود قانع اند، به مطالعه، تحقیق و کار با رایانه مشغول‌اند. بیش‌تر معلمان با سابقه‌ی ما برای این که شرمندگی خود نباشند، دو شیفت کار می‌کنند. فکر گذران زندگی اجازه نمی‌دهد در اندیشه‌ی افزایش اطلاعات خود باشند. معلم وقتی به مطالعه عادت کرد، دیگر در هیچ شرایطی آن را رها نمی‌کند. هرچه بیش‌تر مطالعه کند،

انگیزه‌ی بیش‌تر دانستن و به روز بودن در او تقویت می‌شود.

یک بار برای فروش تعدادی کتاب از انتشارات مدرسه به نصف قیمت، اطلاعیه زدیم. از ۲۰۰۰ عنوان کتاب معرفی شده، همکاران ۲۰۰ عنوان را انتخاب کردند و ۶۰ هزار جلد کتاب خریداری شد. درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی که دو سال است در استان اجرا می‌شود، امسال ۴۳۰۰ جلد تقاضا داشتیم. در حالی که دوره‌ی ضمن خدمت و کد هشت رقمی در کار نبود و برای راهنمای تدریسشان در کلاس می‌خواستند. در جلسه‌ی سخنرانی آقای دکتر حسنی، از مؤلفان ارزش‌یابی توصیفی، در یک روز جمعه ۴۴۰ معلم از بخش‌ها و شهرستان‌های متفاوت جمع شده بودند.

اگر مسئولان ما با ما همراهی کنند، می‌توانیم «فرهنگ مطالعه» را در باور و اعتقاد معلمان ایجاد کنیم. هدف ما فقط مطالعه‌ی مجلات نیست. معلمی که اهل مطالعه باشد، بر دانش آموزان نیز تأثیر می‌گذارد. آقای محمدی در مصاحبه‌ای گفته بودند که میانگین مطالعه‌ی جمعیت دانش‌آموزی ۱۵ دقیقه است. این درصد اکنون در استان ما، به نسبت توزیع مجلات برای دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون، به روزانه ۴ تا

مهم «فرهنگ‌سازی» است؛  
این‌که خانواده‌ها و حتی  
خیلی از مدیران و معلمان  
ما باور کنند که مطالعه برای  
افراد جامعه ضروری و لازم  
است و مجلات در افزایش  
فرهنگ مطالعه اثرگذارند





برای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی  
دستورالعمل فرستادیم که  
چه‌طور رشد را وارد کار کلاس  
کنند. از پیدا کردن حروف برای  
دانش‌آموزان کلاس اول گرفته  
تا استفاده از کاردستی‌های آن

۷ دقیقه رسیده است.

○ همکارانی هم دارید که اهل قلم باشند و بخواهند در تهیه‌ی مطلب برای مجلات همکاری کنند؟

آیا مطالبشان را ابتدا برای شما می‌فرستند یا به‌طور مستقیم با دفتر مجلات در ارتباط هستند؟

● بله، آقای واحدی از ۱۸ نفر از این افراد که با خود مجلات مستقیم در ارتباط بودند، تقدیر و تشکر کرده است. دوست دارم مقالات را بخوانم و کمک کنم تا از طریق استان، به دفتر مجلات در تهران

فرستاده شوند. اما فعالیت‌های متعددی که این جا برعهده دارم، اجازه‌ی این کار را نمی‌دهد. اغلب مطالب را بعد از چاپ می‌خوانم و بعد از آن نظرهای خودم و دوستانم را به دفتر منعکس می‌کنم.

مکاتبه با شهرستان‌ها برای دریافت و ثبت آمار همراه، مکاتبه با تهران، انجام کارهای حسابداری، انبارداری، امور فرهنگی و... همگی برعهده‌ی من است. باتوجه به این که پست سازمانی و وظیفه‌ی اصلی من کارشناس گروه‌های آموزشی است و باید کارشناس مسئول خودم را هم راضی نگه دارم.

○ فکر نمی‌کنید با تقسیم کار بین دوستانتان، مقداری از سنگینی حجم کار شما کاسته شود؟ اگر کار به شاخه‌های فرهنگی،

حسابداری و انبار تقسیم شود، شما در کدام شاخه دوست دارید فعالیت خود را ادامه دهید؟

● بله باید این تقسیم کار انجام شود و من دوست دارم در حیطه‌ی امور فرهنگی کار کنم.

○ از فعالیت‌های فرهنگی رشد در این دو سال بگویید.

● علاوه بر گردهمایی‌ها، سفرها، تبلیغات استانی، ساخت تصاویر و پوسته‌های تبلیغاتی، قدردانی از همکاران تأثیرگذار و... مسابقات ساده‌ای هم، مثل سیب‌خوری برای معرفی نشریات رشد در مدارس برپا کردیم که جایزه‌ی آن یک سال اشتراک رشد بود. بزرگ‌ترین آن‌ها مسابقه‌ای تحت عنوان «مسابقات نشریات رشد» بود که در دهه‌ی فجر برای دانش‌آموزان برگزار شد و در آن ۱۴۴/۴۹ نفر شرکت کردند. سؤال‌ها را ما طرح کردیم و آزمون در خود مدارس برگزار شد و به ۵۰۰ نفر جایزه دادیم. در شهرستان نقده نمایشگاهی از وسایل کمک آموزشی برپا شد که از روی مجلات رشد معلم ساخته شده بودند.

برای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی دستورالعمل فرستادیم که چه‌طور رشد را وارد کار کلاس کنند. از پیدا کردن حروف برای دانش‌آموزان کلاس اول گرفته تا استفاده از کاردستی‌های آن. در نمایشگاهی که از دست سازه‌های بچه‌ها برپا شده بود، نمونه‌ی این کارها قرار داشت. یکی از خاطراتم نیمروبی بود که یک پسر دانش‌آموز برایم فرستاده بود. تقویت حس هم‌پاری و تعاون در خانه که پسرها هم مثل دخترها در چیدن سفره کمک کنند، علاوه بر تقویت انشانویسی، افزایش گنجینه‌ی لغات، توانایی روخوانی وسایر چیزهایی که دستاورد رشد است، همگی باعث می‌شوند که روزی هزار بار خدا را شکر کنم.

هرماه بعد از توزیع رشد، وقتی در خیابان بچه‌ای را می‌بینم که مجله را زیر بغل گرفته است و خندان به خانه می‌رود تا شب کنار کنار پدر و مادرش بنشیند و آن را ورق بزند، تمام خستگی کار و طعنه‌های دوستان فراموشم می‌شود. در مقابل این شادمانی چه چیزی را از دست داده‌ام که ارزشش بیشتر باشد؟ در استانی که به مجله به دید دشمن کتاب‌های درسی نگاه می‌کردند، اکنون همان همکاران پیشنهاد می‌دهند که کاری برای ترویج رشد به ایشان محول کنیم.

○ پیش از آن که به تأثیرات رشد پردازیم، درباره‌ی فعالیت‌های فرهنگی خودتان می‌فرمودید. آیا برای همکاران نیز علاوه بر اقداماتی در جهت آشنایی با مجلات، کارهایی مثل برگزاری آزمون‌های تشویقی یا آموزش ضمن خدمت برای ایجاد انگیزه‌ی مطالعه داشته‌اید؟

● به شورای معاونین پیشنهاد دادم، در بند هشت ارزشیابی سالانه که به استفاده از نشریات رشد اختصاص دارد، این پنج امتیاز به کسانی داده شود که واقعاً مجلات را خوانده و در آزمون آن شرکت کرده‌اند. اگر بخواهند یک آزمون اینترنتی راه بیندازند، در ناحیه‌ی ۲ ارومیه به اندازه‌ی کافی افراد متخصص برای همکاری وجود دارند. برای امتیاز آموزش ضمن خدمت نیز، مسئولان آن گفتند که دوره‌ای را پیدا نکردند که منطبق برکد هشت رقمی سیستم باشد؛ از طرف دیگر، نیازمند صرف هزینه نیز هست.

کاری را که شروع کرده‌ایم لازم است ابتدا خوب تثبیت کنیم، بعد به دنبال رشد کمیت آن باشیم. آهسته رفتن اما هم‌گام و قوی و همیشه رفتن بهتر از حباب وار بالا رفتن است. اگر استقبال از مجلات رشد یکباره افت کند، ضربه‌ی آن تا پنج شش سال باقی می‌ماند. رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود.

○ امیدواریم پیوسته در پناه حق رو به کمال و موفقیت در حرکت باشید.

## از رشد یافتن تا یافتن رشد

(ساعتی در آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی و مدرسه‌ی دانش)

صبح پنج شنبه بعد از دیدارمان از مدرسه‌ی «دانش»، به همراه آقای گل‌بازی به اداره‌ی آموزش و پرورش استان بازگشتیم و دوستان و همراهان او را دیدیم. صحبت‌های آقای موسوی کریمی، معاون سازمان را شنیدیم و به خصوص آقای کاظمی، مسئول گروه‌های آموزشی، از دلتنگی‌ها و گله‌هایی گفت که گل‌بازی را حوصله‌ی شرح آن‌ها نبود.

آقای گل‌بازی در تمام صحبت‌هایش با عطف و پدري مهربان، از رشد و بالندگی «رشد» حرف می‌زد. در مدرسه‌ی دانش دیدم که «رشد» نه یک فرزند، بلکه مادری است که بچه‌ها شادمان در دامن او بزرگ می‌شوند و زبان می‌آموزند. طعنه‌ی دوستان و مشکلاتی که گاه گل‌بازی در کلام به آن اشاره داشت، رشد را در نظم آتشی می‌نمود که آن را از دستی به دستی حفظ می‌کنند تا ماند و روزی نورش راه‌گشای همه‌ی دوستان فرهنگی و بچه‌های استان باشد. اما همه‌ی این تشبیهات زیبا (مادر، فرزندی در حال بالندگی و آتش) در اتاق گروه‌های آموزشی رنگ باخت! «رشد» مهمان ناخوانده و مستاجری بدون پرداخت اجاره شد. یکی از دوستانی که آن‌جا حضور داشت، «رشد» را به پسری تشبیه کرد که تشکیل خانواده داده است و باید از خانه‌ی پدري زحمتش را کم کند.

آقای گل‌بازی که دقایقی پیش از آن به ظرافت و با احتیاط به برخی مشکلات و کمبودهای امکاناتی، مثل اتاق، رایانه و وسایل کار، اشاره می‌کرد، ناگهان سکوت کرد.

بی‌لشکریم، حوصله‌ی شرح قصه نیست

فرمانبریم، حوصله‌ی شرح قصه نیست

با پرچم سفید به پیکار می‌رویم

ماکم‌تریم، حوصله‌ی شرح قصه نیست

آینه‌ها به دیدن هم خو گرفته‌اند

یکدیگریم، حوصله‌ی شرح قصه نیست

هم چون انار، خون دل از خویش می‌خوریم

غم پروریم، حوصله‌ی شرح قصه نیست...<sup>۲</sup>

آقای کاظمی، مسئول گروه‌های آموزشی که پیشرفت رشد را به خاطر همکاری تنگاتنگ معاون آموزشی و کارشناسان گروه آموزشی می‌داند، گفت: «رشد پست سازمانی ندارد، پست جنبی است که اصلاً مال ما نیست. مستندسازی شده و نامه‌اش آمده است که کارشناس آموزش ابتدایی مسئول آن است. اما به خاطر پاره‌ای مسائل، صلاح دانسته شده است که این کار این‌جا انجام شود. چون خوب پی‌گیری می‌شود و به حقیقت

آقای موسوی کریمی معاون آموزشی و نوآوری: تأثیر این بسته‌های آموزشی و رشد ثابت شده است. علاوه بر پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان، آن‌ها را برای مطالعه‌ی کتاب درسی آماده تر می‌کند و در کیفیت آموزشی تأثیر می‌گذارد



موفق هم بوده‌ایم؛ گرچه امکانات جنبی کم است. پیشرفت رشد به این خاطر است که من یک کارشناس در بست در اختیار آن گذاشته‌ام. ۸۰ درصد نیروی آقای گلبازی صرف رشد می‌شود و من به تنهایی امور ابتدایی و راهنمایی را پی‌گیری می‌کنم. فقط نشریات و کتاب‌ها را به عهده‌ی آقای گلبازی گذاشته‌ام.

پیشنهاد من این است که در کنار امکاناتی که این کار لازم دارد، یک کارشناس مستقل به رشد بدهند. صورت جلسه‌هایی که از مناطق می‌آید، پر از گله‌های همکاران است: آقا ما را بیچاره کردید! وقت ما صرف پول جمع کردن، تحویل و توزیع مجلات می‌شود! این ماه تمام نشده ماه بعد کامیون می‌آید! شما مغازه باز کرده‌اید! ما مگر دلایم؟ فروشنده هستیم یا کارشناس؟ ما چه زمانی به کیفیت بخشی گروه‌های آموزشی مان برسیم؟ و...

این توهین‌ها را من می‌شنوم، ولی به جان‌ودل می‌خرم که رشد راه بیفتد. اگر می‌خواهید مجلات رشد واقعاً در سطح کشور گسترش پیدا کنند، فکری به حال پُست آن‌ها کنید. از نظر تامین نیروی انسانی در استان مشکل داریم. ما در منطقه یک کارشناس داریم که کارشناس بسیج هم هست، کارشناس ایثارگران هم هست، کارشناس آموزش و کارشناس روابط عمومی هم هست و در آخر نماینده‌ی مجلات رشد هم هست! کسی که این همه فشار کاری را تحمل کند، بعد از نهایت یک سال کار فرار می‌کند. تا الان در ناحیه‌ی ۲ سه کارشناس عوض شده‌اند. من سپر شکایت‌های کارشناسان شده‌ام. یک کارشناس در اختیار رشد گذاشته‌ام و وسایل و تجهیزات کارگاه و آزمایشگاهم را جابه‌جا کرده‌ام و سه ماه است که محل آزمایشگاه انبار مجلات شده است. سال گذشته پشت همه‌ی پیک‌های نوروزی مان تبلیغ رشد را زدیم. اگر حمایت ما - معاون و گروه‌های آموزشی - نباشد، یک نفر به تنهایی نمی‌تواند کاری کند.»

آقای کاظمی به تأثیر رشد در آموزش بچه‌ها اذعان داشتند. هم‌چنین قبول داشتند که رشد بین معلمان نیز در حال یافتن جایگاه خود است و آن را نیازمند حمایت فکری، مادی و معنوی از خود سازمان می‌دیدند، با این

وجود می‌گفتند: «ما نمی‌دانیم این مجلات تاکنون چه قدر در سطح آموزش بچه‌ها و ارتقای فرهنگ مطالعه مؤثر بوده است. تحقیق نشده! در واحد آموزش ما الان ۱۴ پیک و جزوه‌ی آموزشی تهیه می‌کنیم. مسئولان آموزش به ما می‌گفتند: چرا جیب چند مؤلف را پر می‌کنید؟ من به درامد رشد کاری ندارم، مهم اثرگذاری و اثربخشی آن است. ضرورت دارد، از بالا، یک تدبیر، یا سیاست‌گذاری صورت بگیرد که ما بازخورد و نمود رشد را ببینیم؛ این مهم است. آسیب‌شناسی کنید. ۳۰ مدرسه‌ای را که رشد در آن‌ها توزیع نمی‌شود، با ۳۰ مدرسه‌ی تحت پوشش رشد مقایسه کنید. در آن‌ها چه اتفاقی افتاده است؟ این محصول چه قدر اثرگذاری و اثربخشی داشته است؟»

از آن‌چه در بچه‌های مدرسه‌ی دانش تحت تأثیرمجلات دیدم، برای آقای کاظمی و دوستان تعریف کردم. گفتم به راحتی می‌توانند میزان تأثیر رشد را در افزایش معدل و درصد قبولی دانش‌آموزان مدرسی که تحت پوشش رشد هستند، محاسبه کنند. آقای کاظمی گفتند: «این تحقیق نیاز به ابلاغ و صرف هزینه و نیروی انسانی دارد و فقط در گفتار آسان به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، مدرسه‌ی دانش مدرسه‌ی بسیار خوبی است که شرایط آن با مدارس دیگر قابل مقایسه نیست. برای مثال، بهترین مدرسه‌ای است که ارزش‌یابی توصیفی در آن انجام می‌شود. تنها یک مدرسه ملاک عمل نیست. به مدرسه‌ای در علی‌آباد که رشد به آن‌جا می‌رود سر بزیند و ببینید مجلات چه تأثیری بر آن‌ها داشته است. امکاناتی برای بچه‌ها و معلمان مناطق محروم ایجاد کنید. ای کاش ۲۰ درصد مجلات رشد به طور رایگان به مدارس محروم برود.»

### گلبازی: من فقط نیازمند هم‌یاری ذهنی همکارانم هستم

آقای کاظمی به موانع و مشکلات اداری دیگری نیز اشاره کردند؛ از جمله این که: «در فرم ارزش‌یابی‌ها، برای افرادی که از مجلات رشد استفاده کرده‌اند، امتیاز منظور می‌کنیم. بازرس می‌آید و روی آن انگشت می‌گذارد که با کدام مستند نوشته‌اید و منوط کرده‌اید به استفاده از رشد؟ چرا الزام می‌کنید؟! یک بخش‌نامه می‌گوید در صورت تمایل پول رشد را اول سال تحصیلی از والدین بگیرید. بخش نامه‌ی وزیر می‌گوید: هنگام ثبت نام حق گرفتن هیچ‌گونه وجهی ندارید و...»

در دلدل‌های آقای کاظمی را شنیدیم و در پایان آقای گلبازی اضافه کردند ازین هم‌یاری‌ها، آن‌چه بیش‌تر کمبودش احساس می‌شود، آگاهی و حس هم‌یاری همکاران فرهنگی اوست: «من به رشد و تأثیرات مثبت آن اعتقاد قلبی دارم و اگر روزی تصدی رشد دیگر بر عهده‌ام نباشد. باز از آن حمایت می‌کنم تا آن‌جا که دیدگاه همکارانم نسبت به رشد و میزان تأثیرگذاری آن عوض شود. من فقط نیازمند هم‌یاری ذهنی همکارانم هستم.»

از اتاق گروه‌های آموزشی به دفتر آقای موسوی کریمی، معاون آموزش و نوآوری، رفتیم و دقایقی را نیز از صحبت‌ها و نظرات ایشان استفاده کردیم.

- نقش بسته‌های آموزشی به خصوص مجلات رشد را در آموزش و پرورش استان ارومیه چه طور می‌بینید؟
- تأثیر این بسته‌های آموزشی و رشد ثابت شده است. علاوه بر پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان، آن‌ها را برای مطالعه‌ی کتاب درسی آماده‌تر می‌کند و در کیفیت آموزشی تأثیر می‌گذارد. ضمن این‌که مطالب حاشیه‌ای و کمکی، زمینه‌ای برای مطالعات بعدی آن‌ها می‌شود.
- در این دو سال که میزان استفاده از رشد در استان چند برابر شده است، آیا شما تغییری در رشد تحصیلی دانش‌آموزان هم احساس

کرده‌اید؟

● بله، در دوره‌ی متوسطه میزان قبولی دانش‌آموزان بیش از شش درصد افزایش داشته است و در دوره‌ی ابتدایی قبولی سال گذشته ۹۷/۳۰ بود که امسال به ۹۷/۸۰ رسید. قبولی‌ها در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی هم از ۷۶ درصد به ۹۷/۴ رسید.

○ به‌طور مسلم عوامل دیگری نیز غیر از مجلات در این امر دخیل بوده‌اند. آیا می‌توان تحقیق کرد که حدوداً چند درصد رشد تأثیر داشته است؟

● بله، اکثر مدارس تحت پوشش رشد بوده‌اند، اما نشریات و وسایل کمک آموزشی دیگری هم وجود داشته‌اند. می‌توانیم از هر منطقه دو مدرسه را با هم مقایسه کنیم. از طریق پرسش‌نامه‌هایی که مدیران مدرسه پرمی‌کنند، این کار امکان‌پذیر است.

○ معاون آموزش و نوآوری چه طور می‌تواند به اهداف فرهنگی و آموزشی رشد یاری رساند؟

● ما وقت آقای گلبازی را آزاد گذاشتیم تا در خدمت اهداف فرهنگی و توزیع رشد باشد و نظریات مناطق را جمع‌آوری کند. من فقط «رشد» مورد نظر نیست. نسبت به نشریات دیگر هم نگاه مثبت دارم و سعی می‌کنم از آن‌ها هم حمایت کنم. خودمان هم برنامه ریزی کرده‌ایم که برای دانش‌آموزان نشریاتی تحت عنوان «پیک آموزش» به صورت فصلی تولید کنیم. زیرا اعتقاد داریم در کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارند.

آقای کاظمی مسئول گروه‌های  
آموزشی: سال گذشته پشت  
همه‌ی پیک‌های نوروزی مان  
تبلیغ رشد را زدیم

در جلسه‌ای که یک ماه پیش با همکاران در اداره داشتیم، تصمیم گرفتیم که استفاده از مجلات رشد را بین همکاران نهادینه کنیم تا همه خودشان را به استفاده از آن ملزم و احساس نیاز کنند. به این منظور در برگه‌ی ارزش‌یابی، امتیاز بخش توسعه‌ی مهارت‌های فردی را که چهار تا پنج نمره دارد، به خواندن مجلات رشد اختصاص دادیم. آزمونی هماهنگ به شکل چهارگزینه‌ای برگزار خواهیم کرد و نتیجه‌ی آن را در برگه‌ی ارزش‌یابی منظور می‌کنیم. وقتی معلمان با مجله آشنا شوند، آن را مطالعه خواهند کرد و نتیجه و تأثیر آن را در آموزش خواهیم دید.

○ تهیه‌ی محتوای «پیک آموزش» به عهده‌ی چه کسانی است؟ آیا از تعداد افراد صاحب قلم

در استان که توانایی و علاقه‌ی ارائه‌ی مطلب و مقاله برای مجلات دارند، اطلاعی دارید؟

● تهیه‌ی مطالب پیک آموزش بر عهده‌ی گروه‌های آموزشی است. همکاران صاحب قلم در استان زیادند و اغلب از مجلات رشد هم‌گله دارند که آثار ارسالی آن‌ها چاپ نمی‌شود. تا کنون نام صد نفر از همکاران نویسنده و محقق را که به همکاری با مجلات علاقه‌مند هستند، در فهرستی فراهم کرده‌ایم و امیدواریم برای تولید محتوای قسمت‌هایی از مجلات از این دوستان ما استفاده کنند.

○ ما نیز امیدواریم که شما و دوستانتان هرروز موفق تر باشید و درسایه‌ی این مودت و همکاری، نام بچه‌های استان آذربایجان غربی برتارک بلندترین قله‌های پیروزی بدرخشد.





## با بچه‌های مدرسه‌ی دانش

در بدو ورود، پسرهای شاد و خنده‌رو روی کلاس خانم جعفری را در حیات دیدیم. وقتی موضوع صحبت ما را فهمیدند، کلی خوش حال شدند؛ چرا که با مجلات دوست بودند. پشت سرهم درباره‌ی مطالب مجله نظر می‌دادند. از مطالب جدی مجله (مثل بخش سلامتی) هم طوری با خنده تعریف می‌کردند که از لطیفه‌ها می‌گفتند. تصاویر و نقاشی‌های مجله برایشان خیلی جالب بود. احمد چند بار با خنده شکل بچه‌ای را تعریف کرد که واکسن آنفولانزا می‌زد. موضوع خنده‌دارتر آن بود که مصریان در کنار قبر مردگان خود برای آن‌ها دست شویی نیز می‌ساختند! اما حرف‌ها به جاهای جدی تری هم رسید. از آن‌ها که خیلی زیبا تفاوت مجله با کتاب را تعریف کردند، خواستم که بگویند: آیا از مجله لغات جدیدی هم یادگرفته‌اند که در کتاب درسی نبوده است؟

پسری که از همه جدی‌تر بود، واژه‌هایی را می‌گفت و بچه‌ها حرف او را تایید می‌کردند و یا می‌گفتند که این لغت در کتاب درسی آمده است. وقتی گفتم معنی این کلمه‌های جدید را از کجا فهمیدید، مجله که مثل کتاب درسی معنی کلمات تازه را نوشته است، گفتند: «با خواندن ادامه‌ی مطلب در خط‌ها و جمله‌های بعد!»

خوب می‌فهمیدم که یادگیری لغات جدید چه قدر برای آن‌ها لذت‌بخش است؛ به اندازه‌ی تماشا کردن عکس‌های مجله. بچه‌ها با لهجه‌ی ترکی، از قشنگ‌ترین واژه‌های فارسی در کلام خود استفاده می‌کردند. درحالی که خانم جعفری می‌گفت در کلاس ساعتی برای خواندن مجلات

با هم ندارند.

خانم رنجبری و دانش‌آموزانش را در کلاس سوم دیدیم. آن‌ها هم از لطیفه و جدول، خانه‌ی جی جی باجی‌ها، من و طوطی و پدربزرگ و خیلی چیزهای دیگر درمجله حرف زدند و اظهارنظر کردند. داستان رستم و شعرهای شاه‌نامه را دوست داشتند و از لطیفه‌ها و کاردستی‌های مجله لذت می‌بردند. پسری که می‌خواست دانشمند و فضانورد شود، مشتاق بود بعد از داستان‌ها یا مطالب علمی، سؤال‌های چهارگزینه‌ای از آن‌ها داده شود!

خانم رنجبری گفتند که مطالب مجله را در کلاس با بچه‌ها کار نمی‌کنند، اما در امتحانات کلاسی یکی دو سؤال از مجلات طرح می‌کنند. پرسیدم: «این کار باعث دلزدگی بچه‌ها از مجله نمی‌شود؟»

گفتند: «بچه‌ها این کار را دوست دارند و باعث تشویق بیشتر آنان به مطالعه‌ی مجله می‌شود.»

در دفتر مدرسه با خانم سلطانی، معلم پایه‌ی دوم گفت‌وگو کردیم. برایم توضیح دادند که در ساعت نقاشی، قصه‌ای از مجله را باهم می‌خوانند واز بچه‌ها می‌خواهند در باره‌ی آن نقاشی کنند. برای خلاصه نویسی از داستان‌های مجله هم استفاده می‌کنند. مثل خانم رنجبری از مطالب مجله برای بچه‌ها سؤال امتحانی طرح می‌کند. ایشان مطالعه مجله را در روخوانی بچه‌ها خیلی مؤثر می‌دانند، اما علاقه‌ی بچه‌ها را به مطالعه کم می‌بینند و اعتقاد دارند باید فرهنگ مطالعه در خانواده‌ها خوب جا بیفتد. می‌گویند: «ما از حربه‌هایی مثل دادن سؤال امتحانی از مجلات، استفاده می‌کنیم که بچه‌ها را ملزم به خواندن کنیم، وگرنه به خودی خود مجله را در گوشه‌ای رها می‌کنند. چون خانواده‌ها به خواندن اهمیت نمی‌دهند. اجبار راه درستی نیست، ولی شاید لازم است این آشنایی در ابتدا با اجبار ایجاد شود. من خواندن کتاب قصه و خلاصه کردن آن را نیز به صورت تکلیف مطرح می‌کنم.»

در کلاس اول، خانم چوداری و دانش‌آموزان سرحال و بازیگوش او را دیدیم. مجله شان را خوب می‌شناختند و شعرهایش را در کلاس با معلم می‌خواندند. ولی گویا شخصیت‌های کارتونی مثل «بت من» و «مرد عنکبوتی» برایشان خیلی جذاب‌تر بود؛ چون دائم اصرار داشتند در مجلات عکس‌ها و قصه‌های این‌ها هم باشد!

خانم چوداری گفتند: «جمعیت کلاس زیاد است و لحظه‌ای نمی‌توان از آن‌ها غافل شد، ولی خواندن قصه و علاقه مند کردن آن‌ها به مطالعه بی‌شک از شیپنت‌ها خواهد کاست.»

برای همه‌ی بچه‌های آذربایجان غربی به خصوص بچه‌های مدرسه‌ی دانش و معلمانشان آرزوی سربلندی و پیروزی داریم.

### زیرنویس

۱. صائب تبریزی: سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد
۲. فاضل نظری، از کتاب «گریه‌های امپراتور».
۳. فاضل نظری، از کتاب «آن‌ها».

# نشریات رنلد

● چشم بینا و گوش شنوای مخاطب

سال‌هاست که مجلات رشد، در ارتباط با اهداف نظام تعلیم و تربیت کشور تهیه می‌شوند و همراه دانش‌آموزان و معلمان بوده‌اند. این مسئله که مجلات رشد در توسعه‌ی دانش، تفکر، خلاقیت و نیز تشویق مخاطبان به مطالعه چه نقشی دارند و چگونه می‌توان بهره‌مندی این گروه از جامعه را از نشریات رشد به حداکثر رساند، همواره جزء دغدغه‌ها و مباحث مطرح بین مسئولان نظام آموزش و پرورش بوده است. یکی از مهم‌ترین و بهترین گروه‌هایی که می‌توانند برای تحقق اهداف نشریات رشد و نیز مسائلی از قبیل «نقش نشریات رشد در توسعه‌ی خلاقیت و فرهنگ مطالعه بین مخاطبان»، «روش‌های بهبود کمی و کیفی نشریات رشد» و «روش‌های بهبود نقش نمایندگان نشریات رشد»، راه‌حل‌های کاربردی ارائه دهند، نمایندگان مجلات رشد و نیز معاونان آموزش و نوآوری در هر استان هستند. زیرا آن‌ها به نوعی واسطه میان مخاطبان و دست‌اندرکاران مجلات هستند و به این ترتیب، هم از نیازها و علائق مخاطبان استان خود و هم از فعالیت‌ها و تلاش‌های مسئولان نشریات آگاه‌اند. در مصاحبه‌هایی با نمایندگان رشد در هر استان، پرسش‌هایی در زمینه‌ی مسائل فوق مطرح شدند و ۱۵ نفر از آن‌ها به این پرسش‌ها پاسخ دادند و راه‌حل‌هایی را ارائه کردند. آن‌چه می‌خوانید قسمتی از راهکارها و پاسخ‌های این نمایندگان است:

\*\*\*



نشریات رشد :

## چشم‌بینا و گوش شنوای مخاطب

سمانه آزاد

## ۱. نقش و کارکردهای مهم نشریات رشد در تقویت تفکر و خلاقیت و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بین مخاطبان (دانش‌آموزان، معلمان، مربیان و مدیران) چیست؟

● عبدالرسول رضایی (بوشهر):

### ارزانی، فراوانی

از آن‌جا که مجلات رشد سودمندترین و ارزان‌ترین وسیله برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان و همکاران و مبارزه با جهل و بی‌خبری به شمار می‌آیند، بین افراد با سواد و فرهنگی نیز، مطالعه‌ی مجلات رشد مبین روشن‌فکری، درک عمیق و بالا بودن شعور اجتماعی است. مجلات رشد به خاطر ویژگی‌هایی از قبیل ارزانی، فراوانی، نقل صحیح و دقیق مطالب، تنوع و سادگی مطالب و ... قادر هستند، طیف گسترده‌ای از دانش‌آموزان و فرهنگیان را تحت پوشش اطلاعات قرار دهند و نیز به واسطه‌ی مقبولیتی که بین دانش‌آموزان دارند، می‌توانند وسیله‌ی خوبی برای انتقال آگاهی‌های گوناگون به ذهن و ترمیم و تصحیح روابط و ضوابط موجود در جامعه باشند. هرچند که این مجلات در بعضی از نقاط به علت وضعیت بد حمل و نقل با تأخیر چند روزه و گاهی چند هفته‌ای به دست مخاطبین می‌رسند، با این حال موجب پیشرفت عمده‌ای در سرعت و صحت خبر رسانی و مطالب مهم علمی می‌شوند.

● مجید منصوری میمندی (هرمزگان):

### چشم‌بینا و گوش‌شنوا

نشریات آموزشی رشد مخاطبان خود را به خوب دیدن، خوب مشاهده کردن و خوب گوش دادن دعوت می‌کند. خلاقیت، توسعه‌ی تفکر، و اشاعه و ترویج فرهنگ مطالعه بین گروه‌های متنوع مرتبط با مدارس و آموزش و پرورش از این مسیر می‌گذرد. مطالب و محتویات نوشته شده در مجلات رشد، هم‌گام و هم‌سو با نیازهای جدید جامعه و مخاطبان گروه‌های سنی تدوین، تنظیم و منتشر می‌شود. ارائه‌ی راهکارهای عملی در جهت اهداف و برنامه‌های آموزشی و تربیتی در جهات گوناگون، هموارکننده‌ی راه و هدایت‌کننده‌ی افراد به این سمت است. تهیه‌ی داستان‌هایی که تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان را بیدار می‌کند و باعث رشد و توسعه‌ی کیفی آموزش می‌شود، تهیه‌ی مصداق‌های علمی تدریس در مجلات رشد معلمان، ارائه‌ی بازی‌های گوناگون که با اهداف آموزشی و پرورشی هماهنگی داشته باشند در مجلات رشد دانش‌آموزی، همگی

مطالب و محتویات نوشته شده در مجلات رشد، هم‌گام و هم‌سو با نیازهای جدید جامعه و مخاطبان گروه‌های سنی تدوین، تنظیم و منتشر می‌شود

سهم بسزایی در افزایش توان علمی، فرهنگی، مذهبی و.. مخاطبان دارند.

● محسن اکبری (سمنان)

### کاهش فاصله بین کتب درسی و فناوری روز

نشریات رشد به عنوان کتب کمک آموزشی می‌توانند فواصل ایجاد شده بین کتب درسی و فناوری و اطلاعات روز را پوشش دهند. همان‌طور که می‌دانید، علم و فناوری روزبه‌روز در حال گسترش است و کتب درسی ما با سرعت آن‌ها قابل تغییر نیستند. پس مجلات رشد می‌توانند این فاصله را پر کنند و حتی می‌توانند با ابتکارات و خلاقیت‌ها، باعث یادگیری بهتر دانش‌آموزان و معلمان شوند. این نکته قابل تأمل است که مجلات رشد باید بر اساس سرفصل‌های کتب درسی باشند تا بتوانند خود را به عنوان کتب کمک آموزشی مطرح کنند. برای این که مجلات باعث خلاقیت و تفکر شوند، باید مجلات با مخاطبین خود ارتباط دو طرفه داشته باشند. این ارتباط را می‌توان با دادن سؤالات خلاقانه و گرفتن پاسخ و معرفی نفرات برتر در مجله ی بعدی و... برقرار

● علیرضا محمودی، معاون آموزش و نوآوری (سمنان)

### توسعه‌ی فرهنگ مطالعه

نقش نشریات رشد در خصوص توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بین مخاطبان، با توجه به محتویات آن‌ها حائز اهمیت است و روند رو به رشدی را طی این سال‌ها داشته است. برای این که هم‌چنان این روند ادامه داشته باشد و نیز بتواند در تقویت تفکر و خلاقیت مخاطبان نیز مفیدتر واقع شود، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- مطالب در راستای سرفصل‌های کتاب باشد و در حد حل مسائل نباشد.

- مطالب قوی طرح شوند و در حد یک کتاب آموزشی باشند (تأکید بر مفاهیم بنیادی آموزشی).

- در ارائه‌ی مطالب از شیوه‌های متعدد استفاده شود.

- چند رسانه‌ای باشد.

- مطالب به روز باشند.

- در تهیه‌ی مطالب رویکرد نوآورانه و فناورانه حاکم باشد.

- در تولید محتوا به دو اصل نظرسنجی و مشارکتی بودن توجه شود.

● حمید شفیعی (کردستان)

### افزایش تبادل تجربیات

به نظر بنده، مجلات رشد با توجه به تنوع موضوعی، تحت پوشش قرار دادن مخاطبین در گروه‌های سنی متفاوت و تخصصی بودن



موضوع‌های مطرح شده در مجلات که عموماً در حیطه‌ی آموزش و پرورش هستند، می‌توانند بستر مناسبی برای تبادل تجربیات بین همکاران، بازآموزی در زمینه‌های تخصصی، توسعه‌ی فرهنگ مطالعه و تقویت تفکر و خلاقیت در مخاطبین باشند. هم‌چنین، مجلات رشد می‌توانند نقاط ضعف برنامه‌های رسمی آموزش و پرورش را پوشش دهند.

● طالب‌محمدی، معاون آموزش و نوآوری (کردستان)

### ایجاد زمینه برای مشارکت بیشتر استان‌ها

- خودداری از چاپ مقالات صرف‌نظری و استفاده از محتوای کاربردی که همراه با ارائه‌ی تجارب، راهکار و پرداخت نویسنده باشد.
- طراحی مسابقاتی که زمینه‌ی بروز خلاقیت همکاران و دانش‌آموزان را در زمینه‌های آموزشی فراهم آورد.
- فراهم آوردن زمینه‌ی حل مشکلات آموزش و پرورش، با بهره‌گیری از خلاقیت همکاران. در این زمینه پیشنهاد می‌شود، در نشریه‌ی رشد مدیریت مدرسه سرفصلی تعریف شود و در هر چند شماره، با یکی از معاونین یا مدیران کل آموزش و پرورش، موضوعات و مشکلات موجود طرح و زمینه‌ی هم‌اندیشی و بهره‌گیری از ایده‌های خلاق همکاران فراهم آید.
- فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت بیشتر استان‌ها در تدوین نشریات به گونه‌ای که ۵۰ درصد هر نشریه، تحت عنوان سرفصل ویژه‌ی استان‌ها (با مشخص کردن سرفصل‌های موضوعی) در هر شماره به یک استان واگذار شود.

این نکته قابل تأمل است که مجلات رشد باید بر اساس سرفصل‌های کتب درسی باشند تا بتوانند خود را به عنوان کتب کمک آموزشی مطرح کنند

● طوس احمدی حصار، معاون آموزش و نوآوری (اردبیل)

### تکمیل و تقویت برنامه‌های آموزشی

- نشریات رشد با اهدافی که دنبال می‌کنند، در تقویت تفکر و خلاقیت و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بین مخاطبان نقش اساسی ایفا می‌کنند که از آن جمله می‌توان موارد زیر را مطرح ساخت:
- الف) تکمیل و تقویت برنامه‌های آموزشی: این نشریات، به دلیل آن‌که محدودیت‌های آموزش‌های رسمی و کتاب‌های درسی را (از نظر تنوع و تکرار، قابلیت انعطاف و روزآمد بودن) ندارند، می‌توانند در قالب‌های متنوع و به شکل جذاب و شاد، همراه با سرگرمی و تفریح، به تکمیل و تقویت برنامه‌های آموزشی بپردازند. این گونه مطالب به برانگیختگی قوه‌ی خلاقیت و درگیر کردن ذهن مخاطب می‌انجامد و باعث می‌شود، مخاطب نگاه غیرمعمول و غیرکلیشه‌ای به محیط اطراف خود داشته باشد و خلاقیت او را پرورش دهد.
- ب) ارتقای دانش عمومی و مهارت‌های زندگی: با طرح و معرفی آخرین دستاوردها و یافته‌ها در حوزه‌های گوناگون علمی، فکری، اجتماعی، فرهنگی و آشناسازی مخاطبان با تجربه‌های متفاوت کشوری، باعث تقویت انگیزه‌ها و تلاش علمی، فرهنگی و حرفه‌ای مخاطبان می‌شوند.
- ج) رشد استعداد، ابتکار، خلاقیت علمی و ذوق و سلیقه‌ی فرهنگی: با تقویت روحیه‌ی کنجکاوی، نقادی، پرسشگری و پژوهش، تحقیق،

نوآوری و ابتکار، و ایجاد فرصت و بستر مناسب برای تفکر و تأمل بین مخاطبان به وجود می‌آورند.

د) تفریح، سرگرمی و تقویت احساس نشاط و امید: با ارائه‌ی مفاهیم آموزشی در قالب تفریح و سرگرمی و داستان‌سرایی، مخاطب را به دنیای خیال نزدیک می‌کند، به او واقعیت زندگی را می‌آموزد، او را به سرزمین‌های دور می‌برد و باعث برانگیختگی قوه‌ی خلاقیت مخاطبان می‌شوند.

ه) کمک به تبادل تجربه‌ها و تقویت ارتباط فکری و فرهنگی: با ایجاد بستر و زمینه‌ی مناسب برای طرح آزادانه‌ی نظر مخاطبان و هم‌اندیشی و تبادل نظر و تجربه‌ها، به تبادل افکار بین مخاطبان می‌پردازند.

● موسی کریمی، معاون آموزش و نوآوری (آذربایجان غربی)

### ایجاد آمادگی برای زندگی در هزاره‌ی سوم

در عصری که به‌سر می‌بریم، تغییر و تحولات پرشتاب علمی، فرهنگی و اجتماعی به‌صورت مستمر بر تولیدات آموزشی تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را دست‌خوش تغییر می‌کنند. این موضوع کارایی ابزارهای موجود را نیز زیر سؤال می‌برد و بر علائق، نیازها و نگرش‌های مخاطبان تأثیر می‌گذارد. در فضای سیال فعلی نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان با اتکال صرف به کتاب‌های درسی که از نظر محتوا و به روز بودن اطلاعات محدودیت دارند، بتوانند مهارت‌های عدیده‌ی لازم برای زندگی در هزاره‌ی سوم را به‌دست بیاورند. دفتر انتشارات کمک آموزشی در راستای تحقق این مهم، خدمات قابل توجهی را به جمعیت آموزش‌وپرورش کشور ارائه می‌دهد که در تقویت قدرت تفکر و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بین مخاطبان، بسیار مؤثر است.

● علیرضا گلبازی، کارشناس تکنولوژی و گروه‌های آموزشی دوره عمومی (آذربایجان غربی)

### ایجاد زمینه برای ترقی و تعالی دانش‌آموزان

تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کشور که اداره کنندگان جامعه‌ی فردا خواهند بود، با استفاده از ابزارهای متفاوتی تحقق می‌یابد که یکی از آن‌ها برنامه‌ریزی درسی است. برنامه‌ریزی درسی نیز در نهایت به تولید مواد آموزشی و محتوا می‌انجامد. اما تحقق هدف والای تربیت انسان‌هایی آرمانی که بتوانند در هزاره‌ی سوم، راه ترقی و تعالی را با اتکال صرف به کتاب‌های درسی طی کنند، در غالب فراگیرندگان، بعید و دور از انتظار به نظر می‌رسد. توجه به نشریات رشد، ضمن سوق دادن جمعیت آموزش‌وپرورش به سوی بسته‌های آموزشی، زمینه‌ی تفکر و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه را در سطح کلان و ملی فراهم می‌آورد.

● عبدالحسین خانی، نماینده مجلات رشد (ایلام)

### اثرگذارترین رساله‌ی مکتوب وزارت آموزش‌وپرورش

مجلات رشد در پرورش خلاقیت نقش بسزایی دارند و زمینه‌ی نوآوری را در دانش‌آموزان و معلمان به‌طور جدی ایجاد می‌کنند. مطالب آن‌ها

متناسب با ساختار و محتوای کتاب‌های درسی است و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در گشایش گره‌ها و گسترش مباحث کتاب‌های درسی یاروش‌های مناسب تدریس هر یک از مواد آموزشی، نقش بسزایی دارد. از آن‌جا که برای دستیابی به علم و دانش افزایی، برخلاف گذشته که تنها حافظه و الفبا وسیله قرار می‌گرفتند، به عوامل متعددی برای این امر خطیر نیاز است، لذا باید از موقعیت‌های زمانی، امکانات و وسایل آموزشی بیشتر و بهتری که امر یادگیری را آسان سازند، استفاده کنیم. امروزه ما شاهد پیشرفت‌های علمی گسترده و فراگیری هستیم که بی‌توجهی به آن‌ها ما را از دنیا و اهداف تعلیم و تربیت دور می‌کند. شاخص‌ترین عامل مؤثر در پیشرفت آموزش و پرورش، نحوه و میزان استفاده از وسایل آموزشی است. در واقع، هرچه استفاده از فناوری و وسایل آموزشی مطلوب‌تر و بیشتر باشد، موفقیت و کام‌یابی در هدف‌های تعلیم و تربیت هم بیشتر خواهد شد.

از جمله وسایل آموزشی که به موقع و به راحتی و آسانی می‌توانند در اختیار دانش‌آموزان و فرهنگیان قرار گیرند و آن‌ها را در جریان مسائل آموزشی جدید قرار دهند، مجلات رشد با ۱۱ عنوان ماه‌نامه عمومی و ۱۹ عنوان فصل‌نامه تخصصی هستند که گسترده‌ترین و اثرگذارترین رساله‌ی مکتوب وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شوند. «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» از طریق مجلات رشد در صدد تکمیل آموزش رسمی، انتقال تجربیات معلمان سراسر کشور و ارائه‌ی آموزش‌های مورد نیاز و متناسب با عصر فناوری به فرهنگیان عزیز است. هم‌چنین، این سازمان با ارائه‌ی خواندنی‌های مناسب و لذت‌بخش برای غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان، می‌کوشد تا دانش‌آموزان و فرهنگیان از مطالعه‌ی مستمر و یادگیری مطالب تازه در جهت افزایش معلومات عقب نیفتند. با وجود این، ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که با تبلیغات گسترده و دادن طرح و برنامه‌ریزی صحیح، در تقویت تفکر و خلاقیت و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بکوشیم و هر سال به تعداد مخاطبان بیفزاییم.

مجلات رشد در پرورش  
خلاقیت نقش بسزایی دارند  
و زمینه‌ی نوآوری را در  
دانش‌آموزان و معلمان به‌طور  
جدی ایجاد می‌کنند

● عبدالامیر عرفی، معاون آموزش و نوآوری (همدان)

#### ایجاد زمینه برای انس دانش‌آموزان با رسانه‌های مکتوب

- توسعه و ترویج سواد خواندن و فرهنگ مطالعه.
- غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان و انس آنان با رسانه‌های مکتوب.
- بهره‌گیری از مجلات رشد در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی.
- علاوه بر این‌ها، مجله رشد به عنوان یک وسیله‌ی آموزشی می‌تواند علاوه بر اثرگذاری بر فرایند یاددهی و یادگیری، منبعی برای آگاهی مخاطبان در حوزه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی باشد.

● اردشیر جهانگیری (همدان)

#### پرورش روحیه نقادی و ایجاد خلاقیت و نوآوری در مخاطبان

- اغنای نیازهای اولیه مخاطبان و اشاعه‌ی فرهنگ مطالعه.

- ایجاد انگیزه در مخاطبان و فراهم ساختن امکان پیشرفت تحصیلی و آشنایی آنان با علوم مختلف.
- ارائه منابع مطالعاتی ارزان در جهت ارتقای سطح آگاهی و پرورش روحیه نقادی و پرسشگری در مخاطبان به عنوان یک وسیله کمک آموزشی که در نهایت موجب بروز خلاقیت و نوآوری می‌شود.
- ایفای نقش به‌عنوان منبع مناسبی برای آموزش‌های غیررسمی و مهارت‌های زندگی که خوب زیستن را به ارمغان می‌آورد.
- آشنا ساختن مدیران و معلمان با فناوری‌های روز و یافته‌های نوین آموزشی.

● محمدعلی ندافی، معاون آموزش و نوآوری (گلستان)

### پرورش خلاقیت و توسعه تفکر مخاطبان در مسیر علم و دانش

تفکر و خلاقیت پیش‌نیاز رشد و تعالی دانش‌آموزان و معلمان در مسیر علم و دانش و اخلاق است. بدیهی است تحقق این هدف جز با اتصال به رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای فرهنگی امکان‌پذیر نیست. بدون شک یکی از چشمه‌های جوشان و زلال فرهنگی، نشریات رشد هستند و می‌توانند نقش مؤثری را در این خصوص ایفا کنند. نظر به این‌که مجلات رشد توسط کانال‌های معتبر علمی فراهم می‌آیند، نزد معلمان و فرهیختگان از جایگاه ممتازی برخوردارند.

● جلیل توشنی (گلستان)

### شکوفایی استعدادها و خلاقیت علمی

از آن‌جا که انتشار مجلات رشد یکی از برنامه‌های اصلی آموزش و پرورش در ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی جنبی در کنار برنامه‌های رسمی دانش‌آموزان است، سبب خواهد شد که اولاً دانش عمومی دانش‌آموزان، معلمان و مدیران ارتقا یابد، ثانیاً مهارت‌های زندگی نیز به آن‌ها آموزش داده شود تا استعدادهای آن‌ها رشد یابد و خلاقیت علمی آن‌ها نیز شکوفا شود. برخی از کارکردهای اصلی مجلات رشد عبارت‌اند از:

۱. باعث ترویج فرهنگ مطالعه بین دانش‌آموزان، مدیران و معلمان و حتی خانواده‌ها می‌شوند.
۲. سطح دانش را ارتقاء می‌دهند.
۳. تفکر و خلاقیت را رواج می‌دهند.
۴. اوقات فراغت دانش‌آموزان را پر می‌کنند.
۵. باعث شادی و نشاط بین دانش‌آموزان می‌شوند.
۶. قوای ذهنی و اجتماعی دانش‌آموزان را رشد می‌دهند.
۷. حس پرسشگری و خیال‌پردازی را تقویت می‌کنند.
۸. دانش و مهارت مدیران، معلمان و مربیان را در بهبود کارایی و اثربخشی فرایند بالا می‌برند و آن را تقویت می‌کنند.

۹. باعث توانایی کسب تجربه از موفقیت‌های دیگران می‌شوند.
۱۰. آداب و مهارت‌های زندگی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند.
۱۱. به ترویج آموزه‌های مربوط به فرهنگ و تمدن اسلام یاری می‌رسانند.
۱۲. سواد خواندن و نوشتن را در دانش‌آموزان بالا می‌برند.
۱۳. حس آموزش مشارکتی را در دانش‌آموزان و معلمان تقویت می‌کنند.
۱۴. تجربه‌های عینی و عملی در اختیار دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و مربیان می‌گذارند.
۱۵. خستگی جسمی و ذهنی دانش‌آموزان را با مطالب متنوع کاهش می‌دهند.

● خدامراد دانش پایه (کهگیلویه و بویراحمد)

### ارائه‌ی مطالب در قالب‌های جذاب

- اهمیت و نقش مجلات رشد در پرورش خلاقیت معلمان و دانش‌آموزان عبارت است از:
- کمک به تسهیل فرایند فراگیری و تثبیت کارکردهای آموزش و فرهنگ.
  - هماهنگ و هم‌گام کردن معلمان و دانش‌آموزان با دانش روز و تغییر و تحولات جامعه.
  - دسترسی آسان معلمان و دانش‌آموزان به اطلاعات و مطالب علمی به روز در مدت زمانی کوتاه.
  - هماهنگ‌سازی مطالب علمی با تقویم تحولات آموزشی مورد نیاز.
  - افزایش اعتماد به نفس و ارتقای روحیه‌ی خلاقیت و خودیاری در معلمان و دانش‌آموزان از طریق انتشار تجربیات، گزارش‌های علمی و مقالات آنان.
  - تبادل تجربیات بین معلمان و دانش‌آموزان.
  - انتخاب و گزینش مطالب علمی معتبر و مطابق با اصول علمی.
  - آشنایی معلمان و دانش‌آموزان با مهارت‌های نویسندگی و مقاله‌نویسی.
  - ارائه‌ی مطالب علمی و آموزشی در قالب بسیار جذاب داستان و روایت‌های تاریخی.
  - آشنایی معلمان با نقد مطالب علمی و تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری در آنان.
  - یاری معلمان به عنوان یک منبع مهم کمک آموزشی.
  - آشنایی معلمان و دانش‌آموزان با تجربیات همکاران خود در مناطق گوناگون کشور.
- شایان ذکر است، ذکر منابع مطالب نوشته شده به خوانندگان کمک می‌کند، در صورت نیاز به مطالعه‌ی بیشتر و مطالعه‌ی تکمیلی به آن‌ها مراجعه کنند.

مجلات رشد باعث ارتقا  
دانش عمومی دانش‌آموزان،  
معلمان و مدیران می‌شود و  
مهارت‌های زندگی به آن‌ها  
آموزش داده شود

● جعفر گلفشان (قم)

- باعث رشد خلاقیت و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه بین دانش‌آموزان، معلمان، مربیان و مدیران می‌شود.
- مکمل آموزش رسمی در آموزش و پرورش است.
- با توجه به نیازهای دانش‌آموزان، مجلات می‌تواند در زمینه آگاهی و رشد آنان کمک نماید.
- باعث توسعه‌ی فرهنگ تعامل و آموزش مهارت‌های زندگی می‌شود.





## ۲. روش‌های بهبود و توسعه‌ی کمی و کیفی نشریات رشد در استان‌ها کدام‌اند؟

● عبدالرسول رضایی (بوشهر)

- ایجاد باور و نگرش مثبت در مسئولین سازمان و ادارات آموزش و پرورش نسبت به سودمند بودن نشریات.

- ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان با تشویق و هدایا.

- تشویق و ترغیب مدیران مدارس و همکارانی که در امر جذب مخاطبین مجلات رشد،

پویا و فعال هستند.

- تنوع بخشیدن به مطالب نشریات با استفاده از مطالب درسی و زندگی روزمره‌ی

دانش‌آموزان.

سفرهای استانی توسط مسئولین نشریات آموزشی رشد از دفتر انتشارات بیشتر صورت گیرد تا از نزدیک با رؤسای سازمان‌ها و ادارات مناطق به تبادل نظر پردازند و بر اهمیت و نقش مجلات رشد تأکید کنند تا آن‌ها نیز بیشتر درگیر توسعه‌ی کمی و کیفی شوند



- آشنا ساختن دانش آموزان و همکاران با مواریت تاریخی، دینی و ادبی کشور.
- رعایت سادگی در زبان نوشتاری مجلات که موجبات گسترش نفوذ آن را بین اقشار مختلف دانش آموزان فراهم می آورد.
- ایجاد عادت به مطالعه در دانش آموزان توسط معلمان و اولیا.
- پایین نگه داشتن بهای مجلات ولو با پرداخت از طرف سازمانها و ادارات مربوط.
- فراهم آوردن امکانات چاپ مطالب دانش آموزان و معلمان در مجلات رشد.
- اختصاص یک ساعت از برنامه‌ی درسی دانش آموزان به استفاده از مجلات رشد.

● مجید منصوری میمندی (هرمزگان):

### دیدارهای مستقیم و تبادل نظر میان مسئولان

سفرهای استانی توسط مسئولین نشریات آموزشی رشد از دفتر انتشارات بیشتر صورت گیرد تا از نزدیک با رؤسای سازمانها و ادارات مناطق به تبادل نظر بپردازند و بر اهمیت و نقش مجلات رشد تأکید کنند تا آنها نیز بیشتر درگیر توسعه‌ی کمی و کیفی شوند.

● محسن اکبری (سمنان)

### ایجاد جذابیت بصری

البته هر استان بر اساس فرهنگ و آداب و رسوم خود، روشی را انتخاب کرده است که باید از سوی دفتر به آنها اهمیت داده شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

\* تعدادی اشتراک رایگان مجلات رشد در اختیار معاونین و رییس سازمانها قرار دهید تا در صورت صلاحدید، برای افراد فعال در نظر بگیرید.

❖ مطالب مخصوص کودکان، با ایجاد تنوع در رنگ و صفحات تا حد امکان جذاب شوند.

● جعفر گلفشان (قم)

- اطلاع رسانی درست به تمامی واحدهای آموزشی و فرهنگ‌سازی مناسب توسط دبیران.
- سیستمی عمل کردن آموزش و پرورش در زمینه‌ی مجلات رشد و خودباوری در این زمینه که مجلات می‌توانند به دانش آموزان در زمینه‌های گوناگون کمک کنند.
- فرهنگ‌سازی بین مدیران و دبیران و اعتقاد به این مسئله.
- برگزاری جشنواره‌های کشوری، استانی و منطقه‌ای.
- حضور مسئولین مجلات رشد در استانها و پاسخ‌گویی و تعامل چهره به چهره.

● علیرضا محمودی، معاون آموزش و نوآوری (سمنان)

### توجه به نیازهای مخاطبان و بالا بردن کیفیت نشریات

البته استان‌های گوناگون در خصوص توسعه‌ی کمی و کیفی نشریات رشد، راه‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند و به نظر حقیر این کار در مراحل اولیه می‌تواند مؤثر واقع شود. ولی در نهایت، توجه به کیفیت و نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب، شیوه‌ی تأمین نیازهای متنوع مخاطبان و... باعث می‌شود مجلات رشد هم‌چنان به عنوان یک منبع آموزشی مورد اعتماد مخاطبان باقی بمانند.

● حمید شفیعی (کردستان)

### اطلاع‌رسانی به موقع و معرفی دقیق نشریات رشد

روش‌های زیر می‌توانند در توسعه‌ی کمی و کیفی نشریات رشد در استان مؤثر باشند:

- پیش‌بینی برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر مبنای محتوای مجلات رشد.

- پیش‌بینی ساعات ضمن خدمت در راستای برگزاری کارگاه‌های فوق.

- برگزاری مسابقات دانش‌افزایی از محتوای مجلات رشد برای فرهنگیان و دانش‌آموزان در سطح استان‌ها و ادامه تا مرحله‌ی کشوری.

- اطلاع‌رسانی دقیق و کامل به تمامی مخاطبان در راستای معرفی نشریات رشد (چاپ بروشور و پوستر توسط دفتر محترم).

- اجرای برنامه‌های جنبی برای دانش‌آموزان (اجرای زنگ رشد در مدارس، برگزاری اردوهای فرهنگی تفریحی برای مخاطبان فعال و...).

- برگزاری نمایشگاه‌ها و گردهمایی‌هایی برای مخاطبان.

- ادامه‌ی بازدیدهای استانی مسئولان دفتر محترم و سردبیران مجلات رشد.

● طالب محمدی، معاون آموزش و نوآوری (کردستان)

### توجه بیشتر به مطالب کاربردی

دست‌یابی به این مهم را می‌توان با استفاده از فعالیت‌های تبلیغی - فرهنگی دفتر به شرح زیر، انتظار داشت:

- قراردادادن مدارس محروم، تحت پوشش مجلات عمومی رشد.

تشکیل بانک اطلاعاتی توزیع و پوشش نشریات به تفکیک استان/شهر/مدرسه و موضوع نشریات، فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت مخاطبان

با راهکارهایی از قبیل اعلام وصول مطالب به مخاطبان از طریق درج در نشریه، ارسال دعوت‌نامه‌ی همکاری برای صاحبان علم و...

پس باید راهکارهای مناسبی  
برای استفاده‌ی بهینه از مجلات  
رشد با توجه به موقعیت  
مکانی و زمانی ارائه کرد و  
فرصت‌هایی مناسب در اختیار  
همکاران فرهنگی قرار داد

- اختصاص سرفصل‌های ثابت موضوعی در هر عنوان نشریه؛ برخلاف روال معمول موجود که سرفصل‌های مجلات را مقالات وارده مشخص می‌کنند، نه نیاز مخاطبان.

- انتشار مقالات کاربردی و پرهیز از درج مقالات نظری صرف تا در مخاطب احساس نیاز ایجاد شود.

- چاپ سال‌نامه‌های برگه‌ای و توزیع در میان مخاطبان.

- چاپ اوراق امتحانی، برگ نامه، پاکت مندرج به آرم و شعار مجلات رشد در مدارس و اهدای کتاب به کتابخانه‌های مدارس.

● طوس احمدی حصار، معاون آموزش و نوآوری (اردبیل)

### مخاطب‌شناسی و سنجش نیاز مخاطبان

الف) روش‌های بهبود و توسعه کمی:

۱. رعایت اعتدال در اندازه و حجم مطالب.

۲. حفظ قیمت فعلی مجلات رشد.

۳. افزایش میزان آشنایی مخاطبان با نشریات رشد.

۴. توسعه فرهنگ مطالعه از طریق مجلات رشد در ایام اوقات فراغت دانش‌آموزان و زنگ انشا.

۵. برگزاری مسابقات از جمله آشنایی و... و برگزاری نمایشگاه با استفاده از دست ساخته‌های مخاطبان از محتوای مجلات رشد.

۶. برگزاری همایش و گردهمایی در زمینه‌ی اهداف و کارکردها مجلات رشد و معرفی آن‌ها.

۷. توزیع منظم، سهولت دسترسی، و برقراری سازوکار مناسب توزیع مجلات.

۸. درج نام مجلات رشد به عنوان منابع کمک‌آموزشی در فهرست منابع مورد مطالعه در کتب درسی.

ب) روش‌های بهبود و توسعه کیفی:

۱. مخاطب‌شناسی و نیازسنجی آموزشی و تأمین مجلات رشد در جهت پاسخ‌گویی به نیازها.

۲. رعایت به روز بودن محتوا.

۳. تنوع بخشیدن به موضوعات.

۴. رعایت جذابیت مطالب.

۵. افزایش نوآوری.

۶. تحقق بخشیدن به اکثر اهداف مستتر در انتشار مجلات رشد.

● موسی کریمی، معاون آموزش و نوآوری (آذربایجان غربی)

### ایجاد زمینه‌ی تبلیغ مجلات رشد در رسانه‌ها

برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند زمینه‌ی آگاهی جامعه‌ی محترم فرهنگی و نهاد خانواده را از وجود وسیع‌ترین و پرشمارگان‌ترین مجلات آموزشی و کمک‌آموزشی فراهم آورد. گرچه هم‌اکنون برای هر ۱۰۰ نفر جمعیت آموزش و پرورش اعم از دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، کارشناسان و مسئولان، ۲۰ جلد مجله‌ی رشد منتشر می‌شود، اما هنوز میزان قابل توجهی از جمعیت مذکور از وجود این گنجینه‌ی علمی و آموزشی آگاهی ندارند. لذا لازم به نظر می‌رسد که از رسانه‌های ارتباط جمعی به روش‌های متفاوت، از جمله استفاده از پیام‌های زیرنویس شده در برنامه‌های شبکه‌های استانی و شبکه‌های سراسری، ساخت تیزرهای تبلیغاتی و پخش آن‌ها در ایام بازگشایی مدارس از صدا و سیما، درج پیام‌های آموزشی در جراید کثیرالانتشار، و نیز برگزاری همایش رشد برای مدیران آموزشی در مناطق آموزشی، به منظور معرفی نشریات رشد استفاده به عمل آید. در این زمینه پیشنهاد می‌شود، امتیاز بند شماره‌ی ۱۰ ارزشیابی مدیران آموزشی، به مدیرانی تعلق گیرد که شخصاً عضو ثابت یکی از نشریات مرتبط با گروه شغلی خود هستند و هم‌چنین موفق به اخذ حداقل نمره‌ی حد نصاب لازم در آزمون سراسری و مجازی شده‌اند.

متأسفانه نمایندگان مجلات رشد بیشتر نقش توزیع‌کننده را دارند و این امر باعث شده است، وقت و نیروی زیادی را صرف آن کنند که نارضایتی اکثر همکاران را به دنبال دارد

● علیرضا گلبازی، کارشناس تکنولوژی گروه‌های آموزشی دوره‌ی عمومی (آذربایجان غربی) پیشنهاد می‌شود که مدیریت دفتر محترم انتشارات کمک‌آموزشی، از طریق تنظیم تفاهم‌نامه و عقد قرارداد با صدا و سیما، سیمای کشور (شبکه‌های یک تا پنج)، به معرفی نشریات عمومی و تخصصی رشد اقدام کند. قالب این فعالیت‌ها می‌تواند از تهیه و پخش اطلاعیه‌ها و تیزرهای تبلیغاتی تا شرکت مسئولین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه‌های تلویزیونی متفاوت باشد. این اقدام باعث خواهد شد که نشریات رشد به نهاد خانواده بیش از گذشته وارد شوند.

● عبدالحسین خانی، نماینده مجلات رشد (ایلام)

### مشارکتی کردن تولید محتوای مجلات

در نظرسنجی‌های به عمل آمده مشخص شد، درصد بالایی از دانش‌آموزان و فرهنگیان عقیده دارند، مجلات رشد دارای محتوای خوب و ارزشمند هستند. پس باید راهکارهای مناسبی برای استفاده‌ی بهینه از مجلات رشد با توجه به موقعیت مکانی و زمانی ارائه کرد و فرصت‌هایی مناسب در اختیار همکاران فرهنگی قرار داد. در گردهمایی‌های استانی و شهرستانی مدیران، نمایندگان و کارشناسان، راه‌کارهایی برای استفاده‌ی هر چه بیشتر و بهتر دانش‌آموزان و همکاران محترم ارائه شده که به نظر می‌رسد، عمل به آن‌ها، در استقبال مخاطبان از مجلات رشد اثرگذار بوده است. چند مورد از آن‌ها از این قرارند:

- برگزاری مسابقات در سطح مدیران، معاونان، معلمان، مربیان و فراگیرندگان.
- ترغیب و تشویق همکاران و مشارکت در تولید محتوای مجلات رشد.
- تهیه و تکثیر مطالب مجلات رشد و استفاده از آن‌ها در جلسات، کارگاه‌ها و...
- برگزاری نمایشگاه و جشنواره در قالب جشن رشد، هفته‌ی رشد و...

- توسعه‌ی کتاب‌خانه‌های کلاسی و استفاده دانش‌آموزان از آن‌ها در اوقات فراغت و زنگ انشا.
- تبلیغات، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی از طریق چاپ و توزیع بروشور و پوستر و تبلیغ از طریق رسانه‌های گروهی و مراسم مدارس.
- هدایت آثار و نقد و بررسی مخاطبان به استان به منظور انعکاس و چاپ در نشریات.
- بهره‌گیری از اهرم‌های تشویقی و انگیزشی برای فعالان در امور مجلات رشد.
- ارسال گزارش‌ها و تصاویر نمونه‌ی فعالیت‌های انجام یافته به استان به منظور برپایی نمایشگاه.
- تهیه‌ی نشریات رشد برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت از طریق افراد خیر.
- برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت برای همکاران فرهنگی.
- تشکیل نمایشگاهی از مجلات رشد در مدرسه و دعوت اولیای دانش‌آموزان به منظور معرفی مجلات به آن‌ها.

● عبدالامیر عرفی، معاون آموزش و نوآوری (همدان)

#### ضرورت ایجاد احساس نیاز به مطالعه

- توجه به نیازهای مخاطبان اصلی مجلات رشد.
- مشارکت تمامی عوامل (مدیران و معلمان) در ایجاد انگیزه در مخاطبان برای مطالعه‌ی مجلات رشد.
- توجه به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه‌ی مطالعه.
- بسترسازی توسط مدیران و معلمان برای برانگیختن احساس نیاز به مطالعه در دانش‌آموزان.
- تشویق مادی و معنوی تمامی عوامل و مخاطبان.

● اردشیر جهانگیری، نماینده مجلات رشد (همدان)

#### توزیع رایگان مجلات

- انتخاب نمایندگان متعهد و آشنا به امور فرهنگی و امور کمک‌آموزشی برای نشریات رشد.
- اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع به مخاطبان و بیان ارزش مطالعه توسط مجریان، معلمان و مدیران.
- تشویق مادی و معنوی مخاطبان و مجریان.
- در صورت امکان، ارسال مجلات عمومی و تخصصی به صورت رایگان به منازل معلمان و مدیران.
- قراردادن مدارس در فهرست اشتراك مجلات عمومی و تخصصی ویژه‌ی معلمان.
- اختصاص کد آموزش ضمن خدمت به مجلات رشد عمومی و تخصصی.



● محمد علی ندافی، معاون آموزش و نوآوری (گلستان)

### غنی‌سازی هرچه بیشتر محتوای مجلات

اطلاع‌رسانی به معلمان، دانش‌آموزان و اولیا از طریق رسانه‌های جمعی، ارباب‌جراید و جلسات آموزش خانواده و گروه‌های آموزشی و دعوت از تمامی صاحب‌نظران برای غنی‌سازی هرچه بیشتر محتوای مجلات رشد و طراحی مسابقات متعدد و مختلف از محتوای آن، معرفی نمایندگان برتر استان، معرفی دانش‌آموزان، معلمان و مربیان و مدیران فعال در نشریه‌ی رشد.

● معبدالرسول رضایی (بوشهر)

- ایجاد انگیزه در نمایندگان رشد با اختصاص مبلغ و درصد بالاتری از دستورالعمل تدوین شده و تشویق نمایندگان فعال؛  
- اهدای هدایا و جوایز ویژه به معلمان، مربیان و مدیران مدارس فعال؛  
- برگزاری آزمون‌های هماهنگ از مجلات رشد بین همکاران و اعطای مدرک ضمن خدمت به آنان.

● جلیل توشنی، نماینده نشریات رشد (گلستان)

### ارزش‌یابی مجله‌ی رشد در کارنامه‌ی دانش‌آموزان

- در سرانه‌ی دانش‌آموزی، برای مشترک شدن همه‌ی دانش‌آموزان در مجلات رشد، اعتبار لازم تخصیص داده شود.

- از طریق رسانه‌های تصویری و جراید به صورت مناسب تبلیغ شوند.
- شرایط اشتراك خانواده‌ها فراهم آید.
- برای تشویق مدیران فعال و فرهنگ‌سازان اقدامات لازم صورت گیرد.
- نگاه به مجلات، با دید مالی نباشد، بلکه دید علمی و ارتقای علمی باشد.
- در مراسم آغازین مدارس از مجلات رشد استفاده شود.
- در زنگ‌های انشا و در دیگر کلاس‌ها، به فراخور موضوع درس‌ها، مطالب مجلات رشد خوانده شوند.
- مجلات رشد به عنوان منابع پژوهشی به دانش‌آموزان معرفی شوند.
- مجلات رشد برای فعالیت‌های خارج از کلاس دانش‌آموزان در نظر گرفته شوند.
- در کارنامه‌ی داخلی دانش‌آموزان، ستونی به عنوان ارزش‌یابی رشد منظور شود.
- در صفحه‌ی آخر مجلات سؤالاتی درج شود تا در قالب آزمون علمی مورد استفاده قرار گیرد.
- مجلات به صورت سی‌دی نیز ارائه شوند.

لازم به نظر می‌رسد که میزان ارتباط مطالب نشریات رشد با مطالب ارائه شده در کتاب‌های درسی روز به روز بیشتر شود و این دو مکمل یکدیگر باشند



### ۳. برای بهبود نقش نمایندگان نشریات رشد در استان‌ها و توسعه‌ی مشارکت معلمان، مربیان و مدیران مدارس چه پیشنهادهایی دارید؟

● جعفر گلفشان (قم):

- برگزاری جلسات سالانه دو بار در سال: کشوری و قطبی.
- اهمیت دادن به تعامل با استان‌ها.
- حضور مسئولین مجلات و نشریات در استان‌ها.

● مجید منصوری میمنندی (هرمزگان):

#### احتساب تخفیف در قیمت مجلات

دفتر انتشارات کمک آموزشی، در طول سال تحصیلی در چندین مرحله، مجلات آموزشی رشد را به صورت سراسری و از طریق رسانه‌های ملی، روزنامه‌ها و... معرفی و تبلیغ کند. هم چنین، فرد مشخصی با ابلاغ و پست نماینده‌ی مجلات رشد در استان‌ها به کار مشغول شود تا به صورت کامل بتواند به این موضوع بپردازد، تخفیف داده شده به مناطق، مدارس و استان‌ها نیز به همان ۱۵ درصد قبل بازگردد تا انگیزه بیشتر شود. مناطقی هستند که امکان تهیه‌ی یک نسخه از مجلات رشد را برای دانش‌آموزان خود، حتی در طول سال تحصیلی ندارند. اعتبار لازم برای اشتراك مجلات رشد، حتی الامکان برای یک سال، در اختیار این مناطق قرار گیرد تا در سال‌های آتی، انگیزه‌ی لازم برای اشتراك دانش‌آموزان به وجود آید.

● محسن اکبری (سمنان)

#### اختصاص صفحاتی به استان‌ها

- از طریق گردهمایی و در اختیار قراردادن مکان‌های تفریحی خانوادگی، در نمایندگان رشد انگیزه و علاقه ایجاد شود.
- یک حساب جاری مستقل برای مجلات رشد افتتاح شود که حق برداشت از آن با معاون آموزش و نوآوری باشد.
- مطالبی که همکاران محترم تهیه می‌کنند، از طریق نمایندگان رشد ارسال شود و همکاران به طور مستقیم با دفتر مکاتبه نکنند.
- در بعضی از مجلات رشد، صفحه‌ای به استان‌ها برای درج تجربیات دبیران و مصاحبه با همکاران یا دانش‌آموزان اختصاص یابد.

● علیرضا محمودی، معاون آموزش و نوآوری (سمنان)

### ضرورت آموزش نمایندگان و تبادل تجربیات

انتخاب نمایندگان علاقه‌مند و مطلع، آموزش مکرر آن‌ها و برگزاری نشست‌های فصلی به منظور تبادل تجربه و بیان راهکارها، از عوامل مؤثر در این زمینه هستند.

● حمید شفیعی (کردستان)

### طراحی سیستم مدیریتی توسط نمایندگان

متأسفانه نمایندگان مجلات رشد بیشتر نقش توزیع‌کننده را دارند و این امر باعث شده است، وقت و نیروی زیادی را صرف آن کنند که نارضایتی اکثر همکاران را به دنبال دارد. لذا پیشنهاد می‌شود، مدیریت کار را نماینده، با طراحی سیستم مدیریتی مناسب اعمال کند و توزیع به دیگر واحدهای مرتبط محول شود. هم‌چنین انجام موارد زیر از طرف دفتر انتشارات کمک آموزشی ضروری است:

- ارسال نرم‌افزار صدور فاکتورهای فروش به تمامی استان‌ها.

- صدور مجوز افتتاح حساب مخصوص مجلات رشد در سطح استان‌ها و شهرستان‌های تابعه در راستای تسهیل امور مالی.

- درج جمله‌ی: «دریافت وجه مجلات رشد هنگام ثبت نام از دانش‌آموزان علاقه‌مند بلامانع است» در دستورالعمل ثبت نام دانش‌آموزان.

- تخصیص اعتبار لازم به منظور تهیه‌ی جوایز برای شرکت‌کنندگان در مسابقات مجلات رشد در سطح استان‌ها.

- پوشش مجلات دانش آموزی و عمومی در مدارس کم‌جمعیت و محروم به صورت رایگان توسط آن دفتر محترم.

- درج مقالات، نظرات و پیشنهادات مدیران، معلمان و مربیان در مجلات.

- احتساب درصد تخفیف به نسبت محرومیت مناطق.

- تقدیر از مخاطبین فعال مجلات رشد.

● طالب محمدی، معاون آموزش و نوآوری (کردستان)

### برگزاری همایش‌های نمایندگان رشد استان‌ها

معرفی نشریه به مخاطب و فراهم آوردن بستر مشارکت و توسعه‌ی ارتباط با مخاطبان به روش‌هایی از قبیل:

- برگزاری همایش‌های استانی برای نمایندگان رشد در مدارس.

- برگزاری نمایشگاه مجلات رشد در حاشیه‌ی جلسات سالانه‌ی رؤسای آموزش و پرورش، معاونین آموزشی و ...

- برگزاری مسابقات ویژه‌ی مخاطبان.

- حمایت از اردوهای دانش‌آموزی تحت عنوان رشد.

- بهره‌گیری نمایندگان از ظرفیت‌های موجود و شرکت در جلسات ماهانه‌ی مدارس، جلسات مدیران شهرستان‌ها و...  
- تحت پوشش قراردادن دانش‌آموزان نخبه و همکاران سرآمد و تأمین اشتراك رایگان برای ایشان.

● طوس احمدی حصار، معاون آموزش و نوآوری (اردبیل)

### تشویق نمایندگان فعال استان‌ها

- اختصاص اعتبار به انجام فعالیت‌های فرهنگی.  
- افزایش درصد تخفیف مجلات رشد برای نمایندگان نشریات در نواحی و مناطق و مدیران استان‌ها.  
- صدور تقدیرنامه برای مدیران و معلمان و نمایندگان فعال نواحی و مناطق استان‌ها.  
- برگزاری گردهمایی در سطح استان‌ها و تجلیل از معلمان، مدیران و نمایندگان فعال نواحی و مناطق استان‌ها.

● موسی کریمی، معاون آموزش و نوآوری (آذربایجان غربی)

### توجه به ارتباط مطالب مجلات با کتب درسی

با بررسی عملکرد نمایندگان رشد می‌توان به زوایای تأثیرگذاران ایشان در رابطه با فعالیت‌های آموزشی و پرورشی پی برد. مجموعه‌ی منسجمی که در استان ما خصوصاً طی دو سال گذشته و با مشارکت مدیران آموزشی، معلمان و دانش‌آموزان شکل گرفته، نمود عینی يك فعالیت آموزشی را به شیوه‌ای نو ترسیم کرده است، اما به نظر می‌رسد که حصول به درجات رفیع موفقیت و با اتکال صرف به این فعالیت کافی نخواهد بود. این نمایندگی تنها می‌تواند در حوزه‌ی نشریات مکمل آموزشی رشد فعالیت کند، در حالی که خلأ خاص دیگری نیز از جانب کتاب‌های کمک درسی در این محدوده وجود دارد.

پیشنهاد می‌شود که از ده‌ها عنوان کتاب‌های کار و کمک درسی انتشارات مدرسه (برهان) نیز به صورت هماهنگ و هم‌زمان با نشریات کمک آموزشی رشد در امر آموزش استفاده به عمل آید. این روش که می‌تواند به صورت مکمل و یا پایاپای باشد، در پر رنگ شدن نقش نمایندگان رشد در مراکز استان‌ها در امر معرفی تألیفات و تولیدات علمی و آموزشی به روز دفتر انتشارات کمک آموزشی - شامل نشریات رشد، و آثار انتشارات مدرسه و مؤسسه‌ی برهان - به جامعه‌ی فرهنگی مؤثر خواهد بود. استفاده از منابع علمی - آموزشی مجلات رشد در امر آموزش ضمن خدمت همکاران اداری و آموزشی نیز راهکار دیگری است. هم‌چنین لازم به نظر می‌رسد که میزان ارتباط مطالب نشریات رشد با مطالب ارائه شده در کتاب‌های درسی روز به روز بیشتر شود و این دو مکمل یکدیگر باشند.

مورد دیگر مربوط به فرم ارزش‌یابی معلمان است که در بند ۱۰ آن (خودآموزی) به صورت کلیشه‌ای به تمامی معلمان امتیازی برابر می‌دهد. پیشنهاد می‌کنم امتیاز این بند تنها به کسانی تعلق گیرد که:

- شخصاً مشترک دائم نشریات رشد بوده‌اند و به صورت مرتب و ماهانه، مجله‌ی رشد را دریافت می‌کنند.

در آزمون جامع نشریات رشد که هر سال به صورت جامع و مجازی (اینترنتی) اجرا می‌شود، موفق به کسب نمره‌ی حد نصاب شده باشند.

● علیرضا گل‌بازی (آذربایجان غربی)

### توسعه‌ی مسئولیت‌های نمایندگان رشد

نقش نمایندگان نشریات رشد در تعامل مربیان و معلمان، مدیران مدارس، و جمعیت آموزش و پرورش استان (نوآموزان، دانش‌آموزان، آموزگاران، دبیران، مربیان، معاونین مدارس، مدیران و کارشناسان) طی دو سال تحصیلی گذشته (۱۳۸۶/۸۷ و ۱۳۸۷/۸۸) کاملاً مشهود بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود، در صورت صلاحدید و به منظور کسب نتایج در سطحی وسیع‌تر، مسئولیت نمایندگی مؤسسه‌ی برهان نیز به صورت هم‌زمان به نمایندگان رشد واگذار شود تا زمینه‌ی معرفی ده‌ها عنوان کتاب کمک آموزشی به مدارس فراهم آید. در صورت تحقق موضوع، لازم به نظر می‌رسد که پست اداری خاصی به نام نمایندگی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (حتی به صورت ضمیمه) تعریف شود.

● عبدالحسین خانی (ایلام)

### برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت

- ایجاد انگیزه در نمایندگان، معلمان، مربیان و مدیران مدارس به طرق گوناگون.
- ایجاد بستر و فضای مناسب برای ترویج فرهنگ مطالعه بین مخاطبان.
- تلاش در جهت توجیه و نهادینه کردن نیاز مدیران و معلمان به نشریات رشد.
- برگزاری مسابقاتی در سطح مدیران، معاونان، معلمان و مربیان.
- نقد و بررسی مجلات رشد در جلسات شورای معلمان.
- تشکیل گردهمایی، سمینار، بازدید و اردوهای تفریحی برای نمایندگان، مدیران، معلمان و مربیان فعال در امر مجلات رشد.
- همکاری مسئولان و کارشناسان سازمان با نماینده در جهات گوناگون.
- برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت برای همکاران فرهنگی.
- ترغیب و تشویق همکاران به همکاری و مشارکت در تولید محتوای مجلات رشد.
- ایجاد پست برای نمایندگان در تشکیلات سازمان.

● عبدالامیر عرفی، معاون آموزش و نوآوری (همدان)

### جلب توجه نمایندگان به اهمیت فعالیت‌های فرهنگی

- عنایت معلمان و مربیان و مدیران به جایگاه واقعی خویش در راستای تعلیم و تربیت.
- بهره‌گیری از نخبگان و مراجعه به خرد جمعی در نشر فرهنگ مطالعه و استفاده از منابع معتبر؛ به ویژه نشریات علمی و آموزشی.
- باور نمایندگان نشریات رشد به فعالیت فرهنگی و نتیجه و اهمیت این کار.

● اردشیر جهانگیری (همدان)

### درگیر نکردن امور نشریات رشد در بروکراسی اداری

- نگاه فرهنگی به کار نمایندگان رشد.
- تأمین تسهیلات لازم از قبیل نیرو، فضا و امکانات تبلیغی و فرهنگی.
- درگیر نکردن امور نشریات رشد در بروکراسی اداری.
- تشویق مادی و معنوی عوامل، معلمان، مربیان و مدیران مدارس که در انجام امور مجلات رشد در استان فعال‌اند.

● محمد علی ندافی، معاون آموزش و نوآوری (گلستان)

### برگزاری مسابقه از محتوای مجلات رشد

- عوامل آموزشی مدارس برای استفاده‌ی دقیق از مجلات رشد توجیه شوند.
- فرهنگ‌سازی لازم بین خانواده‌ها صورت گیرد.
- آموزش و پرورش بکوشد در مدارس از مدیران کارآمد استفاده کند.
- برگزاری آزمون مجلات رشد برای مدیران، معلمان و مربیان و ارائه‌ی ساعات ضمن خدمت به آن‌ها.
- فراخوان مقاله در زمینه‌ی مجلات رشد و اهدای جوایز نفیس به نویسندگان مقالات.

● جلیل توشنی (گلستان)

### نقد علمی محتوای مجلات

- «ویژه‌نامه‌ی فرهنگ‌سازی»، حداقل در ابتدای هر سال تحصیلی منتشر شود و در اختیار مدیران قرار گیرد. هم‌چنین، در شورای مدارس، شورای معلمان، انجمن اولیا و کلاس‌های آموزش خانواده بررسی شود و از طریق فرهنگ‌سازی صورت گیرد.
- استفاده از مجلات رشد به عنوان ابزار ارتقای معلمان.
- نقد علمی مجلات توسط معلمان با تشویق مناسب.
- توجیه مدیران مدارس و استفاده از ظرفیت آن‌ها.
- در نظر گرفتن مدرک ضمن خدمت برای معلمان شرکت‌کننده در آزمون‌های رشد، به منظور ایجاد انگیزه‌ی مطالعه.
- توزیع رایگان مجلات رشد در حوزه‌ی معاونت آموزش و نوآوری.



The background features a large, stylized letter 'Y' shape. The left and right arms of the 'Y' are solid black, while the central stem is filled with a light gray, intricate floral and geometric pattern. The overall design is modern and artistic.

کتاب نامه های رشد

## کتاب‌نامه‌ی رشد چیست؟

«کتاب‌نامه‌ی رشد» فهرستی سالانه از مناسب‌ترین کتاب‌های آموزشی مرتبط و متناسب با برنامه‌ی درسی در دوره‌ها و حوزه‌های گوناگون است. وقتی نام و مشخصات کتابی به کتاب‌نامه‌ی رشد راه می‌یابد، بدین معنی است که کتاب مذکور از حداقل ویژگی‌های یک کتاب آموزشی برخوردار است و مدیران، معلمان مدارس یا خانواده‌ها با خیال راحت می‌توانند آن را برای دانش‌آموزان خود تهیه کنند.

## کتاب‌های مناسب چگونه انتخاب می‌شوند؟

هر کتابی که به دبیرخانه‌ی «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» می‌رسد، بسته به موضوع و مخاطبی که کتاب برای آن تولید شده است، در اختیار حداقل دو کارشناس گذاشته می‌شود. یکی از کارشناسان لازم است با برنامه‌ی درسی مربوط به موضوع و دوره‌ی تحصیلی و حتی پایه‌ی آشنایی کامل داشته باشد و کارشناس دیگر باید از تجربه‌ی کافی معلمی در کلاس درس برخوردار باشد.

در انتخاب هر کتاب، گذشته از ارتباط کامل آن با برنامه‌ی درسی، چگونگی طرح مباحث و سامان‌دهی محتوا به ویژه میزان بهره‌مندی از شیوه‌های فعال خودیادگیری، تازگی، تنوع و در عین حال درستی مطالب، شیوه‌ی نگارش و ادبیات به کار رفته در کتاب با توجه به سطح سنی مخاطب و حتی کیفیت شکل‌ها و تصاویر به کار گرفته شده و میزان جذابیت آن‌ها در کتاب تعیین‌کننده‌اند.

بر این اساس، اگر کتابی در گروه کتاب‌های غیرآموزشی قرار داشته باشد (مانند داستان و شعر غیرآموزشی)، یا با هیچ‌یک از موضوعات درسی مرتبط نباشد، خودبه‌خود از چرخه‌ی بررسی کنار گذاشته می‌شوند.

# کتاب‌نامه‌ی رشد

مرجعی مطمئن برای تهیه‌ی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه‌ی درسی

بهروز رضایی

## تاریخچه

در سال ۱۳۷۹، «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» وزارت آموزش و پرورش، برای سامان دادن به وضعیت آشفته‌ی کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی کشور، اجرای طرحی را به نام «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» آغاز کرد. این دفتر امیدوار بود، با گزینش کتاب‌های آموزشی مناسب و معرفی آن‌ها، به تدریج عرصه بر کتاب‌های سطحی و مبتذل تنگ شود و بازار کتاب‌های آموزشی به سمت کتاب‌های کیفی‌تر و سودمندتر در فرایند یادگیری و یاددهی سوق یابد.

انتشار تنها فهرست موجود کتاب‌های مناسب آموزشی کشور، از سال ۱۳۸۰ آغاز و تا کنون ۲۹ شماره از آن منتشر شده است. تا پایان سال ۱۳۸۸ نیز پنج شماره‌ی دیگر از آن منتشر خواهد شد. این کتاب‌نامه‌ها، در چهار گروه دوره‌ی ابتدایی، دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ی متوسطه‌ی نظری و

دوره‌ی متوسطه‌ی فنی و حرفه‌ای و کاردانش منتشر شده‌اند. اگر خدا بخواهد، به زودی کتاب‌نامه‌هایی نیز برای دوره‌ی پیش‌دبستان و آموزش‌وپرورش استثنایی منتشر خواهد شد.

### چه اطلاعاتی در کتاب‌نامه آمده است؟

در این کتاب‌نامه‌ها، ذیل هر عنوان، چکیده‌ای از محتوای کتاب و مشخصات کامل آن شامل نام مؤلف، نام مترجم، ناشر، سال و محل نشر، تعداد صفحات، قطع، موضوع، دوره و پایه‌ی درسی مرتبط و کلمات کلیدی وجود دارد. در پایان هر کتاب‌نامه نیز نمایه‌های متعددی برای خواننده فراهم آمده است که یافتن کتاب‌ها را براساس عنوان کتاب، نام ناشر، پایه‌ی تحصیلی مناسب، کتاب درسی مرتبط با آن و پدیدآورندگان آثار ممکن و میسر می‌کند. حتی برای دستیابی آسان‌تر به ناشران کتاب‌های مناسب، نشانی ناشران نیز در انتهای هر کتاب‌نامه گنجانده شده است.

### چگونه از کتاب‌نامه‌ها استفاده کنیم؟

این کتاب‌نامه‌ها نه تنها مرجعی مطمئن و مفید برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها هستند و آن‌ها را در انتخاب کتاب‌های مناسب یاری می‌رسانند، برای معلمان و مدیران مدارس نیز سودمندند و می‌توانند به آن‌ها در انتخاب کتاب‌های مناسب برای کار در کلاس یا تجهیز کتاب‌خانه‌های آموزشی یاری رسانند. آن‌ها آسوده‌خاطرند که پیش از این، مدارس است - یاری رسانند. آن‌ها آسوده‌خاطرند که پیش از این، داورانی به دقت کتاب‌ها را دیده‌اند و آن‌ها را از این حیث که متناسب با اهداف برنامه‌ی درسی‌اند و در عین حال از حداقل‌های یک کتاب آموزشی برخوردارند، به دیده‌ی تأیید نگرسته‌اند.

### کتاب‌نامه‌های رشد را چگونه تهیه کنیم؟

کتاب‌نامه‌ها تا پایان نیمه‌ی اول هر سال منتشر می‌شوند و در





آغاز سال تحصیلی، همراه با نخستین شماره‌ی مجلات رشد، به مدارس سراسر کشور فرستاده می‌شوند.

بدیهی است مدیران و معلمان علاقه‌مند می‌توانند با ایجاد هماهنگی‌های لازم، با نمایندگان محترم مجلات رشد در هر منطقه یا استان، نسبت به دریافت کتاب‌نامه‌ها مبادرت ورزند.

ناگفته نماند که نسخه‌ای از کتاب‌نامه‌ها، به کتاب‌خانه‌های سراسر کشور نیز فرستاده می‌شود تا دانش‌آموزان و خانواده‌های علاقه‌مند به این فهرست دسترسی داشته باشند.

### وبگاه سامان کتاب راهی دیگر برای تهیه‌ی کتاب‌نامه‌ها

مشخصات کتاب‌های آموزشی، علاوه بر کتاب‌نامه‌های مذکور، در وبگاه طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی، به‌طور همیشگی در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. این وبگاه با فراهم آوردن امکان جست‌وجو، کتاب‌های مناسب را براساس موضوع، دوره و پایه‌ی تحصیلی و مشخصات دیگری مانند نام مؤلف، نام مترجم، ناشر، سال انتشار و محل نشر در اختیار کاربران قرار می‌دهد.

ضمناً نسخه‌های تازه‌تر کتاب‌نامه‌ها، در قالب پی‌دی‌اف از همین وبگاه، به آسانی قابل دریافت است. برای دسترسی به وبگاه سامان کتاب، به این نشانی مراجعه فرمایید:

<http://samanketab.roshdmag.ir>

هرگونه پیشنهاد یا انتقاد خود را در موضوع کتاب‌نامه‌ی رشد یا انتخاب کتاب‌های مناسب آموزشی با دبیرخانه‌ی این طرح در میان بگذارید. ما از هر نظری استقبال می‌کنیم.

نشانی دبیرخانه‌ی طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی رشد:

تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، شماره‌ی ۲۶۶.

طبقه‌ی پنجم

تلفن: ۰۷۱-۸۸۳۰۶

### جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، طی ده سال گذشته، هفت دوره جشنواره برای بررسی و انتخاب کتاب‌های آموزشی برتر برگزار کرده است. کتاب‌های مذکور، از بین همین کتاب‌های مناسبی برگزیده می‌شوند که در کتاب‌نامه‌های رشد معرفی شده‌اند. هم‌چنین، هر ساله بخشی از عناوین کتاب‌های مناسب، در پایان کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان و معلمان هر پایه معرفی می‌شود.